

ترجمه‌ی فارسی

الأذكار من كلام

سيد الأبرار

تأليف:

الإمام الحافظ شيخ الإسلام محي الدين

أبي زكريا يحيى بن شرف النووي الدمشقي الشافعي

ترجمه و شرح:

شيخ محمد علي خالدي

(سلطان العلماء)

عنوان کتاب:	ترجمه‌ی فارسی الأذکار من کلام سید الأبرار
عنوان اصلی:	الأذکار من کلام سید الأبرار
نویسنده:	ابی زکریا یحیی بن شرف نووی دمشقی شافعی
ترجمه و شرح:	شیخ محمد علی خالدی (سلطان العلماء)
موضوع:	دعا، ذکر و مناجاتنامه
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	اردیبهشت (ثور) ۱۳۹۵ شمسی، رجب ۱۴۳۷ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ
مقدمه	١
در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه‌ی اقوال و اعمال پیدا و ناپیدا	٣
بابی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون این که مقید به وقت معین باشد	٩
بابی است در بیان زکری که موقع بیدارشدن از خواب می‌گوید	١٩
بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می‌گوید	٢٠
بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آنها می‌گوید	٢١
بابی است در بیان آنچه به دوستش می‌گوید، وقتی که دید لباس نوی پوشیده است	٢٢
بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون آوردن آنها	٢٣
بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می‌گوید	٢٤
بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می‌گوید	٢٤
بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه اش می‌شود، می‌گوید	٢٥

- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود..... ۲۷
- بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مستراح می‌گوید..... ۳۱
- بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن گفتن به هنگام قضای حاجت.. ۳۱
- بابی است در بیان نهی از سلام کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است..... ۳۲
- بابی است در بیان آنچه موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می‌گوید ۳۳
- بابی است در بیان آنچه در حال وضو می‌گوید..... ۳۳
- بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می‌گوید..... ۳۷
- بابی است در بیان آنچه به وقت تیممش می‌گوید..... ۳۷
- بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می‌گوید..... ۳۸
- بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از آن می‌گوید..... ۳۹
- بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گوید..... ۴۰
- بابی است در بیان انکار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده اش می‌گردد یا خرید و فروش می‌کند..... ۴۱
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد شعری می‌خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست..... ۴۲
- بابی است در بیان فضیلت اذان..... ۴۳
- بابی است در بیان چگونگی اذان..... ۴۴

- بابی است در بیان آنچه که شنونده‌ی اذان و اقامه می‌گوید ۴۶
- بابی است در بیان این که دعا بین اذان و اقامه مستجاب می‌شود..... ۴۹
- بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبله‌ی صبح می‌گوید ۵۰
- بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید..... ۵۰
- بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می‌گوید ۵۱
- بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته می‌شود..... ۵۲
- بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید ۵۲
- بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم ۵۳
- بابی است در بیان آنچه بعد از تکبیرة الإحرام می‌گوید ۵۴
- بابی است در بیان أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بعد از دعای
استفتاح ۵۷
- بابی است در بیان خواندن سوره‌ی فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله من
الشیطان الرجیم ۵۸
- بابی است در بیان اذکار رکوع ۶۳
- بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از رکوع و در حال اعتدال
می‌گوید ۶۵
- بابی است در بیان اذکار سجود ۶۷
- بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در
نشستن میان دو سجود می‌گوید ۷۰
- بابی است در بیان اذکار رکعت دوم ۷۱

- بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح..... ۷۱
- بابی است در بیان تشهد در نماز ۷۷
- بابی است در بیان درود فرستادن بر رسول الله ﷺ بعد از تشهد اخیر ۷۹
- بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد آخیر ۸۰
- بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز..... ۸۲
- بابی است در بیان آنچه شخص می گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با او سخن می گوید ۸۳
- بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می شود ۸۴
- بابی است در باره ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح ۹۰
- بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته می شوند ۹۲
- بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می شود ۱۰۹
- بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می گوید ۱۱۰
- بابی است در بیان آنچه که وقت بالآمدن آفتاب می گوید ۱۱۱
- بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می گوید ۱۱۱
- بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می گوید..... ۱۱۲
- بابی است در بیان آنچه می گوید، موقعی که اذان مغرب را می شنود ۱۱۴
- بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می گوید ۱۱۴
- بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می خواند و آنچه بعد از نماز وتر می گوید ۱۱۵

- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر
بسترش دراز کشید..... ۱۱۷
- بابی است در بیان کراهیت خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال ۱۳۰
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب بیدار شد و خواست بعد از
آن بخوابد..... ۱۳۱
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به
خواب نرفت ۱۳۴
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب می‌ترسد..... ۱۳۵
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست
می‌دارد یا دید آنچه را که دوست نمی‌دارد ۱۳۶
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که دیگری خواب خود را برای او
حکایت نمود ۱۳۷
- بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی دوم هر شب
..... ۱۳۸
- بابی است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید
این که با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود ۱۳۹
- بابی است در بیان نام‌های نیک خدا ۱۳۹
- کتابی است در بیان تلاوت قرآن ۱۴۱
- کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن ۱۵۵
- کتابی است در بیان صلوات و سلام‌فرستادن بر رسول الله ﷺ ۱۵۹

- بابی است در بیان این که هرکسی که نام پیغمبر ﷺ نزد او برده شد امر شده به او که صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ بفرستد ۱۶۱
- بابی است در بیان چگونگی درودفرستادن بر رسول الله ﷺ ۱۶۲
- بابی است در بیان این که آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر پیامبر ﷺ بگشاید ۱۶۳
- بابی است در بیان درودفرستادن بر پیغمبران و بر آلشان به تبعیت از ایشان درود و سلام خدا برایشان باد ۱۶۴
- کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی ۱۶۷
- بابی است در بیان دعای استخاره ۱۶۷
- باب‌های در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می‌شود... ۱۶۹
- بابی است در بیان دعا به هنگام‌اندوه و کارهای مهم ۱۶۹
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده باشد یا دچار ناراحتی شده باشد ۱۷۲
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و اندوهی رسید ۱۷۳
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد ۱۷۴
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از گروهی بترسد ۱۷۵
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از سلطان یا حاکم بترسد ۱۷۵
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که نظر به دشمن نمود ۱۷۶

-
-
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که شیطان متعرض او شد یا از شیطان ترسید ۱۷۷
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که کاری بر او چیره شد ۱۷۹
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که کاری بر او دشوار شد ۱۸۰
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که زندگی بر او دشوار شد ۱۸۰
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید برای دفع آفات و بلاها ۱۸۱
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که مصیبتی اندک یا بسیار به او برسد ۱۸۲
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که بدهی دارد و از پرداخت آن ناتوان مانده است ۱۸۳
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که دچار وحشت‌زدگی شد ۱۸۳
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که مبتلا به وسواس شد ۱۸۴
- بابی است در بیان آنچه خوانده می‌شود بر دیوانه و بر گزیده شده ۱۸۶
- بابی است در بیان تعویذی که بر کودکان و غیر از آنان خوانده می‌شود... ۱۹۱

مقدمه

الحمد لله الواحد القهَّار، العزيز الغفَّار، مُقَدِّر الأقدار، مُصَرِّف الأمور مكور الليل على النهار، تبصرة لأولى القلوب والأبصار، الذي أيقظ من خلقه من اصطفاه فأدخله في جملة الأخيار. ووفق من اجتبه من عبده فجعله من المقربين الأبرار، وبصر من أحبه فزهدهم في هذه الدار، فاجتهدوا في مرضاته والتأهب لدار القرار واجتناب ما يسخطه والحذر من عذاب النار، وأخذوا أنفسهم بالجد في طاعته وملازمة ذكره بالعشى والأبكار وعند تغير الأحوال وجميع آناء الليل والنهار، فاستنارت قلوبهم بلوا مع الأنوار. أحمده أبلغ الحمد على جميع نعمه وأسأله المزيد من فضله وكرمه، وأشهد أن لا إله إلا الله العظيم، الواحد الصمد العزيز الحكيم، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، وصفيه وحببيه وخليله، أفضل المخلوقين، وأكرم السابقين واللاحقين، صلوات الله وسلامه عليه وعلى سائر النبيين وآل كل وسائر الصالحين.

اما بعد: كتاب «الأذكار من كلام سيد الأبرار» از بهترین تألیفات الإمام العالم العلامة سید الحفاظ فی عصره والجامع بین المنقول والمعقول فی دهره، نسیج وحده وفريد عصره، أبی زکریاء یحیی بن شرف النووی تغمده الله برحمته وأسكنه الفردوس الأعلى من جنته، می باشد، روى این اصل باندکی تلخیص به ترجمه و شرح این کتاب برخاستم تا برای مبتدئین امثال خودم نافع و سودمند باشد، و این کتاب را به سه قسمت تقسیم نمودم تا هر قسمتی جداگانه چاپ شود، و در اجتناب تطویل و ملازمت اختصار مایهی پسند دانش پژوهان قرار گیرد. کتابی که از قدیم در بارهی آن گفته شده: «بِع الدارَ واشترَّ الأذکار» «خانه را بفروش و اذکار را بخر».

معلوم است که تا چه حد مقبول نظر علما و صلحا می باشد، و ما با این شرح مختصر و مفید در جملهی خادمان این کتاب قرار گرفتیم، امید ما به دریای رحمت پروردگار این است که کتاب و شرح آن را مقبول خاص و عام قرار بدهد و نفعش به عموم برساند. «إِنَّهُ سَمِيعٌ مَجِيبٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَا وَآخِرًا وَصَلَّى اللهُ وَسَلَّمَ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَأَتْبَاعِهِ دَائِمًا سَرْمَدًا».

فصل

في الأمر بالإخلاص وحسن النيات في جميع الأعمال الظاهرات والخفيات

در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه ی اقوال و

اعمال پیدا و ناپیدا

قال الله تعالى:

﴿وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [البينة: ٥].

«و فرمان نیافتند جز آن که خدا را در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین‌ورزی به دین ابراهیمی) بپرستند».

وقال تعالى:

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾ [الحج: ٣٧].

«نمی‌رسد به خدای متعال گوشت‌های قربانی و نه خون‌های آنها و لیکن به خدا می‌رسد پرهیزگاری و خیراندیشی شما».

«قال رسول الله ﷺ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَىٰ، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَىٰ مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ». [مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ]. «صحت کارها به حسب نیت آنهاست و به هرکس داده می‌شود از ثواب به حسب نیت او. پس هرکس هجرت او برای خدا و فرستاده‌ی او باشد، پس هجرت او برای خدا و فرستاده‌ی اوست، و کسی که هجرتش برای دنیا یا برای زنی است که با او ازدواج می‌کند، پس هجرتش برای چیزی است که برای آن هجرت کرده است».

از این رو هرکاری که می‌خواهی انجام بدهی باید به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق خدا انجام دهی تا کارت مقبول و ثواب آن برایت محفوظ باشد.

صالحان گفته‌اند: هر شخص به قدر نیتش نگه‌داری می‌شود و هر کس به حساب قصد و نیتش ثواب می‌یابد، و هرکاری که برای رضای مردم انجام داده شود آن شرک است، و هر کاری که به خاطر مردم ترک شود ریا است، و اخلاص عبادت از این است که خدا تو را از شرک و ریا نگه دارد و برای به دست آوردن رضای خدا موفق فرماید.

(فصل) شایسته برای هرکس آن است که هر وقت دانست که کاری دارای ثواب است به حسب توانایی خود انجام دهد و اگر چه در عمری یک بار باشد، اگر به او رسید که نماز تسبیح ثواب بسیار دارد آن را اقلأ در عمری یک بار انجام دهد، اگر شنید که عمره در رمضان ثواب حج همراه رسول الله ﷺ را دارد، اقلأ یک بار در عمر انجام دهد، اگر شنید از اهل علم که نماز ضحی و یا اوایین میان مغرب و عشا ثواب بسیار دارد، اقلأ یک بار انجام بدهد و اگر بتواند هیچ کدام را از دست ندهد.

(فصل) دانشمندان گفته‌اند که جایز و مستحب است که در فضایل اعمال به حدیث ضعیف عمل نموده تا وقتی که حدیث موضوع نباشد، اما در احکام مثل حلال و حرام عمل کردن جز به حدیث صحیح و یا حسن درست نیست، مگر این که از باب احتیاط باشد، چنانکه اگر حدیثی وارد باشد بر مکروه بودن بعضی از انواع بیع یا بعضی از انواع نکاح که در این صورت مستحب است آن نوع بیع و نکاح را ترک نمود.

(فصل) ذکر و یاد خدا ممکن است به دل یا به زبان باشد، و بهتر است که یاد خدا به دل و زبان هر دو باشد، اگر بخواهد بر یکی از آن دو اکتفا نماید ذکری که به قلب باشد از ذکری که به زبان باشد و دل با آن نباشد بهتر است. و هیچگاه نباید ذکر به قلب و لسان را باهم به خاطر این که ممکن است گمان ریا به او ببرند از دست بدهد، برای این که اگر کسی این راه را بر خود بگشاید که هر چه گمان ریا در آن برود از دست بدهد خیر عظیم را از دست می‌دهد، و هیچ‌گاه طریق صالحان چنین نیست.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که رسول الله ﷺ فرمود که آیهی: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتْ بِهَا﴾ [الإسراء: ۱۱۰]. در باره‌ی دعا نازل شده است که دعای خود را نه زیاد بلند بگو و نه زیاد آهسته، بلکه حد وسط را نگه دار.

(فصل) بدان که ذکر و یاد خدا منحصر در تسبیح و تحلیل و تحمید و تکبیر نیست، بلکه هر عملی است که به آن رضای خدا به دست می‌آید، واعظی که وعظ می‌گوید ذکر خدا و یاد خدا حساب می‌شود، جاهایی که انسان در آن جاها احکام حلال و حرام را می‌آموزد که چگونه بیع را انجام دهد و چگونه نماز بخواند و چگونه روزه برود و چگونه

نکاح نماید و چگونه طلاق بدهد و چگونه حج برود که صحیح باشند؟ این جاها محل ذکر و یاد خدا است. طالب علم که درس خود را تکرار می کند تا در راه علم نافع پیش برود، استادی که درس می دهد تا شاگردانش از علم سودمند بهره مند شوند، کاسبی که کار حلال انجام می دهد تا نفقه ی زن و فرزند از حلال بدهد، پاسبانی که شب بیدار می ماند تا جان و مال مردم را از دستبرد جنایتکاران حفظ کند، سربازی که در مرز کشور می نشیند تا کشور را از تعدی دشمن نگه دارد، مادری که خواب راحت را از چشم خود دور می نماید تا کودکش آسوده بخوابد، همه ی اینها وقتی که به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق باشد همه طاعت و یاد خدا است. و این که گفته شده عبادت به جز خدمت خلق نیست، به همین معناست که خدمت به خلق به قصد به دست آوردن رضای خدا در حکم یاد کردن خدا و طاعت اوست.

(فصل) قال الله تعالی:

﴿وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۳۵].

«و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می کنند، خدا آماده فرمود برایشان آمرزش و ثواب بس بزرگ».

«قال رسول الله ﷺ: سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ، قَالُوا وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتُ». رواه مسلم عن أبي هريرة رضي الله عنه. «رسول الله ﷺ فرمود: مُفْرَدُونَ سبقت گرفتند، گفتند: مفردون چه کسانی هستند یا رسول الله! فرمود: مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند».

ابن عباس فرمود: مقصود از این آیه کسانی هستند که بعد از نمازهای فرض و بامدادان و شامگاهان یاد خدا می کنند. عطاء گفت: کسی که نمازهای فرض پنجگانه را با حقوق آنها به جا آورد در این آیه داخل است، یعنی جزو بسیار یادکنندگان خدا است. ابن الصلاح گفت: کسی که اذکار ثابت را در صبح و شام و در حالات مختلف از شب و روز به جا آورد از بسیار یاد خداکنندگان شمرده می شود.

الحاصل: مسلمان باید وقتی که از خواب بیدار می شود و وقتی که به بستر خواب می رود و وقتی که از خانه بیرون می رود و وقتی که به خانه می آید و بعد از نمازها و هنگام خوراک خوردن و آب آشامیدن و لباس پوشیدن نام خدا و یاد خدا بر دل و زبان

او باشد تا دل و زبان او به یاد خدا عادت کند و از یاد خدا و سپاس او و شکر نعمت‌های او غفلت نرزد. کلمه‌ی توحید: «لا إله إلا الله» بهترین کلمه‌ای است که باید همیشه بر دل و زبان باشد.

(فصل) علما اتفاق دارند که یاد خدا کردن به دل و زبان جایز است برای کسانی که بی‌وضو و یا جنب و یا حائض و یا نساء هستند، اینان می‌توانند تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر را به زبان بگویند و به دل بیاورند. اما قراءت قرآن برایشان روا نیست و اگرچه قراءت بخشی از یک آیه باشد، و درست است برایشان بر دل جاری کردن قرآن، بدون این که به زبان بیاورند، و درست است برایشان نظر در قرآن و جاری کردن آن بر دل بدون این که به زبان بیاورند، و درست است برایشان گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» موقع غذا خوردن و آب‌آشامیدن و موقع دخول و خروج خانه، و گفتن «إنا لله ونا إليه راجعون» در وقت مصیبت و گفتن ﴿سُبْحٰنَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقْرِنِیْنَ﴾ [الزخرف: ۱۳]. وقتی که در کشتی، ماشین و هواپیما و یا بر حیوان سواری می‌نشیند. و اگر جنب باشد و آب نیابد و تیمم نماید به جای غسل، می‌تواند با این تیمم نماز بخواند و قرآن بخواند، و اگر جنب نه آب بیابد برای غسل و نه خاک بیابد برای تیمم، او در وقت مشخص نماز فرض را بخواند برای حرمت وقت و فاتحه را نیز در آن بخواند، والله سبحانه وتعالى أعلم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) شایسته است برای کسی که خدا را یاد می‌کند و اذکار وارده را می‌خواند این که در بهترین حالت باشد از لباس پاک و جای پاک و باوضو باشد؛ و اگر نشسته است رو به قبله بنشیند، اگر این حالت را رعایت نکند یاد خدا کردنش درست است، اما بهترین حالت را از دست داده است، و دلیل آن آیه‌ی ۱۹۱ سوره‌ی آل عمران است: ﴿الَّذِیْنَ یَذْکُرُوْنَ اللّٰهَ قِیَمًا وَقُعُوْدًا وَعَلٰی جُنُوْبِهِمْ﴾ [آل عمران: ۱۹۱]. «مردمی که خدا را یاد می‌کنند ایستاده و نشسته و به پهلو خود خوابیده».

در حدیث صحیح آمده: «کان صَلَّى یَذْکُرُ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ اَحْیَانِهٖ». «رسول الله صَلَّى خدا را یاد می‌فرمود در همه‌ی حالاتش»، در راه رفتن و نشسته و ایستاده و به پهلو افتاده و باوضو و بی‌وضو و در حال جنابت. یاد خدا در همه احوال جایز است، والله سبحانه وتعالى أعلم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) بدان که یاد خدا کردن در همه‌ی حالات انسان خوب و پسندیده است، مگر در حالاتی که شرع یاد خدا کردن را در آن حالات منع نموده است. بنابراین، ذکر در حال نشستن برای قضای حاجت و در حال جماع و در وقتی که باید گوش به سخن خطیب بدهد و در قیام نماز که محل قراءت فاتحه و سوره است، و در حال چرت‌زدن و غلبه‌ی خواب که در این احوال یاد خدا کردن مکروه است، اما در کوچه و خیابان موقع راه رفتن و در حمام یاد خدا کردن مکروه نیست، والله سبحانه وتعالی أعلم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) مقصود از ذکر و یاد خدا کردن حضور قلب است. بنابراین، باید ذکرکننده در حال حضور قلب باشد و بکوشد که در حال ذکر خدا دل او حاضر باشد و عظمت خدا را به خاطر داشته باشد، و بداند که این توفیق بزرگی است که او توانسته است از یاد خدا دل خود را به نور ایمان روشن نماید، و آنچه به زبان می‌آورد معنی آن را بداند و مثلاً کلمه‌ی «لا إله إلا الله» مد آن را به جا آورد که در این مدفهم معنای آن به دست می‌آید.

(فصل) شایسته این است کسی که وردی از ذکر دارد بر آن مداومت نماید، و اگر وقتی از او فوت شد آن را تدارک ببیند تا عادت به ترک ذکر ننماید، چنانکه در حدیث صحیح مسلم است به روایت عمر بن الخطاب رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ». «کسی که عادت داشت حزبی از قرآن را در شب بخواند یا قسمتی از حزب، و به خواب رفت و آن حزب را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند، ثواب آن برایش نوشته می‌شود چنانکه گویا در شب خوانده است».

(فصل) در بیان حالاتی که بر خواننده‌ی ورد عارض می‌شود که مستحب است ترک ذکر نماید و آن حالت که رفع شد به‌سوی ذکر خود برگردد، چنانکه اگر کسی در حضور او عطسه کرد قراءت خود را قطع کند و به او بگوید: «یرحمک الله» و برگردد به‌سوی قراءت خود، و همچنین کسی که سلام نمود بر او جواب سلام بگوید و برگردد به‌سوی قراءت خود، و همچنین اگر اذان شنید جواب مؤذن را بگوید به کلمات اذان، و اگر اقامه شنید کلمات اقامه را بگوید و بعد از جواب مؤذن برگردد به‌سوی قراءت خود، و

اگر منکری دید منع نماید، و اگر کسی سؤالی دارد ارشاد او نماید و سپس برگردد به سوی قرائت خویش، و اگر چرت و خواب آمد بخوابد و بعد برگردد به قرائت خود.

(فصل) بدان که هر ذکر مشروع و هر قرائتی در نماز و یا غیر آن واجب باشد یا سنت، اعتباری ندارد مگر وقتی که به زبان آورد و خودش آن را بشنود وقتی که شنوایی اش سالم باشد.

(فصل) بدان که در اوراد و اذکاری که در شب و روز گفته می‌شود، دانشمندان ما کتاب‌های گرانبهایی تصنیف فرموده‌اند که یکی از بهترین آنها کتاب: «عمل الیوم واللیلة» تألیف امام احمد بن محمد بن اسحاق السنی است، و بهتر از آن کتاب: «أذکار» تألیف امام نووی است که آن را از کتاب‌های معتمد مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و موطاء امام مالک و سنن ترمذی و ابوداود و نسایی و مسند امام احمد و ابی عوانة و سنن ابن ماجه و دارقطنی و بیهقی و غیر از آنها نقل نموده و همه‌ی آنها به اسناد خود تا مؤلفین آنها روایت دارد، و کتاب «أذکار» در خوبی ضرب المثل است تا جایی که گفته‌اند: «بِعُ الدارِ وَأَشْرُ الأذکار». «خانه را بفروش و کتاب اذکار امام نووی را بخر». کتاب اذکار امام نووی از بهترین کتاب‌های تألیف شده در این زمینه است، و از بهترین کتاب‌های امام نووی. و این کتاب مختصر الاذکار که به تألیف آن مبادرت نمودم همه‌ی مطالب آن از کتاب اذکار گرفته شده و به زبان فارسی ترجمه شده است، والله سبحانه وتعالی أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) بدان که در این مختصر آنچه آورده می‌شود همه از اذکار امام نووی رحمته گرفته شده است.

«باب مختصر فی أحرف مما جاء فی فضل الذکر غیر مقید بوقت»

بابی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون این که مقید به وقت معین باشد

قال الله تعالى: ﴿فَادْكُرُونِي أَذْكَرْكُمْ﴾ [البقرة: ۱۵۲]. «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». چه نعمتی از این بالاتر که وقتی بنده خدا را یاد کند، خدا او را یاد کند، آیا نباید همیشه مؤمن خدا را یاد کند تا خدا او را یاد کند. کسی که خدا او را یاد کند به بهترین نعمت‌ها رسیده است، برای این که خدا یاد بنده‌ای می‌نماید که او را دوست می‌دارد.

«قال رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». «بهترین یاد خدا در گفتن لا إله إلا الله می‌باشد: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا». - الله سبحانه وتعالى - رواه الترمذی وابن ماجه.

«قال رسول الله ﷺ: كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». رواه بخاری.

«دو کلمه هستند که گفتن‌شان بر زبان سبک است و وزن ثواب آن در ترازوی حسنات سنگین است، و این دو کلمه محبوب هستند نزد خدای بسیار بخشاینده‌ی بسیار مهربان: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». یعنی: پاک و منزّه است خداوند و به ستایش او مشغولم. پاک و منزّه است خداوند بزرگ».

و در صحیح مسلم به روایت از ابودر ﷺ آمده که گفت: رسول الله ﷺ به من فرمود:

«أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ إِنَّ أَحَبَّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ». و در روایتی: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَيُّ الْكَلَامِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: مَا اصْطَفَى اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ أَوْ لِعِبَادِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ». «رسول الله ﷺ به ابودر فرمود: آیا تو را باخبر نکنم از محبوب‌ترین سخن نزد خدای تعالی؟ محبوب‌ترین سخن نزد خدا: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» است، یعنی تسبیح و تنزیه خدا می‌گویم و به ستایش او مشغولم. خدا را از هر عیب

و نقصی مبرا می دانم و او را شایسته‌ی حمد و ثنا می دانم. و از رسول الله ﷺ سوال شد: بهترین سخن کدام است؟ فرمود: آن سخنی است که خدا برای فرشتگانش یا برای بندگانش برگزید. «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ».

و در صحیح مسلم از سمره بن جندب رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: «أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ أَرْبَعُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. لَا يَضُرُّكَ بَأَيِّهِنَّ بَدَأْتَ». «محبوب‌ترین سخن نزد خدای تعالی چهار کلمه است: سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر. زیانی برایت ندارد به هر کدام ابتدا نمایی». «سبحان الله»: خدا را پاک و منزّه می دانم از هر عیب و نقصی. «والحمد لله»: ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست. «ولا إله إلا الله»: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا. «والله أكبر»: خدا بزرگ‌تر است. هرکس و هرچه به خاطرت آید، خدا از او بزرگ‌تر است، یعنی در برابر بزرگی و عظمت خدا همه‌ی کاینات خرد و حقیر هستند.

و در صحیح مسلم از ابومالک اشعری رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: «الظُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ. وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأَانِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ».

و در صحیح مسلم است که رسول الله ﷺ به جویریّه همسر گرامی‌اش که هسته‌ی خرما جمع کرده بود و با آنها تسبیح و تهلیل را می‌شمرد، فرمود: از وقتی که من از نزد تو رفته‌ام تا حال که آمده‌ام همین کار شمردن تعداد تسبیح و تهلیل به هسته‌ی خرما را انجام داده‌ای؟ جویریّه گفت: آری، رسول الله ﷺ فرمود: من وقتی که از این جا رفتم چهار کلمه گفته‌ام که اگر با گفته‌ی تو مقایسه شود، از گفته‌های تو برتر آید. آن چهار کلمه عبارتند از سه بار: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَرِزْقَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ». «سبحان الله و بحمده به شماره‌ی مخلوقات خدا، برابر رضای او، و هموزن عرش او و به اندازه‌ی مرکب معلومات خدا».

تسبیح و تحمیدی که از زبان رسول الله ﷺ باشد و با این اوصاف هیچ تسبیح و تحمید دیگری با آن برابر نخواهد شد، و باید به همین کلمات باشد تا ثواب عظیم آن فراهم آید.

و در صحیح مسلم به روایت ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَأَنْ أَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ». «آنکه بگویم: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر، محبوبتر است نزد من از همه‌ی آنچه آفتاب بر آنها طلوع کرده است». یعنی این چهار جمله گفتن از دنیا و ما فيها بهتر است، برای این که دنیا فانی است و ثواب این جملات می ماند.

و در صحیح بخاری و مسلم به روایت ابویوب انصاری رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که ده بار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ثواب آن مانند ثواب کسی است که چهار برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است به روایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در روز صد بار آن را بگوید ثواب آن برابر است با ثواب ده برده آزادکردن، و نوشته می شود برای او یکصد حسنه و محو می شود از او یکصد سیئه و در تمام آن روز نگه داشته می شود از شیطان تا شامگاهان، و در آن روز کسی بهتر از او گفتاری نیاورده است، مگر کسی که بیش از او آن را گفته باشد.

و فرمود: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ . فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ حُطَّتْ خَطَايَاهُ، وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در روز صد بار بگوید: سبحانه الله و بحمده، گناهان او محو می شود و اگرچه مانند کف دریا باشد». کف دریا: همان سفیدی است که روی موج دریا ظاهر می شود.

ترمذی و ابن ماجه از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده اند که جابر گفت: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». قال الترمذی: حدیث حسن. «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین ذکر و یاد خدا گفتن لا إله إلا الله است با عمل به مضمون آن».

امام بخاری رحمته الله از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت نمود و ابوموسی از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: «مِثْلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُ مِثْلَ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ». رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مثال کسی که یاد خدا می کند و کسی که یاد خدا نمی کند مثال زنده و مرده است». آن کسی که یاد خدا می کند زنده است، و آن کسی که یاد خدا

نمی‌کند در حکم مرده است. برای این که کسی که از یاد خدا در غفلت است از مردگان شمرده می‌شود.

در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص روایت می‌نماید که سعد رضی الله عنه گفت: اعرابی به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: سخنی به من بیاموز که من آن را بگویم. «قَالَ: قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، قَالَ فَهَوَّلَاءَ لِرَبِّي فَمَا لِي؟ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي». «رسول الله صلی الله علیه و آله به آن اعرابی فرمود: «بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ»: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا، الله که یکتا است، و هیچ شریکی ندارد. «وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا»: خدای یکتا بزرگتر است از آنچه در خاطر انسان آید. بزرگی و عظمت او را شایسته است. «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا»: و همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست، حمد و ستایش بسیار و بی‌شمار. «وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»: و پاک و منزّه است الله که پروردگار جهانیان است، هرچه هست پرورده‌ی نعمت‌های اوست. «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»: نه توانایی و قدرتی است برای پایداری بر طاعت خدا، و نه توان و قدرتی است برای دوری از گناه، مگر به کمک خدای یکتای پر عزت پر حکمت». وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله این کلمات را به اعرابی آموخت، اعرابی گفت: این‌ها همه برای پروردگار می‌باشد، پس برای خودم چیست؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو خدایا بیمارم مرا و مرا مورد رحمت قرار ده و مرا به راه راست برسان و مرا روزی ده».

و در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت شده که سعد گفت: ما خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بودیم، آنگاه فرمود: «آیا یکی از شما ناتوان است از این که هر روزی هزار حسنه به دست آورد؟» یکی از کسانی که خدمت پیغمبر بودند، پرسید: چگونه هزار حسنه را به دست می‌آورد؟ «یکصد بار سبحان الله می‌گوید و برای او هزار حسنه نوشته می‌شود یا این که هزار خطیئه از او محو می‌شود». لفظ حدیث: «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ أَيْعِزُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَكْسِبَ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ؟، فَسَأَلَهُ سَائِلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ كَيْفَ يَكْسِبُ أَحَدُنَا أَلْفَ حَسَنَةٍ؟ قَالَ: يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ فَيُكْتَبُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ أَوْ تُحْطُ عَنْهُ أَلْفَ خَطِيئَةٍ». قال الإمام الحافظ أبو عبد الله الحميدي: كذا

هو في كتاب مسلم في جميع الروايات: أَوْ مُحْطٌ، قال البرقاني: و رواه شعبة وابوعوانة ويحيى القطان عن موسى الذي رواه مسلم من جهته فقالوا: و مُحْطٌ، بغير ألف». یعنی به حسب روایت اینان: کسی که یکصد بار سبحان الله گفت، هزار حسنه برای او نوشته می‌شود و هزار خطیئه و گناه از او محو می‌شود.

و در صحیح مسلم از ابودر رضی الله عنه روایت نمود که ابودر گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سُلَامَى مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ قَالَ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَيُجْزَى مِنْ ذَلِكَ رَكَعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الصُّحَى». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بامداد هر روز بر هر عضوی از اعضای بدنتان صدقه‌ای است هر یک بار که سبحان الله می‌گوید برای او صدقه‌ای است، و هر باری که الحمد لله می‌گوید برای او صدقه‌ای است، و هر باری که لا إله إلا الله می‌گوید برای او صدقه‌ای است، و هر امر به معروفی که می‌کند صدقه‌ای است، و هر نهی از منکری که می‌کند صدقه‌ای است و جای همه‌ی اینها را می‌گیرد دو رکعت نماز سنت ضحی که آن را می‌خواند». اقل نماز ضحی دو رکعت است و اکمل آن هشت رکعت است و وقت آن بعد از گذشتن شانزده دقیقه از طلوع آفتاب است تا اذان ظهر، و بهترین وقت آن در ربع النهار است که چهار یک روز گذشته باشد، سلامی به معنی عضوی از اعضای بدن، جمع آن سلامیات است.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفت: «قال لي رسول الله صلی الله علیه و آله: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، فَقُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُلْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». «ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: «آیا تو را راهنمایی نکنم به گنجی از گنجینه‌های بهشت؟» گفتم: بله یا رسول الله، فرمود: «کلمه‌ی لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مثل گنجی است از گنجینه‌های بهشت». «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، یعنی: نه توانایی دارم بر پایداری بر طاعت خدا و نه می‌توانم دوری از نافرمانی خدا، مگر به کمک خدای یکتا که هر طاعتی انجام بدهم از مددکاری اوست، و هر معصیتی را ترک نمایم از نگه‌داری اوست. اعتماد بر خدا در توفیق بر طاعت و در نگه‌داری از معصیت مانند گنجی از گنجینه‌های بهشتی است که به انسان داده شده باشد.

و در سنن ابوداود و ترمذی آمده است که سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گفت که همراه رسول الله صلی الله علیه و آله نزد زنی رفتیم که جلو او هسته‌های خرما و سنگریزه بود و گفتن سبحان الله را با آنها می‌شمرد، رسول الله صلی الله علیه و آله به آن زن فرمود:

«أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا أَوْ أَفْضَلُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ». «آیا تو را خبر ندهم به چیزی که بر تو آسانتر باشد از آن یا هم آسانتر و هم فضل آن بیشتر باشد؟ آنگاه فرمود: سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آنها را در آسمان آفرید و سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آنها را در زمین آفرید و سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آنها را میان آسمان و زمین آفرید و سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آنها را می‌آفریند و الله اکبر مانند آنها، یعنی به شماره‌ی آنها «وَاللَّهُ أَكْبَرُ» مانند آنها «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» به همان اندازه «وَاللَّهُ أَكْبَرُ» مانند آنها، یعنی به همان شماره «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» به همان شماره». ترمذی بعد از روایت این حدیث گفته است: حدیث حسن.

و نووی رحمته الله در کتاب اذکار فرمود: ما روایت داریم در سنن ابوداود و ترمذی به اسناد حسن از یسیره رحمته الله که زنی از صحابه و از مهاجران است که رسول الله صلی الله علیه و آله به زنان دستور داد که «أَنْ يُرَاعِينَ بِالْكَبِيرِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّهْلِيلِ وَأَنْ يَعْقِدْنَ بِالْأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ». «رسول الله صلی الله علیه و آله به زنان امر فرمود که در موقع تکبیر و تقدیس و تهلیل، یعنی موقع گفتن الله اکبر و موقع گفتن سبحان الله و موقع گفتن لا إله إلا الله، دل خود را حاضر کنند و به انگشتان خود آن را بشمارند، برای این که انگشتان در روز قیامت پرسیده می‌شوند و به سخن می‌آیند».

و در اذکار فرموده که روایت داریم از سنن ابی داود و ترمذی و سنن نسائی به اسناد حسن از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که گفت: دیدم رسول الله صلی الله علیه و آله را که موقع گفتن سبحان الله به انگشتان خود آنها را می‌شمرد، و در روایتی به انگشتان دست راست خود آنها را می‌شمرد.

و در اذکار فرمود: روایت داریم در سنن ابوداود از ابوسعید خدری رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ قَالَ رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَجَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ». «کسی که گفت: راضی و خشنودم به خدای یکتا، (الله) در پروردگاریش و راضی هستم به اسلام در دینداری و راضی و خشنودم به حضرت محمد صلی الله علیه و آله در پیغمبریش، یعنی کسی که به دل و زبان به پروردگاری خدا و دینداری اسلام و رسالت خاتم انبیا راضی باشد و از ایشان پیروی و اطاعت نماید، بهشت برای او ثابت است».

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن بُسر رضی الله عنه که مردی به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت که شرایع اسلام بر من بسیار شد، یعنی احکام در اسلام بسیار است و من از عهده‌ی همه‌ی آنها بر نمی‌آیم، مرا خبر ده به کاری که به آن تمسک بجویم. فرمود: «لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى». «همیشه زبانت به یاد خدا تر باشد». یعنی همیشه خدا را یاد کن، زیرا وقتی زبانت همیشه به یاد خدا مشغول شد، غیبت و خبرچینی و دروغ و زشت‌گفتاری از تو سر نمی‌زند و یاد خدا به صورت همیشگی زبانت را از بدی باز می‌دارد و عملت را از زشتی نگه می‌دارد.

نووی فرمود: و در سنن ترمذی روایت داریم از ابوسعید خدری رضی الله عنه که از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیده شد: چه عبادتی درجه اش در روز قیامت نزد خدای متعال بالاتر است؟ «قَالَ: الدَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا». قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمِنَ الْعَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ? قَالَ: لَوْ صَرَبَ بِسَيْفِهِ فِي الْكُفَّارِ وَالْمُشْرِكِينَ حَتَّى يَنْكَسِرَ وَيَخْتَضِبَ دَمًا لَكَانَ الدَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا أَفْضَلَ مِنْهُ دَرَجَةً». فرمود: «درجه‌ی کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، بالاترین درجه است. ابوسعید خدری می‌گوید: گفتم: آیا درجه‌ی عبادت ایشان از کسانی که جهاد در راه خدا می‌کنند بیشتر است؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اگر غازی، یعنی مجاهد فی سبیل الله با شمشیر خود کافران و مشرکان را بزند تا جایی که شمشیرش شکسته شود و به خون آغشته شود بازهم کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند بر او برتری دارند».

نووی فرموده: و روایت داریم در کتاب ابن ماجه از ابودرداء رضی الله عنه که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَلَا أُنبئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرَ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ وَالْوَرِقِ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ

فَتَضَرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟ قَالُوا بَلَى. قَالَ: ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى». «ابودرداء رضی اللہ عنہ از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم روایت نمود که فرمود: «آیا خبر ندهم شما را به کاری که بهترین اعمال تان و پاکیزه‌ترین رفتار تان و بالاترین درجه در اعمال تان باشد و بهتر باشد برای شما از انفاق طلا و نقره و بهتر باشد برایتان از این که با دشمن رو در رو شوید و گردن آنها را بزنید؟» گفتیم: بله، فرمود: یادکردن خدای متعال». حاکم ابوعبدالله در کتاب خود «المستدرک» گفت: این حدیث صحیح الاسناد است.

در حقیقت ادیان همه آمده‌اند تا مردم را به خدا نزدیک کنند و مردم را به طاعت خدا وادارند و کسی که همیشه زبانش به یاد خداست و دلش در فرمان خداست او خود را برای همه انواع طاعت آماده نموده و خود را از هر نوع گناه و عصیان نگه داشته است، از این رو او دارای بالاترین درجه عبادت و ثواب است.

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ که گفت: رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: در شب اسراء و معراج ابراهیم را ملاقات نمودم، گفت: «يَا مُحَمَّدُ، أَفَرِي أُمَّتَكَ مِنِّي السَّلَامَ وَأَخْبِرُهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ التُّرْبَةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ وَأَنَّهَا قِيَعَانٌ وَأَنَّ غِرَاسَهَا سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». قال الترمذی: حدیث حسن. «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: در شب اسراء و معراج ابراهیم علیه السلام را ملاقات نمودم، گفت: سلام امت را برسان و به ایشان خبر ده که بهشت خاکش پاک و آماده‌ی بهره‌برداری است و همه دشت هموار است و آب آن شیرین است و زراعت و کاشتن درختان در آن به گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» به دست می‌آید». یعنی امت بکوشند هر چه بیشتر این کلمات را بگویند تا هر چه بیشتر از زمین بهشت استفاده کنند، خوشا به حال امت محمد که انبیاء هم به فکر راهنمایی و فایده‌رسانی به ایشان هستند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از جابر بن عبدالله انصاری و او از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم روایت می‌کند که فرمود: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ. غُرِسَتْ لَهُ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ». قال الترمذی: حدیث حسن. «کسی که بگوید سبحان الله وبحمده، با هر باری که مسلمان این کلمه را بگوید درخت نخلی در بهشت برای او کاشته می‌شود».

باید دانست که مردم از غفلت خود و نگفتن این کلمه‌ی عظیم چقدر نعمت از دست می‌دهند و با مشغول‌شدن به سخنان بیهوده عمر خود را ضایع می‌کنند و به جای ثواب بار گناه خود را سنگین می‌کنند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از ابوذر رضی الله عنه که گفت: گفتم: یا رسول الله، کدام سخن محبوب‌تر است نزد خدای متعال؟ فرمود: «مَا أَصْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ». قال الترمذی: حدیث حسن صحیح. «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین سخن سخنی است که خدای تعالی آن را برای فرشتگانش برگزید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ» منزه و پاک می‌دانم پروردگارم را از هر عیب و نقصی و به ستایش او مشغولم».

پس از این که صاحب کتاب اذکار ذکرهای غیر مقید را یاد کرد، می‌پردازد به ذکرهایی که در مناسبت‌ها گفته می‌شود و آغاز نمود به ذکرى که مسلمان موقع بیدارشدن از خواب می‌گوید.

«باب ما يقول إذا استيقظ من النوم»

بابی است در بیان زکری که موقع بیدار شدن از خواب می گوید

در صحیحین به روایت از ابوهریره آمده است که رسول الله ﷺ فرمود:

«يَعْقُدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلَاثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ كُلَّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ، فَإِنِ اسْتَيْقَظَ فَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنِ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنِ صَلَّى انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانَ».

«رسول الله ﷺ فرمود: وقتی که یکی از شما به خواب رفت، شیطان پشت سر او سه گره می زند و در هر گره می گوید شب درازی در پیش داری به خواب، چنانچه بیدار شد و نام خدا را یاد کرد، گرهی گشوده می شود، و چنانچه بلند شد و وضو گرفت گره دیگری گشوده می شود و چنانچه نماز خواند گرهها همه گشوده می شود و بامداد که از بستر برمی خیزد خوش دل و بانشاط برمی خیزد، و چنانچه خدا را یاد نکرد و وضو نگرفت و نماز نخواند بامداد که از بستر خواب بلند می شود بددل و گرفته دل و بی نشاط و سست برمی خیزد». و معلوم است که کسی که همه ی شب به خواب غفلت فرو رفت، نه خدا را یاد کرد، نه وضو گرفت و نه دو رکعت نماز خواند، سستی و بی حالی نصیب او می شود. مسلمان همیشه با یاد خدا و طهارت وضو و نماز به خدا نزدیک می شود، و از روزی که تلویزیون در خانه ها راه یافته و کوچک و بزرگ چشم به آن دوخته اند و خسته و بی حال به بستر خواب می روند نشاط عبادت در شب از دست داده اند، و خوشی قلب نمی یابند.

و در صحیح بخاری از حذیفه بن الیمان و ابوذر رضی الله عنهما روایت نمود که رسول

الله ﷺ وقتی که بر بستر خواب می نشست می فرمود:

«بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ وَأَحْيَا. وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا

أَمَاتَنَا، وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». «رسول الله ﷺ قبل از خواب می فرمود: «خدایا به نام تو زنده می مانم و می میرم». و بعد از خواب که بیدار می شد می فرمود: حمد و ستایشها برای خدای یکتاست که ما را با بیداری زنده فرمود، بعد از این که ما را با خواب از مردگان ساخته بود و بازگشت به سوی اوست».

و در کتاب ابن السنی به اسناد صحیح آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا اسْتَيْقَظَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي، وَعَافَانِي فِي جَسَدِي، وَأَذِنَ لِي بِذِكْرِهِ». «موقعی که یکی از شما از خواب بیدار می شود بگوید: همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که روح مرا برگرداند و تندرستی به من عطا فرمود و به من اجازه داد تا او را یاد کنم».

و در همین کتاب آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ عِنْدَ رَدِّ اللَّهِ تَعَالَى رُوحَهُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ، وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». «هر بنده‌ای که موقع بیدارشدنش بگوید: «لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير» خدا می‌آمرزد گناهانش را و اگرچه مانند کف دریا باشد». «زَبَدِ الْبَحْرِ»: کف دریا، همان سفیدی روی موج دریاست.

و در همان کتاب آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْتَبِهُ مِنْ نَوْمِهِ فَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوَمَّ وَالْيَقْظَةَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي سَالِمًا سَوِيًّا أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا قَالَ اللَّهُ: صَدَقَ عَبْدِي». «هر بنده‌ای که از خواب بیدار شود و بگوید: همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که خواب و بیداری هر دو را آفرید - تا خواب مایه‌ی آسایش بندگان باشد و بیداری برای کار و کسب باشد - همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که مرا به حال تندرستی و سلامت اعضا بیدار فرمود، گواهی می‌دهم که خداوند مردگان را زنده می‌گرداند و او بر هر چیزی تواناست، خدا می‌فرماید: بنده ام راست گفت، یعنی خدا این گفتار را از او پذیرفت و ثواب او را عطا فرمود».

«باب ما يقول إذا لبس ثوبه»

بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می‌گوید

مستحب است گفتن بسم الله، و همچنین مستحب است «بسم الله الرحمن الرحيم» گفتن در آغاز همه‌ی کارها. در کتاب ابن السنی «عمل اليوم والليلة» از ابوسعید خدری روایت نمود که رسول الله ﷺ هرگاه لباسی می‌پوشید خواه جامه خواه لنگ دوش

خواه عمامه، هر لباسی که می پوشید می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا هُوَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا هُوَ لَهُ». «خدایا از تو می خواهم از خوشی این لباس و خوشی آنچه این لباس برای آن ساخته شد، و پناه می برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شد».

و در همین کتاب روایت داریم از معاذ بن انس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من لبس ثوباً جديداً فقال: الحمد لله الذي كساني هذا، ورزقنيه من غير حولٍ مسني ولا قوّةٍ، غفر الله له ما تقدّم من ذنبه». «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر مسلمانی که جامه‌ی نوی پوشید و گفت حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتاست که این جامه‌ی نو را به من پوشانید و آن را روزی من فرمود بدون این که حول و قوه‌ی من آن را برایم فراهم کرده باشد، خدا گناهان گذشته اش را می‌آمرزد».

«باب ما يقول إذا لبس ثوباً جديداً أو نعلين وما أشبهه»

بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آنها

می‌گوید

ابوداود، ترمذی و نسائی در سنن‌شان به روایت از ابوسعید خدری رضی الله عنه آورده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه لباس نوی به دست می‌آورد خواه جامه یا عمامه یا لنگ دوش بود برای آن نامی می‌گذاشت آنگاه می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ». حدیث صحیح. «خدایا برای توست حمد و ستایش‌ها، تو آن را به من پوشانیدی از تو می‌خواهم خیر و خوشی آن و خیر و خوشی هرچه این لباس برای آن ساخته شده و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شده است». یعنی خیر و خوشی لباس و خیر و خوشی بدنی که لباس برای آن ساخته شده را از تو می‌خواهم، لباس دارای خیر و خوشی باشد و بدنی که آن لباس را می‌پوشد هم در حال خیر و خوشی باشد، والله اعلم.

و در کتاب ترمذی روایت داریم از عمر رضی الله عنه که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

«مَنْ لَيْسَ ثَوْبًا جَدِيدًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي حَيَاتِي ثُمَّ عَمَدَ إِلَى الثَّوْبِ الَّذِي أَخْلَقَ فَتَصَدَّقَ بِهِ كَأَنَّ فِي كَنْفِ اللَّهِ وَفِي حِفْظِ اللَّهِ وَفِي سِتْرِ اللَّهِ حَيًّا وَمَيِّتًا». «کسی که لباس نوی پوشید و گفت حمد و ستایش برای خدای یکتاست که مرا لباسی پوشانید که به وسیله‌ی آن عورت خود را بپوشانم و به وسیله‌ی آن در زندگی ام زیبایی و تجمل بیابم، آنگاه لباسی را که کهنه کرده بود صدقه کرد و به فقیر داد او در نگه‌داری خدا و در حمایت خدای صلی الله علیه و آله می باشد و در راه خداست در زندگی و پس از مرگ».

«باب ما يقول لصاحبه إذا رأى عليه ثوباً جديداً»

بابی است در بیان آنچه به دوستش می گوید، وقتی که دید لباس

نوی پوشیده است

روایت داریم در صحیح بخاری از ام خالد، دختر خالد بن الولید رضی الله عنه که گفت: لباس‌هایی برای رسول الله صلی الله علیه و آله آورده بودند و در میان آنها چارقد سیاهی بود، رو به حاضران نمود و فرمود:

«مَنْ تَرَوْنَ نَكْسُوهَا هَذِهِ الْحَمِيصَةَ؟ فَأُسْكِتَ الْقَوْمَ. قَالَ: «اِئْتُونِي بِأَمِّ خَالِدٍ» فَأَتَى بِي النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَأَلْبَسَنِيهَا بِيَدِهِ وَقَالَ: أَبُي وَأَخْلِقِي مَرَّتَيْنِ». «به نظر شما این چارقد را به چه کسی بپوشانیم؟ حاضران سکوت نمودند، آنگاه فرمود: تا مرا به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله بیاورند، وقتی که آمدم به دست مبارک خود آن را بر من پوشانید و فرمود: این لباس را بپوش تا آن را فرسوده نمایی، دوبار». ام خالد آن وقت دختری خردسال بود.

و روایت داریم در کتاب «عمل اليوم والليلة» تألیف ابن السنی به روایت از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که رسول الله صلی الله علیه و آله لباس تازه‌ای بر عمر دید و پرسید: لباس نو است یا شسته شده؟ عمر عرض کرد شسته شده است، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «الْبَسْ جَدِيدًا،

وَعَشْ حَمِيدًا، وَمُتَّ شَهِيدًا سَعِيدًا». «بیوش لباس نو، و زندگی کن زندگی پسندیده و بمیر به حال شهادت و نیکبختی».

«باب كيفية لبس الثوب والنعل وخلعهما»

بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون آوردن

آنها

هنگام پوشیدن لباس، کفش، شلوار و مانند آنها از راست شروع کند و در هنگام بیرون آوردن از چپ شروع کند و نیز سرمه به چشم کشیدن و مسواک زدن و چیدن ناخن و کوتاه کردن سبیل و اصلاح سر و تراشیدن موی زیر بغل و سلام نماز دادن و داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از مستراح و وضو گرفتن و غسل کردن و خوردن و آشامیدن و مصافحه کردن و دست کشیدن به حجرالأسود و گرفتن چیزی از کسی و چیزی را به دست کسی دادن، در همه اینها مستحب است از راست شروع کند و ضد آنها از چپ.

و در اذکار از صحیحین روایت شده که عائشه صدیقه رضی الله عنها گفت: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ التَّيْمَنَ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ فِي طُهُورِهِ وَتَرَجُّلِهِ وَتَنَعُّلِهِ». «پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوست می داشت همه کارهای خوب خود را با دست راست و از سمت راست انجام دهد، در طهارت و شانه کردن مو و پوشیدن کفشش».

و در اذکار از سنن ابی داود روایت شده که عایشه رضی الله عنها گفت: «كَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْيُمْنَى لِطُهُورِهِ وَطَعَامِهِ وَشَرَابِهِ وَكَانَتْ يَدُهُ الْيُسْرَى لِخَلَائِهِ وَمَا كَانَ مِنْ أَدَى». «دست راست پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای طهارت، خوردن، نوشیدن، و دست چپش برای قضای حاجت و آنچه که از ناپاکی بود، اختصاص داشت».

«باب ما يقول إذا خلع ثوبه لغسل أو نوم أو نحوهما»

**بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن لباسش برای شستن
یا خوابیدن یا مانند آنها می گوید**

روایت داریم در کتاب ابن سنی از انس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
«سَتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَطْرَحَ
ثِيَابَهُ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ». «پوشش میان چشمان جن و عورت‌های بنی آدم آن
است که فرد مسلمان هرگاه بخواهد لباسش را بیرون آورد بگوید: به نام خدایی که نیست
معبودی مگر او».

«باب ما يقول حال خروجه من بيته»

بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می گوید

ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه از ام سلمه رضی الله عنها که همسر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
می باشد و نام او هند است روایت نمودند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه از خانه اش بیرون
می رفت می فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَزَلَ أَوْ نُضَلَّ أَوْ نُظْلِمَ أَوْ نُجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ». [حدیث صحیح وقال الترمذی: حدیث حسن صحیح].

«به نام خدا و توکل نمودم بر خدا، یعنی به نام خدا از خانه بیرون می‌روم و بر خدای یکتا
اعتماد می‌نمایم، خدایا به تو پناه می‌برم از این که گمراه شوم و یا این که گمراه کرده شوم و
پناه می‌برم به خدا از این که خوار شوم یا خوار کرده شوم و از این که ستم به کسی نمایم و
یا این که کسی به من ستم نماید و از این که راه نادانی بگیرم و یا این که کسی با من نادانی
نماید».

رسول الله ﷺ در تعلیم این امت چنین بیان فرمود که در بیرون رفتن از خانه نام خدا را یاد کنند یا کسی ایشان را خوار نماید، نه خود راه گمراهی بگیرند و نه کسی ایشان را گمراه کند، نه خود به کسی ستم کنند و نه کسی به ایشان ستم نماید و نه خود راه نادانی بگیرند و نه کسی راه نادانی با ایشان بگیرد. کسی که در بیرون از خانه به پشتیبانی نام خدا و توکل بر خدا از گمراهی و خواری و ستم و نادانی نگهداری شود، خیر دنیا و آخرت برای او جمع شده است.

و در روایت ابی داود و ترمذی و نسایی و غیر از ایشان از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود:

«مَنْ قَالَ - يَعْنِي إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ - بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. يُقَالُ لَهُ كَفَيْتَ وَوُقِيَتْ وَهُدِيَتْ. وَتَنَحَّى عَنْهُ الشَّيْطَانُ». «رسول الله ﷺ فرمود: «هرکس موقعی که از خانه بیرون رفت گفت: «بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». به نام خدا از خانه بیرون آمده ام و بر خدای یکتا اعتماد کرده‌ام و نیست چاره‌ای در پایداری بر طاعت خدا و نه توانی برای دوری از معاصی مگر به کمک خدای یکتا، کسی که این را گفت به او گفته می‌شود: تو را کفایت کرده‌اند و نگه داشته‌اند و راهنمایی کرده‌اند به سوی راه راست و شیطان از او دور شد».

«باب ما يقول إذا دخل بيته»

بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه اش می‌شود، می‌گوید

مستحب است که موقع داخل شدن به خانه بگوید: بسم الله، و یاد خدا بسیار نماید و سلام کند، خواه کسی در خانه باشد و یا نباشد، اگر در خانه کسی است می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ». و اگر در خانه کسی نیست می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ». خدای متعال فرمود:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةً طَيِّبَةً﴾

[النور: ۶۱].

«وقتی داخل به خانه‌هایتان می‌شوید بر اهل خانه سلام کنید که این گرامی‌داشتنی است پاک و پربرکت که از نزد خدا می‌یابند».

ترمذی از انس رضی الله عنه روایت نمود که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: «يَا بُنَيَّ إِذَا دَخَلْتَ عَلَىٰ أَهْلِكَ فَسَلِّمْ يَكُونُ بَرَكَتًا عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ». [قال الترمذی: حدیث حسن صحیح]. «وقتی که داخل به خانه‌ات شدی بر خانواده‌ات سلام کن بگو: السلام علیکم که همین سلام‌کردنت برکتی است بر خودت و بر خانواده‌ات».

و در سنن ابی داود روایت داریم از ابومالک اشعری رضی الله عنه (نام ابومالک: حارث است و گفته شده: نام او عبید و گفته شده نام او کعب و گفته شده نام او عمرو است، یعنی نظر به این که شهرت او به ابومالک است در نام او اختلاف است، اگرچه معتمد همان حارث است).

ابومالک گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا وَلَجَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْلِجِ وَخَيْرَ الْمَخْرَجِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَالْجَنَّةِ، وَبِاسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا، وَعَلَى اللَّهِ رَبَّنَا تَوَكَّلْنَا، ثُمَّ يُسَلِّمُ عَلَىٰ أَهْلِهِ». «وقتی که شخص داخل خانه اش شد بگوید: خدایا از تو می‌خواهم خیر داخل‌شدن به خانه، و از تو می‌خواهم خیر بیرون‌آمدن از خانه، به نام خدا به خانه داخل شدیم و به نام خدا از خانه بیرون می‌رویم و بر خدای یکتا که پروردگار ما می‌باشد توکل نمودیم، آنگاه سلام بر اهل خانه‌اش نماید». ابوداود پس از روایت این حدیث آن را ضعیف ندانست.

و ابوداود به اسناد حسن روایت نمود از ابو امامه باهلی که نام او صدیق بن عجلان است از رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود:

«ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ ﷻ رَجُلٌ خَرَجَ غَارِبًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَغَنِيمَةٍ وَرَجُلٌ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَغَنِيمَةٍ وَرَجُلٌ دَخَلَ بَيْتَهُ بِسَلَامٍ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى». حدیث حسن. «سه کس‌اند که در ضمان و رعایت خدای عزوجل هستند: مردی که به جهاد فی سبیل الله رفت او در رعایت خدای صلی الله علیه و آله می‌باشد تا این که خدا او را وفات دهد و به بهشت داخل گرداند، یا این که او را به خانه‌اش برگرداند با آنچه از اجر و غنیمت به دست آورده است. و مردی که به مسجد رفت

(برای طاعت خدا) او زیر نظر و رعایت خداست تا این که خدا او را وفات دهد و او را داخل بهشت سازد، یا این که او را زنده برگرداند با آنچه از ثواب و غنیمت عمر به دست آورده است. و کسی که داخل به خانه می شود با سلام بر اهل خانه او در ضمان و رعایت خداوند پاک و بلندمرتبه است.»

و در صحیح مسلم به روایت از جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه آمده است که جابر گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

«إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ.» «وقتی که شخص داخل خانه شد و نام خدا را یاد کرد وقت آمدن به خانه و خوراک خوردن، شیطان به همراهانش می گوید اینجا نه محلی برای خوابیدن دارید و نه خوراکی برای خوردن، و چنانچه وقت داخل شدن به خانه نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می گوید اینجا جای خوابیدن یافتید، و وقتی که هنگام غذاخوردن نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می گوید شما در این خانه هم جای ماندن یافتید و هم غذا برای خوردن.»

و امام مالک در موطا فرمود: کسی که داخل به خانه ای شد که کسی در آن نیست، بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

«باب ما يقول إذا استيقظ في الليل وخرج من بيته»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در شب از خواب بیدار

شود و از خانه بیرون برود

مستحب است وقتی که در شب از خواب بیدار شد و از خانه بیرون رفت نظر به سوی آسمان نماید و از آیه ی ۱۹۰ تا آخر سوره ی آل عمران را بخواند:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾
الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩٠﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ
تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعْنَا مُنَادِيًا
يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا
سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ
الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٣﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمِلٍ
مِنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ
دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٤﴾
لَا يَغُرَّتْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٥﴾ مَتَّعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ
وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٦﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ ﴿١٩٧﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ
الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَشَعِينَ لِلَّهِ لَا
يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
الْحِسَابِ ﴿١٩٨﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ ﴿١٩٩﴾ [آل عمران: ۱۹۰-۲۰۰].

«حقا که در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و از پی یکدیگر آمدن شب و روز نشانه‌های
قدرت پروردگار است برای خردمندان. آن مردمی که خدا را یاد می‌کنند ایستاده و
نشسته و بر پهلو افتاده و می‌اندیشند در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و می‌گویند: ای
پروردگار ما! نیافریدی این همه کاینات پر عظمت را به باطل، منزه هستی از هر عیب و
نقصی، پاکی از هر عیب، پس نگاه‌دار ما را از عذاب دوزخ. پروردگارا! به حقیقت
هرکسی را به دوزخ فرستادی حقا که او را رسوا کرده‌ای و نیست ستمگران را هیچ
یاری‌دهنده. پروردگارا! به حقیقت که ما شنیدیم دعوت‌کننده که به سوی ایمان دعوت
می‌کرد و می‌گفت ایمان بیاورید به پروردگارتان و ما قبول دعوت‌شان کردیم و ایمان
آوردیم. پروردگارا! بیامرز ما را و گناهان ما را آمرزیده ساز و بیوشان از ما بدی‌هایمان
و وفات و مرگ ما را همراه نکوکاران قرار ده که در وقت وفات از نکوکاران باشیم.

پروردگارا! بده ما را آنچه را که بر زبان پیغمبرانت نوید آن را به ما دادی و ما را رسوا مگردان در روز قیامت به حقیقت که تو هیچگاه خلاف وعده نخواهی فرمود. پروردگارشان دعایشان را به اجابت رسانید و فرمود: ضایع نمی‌گردانم عمل هر عمل خیرکننده از شما از مرد یا زن، بعضی از شما از بعضی دیگرند (شما همه از همدیگر هستید و ایمان و عمل صالح میان شما جمع نموده) پس مردمی که هجرت کردند از دیار کفر و بیرون شدند از شهر و خانه‌هایشان و شکنجه و اذیت دیدند از کافران در راه ایمان آوردن به من و جنگیدند با کافران و کشته شدند در این راه، می‌پوشانم از ایشان بدی‌هایشان و ایشان را داخل می‌سازیم به بهشت‌هایی که روان است زیر آنها رودها، این همه احسان که به ایشان برسد پاداشی است از نزد خدا و خداست که پاداش نیکو نزد اوست. نفریید تو را رفت و آمد کافران در شهرها، خوشی اندکی است پس از آن جایگاه‌شان دوزخ است و چه بد آرامگاهی است برایشان (که به جای آرامش در دوزخ می‌سوزند). و لیکن مردمی که از خدا ترسیدند برای ایشان است بهشت‌هایی که روان است زیر آنها رودها در حالی که در آن بهشت‌ها و خوشی‌ها جاویدان می‌مانند و این مهمانی است از نزد خدا برایشان و آنچه نزد خداست بهتر است برای نکوکاران. و به حقیقت از اهل کتاب: از یهود و نصاری مردمی هستند که ایمان می‌آورند به خدای یکتا و آنچه نازل شد بر شما و آنچه نازل شد بر خودشان، فروتنی کنندگانند برای خدا، نمی‌خرند در مقابل آیات خدا بهای اندکی، آنانند که برایشان است ثواب‌شان نزد پروردگارشان، حقا که خدا خیلی زود به حساب بندگان برسد. (حساب این همه خلایق در مدت کوتاهی انجام می‌دهد: آنچه مؤمن هستند حساب اعمال‌شان به قدر فاصله‌ی میان دو نماز انجام می‌شود و به خوشی جاویدان می‌رسند و آنچه کافرنند روز سختی در پیش دارند، همه رسوایی و بدبختی و دست آخر به آتش سوختن) ای مردمی که ایمان آورده‌اید! ای مؤمنان صبر و شکیبایی پیشه کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و بترسید از خدای متعال تا رستگار شوید».

در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که رسول الله ﷺ وقتی که در شب بیدار می‌شد و از خانه بیرون می‌رفت آن آیات را می‌خواند، و نظر کردن پیامبر به آسمان و خواندن آن آیات در صحیح بخاری آمده است، و در مسلم نیامده است. و در صحیح بخاری و مسلم از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت نموده‌اند که رسول الله ﷺ موقعی که برای نماز تهجد از خواب برمی‌خاست می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ، لَكَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمَّدٌ ﷺ حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسَلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنْبِتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاعْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». زَادَ بَعْضُ الرُّوَاةِ: «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». «خدایا ستایش‌ها همه برای توست، تو نگهدار آسمان و زمین و همه‌ی آنچه در آن دو می‌باشد، هستی. و ستایش‌ها برای توست، مالکیت آسمان‌ها و زمین‌ها و آنچه در آن دو می‌باشد برای توست، و ستایش‌ها برای توست. تو روشن‌فرمای آسمان و زمین‌ها و آنچه در آنهاست، می‌باشی. و همه ستایش‌ها برای توست. تو حق هستی و وعده‌ی تو همه حق است و دیدار تو در آخرت برای مؤمنان حق است و گفتار تو حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و رسالت محمد برحق است و قیامت حق است. خدایا خود را تسلیم فرمان تو نمودم و به فرمان تو مسلمان شدم و به تو ایمان آوردم و کارهایم را همه به تو واگذاشتم (تا سعی و کوشش‌م را به ثمر برسانی) و به‌سوی تو رجوع و انابت نمودم (تا همیشه روی دلم متوجه درگاهت باشد و انجام‌دهنده فرمانت باشد) و برای تو با دشمنان‌ت دشمنی نمودم، و برای داوری روی به‌سوی تو نمودم، پس بیامرز برایم گناهان پیش از این و بعد از این و آنچه از گناهان که نهانی انجام دادم و آنچه از گناهان که آشکار نمودم، تو به جلو می‌اندازی کسی را که بخواهی و به دنبال می‌اندازی کسی را که بخواهی، نیست معبودی به حق مگر تو». و بعضی از راویان این کلمه را افزوده‌اند: «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» نیست نیرویی مرا در پایداری بر طاعتت و نه توانی برای دوری از نافرمانیت مگر به کمک تو و به کمک توست که راه پایداری بر طاعتت و دوری از معصیت را به دست می‌آوریم».

«باب ما يقول إذا أراد دخول الخلاء»

بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مستراح می گوید

و در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که انس رضی الله عنه گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم موقع داخل شدن به مستراح می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ». «خدایا! پناه می برم به تو از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».

و در سنن ترمذی به روایت از علی رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سَتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْحَيِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ الْكَنِيفَ أَنْ يَقُولَ: بِاسْمِ اللَّهِ». «چیزی که عورت بنی آدم را موقعی که به مستراح داخل می شود از چشم جن می پوشاند گفتن بسم الله می باشد».

بنابراین، چه در مستراح و چه در صحرا قبل از نشستن برای قضای حاجت بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ». «خدایا! نام تو را یاد می کنم و به تو پناه می برم از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».

و در روایت ابن السنی و طبرانی از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه به مستراح داخل می شد، می فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْحَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». «خدایا! پناه می برم به تو از شر پلید ناپاک، خبیث بدعمل، شیطان رانده شد».

«باب النهي عن الذكر والكلام علي الخلاء»

بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن گفتن به هنگام قضای

حاجت

موقعی که برای قضای حاجت نشسته است مکروه است یاد خدا و سخن گفتن، خواه در صحرا باشد یا در ساختمان، و هر نوع اذکار و سخن یکسان است، و سخن

نگوید مگر برای ضرورت، حتی اگر کسی عطسه نماید، نگوید: «يَرْحَمُكَ اللهُ». و اگر خودش عطسه کند، نگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ». و اگر کسی بر او سلام گفت، جواب سلامش ندهد. و اگر صدای مؤذن بشنود جواب آن را ندهد و مانند مؤذن نگوید. و اگر اذان شنید و جواب اذان به دل بگوید و به زبان نیاورد مانعی ندارد. همچنین اگر در حال جماع بود به دل جواب مؤذن بگوید و بر زبان نیاورد.

و در صحیح مسلم آمده است موقعی که رسول الله ﷺ بول می کرد مردی که عبور می کرد سلام نمود و رسول الله ﷺ جواب سلامش نداد. و در سنن ابوداود و نسایی و ابن ماجه به اسناد صحیح از مهاجر بن قنفذ روایت نمود که مهاجر گفت:

«أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ وَهُوَ يَبُولُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَرِدَّ عَلَيَّ حَتَّى تَوَضَّأْتُ ثُمَّ اعْتَدَرْتُ إِلَيْهِ وَقَالَ: إِنِّي كَرِهْتُ أَنْ أَدُكَّرَ اللَّهُ ﷻ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ». «مهاجر گفت: نزد رسول الله ﷺ آمدم و سلام بر او نمودم وقتی که مشغول بول بود، جواب سلامم نگفت تا این که وضو گرفت و معذرت خواست و فرمود: مکروه دانستم نام خدا را یاد نمایم وقتی که بر طهارت نیستیم».

«باب النهي عن السلام علي الجالس لقضاء الحاجة»

بابی است در بیان نهی از سلام کردن بر کسی که برای قضای

حاجت نشسته است

اگر کسی بر او سلام نمود حق جواب سلام ندارد و دلیل آن حدیث روایت ابن عمر و مهاجر است در باب قبلی یاد شد.

«باب ما يقول إذا خرج من الخلاء»

بابی است در بیان آنچه موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت

می گوید

می گوید: «عُفْرَانُكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى، وَعَافَانِي». «خدایا، در برابر وقتی که به غفلت گذراندم از تو آمرزش می خواهم، ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که پلیدی را از من دور کرد و مرا تندرستی عطا فرمود».

در حدیث صحیح در سنن ابوداود و ترمذی آمده است که رسول الله ﷺ وقتی که از محل قضای حاجت بیرون می آمد، می فرمود: «عُفْرَانُكَ». «از تو آمرزش می خواهم» و در سنن نسایی و ابن ماجه ادامگی آن آمده است، یعنی می فرمود: «عُفْرَانُكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى، وَعَافَانِي» و ابن السنی و طبرانی از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده اند که رسول الله ﷺ موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى، وَأَبْقَى فِي قُوَّتِهِ وَأَذْهَبَ عَنِّي أَدَاهُ». «همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که لذت خوراک را به من چشانید و نیروی حاصل از خوراک را در وجود من باقی گذاشت و آزار و اذیت آن را از من دفع کرد».

«باب ما يقول علی وضوئه»

بابی است در بیان آنچه در حال وضو می گوید

مستحب است که در اول وضو بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم»، اگر فقط بسم الله بگوید هم کفایت می کند، علمای ما گفته اند: اگر بسم الله در اول وضو نگفت در میانه‌ی وضو بگوید. اگر بسم الله نگفت تا این که از وضو فارغ شد وقت بسم الله گفتن گذشته است و با این که آن را نگفته وضوی او صحیح است. و در خصوص بسم الله گفتن احادیثی آمده که همه ضعیف است. امام احمد فرمود: در باره‌ی بسمله

حدیث صحیحی نیافته ام، از آن جمله است حدیثی که در سنن ابی داود آمده است از رسول الله ﷺ که فرمود:

«لَا وُضُوءَ لِمَنْ لَمْ يَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ». «وضو ندارد کسی که نام خدا را بر وضو یاد نکرد».

امام نووی فرمود: روایت داریم از سعید بن زید و ابی سعید خدری و عایشه و انس بن مالک و سهل بن سعد رضی الله عنهما، روایت همه در سنن بیهقی آمده است، و بیهقی و غیر او همه آن احادیث را ضعیف دانسته اند.

و با این که احادیث بسمله در وضو ضعیف است، باز هم عمل به حدیث ضعیف در اینگونه موارد جایز است.

(فصل) ابوالفتح نصر مقدسی زاهد گفته است که مستحب است برای وضوگیرنده که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در اول وضو بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

و این سخن که ابوالفتح مقدسی گفته است گرچه مانعی ندارد، اما اصلی در سنت ندارد و از علما مذهب مان و غیر از ایشان کسی آن را نگفته است.

(فصل) بعد از فارغ شدن از وضو بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ». «گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی برحق خداست. خدایا! بگردان مرا از توبه‌کنندگان که در مقابل هر غفلتی توبه نمایم، و بگردان مرا از پاکیزگان که گرد هیچ آلودگی نگردم، خدایا منزه و پاک هستی از هر عیب و نقص، تسبیح تو می‌گویم و به حمد و ستایش تو می‌پردازم، و گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر تو، طلب آموزش می‌نمایم از تو و به سوی تو روی می‌آورم».

نووی فرمود: و روایت داریم از عمر بن الخطاب که رسول الله ﷺ فرمود:

«مَنْ تَوَضَّأَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

وَرَسُولُهُ، فَتَحَّتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ». رواه مسلم فی صحیحة.

«کسی که وضو بگیرد و موقع فارغ شدن از وضو بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، هشت در بهشت برای او گشوده می شود تا از هریک از آن درها که بخواهد داخل به بهشت شود».

و روایت ضعیفی هم هست در سه بار تکرار کردن «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تا آخر. شیخ نصر مقدسی گفته است بعد از گفتن این اذکار که یاد شد بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ».

علمای مذهب ما گفته اند اذکار یاد شده موقع فراغت از وضو و رو به قبله بگوید. (فصل) امام نووی فرمود: دعاهایی که موقع شستن اعضای وضو گفته می شود از رسول الله ﷺ به ثبوت نرسیده است.

شیخ الإسلام زکریای انصاری فرمود: در خصوص آن دعاها روایاتی هستند که از مجموع آنها دانسته می شود گفتن آنها مستحب است.

امام نووی فرمود: فقها گفته اند مستحب است دعاهایی که از سلف آمده و حاصل آن دعاها چنین است که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا». «حمد و ستایشها برای خدا یکتایی است که آب را پاک کننده قرار داد». و موقع مضمضه و آب به دهن گردانیدن بگوید: «اللَّهُمَّ اسْقِنِي مِنْ حَوْضِ نَبِيِّكَ ﷺ كَأَسَا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا». «خدایا از حوض پیغمبرت - کوثر - در صحرای قیامت مرا لیوانی آب ده، به طوری که بعد از آن هرگز تشنه نشوم». و موقع استنشاق و آب به بینی بردن بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي رَائِحَةَ نَعِيمِكَ وَجَنَّتِكَ». «خدایا مرا محروم مفرما از بوی خوش بهشت هایت و خوشی آنها». و موقع شستن روی بگوید: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ». «خدایا مرا روسفید گردان در روز قیامت که روهایی سفید و روهایی سیاه می شود». و موقع شستن دست راست بگوید: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي». «خدایا نامه ای اعمالم را به دست راستم برسان». و موقع شستن دست چپ بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي». «خدایا نامه ای اعمالم را در دست چپم قرار مده». و موقع مسح سر بگوید: «اللَّهُمَّ حَرِّمْ شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ». «خدایا مو و پوستم را بر دوزخ حرام گردان». تا آتش دوزخ به هیچ جای بدنم نرسد، یعنی مرا از رفتن

به دوزخ حفظ فرما. و موقع مسح دو گوش بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ». «خدایا! بگردان مرا از جمله کسانی که گفتار را می‌شنوند و پیروی می‌کنند از بهترین گفتار». و موقع شستن دو پایش بگوید: «اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ». «خدایا! دو پای مرا بر پل صراط پایدار بدار، روزی که پاهایی ثابت می‌ماند و پاهایی می‌لغزد».

و نسایی و دوستش ابن السنی در دو کتابشان «عمل الیوم واللیلة» به اسناد صحیح از ابوموسی اشعری روایت کرده‌اند که ابوموسی گفت: آب وضوی رسول الله آوردم، رسول الله ﷺ مشغول وضوگرفتن شد و شنیدم که در اثنای وضو دعا می‌کرد و می‌گفت: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي». «خدایا بیامرز برای من گناهم و فراخ بساز برایم خانه‌ام و در روزیم برکت قرار ده». گفتم: یا رسول الله! شنیدم که چنین دعایی می‌کردی: خدایا! گناهم بیامرز و خانه ام گشاده و پرخیر بساز و در روزیم برکت بینداز. رسول الله ﷺ فرمود: این دعا از حوائج انسانی چیزی باقی گذاشتند؟ یعنی این سه کلمه: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي». همه‌ی خیرات دنیا و آخرت را دربر دارد.

ابن السنی گفت: این دعا را در اثنای وضو بگوید. و نسائی گفت: این دعا را بعد از فراغت از وضو بگوید: احتمال هر دو وجود دارد. در اثنای وضو بگویند خوب است و بعد از فراغت هم بگویند خوب است. والله سبحانه وتعالى أعلم.

«باب ما یقوله علی اغتساله»

بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می‌گوید

مستحب است موقع بدن شستن، گفتن آنچه موقع وضوگرفتن مستحب است، و فرقی نیست در این که بدون شوینده جنب یا حائض باشد. غسل فرض باشد یا غسل سنت، و «بسم الله الرحمن الرحیم» را اول غسل بگوید. چنانچه جنب یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگوید، بلکه به عنوان این که از اذکار وضو و اغتسال است بگوید. والله سبحانه وتعالی أعلم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

«باب ما یقول علی تیممه»

بابی است در بیان آنچه به وقت تیممش می‌گوید

مستحب است که اول تیمم «بسم الله الرحمن الرحیم» را بگوید و اگر جنب و یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگوید، بلکه به عنوان آنچه از اذکار تیمم است بگوید، و در اثنای تیمم و بعد از تیمم آنچه در وضو مستحب بود در تیمم هم مستحب است، برای این که تیمم هم طهارتی است مانند وضو. والله سبحانه وتعالی أعلم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

«باب ما يقول إذا توجه إلى المسجد»

بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می‌گوید

قبلاً گفتیم که وقتی از خانه بیرون آمد به هر جا که می‌رود چه بگوید. بنابراین، وقتی که به مسجد می‌رود اضافه بر آن بگوید آنچه در صحیح مسلم از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت شده از آن حدیث طولانی که ابن عباس شبی در منزل خاله اش می‌مونه خوابید و در آن حدیث راجع به نماز تهجد رسول الله صلی الله علیه و آله صحبت نمود، تا این که وقت نماز صبح شد و مؤذن اذان صبح گفت. و رسول الله صلی الله علیه و آله برای نماز صبح از خانه بیرون آمد و می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي لِسَانِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي سَمْعِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا وَمِنْ أَمَامِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ فَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا. اللَّهُمَّ أَعْطِنِي نُورًا». «خدایا در دلم نور قرار ده و در زبانم نور قرار بده و در شنوایی ام نور قرار ده و در بینایی ام نور قرار ده و از پشت سرم نور قرار ده و از رو به رویم نور قرار ده و از بالای سرم نور قرار ده و از زیر پایم نور قرار ده، خدایا نور به من بده». مسلمان از خدا می‌خواهد که در دل و زبانش و در گوش و چشمش و از پشت سر و جلو رویش و از بالا و زیر و از همه طرف او نور خدا باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا در همه حال و همه کارش نور باشد. چه دعایی از این بهتر که مسلمان در اعضایش نور خدا باشد و نور خدا به او احاطه نموده باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا همیشه مثل خورشید پرفروغ و نوررسان باشد.

و در کتاب ابن السنی روایت داریم از بلال رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی که به قصد نماز از خانه بیرون می‌آمد می‌فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ مَخْرَجِي هَذَا فَايُنِي لَمْ أَخْرَجْهُ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً خَرَجْتُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَاتِّقَاءَ سَخَطِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ». قال النووي رحمته الله: حدیث ضعیف، أحد رواه: الوازع بن نافع العقیلی وهو متفق علی ضعفه وإنه

منكر الحديث. وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ مَعْنَاهُ مِنْ رِوَايَةِ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَطِيَّةٍ أَيْضاً ضَعِيفٍ. «به نام خدا از خانه بیرون آمدم و ایمان آوردم به خدا و توکل نمودم بر خدا و کارهایم را به خدا واگذاشتم و نیست توانایی بر طاعت خدا و نه چاره‌ای برای دوری از گناه، مگر به کمک الله سبحانه و تعالی، خدایا به حق سؤال کنندگان و خواهش کنندگان از تو و به حق بیرون آمدنم از خانه برای رفتن به مسجد که من بیرون نیامدم به قصد تکبر و بی‌اعتنایی به حق و نه به قصد شهرت، بلکه بیرون آمدم از خانه به قصد خواستن خشنودیت و پرهیز از خشم، از تو می‌خواهم مرا پناه دهی از دوزخ و مرا از آتش دوزخ دور نگه‌داری و مرا داخل نمایی به بهشت».

نووی فرمود که این حدیث ضعیف است، روایت آن به همین لفظ یکی از روایت‌کنندگانش وازع بن نافع است که معروف است به ضعف در روایت حدیث و نامقبول بودن روایت او. و روایت به معنی این حدیث بازهم به روایت عطیه عوفی است که او هم ضعیف است. و گویی امام نووی که آن را در کتاب اذکار خود آورد، از این جهت باشد که عمل به حدیث در فضایل جایز است. والله سبحانه و تعالی أعلم.

«باب ما يقول عند دخول المسجد والخروج منه»

بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از آن می‌گوید

موقع داخل شدن به مسجد می‌گوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». «پناه می‌برم به خدای بزرگ و به ذات بزرگوار او و به سلطان و قدرت قدیم او از شیطان رانده‌شده. همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست. خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد، خدایا بیامرز گناهانم را و بگشای برایم درهای رحمت».

و موقع بیرون آمدن از مسجد همین را بگوید و به جای «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». بگوید: «وَأَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ».

و اگر موقع داخل شدن به مسجد بگوید: «السَّلَامَ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» و موقع بیرون آمدن از مسجد بگوید: «السَّلَامَ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» هم خوب است.

و در حدیث صحیح است که موقعی که نمازگزار از مسجد بیرون می‌آید لشکریان ابلیس بر او جمع می‌شوند. بنابراین، بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ». «خدا یا! پناه می‌برم به تو از ابلیس و لشکریانش». این را که بگوید ضرری به او نمی‌رساند.

«باب ما يقول في المسجد»

بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گوید

مستحب است بسیار یاد خدا کردن در مسجد با گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ» و ذکرهای دیگر. و مستحب است بسیار خواندن قرآن در مسجد. و از جمله مستحبات مسجد، خواندن حدیث رسول الله ﷺ و علم فقه و دیگر علوم است. خدای متعال فرمود:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَيُسَبِّحَ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوَةِ وَالْأَصَالِ﴾ [النور: ۳۶-۳۷].

«در خانه‌هایی (در مساجد) که خدا اجازه داد بالا بردن و یادکردن نام او، در همین مساجد صبح و پسین مردانی به تسبیح و تنزیه خدا مشغولند».

و رسول الله ﷺ فرمود: «إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ وَتِلْكَ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ». [رواه مسلم].

«این مساجد تنها ساخته شده برای یاد خدا کردن و تلاوت قرآن».

(فصل) شایسته است برای کسی که در مسجد نشسته است این که نیت اعتکاف

کند: «نَوَيْتُ الْإِعْتِكَافَ». برای این که نزد ما نیت اعتکاف جایز است، اگرچه برای یک

لحظه هم باشد، حتی اگر از مسجد عبور می‌کند هم لحظه‌ای بایستد و نیت اعتکاف نماید و بعد عبور کند. و مکروه است که در مسجد فارغ و بدون یاد خدا بنشیند، برای این که کسی در مسجد است خوب است خود را به طاعتی مشغول دارد از قبیل نماز، تلاوت قرآن، ذکر خدا، درس علم. و کسی که در مسجد است امر به معروف و نهی از منکر نماید. و هر بار که به مسجد داخل می‌شود دو رکعت تحیت مسجد بخواند، اگر برایش مقدور نباشد چهار بار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

«باب انکاره ودعائه علی من ینشد ضالة فی المسجد او یبیع فیه»

بابی است در بیان انکار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده اش می‌گردد یا خرید و فروش می‌کند

اگر دید که کسی در مسجد می‌خواهد به خرید و فروش بپردازد یا سؤال گمشده نماید، منع نماید. چنان که در حدیث صحیح مسلم آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنْشُدُ ضَالَّةً فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَقُلْ لَا رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ لِهَذَا». «کسی که شنید که مردی سؤال گمشده اش در مسجد می‌کند، بگوید: خدا گمشده‌ات را برنگرداند، برای این که مساجد برای این چیزها ساخته نشده است».

و در کتاب ترمذی آمده است: «إِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يَبِيعُ أَوْ يَبْتَاعُ فِي الْمَسْجِدِ فَقُولُوا لَا أَرْبَحَ اللَّهُ تِجَارَتَكَ». «هرگاه دیدید کسی را که در مسجد می‌فروشد یا می‌خرد، به او بگویید خدا تجارتت را سودمند نگرداند».

«باب ما يقول إذا رأى من ينشد في المسجد شعراً ليس فيه مدح الإسلام
ولا ترغيب إلى مكارم الأخلاق»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد
شعری می‌خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق
نیست

روایت داریم از ابن سنی از ثوبان رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ رَأَى يَتْمُوهُ يَنْشُدُ
شِعْرًا فِي الْمَسْجِدِ، فَقُولُوا لَهُ: فَضَّ اللَّهُ فَآكَ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». «کسی را که دیدید در مسجد
شعری می‌خواند، به او بگویید خداوند دهانت را پاره کند، سه بار».

«باب فضيلة الأذان»

بابی است در بیان فضیلت اذان

«قال رسول الله ﷺ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النَّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَأَسْتَهْمُوا». رواه البخاري ومسلم في صحيحيهما عن أبي هريرة رضي الله عنه.

«رسول الله ﷺ فرمود: اگر مردم می دانستند که در اذان و صف اول نماز با جماعت چقدر ثواب است و آنگاه اذان و صف اول به دست نمی آمد مگر به قرعه انداختن، راضی می شدند که بر آن قرعه بیندازند».

«قال رسول الله ﷺ: الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». رواه مسلم.

«رسول الله ﷺ فرمود: مؤذنان مساجد روز قیامت گردن شان از گردن مردم درازتر است».

یعنی در روز قیامت مؤذنان از سرافرازترین مردم هستند، برای این که وقت نماز را اعلام می کنند و مردم را دعوت به سوی نماز و طاعت خدا می کنند.

«يقول رسول الله ﷺ: لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنَّ وَلَا إِنْسٌ وَلَا شَيْءٌ إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [رواه البخاري]. «هرکس و هرچیز که آواز مؤذن بشنود در وقت اذان گفتنش، خواه جن و یا انس و یا هرچیز دیگر باشد، در روز قیامت گواهی برای مؤذن می دهد».

علمای مذهب ما شافعیان در خصوص این که امامت نماز بیشتر فضیلت دارد و یا اذان گفتن، بر چهار قول اختلاف نظر دارند. معتمد این است که اذان افضل است. قول دوم امامت افضل است. قول سوم امامت و اذان در فضیلت یکسانند. قول چهارم اگر می داند که حقوق امامت را می گزارد و شروط آن در وجود او جمع است امامت بهتر است و گر نه اذان افضل است.

«باب صفة الأذان»

بابی است در بیان چگونگی اذان

بدان که ترجیع در اذان سنت است و ترجیع، یعنی بعد از این که چهار بار «اللهُ أَكْبَرُ» بلند گفت، آهسته به طوری که خودش و کسی که نزدیک اوست بشنود دوبار بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و دو بار نیز آهسته بگوید: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، و بعد از این که دو بار شهادتین را آهسته گفت، دو بار «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، را بلند بگوید و دو بار نیز «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» را بلند بگوید. و تثویب سنت است؛ و تثویب عبارت از این است که دو بار «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» و دو بار «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» را که در اذان صبح گفت، دوبار بگوید: «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ».

الفاظ اذان: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ».

و کسی که اذان می‌شنود هرچه که از مؤذن می‌شنود تکرار کند، مگر این که با شنیدن «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ وَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» می‌گوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». و موقعی مؤذن در نماز صبح می‌گوید: «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ». شنونده می‌گوید: «صَدَقَتْ وَ بَرَزَتْ»: راست گفتی و نیوکار شدی. گفته شده بگوید: صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ. و مستحب است که مؤذن خوش‌آواز و امین و محل اعتماد و باخبر از اوقات نماز باشد. و مستحب است که در اذان و اقامه با وضو باشد، و بدون وضو اذان و اقامه مکروه است، و رو به قبله اذان بگوید، و اذان و اقامه را ایستاده بگوید، اذان کافر و کودک غیر ممیز و زن روا نیست.

اگر در اذان ترجیع و تثویب نگوید، اذانش صحیح است و ترک افضل نموده است، اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض شبانه روزی دارد، خواه به تنهایی خوانده شود

یا با جماعت، برای حاضر باشد یا مسافر، برای نماز ادا باشد یا نماز قضا. اگر چند نماز فرض باهم می‌خواند برای نماز اولی اذان و اقامه هر دو بگوید، برای باقی فقط اقامه بگوید. اذان و اقامه بنابر قول معتمد هر دو سنت هستند، چه برای نماز جمعه. و اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض دارد، مثل نماز پنجگانه‌ی شبانه روزی و نماز جمعه. و در نماز عید و کسوف و خسوف و استسقاء گفته می‌شود: «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ». و در سنن نوافل دیگر گفته نمی‌شود، و در تراویح بنابر اصح اقوال «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ». گفته می‌شود.

و شرط است در اذان که بعد از دخول وقت نماز گفته شود، و برای نماز صبح درست است بعد از نیمه‌ی شب اذان صبح گفته شود، و معمولاً اذان اول نماز صبح یک ساعت قبل از دخول وقت گفته می‌شود تا کسانی که نماز تهجد می‌خوانند بعد از اذان اول بخوانند، برای این که مردم سست شده و مثل قبل همت ندارند بیش از نصف شب به نماز تهجد بپردازند، و اقامه‌ی نماز باید موقع آغاز به نماز گفته شود.

الفاظ اذان: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ». و ترجیع دو بار «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و دو بار «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» که آهسته گفته می‌شود، سپس دو بار «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و دو بار «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» به آواز بلند می‌گوید، سپس دو بار «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» و دو بار «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» می‌گوید و در نماز صبح پس از آن دو بار «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» می‌گوید، و سپس دو بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» و پس از آن یک بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌گوید. بنابراین، الفاظ اذان بدون ترجیع و تشویب پانزده کلمه است و با ترجیع نوزده کلمه و با ترجیع و تشویب بیست و یک کلمه است.

«باب ما يقول من سمع المؤذن والمقيم»

بابی است در بیان آنچه که شنونده‌ی اذان و اقامه می‌گوید

مستحب است که اذان و اقامه را می‌شنود مانند مؤذن بگوید، اما در «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» و «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و موقعی که مؤذن می‌گوید: «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ»، بگوید: «صَدَقْتَ وَبَرَرْتَ» و گفته شده، بگوید: «صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ» و موقعی که مقيم می‌گوید: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» بگوید: «أَقَامَهَا اللَّهُ وَأَدَامَهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَجَعَلَنِي مِنْ صَالِحِي أَهْلِهَا». آیا این که مؤذن که اذان می‌گوید خودش هم مثل باقی شنوندگان اذان بگوید، به نظر امام الحافظ العلامة ابن حجر هیثمی خودش مثل الفاظ اذان بگوید و بعد از «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ وَحَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید.

رسول الله ﷺ موقعی که مؤذن «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» می‌گفت، می‌فرموده است: «وَأَنَا أَشْهَدُ». یعنی من گواهی می‌دهم که رسول الله هستم. و موقعی که مؤذن می‌گوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». شنونده بگوید: «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا». و همچنین موقعی که مؤذن گفت: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، شنونده بگوید: «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا». و موقعی که شنید مؤذن می‌گوید: «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ». بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مُفْلِحِينَ».

وقتی که شنونده‌ی اذان و اقامه از گفتن مانند گفته‌ی مؤذن فارغ شد، بگوید: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مُحَمَّدًا الَّذِي وَعَدْتَهُ». پس از آن دعا نماید به آنچه می‌خواهد از امور دنیا و آخرت، ترجمه‌ی دعا: «خدایا! صاحب این دعوت کامل و صاحب این نمازی که اکنون برپا می‌شود، بده به محمد وسیله و فضیله که دو منزلت در بهشتند و او را برسان به

مقام محمود که وعده اش فرمودی». پس از دعا صلوات بر رسول الله و آل و اصحابش بفرستد.

روی البخاری و مسلم: «عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه، قال: قال رسول الله ﷺ: إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ». «رسول الله ﷺ فرمود: وقتی شنیدید که مؤذن اذان می گوید، مانند او بگویید».

«و روي مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ». «رسول الله ﷺ فرمود: وقتی که اذان را شنیدید شما مانند مؤذن بگویید، پس از آن بر من درود فرستید که هرکسی که یک بار درود بر من فرستد خدا ده بار بر او درود فرستد، آنگاه طلب وسیله نمایید برای من که وسیله منزلتی است در بهشت برای یکی از بندگان خدا و امیدوارم آن بنده ای که خدا منزلت وسیله به او عطا فرموده است من باشم».

«و روي مسلم عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. فَقَالَ أَحَدُكُمْ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ. قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ. قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ». «رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که مؤذن گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، و یکی از شما که اذان می شنود گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. پس از آن مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، یکی از شما که اذان می شنود گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. پس از آن مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، و شنونده گفت: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، و شنونده گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، و شنونده گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. پس از آن مؤذن گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، و شنونده گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. پس از آن

مؤذن گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و شنونده گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. و همه این کلمات را از دل گفت، به بهشت رسیده است. «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ»: یعنی بشتابید به سوی نماز. «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ»: یعنی بشتابید به سوی رستگاری. شنونده می گوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، یعنی نیست چاره‌ای برای دور شدن از گناه و نه نیرویی برای انجام دادن طاعت جز به کمک خدای عَلَيْهِ السَّلَامُ. مؤذن می گوید: بشتابید به سوی نماز. شنونده می گوید: ما به کمک خدای عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌شتابیم به سوی نماز، یعنی اگر کمک خدا نباشد نه دوری از گناه می‌توانیم، نه پایداری بر طاعت.

«وروی مسلم عن سعد بن أبي وقاص رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيَتْ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا. غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ.» «رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «کسی که موقعی که صدای مؤذن می‌شنود، بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيَتْ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا. گناهش بخشوده شده است.» یعنی موقع شنیدن «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و همچنین موقع شنیدن «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيَتْ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا.» گناهش آمرزیده شده است.

(فصل) اگر موقع اذان شنونده در نماز است، مانند مؤذن نگوید، بلکه وقتی که از نماز فارغ شد مؤذن را اجابت نماید. اگر در نماز مانند مؤذن گفت، گفتنش مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. و اگر موقع اذان در حال قضای حاجت است، جواب مؤذن نگوید که بر زبان آوردن کلمات اذان در آن حالت حرام است. اما اگر مشغول تلاوت قرآن یا درس علم یا مشغول تسبیح و تهلیل است، همه‌ای اینها را قطع کند و جواب مؤذن بدهد.

«باب الدعاء بعد الأذان»

بابی است در بیان این که دعا بین اذان و اقامه مستجاب می شود

«رَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

لَا يُرَدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ». رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن السني وغيرهم. قال الترمذي: حديث حسن صحيح، وزاد الترمذي في روايته: قالوا: فماذا نقول يا رسول الله؟ قَالَ: «سَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». «رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «دعای میان اذان و اقامه مستجاب است، گفتند: یا رسول الله چه دعایی بکنیم؟ فرمود: از خدا بخواهید عافیت دنیا و آخرت». کلمه‌ی عافیت به معنی دوری از ناملایمات است، طلب عافیت کردن به معنی دوری از بیماری، دوری از زشتکاری، دوری از آنچه دنیا و یا آخرت انسان را به باد می‌دهد، یعنی طلب عاقبت خیر در همه‌ی امور».

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رضي الله عنه أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤَذِّنِينَ يَفْضُلُونَنَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: قُلْ كَمَا يَقُولُونَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ فَسَلْ تُعْطَهُ». رواه أبو داود ولم يضعفه. «مردی گفت: یا رسول الله صلى الله عليه وآله! مؤذنان بر ما برتری یافته‌اند. رسول الله صلى الله عليه وآله: فرمود: هرچه مؤذن می‌گوید، بگو و وقتی که از جواب مؤذن فارغ شدی هرچه می‌خواهی از خدا بخواه که آن را به تو می‌دهند».

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ أَيْضًا فِي كِتَابِ الْجِهَادِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ثِنْتَانِ لَا تُرَدَّانِ أَوْ قَالَ تُرَدَّانِ: الدُّعَاءُ عِنْدَ النَّدَاءِ وَعِنْدَ الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا!». «کلمه‌ی يُلْحِمُ» در بعضی از روایات به حاء است، و در بعضی روایات «يُلْحِمُ» به جیم است و معنی تفاوت نمی‌کند.

رسول الله ﷺ فرمود: «دو دعای مستجاب هستند که برگشت ندارند: دعا موقعی که مؤذن اذان می گوید و دعا موقعی که مجاهدین در جهاد فی سبیل الله به جنگ تن به تن مشغولند».

«باب ما یقول بعد رکعتی الصبح»

بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبلیهی صبح می گوید

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ عَنْ أَبِي الْمَلِيحِ وَاسْمُهُ عَامِرُ بْنُ أَسَامَةَ عَنْ أَبِيهِ ﷺ أَنَّهُ صَلَّى رَكَعَتِي الْفَجْرِ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَلَّى قَرِيبًا مِنْهُ رَكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ ثُمَّ سَمِعَهُ يَقُولُ وَهُوَ جَالِسٌ: اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَمُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ! ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». «ابوالمليح عامر بن اسامه از پدرش اسامه روایت نمود که اسامه دو رکعت سنت قبلیهی صبح خواند و رسول الله ﷺ دو رکعت قبلیهی صبح نزدیک اسامه خواند، دو رکعت سبک. بعد از این که رسول الله ﷺ دو رکعت قبلیهی صبح را به پایان برد، اسامه شنید که رسول الله ﷺ می فرماید: «خدایا ای پروردگار جبرئیل و اسرافیل و میکائیل و محمد پیغمبر ﷺ پناه می برم به تو از دوزخ». و این را سه بار فرمود».

«باب ما یقول إذا انتهى إلى الصف»

بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می گوید

«رَوَيْنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ ﷺ، أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى الصَّلَاةِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي، فَقَالَ حِينَ انْتَهَى إِلَى الصَّفِّ: اللَّهُمَّ آتِنِي أَفْضَلَ مَا تُؤْتِي عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّلَاةَ، قَالَ: مَنْ الْمُتَكَلِّمُ أَنْفًا؟ قَالَ الرَّجُلُ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِذَنْ

يُعَقَّرَ جَوَادُكَ، وَكَسْتَشْهَدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». رواه النسائي وابن السني ورواه البخاري في تاريخه في ترجمة بن مسلم بن عائذ. «مردی آمد برای نماز جماعت در مسجد رسول الله ﷺ با جماعت نماز می خواند، آن مرد وقتی که به صف نماز رسید گفت: خدا یا به من بده بهترین چیزی که به بندگان صالح و شایسته کار خودت می دهی. رسول الله ﷺ وقتی که سلام نماز گفت فرمود: «چه کسی الآن سخن گفت؟» آن مرد گفت: من بودم یا رسول الله، رسول الله ﷺ فرمود: بنابراین، اسبت پی می شود و خود در جهاد فی سبیل الله شهید می شوی». یعنی بهترین چیزی که خدا به صالحان می دهد شهادت فی سبیل الله است.

«باب ما يقوله عند أرادته القيام إلى الصلاة»

بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می گوید

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ أَنَّهَا قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، دُلَّنِي عَنْ عَمَلٍ يَأْجُرُنِي اللَّهُ بِكَ عَلَيْهِ. قَالَ: «يَا أُمَّ رَافِعٍ، إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَسَبِّحِي اللَّهَ تَعَالَى عَشْرًا وَهَلِّبِي عَشْرًا وَاحْمَدِيهِ عَشْرًا وَكَبِّرِيهِ عَشْرًا وَأَسْتَغْفِرِيهِ عَشْرًا فَإِنَّكَ إِذَا سَبَّحْتِ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا هَلَّلْتِ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا حَمَدْتِ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا كَبَّرْتِ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا اسْتَغْفَرْتِ قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ». «ام رافع رضي الله عنها عرض کرد: یا رسول الله! مرا راهنمایی فرما به سوی عملی که خدا بر آن عمل مرا ثواب دهد. رسول الله ﷺ فرمود: وقتی که خواستی برای نماز برخیزی، ده بار سبحان الله و ده بار لا إله إلا الله و ده بار الله اکبر و ده بار أستغفر الله بگو، برای این که وقتی سبحان الله گفתי، خدا می فرماید: برای من تسبیح گفت و وقتی که لا إله إلا الله گفתי، خدا می فرماید: برای من تهلیل گفت، و وقتی که الله اکبر گفתי، خدا می فرماید: برای من تکبیر گفت، و وقتی که استغفر الله گفתי، خدا می فرماید: مغفرت و آمرزشت را انجام دادم».

«باب الدعاء عند الإقامة»

بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته

می‌شود

«رَوَى الإمامُ الشافعي بإسناده في الأمِّ! حديثاً مُرْسَلاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أُظْلِمُوا اسْتِجَابَةَ الدَّعَاءِ عِنْدَ التَّقَاءِ الْجُبُوشِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَنُزُولِ الْعَيْثِ! وقال الشافعي وقد حَفِظْتُ عن غير واحدٍ طلبَ الإجابةِ عند نزولِ الغيثِ وإقامةِ الصلاةِ». «امام شافعی رحمته به اسناد خود در کتاب عظیم «ام» حدیث مرسلی روایت نمود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «طلب اجابت دعا نماید موقعی که مجاهدین اسلام با دشمنان‌شان در جهاد فی سبیل الله به هم می‌رسند و موقع اقامه‌ی نماز فرض و موقع آمدن باران». امام شافعی رحمته فرمود: از بسیاری از علما روایت دارم طلب اجابت دعا موقع آمدن باران و موقع اقامه‌ی نماز فرض».

«باب ما يقوله إذا دخل الصلاة»

بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید

امام نووی رحمته علیه فرمود: این بابی است بسیار وسیع و در آن احادیث بسیار در انواع متعدد آمده است و فرع‌های بسیاری از آن در کتب فقه آمده است، و من در اینجا اصول و مقاصد این باب را بدون ذکر دلایل آن می‌آورم برای این که این کتاب برای ذکر دلایل نیست، بلکه برای بیان مطالبی است که به آن عمل شود.

«باب تکبيرة الإحرام»

بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم

بدان که نماز صحیح نمی‌شود مگر به تکبيرة الإحرام، چه نماز فرض باشد و چه نماز سنت. و تکبيرة الإحرام نزد امام شافعی و بیشتر علما جزئی از نماز و رکنی از ارکان نماز است. و نزد امام ابوحنیفه شرطی از شروط نماز است و از خود نماز نیست. و بدان که لفظ تکبیر به «الله اکبر» یا «الله اکبر» حاصل می‌شود. نزد امام شافعی و امام ابوحنیفه و نزد امام مالک رحمهم الله به «الله الأكبر» بسته نمی‌شود. بنابراین احتیاط واجب، گفتن «الله اکبر» است، چنانچه بگوید: «الله العظیم یا الله المتعال اکبر یا الله اعظم یا الله اعلم یا الله اعز»، نمازش به این کلمات و امثال آنها نزد امام شافعی و بیشتر علما بسته نمی‌شود. اما نزد ابوحنیفه رحمته به گفتن الله اعلم یا امثال آن نماز بسته می‌شود و نمازش صحیح است.

بدان که نه تکبیر و نه غیر آن صحیح نمی‌شود مگر موقعی که آن را بر زبان بیاورد، به طوری که خودش بنشود اگر عارضی نباشد که مانع از شنیدن شود. و اگر زبانش گنگ است و قراءت نمی‌تواند، زبان خود را حرکت دهد به قدر توانایی اش و نمازش صحیح می‌شود. و بدان که قول معتمد در مذهب این است که تکبيرة الإحرام مد داده نمی‌شود، بلکه سریع آن را می‌گوید، اما باقی تکبیرات نماز مد می‌دهد تا برسد به رکن بعدی آن. اگر تکبيرة الإحرام را مد داد نمازش باطل نمی‌شود، لکن فضیلت جماعت را از دست می‌دهد، و بدان که محل مد بعد از لام الله است.

(فصل) بدان که سنت این است که امام تکبیرات نماز را بلند بگوید تا مأوم آن را بشنود، و اگر نماز به تنهایی می‌خواند به قدری بلند بگوید که خودش آن را بشنود، اگر مأوم تکبیر را بلند گفت یا امام تکبیر را آهسته گفت خلل به نماز نمی‌رساند، و باید کوشید که تکبيرة الإحرام را درست بگوید، چنان که در غیر محل مد، مد داد به طوری که اکبر را اکبار گفت، نمازش صحیح نمی‌شود.

(فصل) و بدان که نمازی که دو رکعت است در آن یازده تکبیر است و نماز سه رکعتی هفده تکبیر دارد و نماز چهار رکعتی بیست و دو تکبیر دارد. و بدان که همه‌ی این تکبیرات سنت است، اگر به عمد ترک آنها نمود یا به سهو، نمازش باطل نمی‌شود، مگر تکبیره‌ی الإحرام که باید گفته شود و بدون آن نمازش بسته نمی‌گردد.

«باب ما یقولہ بعد تکبیرة الإحرام»

بابی است در بیان آنچه بعد از تکبیرة الإحرام می‌گوید

بدان که در دعای استفتاح نماز که بعد از تکبیرة الإحرام خوانده می‌شود، احادیث بسیاری آمده است که مجموع آن احادیث مقتضی است که این کلمات را بعد از این که تکبیرة الإحرام گفت، بر زبان آورد: «اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا». «خدا بزرگ‌تر است از همه چیز و همه بزرگی به او سزاوار است و بس، و حمد و ستایش برای خداست، حمد و ستایش بی‌شمار بامداد و پسین».

﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٦﴾﴾
 [الأنعام: ۱۷۹]. ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٣﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ ط
 وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«روی خود و ذات وجودم را متوجه درگاه کسی ساختم که آسمان‌ها و زمین را آفرید و من به راه استقامت و راستی و دین اسلام هستم و من از مشرکان نیستم. یقیناً نمازم و عبادتم و زندگی و مرگم همه در راه طاعت خدایی است که پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد و من به پیروی اسلام و توحید مأمور شده‌ام و از مسلمانانم».

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي، وَأَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا، وَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ، لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا، لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ».

«خدایا تو پادشاهی، نیست معبودی بحق مگر تو. تو پروردگارم هستی و من بنده‌ات هستم، ستم به خود نمودم و اقرار کردم به گناهم، پس بیاورم برایم همه‌ی گناهم، برای این که

نمی‌آمرزد گناهان را مگر تو. و برسان مرا به بهترین اخلاق که نمی‌رساند به بهترین اخلاق مگر تو. و دور بدار از من اخلاق بد را که دور نمی‌دارد از من اخلاق بد را مگر تو».

«لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، وَإِنَّا بِكَ وَإِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ». «من اجابت فرمانت می‌کنم باری بعد از بار دیگر و سعادت همه در اختیار توست و خیر و خوشی همه در دست توست و شر سوی تو راه ندارد، من از تو ام و به سوی تو می‌آیم، پر شد برکت و بالاتر آمد مرتبهات از این که کسی آن را ادراک کند، از تو آموزش می‌خواهم و رجوع می‌کنم به سوی درگاهت».

«اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ، كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ، كَمَا يُنَقِّي الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالْمَلْحِ وَالْمَاءِ، وَالْبُرْدِ». «خدایا دور بگردان میان من و گناهانم، چنانکه دور گردانیدی میان مشرق و مغرب، خدایا مرا پاک بساز از گناهانم، چنانکه جامه‌ی سفید به شستن پاک می‌شود از چرک و کثافت. خدایا بشوی مرا از گناهانم به برف و آب و تگرگ».

همه‌ی اینها که یاد شد در حدیث صحیح از رسول الله ﷺ ثابت شده است، و شخص می‌تواند همه‌ی اینها را در افتتاح نماز بخواند و می‌تواند هر وقتی قسمتی از آنها را بخواند.

و در حدیث به روایت عایشه رضی الله عنها آمده است: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ». رواه الترمذي وأبو داود وابن ماجه بأسانيد ضعيفة. «رسول الله ﷺ موقعی که بعد از تکبیرة الإحرام نماز را افتتاح می‌نمود می‌فرمود: «تنزیه می‌گویم ای خدا که تو پاکی از هر عیب و نقص و من به حمد و ستایش مشغولم، پر شد برکت نام مقدست و برتر آمد عظمتت و نیست معبودی بحق مگر تو». و این حدیث از رسول الله ﷺ به ثبوت نرسیده و به گفته‌ی بیهقی به روایت از عمر رضی الله عنه از گفته‌ی او به ثبوت رسیده است.

و کلمه‌ی: «وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ». مذهب اهل حق از محدثین و فقها و متکلمین از صحابه و تابعین و بعدشان از علمای مسلمین این است که خیر آنها و شر آنها و نفع آنها و ضرر آنها همه از خداست و به اراده و تقدیر اوست. بنابراین، به تأویل این حدیث پرداخته‌اند، نصر بن شمیم گفته است که معنی «وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ». این است که

نمی‌توان با شر به درگاهت تقرب جست و شر انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند، و دوم این که شر به درگاهت راه ندارد: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ». خوبی‌ها به درگاه او بالا می‌رود، اما شر به درگاهش راه ندارد. سوم این که نسبت شر از جهت ادب به خداوند داده نمی‌شود و گفته نمی‌شود یا خالق الشر و گفته نمی‌شود یا خالق الخنازیر اگرچه مخلوق او هستند. چهارم این که شر به نسبت حکمتت شر نیست، مثل ابلیس که خلقت شده تا ناشایسته‌ها را به آن لعین نسبت دهند. والله أعلم وصلي الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) آنچه از افتتاحیه نماز یاد شد از دعا و توحید جمع بین آنها برای کسی که به تنهایی نماز می‌خواند مستحب است، و برای امام در صورتی مستحب است که همه‌ی جماعت راضی باشند به طولانی‌شدن نماز، اما اگر راضی نبودند، نمی‌تواند طول بدهد و باید بعضی از آنها را بخواند و خوب است اکتفا کردن بر: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ... تَا وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ». و این دعای افتتاح در نماز فرض و سنت هر دو مستحب است، اگر در آغاز رکعت اول نخواند در رکعات بعدی نمی‌خواند، برای این که محل آن آغاز رکعت اولی است، اگر دعای افتتاح نخواند و شروع به أعوذ بالله و قراءت فاتحه نمود دعای افتتاح نمی‌خواند و اگر خواند مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. اگر به نماز جماعت در رکوع یا اعتدال یا سجود یا تشهد رسید دعای افتتاح نخواند، و شخص مسبوق در قیام می‌تواند دعای افتتاح را بخواند به شرط آن که به خواندن فاتحه برسد و چنانچه بداند که اگر دعای افتتاح را بخواند امام به رکوع می‌رود و به فاتحه نمی‌رسد آن را نخواند، خواندن دعای افتتاح در تمام نمازها سنت است و اگر نخواند سجود سهو ندارد، فقط در نماز جنازه دعای افتتاح سنت نیست، برای این که مبنای نماز جنازه بر تخفیف است. والله أعلم. و دعای افتتاح آهسته خوانده می‌شود.

«باب التعوذ بعد دعاء الاستفتاح»

بابی است در بیان أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بعد از

دعای استفتاح

بدان که بعد از خواندن دعای استفتاح، سنت است أعوذ بالله من الشیطان الرجیم را گفتن، و این أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن سنت است نزد جمهور علما. بنابراین، قول خداوند متعال:

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ [النحل: ۹۸].

معنای آن نزد جمهور علما: «إِذَا أَرَدْتَ الْقِرَاءَةَ فَاسْتَعِذْ» (وقتی که قصد قرائت قرآن نمودی به خدا پناه ببر از شر شیطان لعنت شده).

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَةَ وَغَيْرِهَا: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ مِنْ نَفْخِهِ وَنَفْثِهِ وَهَمْزِهِ». «رسول الله ﷺ قبل از خواندن سوره‌ی فاتحه فرمود: «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم»، پناه می‌برم به خدا از شر شیطان لعنت شده، از شر جنون آوردنش و تکبر آوردنش و شعر نامناسب بر زبان آوردنش». نفخه: جنون آوردنش. نفثه: تکبر آوردنش. همزه: شعر نامناسب آوردنش.

(فصل) بدان که گفتن أعوذ بالله تا آخر مستحب است و واجب نیست؛ اگر نگفت گنہکار نمی‌شود و نمازش باطل نمی‌شود و سجود سهو نمی‌خواهد. اعوذ بالله گفتن در همه‌ی نمازها مستحب است، حتی در نماز جنازه هم گفتنش مستحب است، و سنت بودن «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» قبل از قرائت قرآن در نماز و در خارج از نماز به اجماع علما ثابت است.

(فصل) أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن در رکعت اولی به اتفاق علما مستحب است، و همچنین در رکعات باقی مستحب است، اگر در رکعت اولی أعوذ بالله نگفت در رکعت بعدی بگوید. بنابراین، أعوذ بالله تا آخر در همه رکعت‌های نماز مستحب است، و در رکعت اولی مؤکدتر است، و أعوذ بالله من الشیطان الرجیم آهسته بگوید و اگرچه

نماز جهریه باشد. ابوهریره رضی اللہ عنہ أعوذ بالله را بلند می خواند. و ابن عمر رضی اللہ عنہما أعوذ بالله را آهسته می خواند و معتمد همین است.

«باب القراءة بعد التعوذ»

بابی است در بیان خواندن سوره ی فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله

من الشیطان الرجیم

بدان که قراءت در نماز واجب است به اجماع و دلایل آن بسیار است، و مذهب ما و جمهور علما این است که قراءت سوره ی فاتحه در نماز واجب است و چیزی جز آن جایز را نمی گیرد، اگر توانایی بر قراءت فاتحه داشته باشد، به دلیل حدیث صحیح:

«أن رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم قال: لا تُجْزَى صَلَاةٌ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ». رواه ابن خزيمة وابن حبان في صحيحيهما بالإسناد الصحيح وحكما بصحته. «كفايت نمی کند نمازی که در آن سوره ی فاتحه خوانده نشود».

وفي الصحيحين «عن رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم: لا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ». در صحیح بخاری و مسلم است که رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: «نماز صحیح نمی شود مگر به خواندن سوره ی فاتحه در آن».

و واجب است خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» و آن آیه ی کاملی است در اول سوره ی فاتحه. و واجب است رعایت تشدیدهای فاتحه و آن چهارده تشدید است، سه تا در «بسم الله الرحمن الرحيم» و باقی در بقیه ی سوره که اگر تشدید را رعایت نکند نمازش صحیح نمی شود و باید آیه های سوره ی فاتحه را به ترتیب بخواند و معذور دانسته می شود، در سکوت کردن در اثنای فاتحه که به قدر نفس کشیدن باشد، و به ترتیب و موالات خواندن آیه های سوره فاتحه واجب است، اگر مأموم در اثنای قراءت فاتحه بود که امام به سجود تلاوت رفت و مأموم هم با امام به سجود تلاوت رفت، بعد که از سجود تلاوت فارغ شد فاتحه را تکمیل نماید و فاصله ای که در میان آمده اشکالی ندارد.

(فصل) اگر در قراءت لحن آمد، چنانکه لحنی است که معنی را تغییر می دهد آن لحن مبطل نماز است، مثلاً می گوید: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ بضم» تاء یا بکسر تاء، این لحن نماز را باطل می کند و همچنین: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» به کسر کاف نماز را باطل می کند.

اما اگر لحنی است که معنی را تغییر نمی دهد، مثل: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بضم باء رب یا «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» به کسر نون که معنی را تغییر نمی دهد، نماز را باطل نمی کند و اگر به جای «وَلَا الضَّالِّينَ» گفت: «وَلَا الظَّالِمِينَ» نمازش باطل می شود، مگر در صورتی که زبانش تلفظ صحیح ضاد نمی تواند که قراءتش برای خودش صحیح است، اما حق امامت ندارد.

(فصل) اگر کسی فاتحه را نمی داند از آیات دیگر قرآن به قدر سوره ی فاتحه بخواند، و یادگرفتن خواندن صحیح سوره ی فاتحه بر او واجب است، و اگر از قرآن چیزی نمی داند از اذکار، مثل تسبیح و تهلیل به قدر آیات فاتحه بخواند و یادگرفتن فاتحه بر او واجب است و نمی تواند فاتحه را به عجمی بخواند و باید به جای فاتحه از آیات دیگر و در صورت عجز از آیات دیگر از اذکار به قدر فاتحه بخواند و یادگرفتن سوره ی فاتحه بر او واجب است و اگر می توانسته است فاتحه را بیاموزد و نیاموخته است، وقتی که فاتحه را آموخت نمازهایی که بدون فاتحه خوانده است اعاده می نماید. کسی که گنگ است اگر زبان را حرکت بدهد برای او کافی است، علی کل حال نماز را باید خواند.

(فصل) بعد از فاتحه سنت است خواندن سوره ای یا بعضی از سوره و این خواندن سوره بعد از فاتحه سنت است، اگر نخواند نمازش صحیح است و سجود سهو نمی خواهد، و خواندن یک سوره ی کوچک بهتر است از خواندن چند آیه به قدر سوره ی کوچک. بعد از فاتحه در همه ی نمازهای فرض و سنت سوره خوانده می شود، اما در نماز جنازه خواندن سوره بعد از فاتحه سنت نیست، برای این بنای نماز جنازه بر تخفیف است، و سوره های قرآن باید به ترتیبی که در قرآن است خوانده شود نه این که سوره ی بعد، قبل خوانده شود و سوره ی قبل، بعد خوانده شود. و سنت است در نماز صبح و ظهر خواندن طوال مفصل که از سوره ی حجرات تا عمّ می باشد و در نماز عصر و عشاء، اوساط مفصل که از عمّ تا والضحی می باشد. و در نماز مغرب قصار مفصل

که از والضحی تا آخر قرآن است. و سنت است در نماز صبح و روز جمعه خواندن سوره‌ی سجده و انسان. و در نماز جمعه، سوره‌ی جمعه و منافقین و یا اعلی و غاشیه. و در نماز عید و نماز استسقاء سوره‌ی ق و قمر و یا اعلی و غاشیه و در نماز مغرب شب جمعه، کافرون و إخلاص. و در نماز وتر در رکعت اولی اعلی و رکعت دومی کافرون و در رکت سومی إخلاص و فلق و ناس سنت است، و همه‌ی این سوره‌ها کامل خواندن آنها سنت است، نه خواندن بعضی از آنها. و در دو رکعت قبله‌ی نماز صبح در رکعت اولی آیه‌ی: ﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا...﴾ [البقرة: ۱۳۶]. و در رکعت دومی آیه‌ی: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...﴾ [آل عمران: ۶۴]. و یا سوره‌ی کافرون در رکعت اولی و سوره‌ی إخلاص در رکعت دومی سنت است، و بعضی گفته‌اند: در رکعت اولی سوره‌ی شرح و در دومی سوره‌ی فیل. والله أعلم.

(فصل) اگر سوره‌ی جمعه در رکعت اولی نماز فراموش کرد سوره‌ی جمعه و منافقین هردو را در رکعت دوم بخواند، و همچنین در نماز عید و نماز وتر و غیره. و اگر در رکعت اولی نماز جمعه سوره‌ی منافقون خواند در رکعت دوم سوره‌ی جمعه بخواند و سوره‌ی منافقون تکرار نکند. دلایل همه‌ی این‌ها را امام نووی رحمته در کتاب مجموع شرح مذهب آورده است.

(فصل) در صحیح بخاری و مسلم ثابت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله رکعت اولی را طولانی‌تر از رکعت دوم می‌خوانده‌اند، و سنت همین است که رکعت اولی طولانی‌تر از رکعت دومی باشد.

(فصل) اجماع علما بر این است که دو رکعت نماز صبح و دو رکعت اولی نماز مغرب و عشا و دو رکعت نماز جمعه و نماز عیدین و نماز تراویح و نماز استسقاء و نماز خسوف ماه همه‌ی این‌ها به جهر خوانده می‌شود، و نماز ظهر و عصر و دو رکعت آخری نماز عشا و یک رکعت آخری نماز مغرب و نماز کسوف آفتاب همه‌ی این‌ها آهسته خوانده می‌شود، و در نمازی که آهسته خوانده می‌شود حتماً باید خودش خواندن آن را بشنود، و اگر نماز روز در شب قضا نمود و نماز شب در روز قضا کرد معتبر در آن، وقت قضای آن است. و نماز سنت شب، مثل تهجد میان جهر و اسرار (نه بلند و نه آهسته) خوانده می‌شود.

(فصل) علمای مذهب ما گفته‌اند که برای امام در نماز جهریه چهار سکوت مستحب است: میان تکبیره الإحرام و دعای استفتاح، و میان فاتحه و سوره، و میان آخر فاتحه و گفتن آمین. بعد از آمین امام سکوت طولانی می‌کند تا ماموم فاتحه را کاملاً بخواند، و میان سوره و رکوع.

(فصل) وقتی که از قراءت فاتحه فارغ شد، سنت است بگوید: آمین. و این آمین گفتن بعد از قراءت فاتحه چه در نماز و چه بیرون از نماز سنت است، در آمین چهار لغت است: آمین. آمین به اماله‌ی میم. آمین به تشدید میم، و بهتر همان آمین است. و آمین گفتن بعد از پایان فاتحه برای امام و منفرد و ماموم مستحب است، و مستحب است که آمین گفتن ماموم همراه آمین گفتن امام باشد، و این تنها محلی است که امام و ماموم باهم آمین می‌گویند و در غیر آن همیشه باید اقوال و افعال ماموم بعد از امام باشد.

(فصل) سنت است برای هرکسی که قرآن می‌خواند وقتی به آیه‌ی رحمت رسید، مثل: ﴿رَحِمَتْ اللَّهُ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الأعراف: ۵۶]. بگوید: «اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ». و هرگاه به آیه‌ی عذاب رسید، مثل: ﴿إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ [النساء: ۱۰۲]. بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ». و وقتی که خواند: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾ [التين: ۸]. بگوید: «بَلَىٰ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ». و وقتی که خواند: ﴿أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُجِئِيَ الْمَوْتَىٰ﴾ [القيامة: ۴۰]. بگوید: «بَلَىٰ أَشْهَدُ». و وقتی که خواند: ﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾ بگوید: «أَمَّا بِاللَّهِ». و وقتی که خواند: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ [الملك: ۳۰]. بگوید: «اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». و وقتی که خواند: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَىٰ﴾ [الأعلى: ۱]. بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ». و بر این قیاس.

«باب أذکار الركوع»

بابی است در بیان اذکار رکوع

احادیث صحیح بسیاری به ثبوت رسیده‌اند که رسول الله ﷺ برای رفتن رکوع می‌فرمود: الله اکبر و آن را تا رسیدن به رکوع طول می‌داد، این تکبیر رکوع و دیگر تکبیرهای نماز همه سنت هستند، اگر ترک نمود مرتکب مکروه تنزیهی شده است، نه نمازش باطل می‌شود و نه سجود سهو می‌خواهد. فقط تکبیره الإحرام فرض است و بدون آن نماز منعقد نمی‌گردد، و از امام احمد رحمته روایتی است که تکبیرات نماز همه واجب هستند.

(فصل) وقتی که به حد رکوع رسید، سنت است که بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ». سه بار. اما خود رسول الله ﷺ بعضی اوقات در نماز شب به اندازه‌ی خواندن سوره‌ی بقره و آل عمران و نساء «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ». را تکرار می‌فرموده‌اند، چنان که در صحیح مسلم به روایت حذیفه بن الیمان رضی الله عنه و نیز در سنن ابوداود و غیره آمده است که رسول الله ﷺ فرمود:

«إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، ثَلَاثًا فَقَدْ تَمَّ رُكُوعُهُ». «وقتی یکی از شما در رکوع سه بار گفت: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ رکوعش کامل شده است».

«وثبت في الصحيحين عن عائشة رضی الله عنها أن رسول الله ﷺ كان يقول في ركوعه وسجوده: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». «رسول الله ﷺ در رکوع و سجودش می‌فرمود: خدایا تنزیه می‌گویم و به حمد تو مشغولم، خدایا ای پروردگار ما بیامرز مرا».

«وثبت في صحيح مسلم عن علي رضی الله عنه أن النبي ﷺ كان إذا ركع يقول: اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعْتُ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَمَخِي وَعَظْمِي وَعَصْبِي». «رسول الله ﷺ موقعی که به رکوع می‌رفت می‌فرمود: خدایا برای تو رکوع نمودم و به تو

ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، به خشوع و طاعت تو آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و استخوانم و اعصابم».

وجاء في كتب السنن: «خَشَعَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَمُخِّي وَعَظْمِي وَمَا اسْتَفَلَّتْ بِهِ قَدَمِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». رسول الله ﷺ در رکوع می فرمود: «خدایا برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، به فروتنی و طاعت آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و استخوانم و آنچه پایم آن را حمل می کند به طاعت آمد برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَيْلَةً، فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ، لَا يَمُرُّ بِآيَةِ رَحْمَةٍ إِلَّا وَقَفَ وَسَأَلَ، وَلَا يَمُرُّ بِآيَةِ عَذَابٍ إِلَّا وَقَفَ وَتَعَوَّذَ، قَالَ: ثُمَّ رَكَعَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ، يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: سُبْحَانَ ذِي الْجَبْرُوتِ وَالْمَلَكَوتِ وَالْكَبرِيَاءِ وَالْعَظْمَةِ! ثُمَّ قَالَ فِي سُجُودِهِ مِثْلَ ذَلِكَ». هذا صحيح، رواه أبو داود والنسائي في سننهما والترمذي في كتاب الشمائل بأسانيد صحيحة. «عوف بن مالك گفت: شبی با رسول الله ﷺ به نماز ایستادم، آنگاه سوره ی بقره را خواند، به هر آیه ی رحمتی که می رسید می ایستاد و طلب رحمت می نمود و به هر آیه ی عذابی که می رسید می ایستاد و پناه می برد بر خدا از عذاب او. آنگاه به رکوع رفت و آن را طولانی کرد به قدر قیام که سوره ی بقره در آن خوانده بود و در رکوع می فرمود: «منزه و پاک است خدایی که اجبار همه ی کاینات در دست اوست». مُلک و ملکوت برای اوست، پادشاهی جهان و فرمانروایی معنوی بر همه ی جهانیان و کبریا و بزرگی همه برای اوست، سپس در سجودش نیز همانند آن را می خواند».

«وُثِبَ فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ».

«رسول الله ﷺ در رکوع و سجود می فرمود: پروردگار فرشتگان و جبرئیل بسیار پاک و منزه و مقدس است». «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ» بضم اول، و بفتح اول «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ» هردو آمده است و مشهورتر به ضم اول است.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظَّمُوا فِيهِ الرَّبَّ». «رسول الله ﷺ فرمود: اما رکوع: در آن تعظیم پروردگار به جا آورید». بنابراین، هر لفظی که تعظیم پروردگار در آن باشد کافی است، و بهتر است

جمع نمودن میان این اذکار، اگر جمع نمی‌نماید هر وقتی قسمتی از این اذکار را در رکوع بخواند، و اگر بخواهد کمترین حد کمال را به جا آورد سه بار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» کافی است، و این اذکار رکوع همه سنت است و واجب نیست، اگر تسبیح رکوع را به جا نیاورد، نماز صحیح است و سجود سهو نمی‌خواهد. و امام احمد و جماعتی گفته‌اند: تسبیح رکوع واجب است. بنابراین، رعایت اقوال علما و ترک نکردن تسبیح بهتر است.

(فصل) مکروه است قراءت قرآن در رکوع و سجود، و بعضی از علمای مذهب ما گفته‌اند: قراءت قرآن در رکوع و سجود مبطل نماز است.

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَهَانِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقْرَأَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا».

«علیؑ فرمود: رسول الله ﷺ مرا منع فرمود از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضًا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: أَلَا وَإِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا».

«رسول الله ﷺ فرمود: آگاه باشید که منع شده ام از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

«باب ما يقوله في رفع رأسه من الركوع وفي اعتداله»

بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از رکوع و در حال

اعتدال می‌گوید

سنت این است که موقع بالا آوردن سر از رکوع بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». «خدا ستایش کسی که او را ستایش گفت شنید». اگر بگوید: «مَنْ حَمِدَ اللَّهُ سَمِعَ اللَّهُ لَهُ». «کسی که ستایش خدا را به جا آورد، خدا می‌شنود ستایش او را». هم جایز است. چنان که امام شافعی در کتاب گرانقدر «أم» تصریح به جواز آن نموده است، وقتی که به اعتدال آمد و راست ایستاد، می‌گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». «ای پروردگار ما و برای تو است ستایش».

«رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ». و «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». بدون واو و با واو هردو روایت شده است و هردو خوب است، موقع سر بالا آوردن از رکوع می گوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». وقتی که راست ایستاد، می گوید: «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، مِلْءَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ، وَمِلْءَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلَ الثَّنَائِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُنَّا لَكَ عَبْدًا، لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجُدُّ». «ای پروردگار ما برای توست ستایش، ستایش بسیار، ستایش پاک، ستایش پربرکت، ستایشی به پری آسمانها و پری زمینها و پر میان آن دو و پری آنچه بخواهی بعد از آنها. ای شایسته‌ی سپاس و عظمت. شایسته‌تر از گفتار بندگان، و ما همه بنده‌ی تو هستیم، نیست منع‌کننده‌ای از آنچه تو عطا فرمایی، و نیست دهنده‌ای از آنچه تو منع فرمایی. و بی‌نیاز، توانگر را به جای تو سود نمی‌دهد».

«وَرَوَيْتَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ رِفَاعَةَ بِنِ الرَّزْقِيِّ رضي الله عنه قَالَ كُنَّا يَوْمًا نُصَلِّي وَرَاءَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ! قَالَ رَجُلٌ وَرَاءَهُ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ مِنَ الْمُتَكَلِّمِ! قَالَ أَنَا. قَالَ رَأَيْتَ بِضْعَةَ وَثَلَاثِينَ مَلَكًا يَبْتَدِرُونَهَا، أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلًا». «رفاعه رضي الله عنه گفت: روزی پشت سر رسول الله صلى الله عليه وآله نماز می‌خواندم وقتی که رسول الله صلى الله عليه وآله سر از رکوع بالا آورد فرمود: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». مردی که پشت سر رسول الله صلى الله عليه وآله بود، گفت: «حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ». وقتی که رسول الله صلى الله عليه وآله سلام نماز گفت: فرمود: «چه کسی این کلمات را گفت؟» آن مرد گفت: من گفتم: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «سی و چند ملائکه را دیدم که شتاب می‌کردند به‌سوی آن تا ببینند کدام یک زودتر آن را می‌نویسد».

(فصل) بدان که مستحب است جمع‌نمودن بین این اذکار اعتدال که یاد شد، اگر بخواهد اکتفا نماید به بعضی از آن اذکار، پس اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ». اگر می‌خواهد بیش از حد مختصر نماید، اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» که از این مختصرتر نیست، همه‌ی این اذکار برای امام و مأموم و منفرد مستحب است، جز این که امام همه‌ی آنها را جمع نمی‌کند، مگر در صورتی که بداند

همه‌ی مأمومین به طولانی‌شدن نماز راضی هستند، و قراءت قرآن در اعتدال مکروه است، همانگونه که قراءت قرآن در رکوع و سجود مکروه است. والله أعلم.

«باب أذکار السجود»

بابی است در بیان أذکار سجود

وقتی که از اذکار اعتدال فارغ شد، الله اکبر می‌گوید برای رفتن به سجود، و این الله اکبر را می‌کشد تا پیشانیش را برای سجود بر زمین نهد، و گفتیم که این تکبیر رفتن به سجود مثل همه‌ی تکبیرهای نماز سنت است، اگر نگوید نمازش باطل نمی‌شود و سجود سهو نمی‌خواهد، وقتی که به سجود رفت اذکار سجود را به جا می‌آورد، و اذکار سجود بسیار است، از آن جمله است:

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبَخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَكْثُرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

«عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گوید که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رکوع و سجود نماز بسیار می‌فرمود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». تنزیه تو می‌گویم خدایا، ای پروردگار ما و به ستایش تو مشغولم، خدایا بیامرزمرا».

و پیشتر در باب رکوع یاد کردیم که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رکوع و سجودش می‌فرمود: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ». رواه مسلم.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضاً عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا سَجَدَ قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

«رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی که به سجود می‌رفت می‌فرمود: «خدایا برای تو سجود کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، روی من سجود کرد برای خدایی که او را آفرید و صورت بندی اش فرمود و شکافت شنوایی اش و بینایی اش را. پربرکت است خیر خدایی که بهترین آفرینندگان است».

در فصل رکوع حدیثی آوردیم از اصحاب السنن به روایت از عوف بن مالک رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله در رکوع طولانی خود می فرمود: «سُبْحَانَ ذِي الْجَبْرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكَبرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ». و در کتابهای سنن آورده اند که رسول الله صلی الله علیه و آله موقعی که سجود می کرد می فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى». سه بار. و در روایت ابن حبان: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ». سه بار. و در صحیح مسلم به روایت از عایشه که شبی به جستجوی رسول الله صلی الله علیه و آله برخاستم، دیدم در مسجد در حال سجود است و می فرماید: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخِطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ». «خدایا پناه می برم به خشنودی ات از خشمت و به عافیتت از عقوبتت، و پناه می برم به تو از عذاب تو، نمی توانم ثنای تو را بشمارم، تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت فرمودی».

و در صحیح مسلم به روایت از ابن عباس رضی الله عنهما: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعِظْمُوا فِيهِ الرَّبَّ عز وجل وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِنُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اما رکوع شما تعظیم خدا را در آن به جا آورید، و اما سجود کوشش کنید در دعا کردن که شایسته است که دعایتان در سجود مستجاب شود». بنابراین، در سجود بسیار دعا کنید.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: نزدیک ترین حالت بنده به پروردگار موقعی است که در سجود است. بنابراین، در سجود بسیار دعا کنید».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَنَّ أَبِي هُرَيْرَةَ أَيْضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ يَقُولُ فِي سَجُودِهِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّةً وَجِلَّةً وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ». «رسول الله صلی الله علیه و آله در سجودش می فرمود: «خدایا بیامرز گناهام همه اش، اندک و بسیار آن و اول و آخر آن و آشکار و نهانی آن» کسی که می تواند همه ی این اذکار را در سجود بخواند و کسی که نمی تواند آنها را در اوقات متعدد بخواند. والله أعلم».

(فصل) علما اختلاف دارند که طول دادن به قیام نماز بهتر است یا بسیاری رکوع و سجود بهتر است. امام شافعی فرموده است که طول دادن به قیام بهتر است، برای این که

در قیام نماز، خواندن قرآن است و در رکوع و سجود، تسبیح و تهلیل است و قراءت قرآن از تسبیح و تهلیل بهتر است و دلیل‌شان حدیث صحیح مسلم است که رسول الله ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ الصَّلَاةِ طُولُ الْقُنُوتِ». یعنی «بهترین رکنی که در نماز طول داده می‌شود، قیام در نماز است». و معنی طول القنوت: طول القیام است، و بعضی از علما گفته‌اند: بسیاری سجود و رکوع بهتر است، برای این که رسول الله ﷺ فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ». «نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگارش موقعی است که سر به سجود نهاده است». و امام اسحاق بن راهویه فرمود: در شب طولانی بودن قیام بهتر است و در روز بسیاری رکوع و سجود بهتر است، برای این که نمازهایی که رسول الله ﷺ در شب می‌خواند، روایات دال بر طولانی بودن قیام آن آمده است، و نمازهایی که در روز خوانده‌اند ذکری از طولانی بودن آن نیامده است.

(فصل) وقتی که به سجود تلاوت می‌رود، بگوید آنچه را که در سجود نماز یاد شد، و مستحب است که در سجود تلاوت بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَأَعْظِمْ لِي بِهَا أَجْرًا وَضَعْ عَنِّي بِهَا وَزْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ». «خدایا این سجود تلاوت را برایم نزد خودت ذخیره‌ای قرار ده و با آن ثوابی برایم بزرگ گردان و با آن از من بینداز گناهی و این سجود را از من قبول فرما، چنانکه از بندهات داود علیہ السلام پذیرفتی». و مستحب است در سجود تلاوت بگوییم: ﴿سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا﴾ [الإسراء: ۱۰۸]. «منزه است پروردگار ما و به حقیقت وعده‌ی پروردگار ما انجام گرفته است».

«وَرَوَيْنَا فِي السَّنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِي وَالنَّسَائِي عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي سَجْدِ الْقُرْآنِ: سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ. قَالَ التِّرْمِذِي حَدِيثٌ صَحِيحٌ زَادَ الْحَاكِمُ: فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ!». قال هذه الزيادة صحيحة على شرط الشيخين وأما قوله: اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا إِلَى آخِرِهِ». فرواه الترمذي مرفوعاً من رواية ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمُ. بإسناد حسن. وقال الحاكم: حديث صحيح.

«باب ما يقول في رفع رأسه من السجود وفي الجلوس بين السجدين»

بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن میان دو سجود می‌گوید

سنت این است که سر را که از سجود اول بلند کرد، بگوید: «الله اکبر» و تکبیر را بکشد تا این که راست بنشیند و میان دو سجود بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». چنانکه در حدیث حدیفه به روایت ابی داود و ترمذی و نسائی و بیهقی و غیره در آن حدیث طولانی آمده است: «وكان يقول بين السجدين: رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». و در روایت بیهقی از ابن عباس رضی الله عنهما: «وكان إذا رفع رأسه من السجدة قال: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَأَجْبِرْنِي وَارْفَعْنِي وَارْزُقْنِي وَأَهْدِنِي!». و فی روایت ابی داود وَعَافِنِي». و اسناده حسن. والله أعلم.

(فصل) وقتی که سجود دومی نمود در آن همان بگوید که در سجود اولی گفتیم، وقتی که سر از سجود دوم بالا آورد تا به رکعت دوم آید پیش از بلندشدن یک نشستن کوتاهی به عنوان جلسه‌ی استراحت داشته باشد که در آن از حرکت آرام گیرد و سپس بلند بشود برای رکعت دوم، و در این هنگام الله اکبرگفتن را بکشد تا این که راست بایستد. یک تکبیر از سر برآوردن از سجود تا راست ایستادن کفایت می‌کند. و «جلسة الاستراحة» (نشستن برای استراحت) سنت است و در صحیح بخاری به ثبوت رسیده و آن بعد از هر رکعتی است که از آن برای رکعت بعدی بلند می‌شود، مثل بعد از رکعت اولی و بعد از رکعت سومی، اما بعد از رکعت دومی و بعد از رکعت چهارمی که برای تشهد می‌نشیند، و بعد از سجود تلاوت در نماز، جلسه‌ی استراحت نیست.

«باب أذكار الركعة الثانية»

بابی است در بیان اذکار رکعت دوم

رکعت دومی مانند رکعت اولی است، در گفتن اذکاری که در رکعت اولی یاد شد و نیز در خواندن فاتحه و در خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه، جز این که در این چند چیز رکعت دومی با رکعت اولی فرقی دارد: در رکعت اولی تکبیر الاحرام است که فرض می‌باشد، و در رکعت دومی تکبیر القیام است که از رکعت اولی برمی‌خیزد و به رکعت دومی می‌آید، و این تکبیر سنت است. دوم این که در رکعت اولی بعد از تکبیر الاحرام دعای استفتاح می‌خواند و در رکعت دوم دعای استفتاح نیست. سوم این که در رکعت اولی «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» گفتن بدون اختلاف نظر سنت است و در رکعت دومی در «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» گفتن اختلاف نظر است، و لیکن بنا بر قول معتمد گفتن «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» در رکعت دومی نیز است. چهارم این که قراءت سوره در رکعت دومی کمتر از قراءت در رکعت اولی است که در رکعت اولی سوره طولانی‌تر از سوره در رکعت دومی است.

«باب القنوت في الصبح»

بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخير نماز صبح

بدان که قنوت در نماز صبح سنت است به دلیل حدیث صحیح در خصوص قنوت در نماز صبح. «روى الحاكم أبو عبدالله في كتاب الأربعين عن أنس رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ لَمْ يَزَلْ يَقْنُتُ فِي الصُّبْحِ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا». قال الحاكم: حدیث صحیح. «انس رضي الله عنه که خدمتکار رسول الله صلى الله عليه وآله بود روایت می‌کند که همیشه رسول الله صلى الله عليه وآله در نماز صبح قنوت می‌خواند تا از دنیا رحلت فرمود». حاکم می‌گوید: حدیث صحیح است و امام نووی که اکبر حفاظ عصر خود است می‌گوید: حدیث صحیح است. و علمای

مذهب شافعی که نود در صد علمای حدیث از ایشان است آن را قبول کرده‌اند، اکنون در زمان ما بعضی از روی بی‌دانشی آن را قبول نمی‌کنند.

حاصل این که در مذهب شافعی قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح در همه‌ی ایام سال است، و در نیمه‌ی دوم ماه رمضان در نماز وتر از شب شانزدهم به بعد است، چنانکه حدیث صحیح آن در طبرانی آمده است، باید دانست که دو مذهب از چهار مذهب اهل سنت قنوت را در نماز صبح در همه‌ی ایام سال دانسته‌اند، امام مالک قنوت را در رکعت دوم نماز صبح قبل از رکوع می‌داند و امام شافعی بعد از رکوع. و دو مذهب دیگر قنوت را در همه‌ی ایام سال در نماز وتر دانسته‌اند: امام ابوحنیفه در رکعت سوم وتر قبل از رکوع و امام احمد بعد از رکوع. قنوت در نزد امام شافعی و امام احمد به آواز بلند خوانده می‌شود، و نزد امام مالک و امام ابوحنیفه آهسته خوانده می‌شود، قنوت نزد امام شافعی و امام احمد عبارت است از:

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ». تا اینجا دست و باقی ثناء است و عبارت است از:

«فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ، إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ». و به روایتی در ادامه‌ی آن می‌گوید: «فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ وَأَوْلَيْتَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَنُتُوبُ إِلَيْكَ، وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ».

قنوت نزد امام ابوحنیفه و امام مالک عبارت است از: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَهْدِيكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُتُوبُ إِلَيْكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْحَمْدَ كُلَّهُ نَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَخْفِدُ نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنَخْشَى عَذَابَكَ إِنَّ عَذَابَكَ الْجِدَّ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ».

تفسیر قنوت شافعیه و نابهله: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ». خدایا مرا به مطلب برسان در جمله کسانی که آنان را به مطلب رساندی، مطلب مؤمن رضای خدا و پیروی از رسول خدا و عافیت خیر در دنیا و آخرت است و غیره. «وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ». و مرا عافیت و تندرستی و دوری از ناملازمات عطا فرما در جمله کسانی که ایشان را

عاقبت دادی و از ناملایمات نگه داشتی. ناملایمات: بیماری خطرناک. از دست دادن عزیزان، شماتت دشمنان، شرمساری در روی مردمان و غیره. «وَتَوَلَّيْنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ». و کارهایم را به خودت واگذار در جمله کسانی که کارشان را به خودت واگذاشتی، مثل پیغمبران و صدیقان و صالحان، تا بتوانند وظیفه‌ی خود را انجام دهند و از شر دشمنان نگه داشته شوند و پیروزی بر دشمنان و عاقبت خیر همیشه همراهشان باشد. «وَبَارِكْ لِي فِيمَا أُعْطِيتَ». و برکت قرار بده در آنچه به من عطا فرمایی. برکت در رزق: یافتن آن از راه حلال. محفوظماندن از زوال روزی برای بهره‌مندی از آن در دنیا و آخرت، توشه‌گرفتن از آن برای آخرت و استفاده از آن برای به دست آوردن رضای خداوند. «وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ». و مرا نگه دار از شر آنچه قضا و قدرت بر آن می‌رود، تا همیشه قضا و قدرم به خیرم باشند.

در این پنج جمله همه‌ی اسباب سعادت دنیا و آخرت نهفته است: وقتی که انسان به مطالب خود رسید و ایمان صحیح یافت و اعمال صالحات نصیبش شد و عاقبت به خیر همراهش بود و از تندرستی بهره‌مند بود و از ناملایمات در حفظ و پناه خدا بود و کارهایش را همه ذات پاک حق تعالی متولی آن بود و برکت داشت آنچه خدا به او عطا فرموده است، برکت در جسم، برکت در روح، برکت در اهل، برکت در فرزند، برکت در رزق، برکت در خویشاوندان؛ و خدا او را از شر قضا و قدر نگه داشت، چه سعادت است که نیافته و چه خوشی است که از دست داده است! همه‌ی سعادت‌ها را باهم یافته است، این بود تفسیر قسمت دعا از قنوت و اکنون تفسیر قسمت ثناء از قنوت.

«فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ». به حقیقت تو فرمان می‌رانی بر همه، و نیست کسی که فرمان خود را بر تو اجرا نماید، هستی‌ها هرچه هست همه مخلوق و مملوک و مقهور تو هستند، فرمان تو بر همه مساوی و جاری است.

«إِنَّهُ لَا يَذُلُّ مَنْ وَالَيْتَ». به حقیقت خواری نخواهد دید، کسی که تو او را به دوستی گرفتی، کسی که خدا دوست اوست کجا و ذلت و خواری کجا!

«وَلَا يَعْزُّ مَنْ عَادَيْتَ». و عزت و سرافرازی نخواهد دید، کسی که تو او را دشمن گرفتی، کسی که خدا دشمن اوست کجا و عزت و سربلندی کجا!

«تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ». پر شد برکت‌هایت ای پروردگار ما و برتر آمدی از هر عیب و نقصی، اگر دیده‌ای حقیقت‌بین باشد، سراسر وجود را پر از برکت‌های خدا ببیند،

خدایی که جهان را به همه انواع نعمت‌ها آراست، آنگاه آدمی را آفرید تا از آن نعمت‌ها استفاده کند و شکر مُنعم بگوید. به قول سعدی که روحش شاد باد:

این همه نقش عجب بر در دیوار وجود هرکه شکر نکند نقش بود بر دیوار

«فَلَاكُ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ». بنابراین، ستایش‌ها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه قضا فرمودی، قضایت همه به خیر بندگان است.

«وَلَاكُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ وَأَوْلَيْتَ». «و شکرها و سپاس‌ها همه برای توست در

برابر آنچه انعام فرمودی و ارزانی داشتی».

«نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَنَتُوبُ إِلَيْكَ». برای ما بندگان و قصور در شکر بر نعمت‌هایت

راهی دیگر نیست، مگر طلب آمرزش و توفیق توبه و رو به درگاہت آوردن.

«وَوُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ». ایمان می‌آوریم به تو که بدی می‌کنیم و خوبی

می‌بینیم و ناشکری می‌کنیم و احسان می‌بینیم، ما توکل بر تو می‌کنیم که همه انعام تو را می‌بینیم.

«وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ». خدایا درود بی‌شمار و سلام

شایسته‌ی بنده‌ی برگزیده و مختارت، بر آفتاب هدایت جهان و جهانیان محمد مصطفی و آل اطهار و وصحبا اختیار و تابعان نور محمدی مستمر و روزافزون بگردان.

تفسیر قنوت حنفیه و مالکیه: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ». خدایا ما همیشه از تو کمک

می‌خواهیم و بر مدد تو اعتماد داریم، اگر کمک تو شامل حال ما شود چه کار خیری است که نتوانیم و اگر مدد تو نباشد چه کاری است که بتوانیم از عهده‌ی آن برآیم؟

«وَكَسْتَهْدِيكَ». و از تو خواهان گرفتن راه راست هستیم، اگر هدایت تو باشد به راه

راست می‌رسیم و از استقامت بر آن بهره‌مند می‌گردیم و از انحراف از آن نگه داشته می‌شویم، ما همه بندگانیم و بنده‌ای که مملوک و مقهور فرمان تو است، اگر معونت و هدایت تو نباشد هیچگاه نه راه راست می‌یابد و نه به مطلب می‌رسد.

«وَكَسْتَعْفِرُكَ». و از تو طلب آمرزش داریم، ما بندگان از فرق سر تا کف پایمان همه

قصور است و تقصیر، و این آمرزش توست که تقصیرات ما را می‌پوشاند و اگر آمرزش حاصل شد تاج افتخار و عبودیت بر تارک ما می‌درخشد و اگر آمرزش تو نباشد ما غریق

گناهان نه روی خواهش برایمان می‌ماند و نه زبان اعتذار.

«وَتَتُوبُ إِلَيْكَ». و توبه می‌نماییم از همه‌ی خطاهایمان و رو به درگاه تو می‌نهیم که تو اب رحیم تویی، توفیق توبه می‌دهی و قبول توبه می‌فرمایی.

«وَتُؤْمِنُ بِكَ وَتَتَوَكَّلُ عَلَيْنَا». و ایمان آوردیم که خالق ما و رازق ما و حافظ ما و مددکار ما فقط تو هستی و بس، ایمان ما را وادار می‌کند تا در همه کار بر تو توکل نماییم و از توکل بر تو و گرفتن راه پیغمبرت به حصول رضایت شاد شویم و از رو آوردن به درگاهت سعادت دو جهان را دریابیم.

«وَتُؤْتِنِي عَلَيْنَا الْخَيْرَ كُلَّهُ». ثنای تو می‌خوانیم و خیر و خوشی‌ها را همه از تو می‌دانیم.

«نَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ». ما همه سپاس تو می‌گوییم که غرقه در انعام تو هستیم، و هیچگاه کفران نعمت‌هایت را ننماییم که وظیفه‌ی هر مؤمن شکر و سپاس تو است، همانگونه که کفر ملازم کفران نعمت و ناشکری از همه‌ی نعمت‌های خداست.

«وَنُخَلِّعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ». و ما خلع ید می‌نماییم و کنار می‌گذاریم هرکسی را که دانستیم خود را به کفر و معاصی آلوده ساخته است.

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ». خدایا تو را بندگی می‌کنیم، نه غیر تو را. هیچ افتخاری برای ما از این بالاتر نیست که خدا او را به بندگی قبول فرماید، اگر خدا بنده‌ای را به بندگی قبول فرمود نماز و طاعتش می‌پذیرد، گناهانش را می‌آمرزد و اسباب سعادتش را فراهم می‌سازد و تاج عبودیت را بر فرق او می‌نهد.

«وَلَكَ نُصَلِّيُّ وَنَسْجُدُ». و برای تو نماز می‌خوانیم و برای تو پیشانی خود را در برابر عظمت بر خاک می‌مالیم، کجا ممکن است بنده‌ای بداند که بنده‌ی خداست، زندگی و مرگش در دست خداست و روزی و سرنوشتش در دست خداست و سعادت و شقاوتش در ید قدرت خداست، نفع و ضررش همه در تدبیر خداست، و آنگاه عبادت غیر خدای یکتا را نماید. خدا، یعنی مالک همه، مقتدر بر همه، معبود بحق برای همه. و غیر خدا، یعنی محتاج سراندر پا و بینوای در هر جا و فانی سرا پا زوال و بی‌پناه.

«وَالْيَاكُ نَسْعَى وَنَحْفِدُ». و ما همه به‌سوی تو در کوششیم که ما را به درگاهت برسانی و از شر دیو لعین و هرکسی که بخواهد ما را از درگاهت دور سازد، برهانی. و در این راه می‌شتابیم برای این که عمر زودگذر است و تا قبل از این که عمر از دست برسد به تو رسیده باشیم.

«تَرْجُو رَحْمَتَكَ». ما همه امیدوار رحمت هستیم، همین امید رحمت می باشد که ما را شاد و مسرور و مطمئن ساخته است، اگر امید رحمت نداشتیم، هیچ نداشتیم؛ همین رحمت ما را امیدوار کرده و بر پای خود استوار کرده است، از جهتی امید رحمت و از جهت دیگر بیم عذابت ما را بین خوف و رجا قرار داده است.

«وَنَحْشَى عَذَابَكَ». تا همیشه از ترس عذابت هر غروری از سر به در کنیم و هر هوای خطاکاری را دور بگردانیم و هر روشی که پای ابلیس لعین در آن باشد کنار بگذاریم.

«إِنَّ عَذَابَكَ الْجِدِّ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ». حقا که عذاب واقعی و جدی تو به کافران رسیده است، از کفر در عذابند و نمی دانند، از راندگی از رحمت خدا سرگردانند و نمی دانند، و از عاقبت به شر خود هراسانند و نمی دانند، نه یقین ایمان دارند تا خوشی اعتماد و یقین بیابند و نه از فضل و رحمت حق باخبرند تا سر را در برابر عظمتش بر خاک بمالند، ابلیس آنان را با خود برده و ناامید کرده است، و زشتکاری کفر، دل و دیده شان را کور کرده و بدبخت کرده است، فقیر و حقیر و ذلیل و خوار و گرفتارند و شعور آن ندارند.

«وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ وَصَحْبِهِ الْأَخْيَارِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ عَلَى الْهُدَى بِحَقِّ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا!». اگر ادامه ی قنوت عمر رضی الله عنه را بر آن بیفزاید هم خوب است: اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَيُقَاتِلُونَ أَوْلِيَاءَكَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِي وَالْمُسْلِمَاتِ وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنَهُمْ وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَاجْعَلْ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ وَتَبَّتْهُمْ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَأَوْزَعَهُمْ أَنْ يُؤْفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَأَنْصُرُهُمْ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوَّهُمْ إِلَهَ الْحَقِّ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ».

(فصل) بالابردن دو دست در دعا مستحب است، و در قولی بعد از فراغ از دعا دست به روی کشیدن مستحب است، و اتفاق علمای مذهب شافعی بر این است که دست کشیدن بر غیر روی مکروه است، و در هنگام دعا اگر منفرد است به لفظ مفرد بخواند: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي...».

و اگر امام باشد به صیغه‌ی جمع بخواند: «اللَّهُمَّ اهْدِنَا...» و اگر منفرد است دعا را آهسته بخواند و اگر امام است دعا را به آواز بلند بخواند، و مأموم تابع امام می‌شود، اگر امام قنوت را بلند خواند و مأموم می‌شنید در قسمت دعا آمین بگوید و در قسمت ثنا مأموم هم بخواند. و حدیث صحیح در چگونگی قنوت رسول الله ﷺ بر کسانی که قاریان را در بئر معونه کشتند، ظاهر آن بلندخواندن قنوت در همه‌ی نمازها را می‌رساند. و در صحیح بخاری در باب تفسیر آیه‌ی ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ﴾ [أل عمران: ۱۲۸]. از ابوهریره روایت شده که پیامبر ﷺ در نفرین بر مردمی که قاریان را در بئر معونه کشتند به جهر قنوت می‌خواند تا این که خداوند آن آیه را نازل فرمود: «هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست...».

«باب التشهد في الصلاة»

بابی است در بیان تشهد در نماز

بدان که نماز اگر دورکعتی باشد، مثل نماز فرض صبح بیش از یک تشهد نخواهد داشت، اگر بیش از دو رکعت باشد، مثل نماز مغرب و عشاء دو تشهد دارد، و گاه است که نسبت به مأموم چهار تشهد صورت می‌یابد، مثل مسبوق در نماز مغرب که در اعتدال رکعت دوم به امام رسیده باشد، تشهد اول امام برای او حساب نمی‌شود و تشهد اخیر امام برای او حساب نمی‌شود، دو تشهد خوانده و یک رکعت دارد، بعد از سلام امام در هر رکعتی برای یک تشهد می‌نشیند که سرانجام می‌شود چهار تشهد، اگر بیش از چهار رکعت بخواند، مثلاً یکصد رکعت بخواند، اختیار بر آن است که در آن رکعات دو تشهد بخواند، او به حسب نیتش نماز بخواند وقتی که دو رکعت باقی است برای تشهد اول بنشیند و بعد از دو رکعت باقی برای تشهد دوم بنشیند، گروهی از علمای مذهب شافعی فرموده‌اند یک نماز بیش از دو تشهد ندارد.

اما قول معتمد این است که می‌تواند بعد از هر دو رکعت به تشهد بنشیند، اما بعد از هریک رکعت جایز نیست به تشهد بنشیند. والله أعلم.

و بدان که تشهد آخری نزد امام شافعی و امام احمد و بیشتر علما واجب است، و نزد امام ابوحنیفه رحمته الله سنت است، و نزد امام احمد رحمته الله واجب است، اگر تشهد اول را ترک کرد به عمد یا به سهو نزد امام شافعی نماز او صحیح است و آخر نماز سجود سهو می نماید. والله أعلم.

(فصل) و اما لفظ تشهد به سه لفظ به ثبوت رسیده است، نخست تشهد به روایت ابن مسعود رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَاةُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ!». رواه البخاری و مسلم.

دوم تشهد به روایت ابن عباس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَاةُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». رواه مسلم فی صحیحہ. و این تشهد را امام شافعی اختیار فرموده است، برای این که ابن عباس رضی الله عنه از اهل بیت هستند و امام شافعی هم از اهل بیت است و نیز به سبب لفظ المبارکات.

سوم تشهد به روایت ابوموسی اشعری رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَاةُ لِلَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». رواه مسلم فی صحیحہ. و بدان که تشهد به هر لفظی که باشد جایز است و سبب اختیار در لفظ آن است که به الفاظ متعدد آمده است. و ابن سُرَیج از علمای شافعی فرموده است: اگر اختصار بر این لفظ نماید: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ، سَلَامٌ وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». کفایت می کند، و معلوم است که اگر بر یکی از سه نوع عمل نماید و تغییر ندهد بهتر است، برای این که اختلاف در وجوب همه‌ی کلمات تشهد است، و اختیار بر این است که یکی از آن سه را بخواند، و بدان که ترتیب در تشهد مستحب است و واجب نیست. بنابراین، اگر بعضی از الفاظ آن را تقدیم و تاخیر کند مانعی ندارد، و بعضی ترتیب آن را واجب دانسته‌اند، و بدان که تشهد را باید آهسته خواند، چنانکه در روایت ابو داود و ترمذی و بیهقی از ابن مسعود رضی الله عنه آمده است: «من

السنة أن يخفى التشهد». رواه الترمذی وقال حديث حسن. وقال الحاكم صحيح. و گفتن صحابه: «من السنة»، در حکم قال رسول الله ﷺ می باشد.

«باب الصلاة على النبي ﷺ بعد التشهد»

بابی است در بیان درود فرستادن بر رسول الله ﷺ بعد از تشهد

اخیر

بدان که صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ بعد از تشهد اخیر نزد امام شافعی رحمته واجب است، و اگر صلوات بر رسول الله ﷺ بعد از تشهد اخیر ترک نماید نمازش صحیح نمی شود، اما در تشهد صلوات بر آل واجب نیست، و در تشهد اخیر صلوات بر آل سنت است، و همان گونه که تشهد اول سنت است، صلوات بر رسول الله ﷺ نیز در تشهد اول سنت است.

و جای تعجب اینجاست که صلوات بر آل را واجب ندانسته اند، در صورتی که تمام صیغه های وارد در همه ی احادیث مربوط به صلوات بر رسول الله ﷺ همراه با صلوات بر آل است، شاید از آن روی باشد که در آیه ی:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦]. یاد از آل نشده است و در صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ نیز اگر بگوید: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ يَا صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ يَا صَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ» هر کدام که بگوید کفایت می کند. و در مذهب وجهی هست که باید بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، و غیر آن کفایت نمی کند، و بهتر آن است که در صلوات بر رسول الله بعد از تشهد اخیر این لفظ را اختیار نماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَدُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَدُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

این حدیث در بخاری و مسلم از کعب بن عجره و قسمتی از آن از غیر کعب بن عجره رضی الله عنه روایت شده است، و دعا بعد از تشهد اخیر مستحب است، اما بعد از تشهد اول دعا مستحب نیست، و علمای شافعی فرموده‌اند: دعا بعد از تشهد اول مکروه است، برای این که بنای تشهد اول بر تخفیف است. والله أعلم.

«باب الدعاء بعد التَّشَهُدِ الْأَخِيرِ»

بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد اخیر

بدان که دعا بعد از تشهد اخیر مشروع است، بدون اختلاف.

«روينا في صحيحي البخاري ومسلم عن عبد الله بن مسعود رضی الله عنه: أن النبي صلی الله علیه و آله و سلم علمهم التَّشَهُدَ ثم قال في آخره: ثُمَّ يُخَيَّرُ مِنَ الدُّعَاءِ! وفي رواية البخاري: أَعْجَبَهُ إِلَيْهِ فَيَدْعُو! وفي رواية لمسلم: ثُمَّ لِيَتَخَيَّرَ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ».

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تشهد را به صحابه آموخت، و در آخر حدیث آمده که نمازگزار بعد از تشهد و صلوات بر رسول و آل اطهار دعاهایی را اختیار می‌نماید، هر دعایی که دوست دارد و می‌تواند از خودش دعاهایی بخواند و لیکن دعاهای وارد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بهتر است، و در همین جا بعد از تشهد دعاهای بسیاری وارد شده از آن جمله است:

«ما روينا في صحيحي البخاري: «عن أبي هريرة رضی الله عنه قال، قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: إِذَا فَرَغَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشَهُدِ الْأَخِيرِ، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ».

«وقتی که یکی از شما از تشهد آخری نماز فارغ شد، پناه ببرد از چهار چیز: از عذاب دوزخ، از عذاب قبر، از فتنه‌ی مرگ و زندگی، و از شر مسیح دجال».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ: عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم كَانَ يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا، وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ».

«رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آخر نماز دعا می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به تو از عذاب قبر و پناه

می‌برم به تو از فتنه‌ی مسیح دجال و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی زندگی و مرگ، خدایا پناه می‌برم به تو از گنهکاری و بدهکاری».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يَكُونُ مِنْ آخِرِ مَا يَقُولُ بَيْنَ التَّسْلِيمِ وَالتَّسْلِيمِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». «علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی که به نماز می‌ایستاد در تشهد آخر نماز میان تشهد و سلام نماز می‌فرمود: خدایا بیامرز مرا آنچه آن را به جلوانداختم و آنچه آن را به دنبال انداختم و آنچه نهانی نمودم و آنچه آشکار نمودم و آنچه در آن اسراف بر خود نمودم و آنچه تو دانتری به آن از من. تو هستی که به جلو می‌اندازی و تو هستی که به دنبال می‌اندازی، نیست معبودی به حق در سراسر وجود مگر تو». کلمه‌ی: «مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ» هر گناهی که آن را مقدم داشتیم و هر گناهی که آن را به دنبال انداختیم، رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این را که می‌فرماید برای تعلیم است و گرنه خودش گناهی ندارد، اگر خطایی هم بود خدا همه‌ی آن را بخشیده است، و مقصود رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعلیم امت است تا اینچنین دعا کنند، و در حقیقت گناه بر دو قسم است: گناهی که انجام می‌گیرد و اثر آن از بین می‌رود، این گناه را به جلوانداخته، یعنی در حیات خود انجام داده است. و گناهی است که اثر آن بعد از حیات شخص می‌ماند. فرض بفرمایید کسی یک سیلی به دیگری زد و معذرت خواست و او را بخشید، این گناهی است که گذشته است. اما کسی گرفتن ده یک مال مردم را مرسوم می‌کند این همیشه اثرش می‌ماند؛ خود شخص می‌میرد، اما گناهش باقی است، زیرا به آن عمل می‌شود، و مصیبت همیشه در این نوع گناه است که از بین نمی‌رود. «أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ» ای خدا کسی را که بخواهی او را مقدم می‌سازی که از مردم در علم و تقوی جلو بیفتد، و کسی را به دنبال می‌اندازی که علم و تقوی نصیبش نشده و همیشه عقب افتاده است، عطا همه از خداست، دانا به مصالح خلق فقط خداست، آنچه انجام می‌دهد همه حکمت است، پاک و منزله‌ی خدایی که منع و عطایش هردو به حکمت است و هردو به مصلحت خلق است.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَلَّمَنِي دَعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلَاتِي، قَالَ: قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ

عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ». «ابوبکر صدیق عرض کرد که یا رسول الله! دعایی به من بیاموز که در نماز به آن دعا نمایم. فرمود: «بگو خدایا به خود ستم کردم بسیار، و نمی‌آمزد گناهان مرا مگر تو. پس بیامرز گناهانم به آمرزشی از نزد خودت و مرا مورد رحمتت قرار بده. حقا که تو آمرزگار بسیار مهربانی». روایت شده: «ظُلْمًا كَثِيرًا» و روایت شده «ظُلْمًا كَثِيرًا».

نووی فرمود هر دو باهم چنین بگویند: «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا كَبِيرًا». «خدایا ستم به خودم نمودم ستم بسیار و ستم بزرگ» و از جمله دعاهای مستحب در همه جا این دعاست: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى، وَالْعِافَةَ وَالْغِنَى». «خدایا از تو می‌خواهم عفو و گذشت که از سر تقصیرم بگذری و از تو می‌خواهم عافیت و دوری از ناملایمات. خدایا از تو می‌خواهم رسیدن به راه راست و پرهیزگاری و پاکدامنی و توانگری». و بیشتر دعای رسول الله ﷺ این دعا بود: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». «خدایا به ما بده در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه دار ما را از عذاب دوزخ». والله أعلم.

«باب السلام للتحلل من الصلاة»

بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز

بدان که سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز یکی از فرض‌های نماز و رکنی از ارکان نماز است که نماز بدون آن صحیح نمی‌شود، و فرض بودن سلام نماز در سه مذهب مالک و شافعی و احمد است. و حدیث‌های صحیح مشهور به آن تصریح دارد، و جمهور علمای سلف و خلف همه بر فرض بودن سلام نماز نظر دارند. و بدان که اکمل در سلام نماز این است که رو به دست راست بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ». و رو به دست چپ بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ».

و در سنن ابی داود آمده: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». و امام الحرمین و زاهر السرخسی و رویانی آن را یاد کرده‌اند. امام نووی فرمود که کلمه‌ی «وَبَرَكَاتُهُ» خلاف مشهور از سلام دادن حضرت رسول در نماز است و گفتنش مستحب نیست. اگر کسی آن را در سلام نماز جنازه بگوید تا به حدیث در بعضی موارد عمل کرده باشد دور از صواب نیست، والله اعلم. و واجب همان سلام اولی است و سلام دومی سنت است، اگر آن را نگوید ضرری به نمازش نمی‌رساند. این دو سلام نماز در هر نمازی است: نماز فرض باشد یا سنت یا نماز جنازه، فرق نمی‌کند. منفرد باشد یا امام باشد یا ماموم، فرقی نمی‌کند. جماعت اندک باشد یا بسیار، فرق نمی‌کند.

و واجب در سلام: گفتن «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» می‌باشد، و اگر بگوید: «عَلَيْكُمْ السَّلَامُ» نیز کفایت می‌کند. اما اگر بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَلَامِي عَلَيْكَ يَا سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ يَا سَلَامِي عَلَيْكُمْ»، هیچ‌کدام کفایت نمی‌کند. و اگر به عمد بگوید نمازش باطل می‌شود، و موقعی که امام سلام نماز گفت، ماموم اختیار دارد به دنبال سلام امام سلام بگوید یا مشغول دعا بشود، بعد سلام بگوید، مانعی ندارد. والله أعلم.

«باب ما يقوله الرجل إذا كلمه إنسانٌ وهو في الصلاة»

بابی است در بیان آنچه شخص می‌گوید وقتی که در حال نماز

است و دیگری با او سخن می‌گوید

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ: عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ نَابَهُ شَيْءٌ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ!. وَفِي رَوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِ: إِذَا نَابَكُمْ أَمْرٌ، فَلْيُسَبِّحِ الرَّجَالَ، وَلْيُصَفِّحِ النِّسَاءَ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که چیزی به او رسید در حالی که در نماز بود بگوید: سبحان الله». و در روایتی در صحیح بخاری: «وقتی که چیزی به شما رسید و شما در نماز هستید، مردان سبحان الله بگویند و زنان کف دست راست پشت دست چپ بزنند». سبحان الله گفتن برای مردان است و کف

دست راست بر پشت دست چپ‌زدن برای زنان است. اگر مردی مشغول نماز است و در زدند می‌گوید سبحان الله تا از اهل خانه کسی برود و ببیند چه کسی در می‌زند. اگر زنی در نماز است و سفره خوراک نهاده و گربه آمده است از سفره بخورد، کف دست راست بر پشت دست چپ می‌زند تا کسی بیاید و نگذارد گربه سفره را آلوده کند. اگر کسی وعده دارد بیاید نامه بگیرد و صاحب نامه در حال نماز خواندن بود و او صدا زد که نامه بیا. می‌گوید: سبحان الله تا شخصی که برای نامه آمده بداند که او مشغول نماز است و صبر کند.

«باب الأذکار بعد الصلاة»

بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می‌شود

اجماع علما بر آن است که بعد از نماز اذکاری است که از حضرت رسول الله ﷺ وارد شده و باید خوانده شود، و در این خصوص حدیث‌های صحیح و بسیار آمده است که در باره‌ی انواع متعدد از اذکار بعد از نماز است.

در اینجا ما قسمتی از آنها را می‌آوریم. از مهمترین آنها:

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي إِمَامَةَ رضي الله عنه قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم: أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: جَوْفُ اللَّيْلِ الْآخِرُ وَدُبْرُ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ». قال الترمذی: حدیث حسن. «به رسول الله ﷺ گفته شد: کدام دعا زودتر به اجابت می‌رسد؟ فرمود: «دعا در دل نیمه‌ی دوم شب و دعا بعد از نمازهای فرض شبانه روزی».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ بَنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه قَالَ: كُنْتُ أَعْرِفُ انْقِضَاءَ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم بِالتَّكْبِيرِ». «ابن عباس فرمود: من می‌دانستم که رسول الله ﷺ از نماز فرض فارغ شده به بلندشدن آواز جماعت به الله اکبر گفتن». و در روایت مسلم: «كُنَّا نَعْرِفُ».

«وَفِي رَوَايَةٍ فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه: أَنَّ رَفَعَ الصَّوْتِ بِالذِّكْرِ حِينَ يَنْصَرِفُ النَّاسُ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم!». «ابن عباس رضي الله عنه فرمود:

بلند کردن آواز به اذکار بعد از نماز موقعی که جماعت از نماز فرض فارغ می‌شدند در عهد رسول الله ﷺ بود.»

«وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ كُنْتُ أَعْلَمُ إِذَا انْصَرَفُوا بِذَلِكَ إِذَا سَمِعْتُهُ». «من می‌دانستم فارغ شدن از نماز به بلند شدن آواز جماعت به اذکار نماز». ابن عباس می‌گوید: در عهد رسول الله ﷺ همین که از نماز فرض فارغ می‌شدند آواز جماعت به اذکار بعد از نماز بلند می‌شد. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» را به آواز بلند می‌گفتند. تکبیر و تسبیح به آواز بلند می‌گفتند، اما امروز عده‌ای بلند کردن آواز را به اذکار بعد از نماز بدعت می‌دانند.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ! قِيلَ لِلأَوْزَاعِيِّ وَهُوَ أَحَدُ رَوَاةِ الْحَدِيثِ: كَيْفَ الِاسْتِغْفَارُ؟ قَالَ تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ». «ثوبان می‌گوید: عادت رسول الله ﷺ بود که سلام نماز که می‌گفت سه بار استغفر الله می‌گفت و می‌فرمود: «خدایا تو هستی که نام مقدست السلام است و همه سلامتی‌ها از فضل توست، پر شد برکتت ای صاحب شکوه و بزرگواری». از اوزاعی که از راویان حدیث است سؤال شد که استغفار چگونه است؟ گفت: می‌گویی: استغفر الله استغفر الله. وقتی که می‌گوید رسول الله ﷺ بعد از نماز می‌فرمود دلیل این است که بلند می‌فرمود طوری که جماعت می‌شنیدند.»

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ الْمَغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحُدُودُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجُدِّ مِنْكَ الْجُدُّ». «رسول الله ﷺ وقتی که از نماز فارغ می‌شد و سلام نماز می‌گفت، می‌فرمود: «نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد، برای اوست مالکیت همه و پادشاهی بر همه، و برای اوست حمد و ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست، خدایا اگر تو چیزی عطا فرمایی نیست کسی که جلو عطایت را بگیرد، و اگر تو عطا فرمایی نیست کسی که از او عطایی صادر شود و سودی نمی‌دهد توانگر را به جای تو توانگری.»

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْمُسْلِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزَّبِيرِ رضي الله عنه أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ ذُبُرٌ كُلُّ صَلَاةٍ حِي يُسَلِّمُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ لَهُ التَّعَمُّةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ!». قَالَ ابْنُ الزَّبِيرِ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُهَلِّلُ بِهِنَّ ذُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ». «عبدالله بن زبير گفته است كه پيامبر ﷺ وقتي كه سلام نماز مي گفت بعد از هر نماز فرض مي گفت: نيست معبودي به حق در سراسر وجود، مگر خدای يكتا كه شريكي ندارد. براي او است دارندگي همه ي مخلوقات و پادشاهي بر آنها، و براي اوست حمد و ستايش ها و او بر همه چيز تواناست. نه چاره اي هست براي دوري از گناه و نه تواني هست براي پايداري بر طاعت، مگر به كمك خدا. نيست معبودي به حق مگر الله، و ما بندگي نمي كنيم مگر او را، براي اوست نعمت ها و براي اوست فضل و برتري و براي اوست مدح و ثنای خوب. نيست معبودي به حق مگر خدای يكتا، ما عبادت خالص را براي او انجام مي دهيم. و اگرچه كافران آن را دوست ندارند». و ابن الزبير گفت: رسول الله ﷺ همين كلمات را بعد از هر نماز فرض مي فرمود.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالذَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالتَّعِيمِ الْمُقِيمِ يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ وَلَهُمْ فَضْلٌ مِنْ أَمْوَالِهِمْ يَجُجُونَ بِهَا وَيَعْتَمِرُونَ وَيُجَاهِدُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ. فَقَالَ: أَلَا أَعَلَمَكُمْ شَيْئًا تُدْرِكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ وَتَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَلَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ؟. قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: تُسَبِّحُونَ وَتُحَمِّدُونَ وَتُكَبِّرُونَ خَلْفَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ!». قَالَ أَبُو صَالِحٍ الرَّازِيُّ: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ لَمَّا سُئِلَ عَنْ كَيْفِيَّةِ ذِكْرِهِ؟ يَقُولُ: سَبَّحَانَ اللَّهَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ حَتَّى يَكُونَ مِنْهُمْ ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ. الدُّثُورُ جَمْعُ ذَثْرٍ وَهُوَ الْمَالُ الْكَثِيرُ». «فقراى مهاجرين به خدمت رسول الله ﷺ آمدند و گفتند: صاحبان مال و ثروت درجه های بلند مرتبه و خوشی جاویدان بهشت برای خود بردند. ایشان نماز می خوانند چنانکه ما نماز می خوانیم و روزه می گیرند چنانکه ما روزه می گیریم و زیادتی مال دارند و به وسیله ی آن حج و عمره می کنند و جهاد می کنند و صدقه می دهند، در حالی که ما توانایی حج و عمره و جهاد و صدقه نداریم. رسول الله ﷺ فرمود: آیا شما را نیاموزم چیزی را که به وسیله ی آن

به هرکسی که از شما جلو افتاده است برسید، و از کسانی که بعد از شما می‌آیند جلو بیفتید و کسی که برتر از شما نشود مگر هرکسی که مانند شما همان چیز را انجام دهد؟ گفتند: بله یا رسول الله، فرمود: بعد از هر نماز فرض سی و سه بار سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر می‌گویید.

ابوصالح رازی گفت که ابوهیره در جواب کسی که از چگونگی ذکر سی و سه بار پرسید، گفت می‌گوید: سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر تا به سی و سه بار برسد». و دنباله‌ی این حدیث آمده که پس از مدتی فقرای مهاجرین به خدمت رسول الله ﷺ آمدند و گفتند: توانگران مهاجرین همین را هم آموخته‌اند. فرمود: آن فضل خداست، به هرکه خواهد می‌دهد. و حدیث می‌رساند که فقرا و اغنیا چگونه مسابقه در طاعت داشته‌اند و نمی‌خواستند هیچ طاعتی از دست‌شان برود یا دیگری بر آنان سبقت جوید.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَحَمَدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که بعد از نماز فرض سی و سه بار سبحان الله گفت و سی و سه بار الحمد لله گفت و سی و سه بار الله اکبر گفت و صدمین بار گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». گناهانش آمرزیده می‌شود اگرچه مثل کف دریا باشد».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ فِي أَوَائِلِ كِتَابِ الْجِهَادِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَتَعَوَّذُ دُبُرَ الصَّلَاةِ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ». «رسول الله ﷺ بعد از نماز فرض به این کلمه‌ها پناه می‌برد به خدا: خدایا به تو پناه می‌برم از ترسویی و به تو پناه می‌برم از این که به اردل العمر برسم و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی دنیا و پناه می‌برم به تو از عذاب قبر».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: خَصَلْتَانِ أَوْ خَلَّتَانِ لَا يُحَافِظُ عَلَيْهِمَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ هُمَا

يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ يُسَبِّحْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ عَشْرًا وَيَحْمَدُ عَشْرًا وَيُكَبِّرُ عَشْرًا فَذَلِكَ خَمْسُونَ وَمِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَالْفُؤَادِ وَخَمْسُمِائَةٌ فِي الْمِيزَانِ وَيُكَبِّرُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ وَيَحْمَدُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَيُسَبِّحُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ فَذَلِكَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَالْفُؤَادِ بِالْمِيزَانِ! قَالَ: فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَعْقِدُهَا بِيَدِهِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ هُمَا يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ؟ قَالَ: يَأْتِي اللَّهُ أَحَدَكُمْ - يَعْنِي الشَّيْطَانَ - فِي مَنَامِهِ فَيَنُومُهُ قَبْلَ أَنْ يَقُولَهُ وَيَأْتِيهِ فِي صَلَاتِهِ فَيَدَّكُرُهُ حَاجَةً قَبْلَ أَنْ يَقُولَهَا». إسناده صحيح إلا أن فيه عطاء بن السائب وفيه اختلاف بسبب اختلاطه وقد أشار أيوب السخيتاني إلى صحة حديثه هذا. «رسول الله ﷺ فرمود: دو خصلت یا دو خلت هستند که هر بنده‌ی مؤمنی بر آن دو خصلت محافظت نماید به بهشت داخل می‌شود. آن دو آسانند و کسانی که به آن دو عمل کنند، اندکند: بعد از هر نماز فرض ده بار می‌گوید: سبحان الله و ده بار می‌گوید: الحمد لله و ده بار می‌گوید: الله اکبر و این می‌شود یکصد و پنجاه بار به زبان و هزار و پانصد بار به میزان. و وقتی که به بستر خواب رفت، سی و چهار بار الله اکبر می‌گوید و سی و سه بار الحمد لله می‌گوید و سی و سه بار سبحان الله می‌گوید و این می‌شود یکصد بار به زبان و یک هزار بار به میزان». عبدالله بن عمر می‌گوید: من دیدم که رسول الله ﷺ به دست خود آنها را حساب می‌فرمود. یاران گفتند: یا رسول الله! چگونه آسان است و مردمی که به آن عمل می‌کنند اندک هستند؟ فرمود: «شیطان می‌آید نزد و او را به خواب می‌اندازد قبل از این که آنها را بگوید، و شیطان در نمازش کاری به یاد او می‌آورد قبل از این که آنها را بگوید».

«رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقْرَأَ بِالْمُعَوَّذَاتِ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ». «رسول الله ﷺ به عقبه بن عامر امر فرمود که سوره‌های قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس بعد از هر نماز فرض بخواند».

«رَوَيْنَا بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ مُعَاذٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخَذَ بِيَدِهِ وَقَالَ: يَا مُعَاذُ وَاللَّهِ إِنِّي لِأُحِبُّكَ فَقَالَ أُوصِيكَ يَا مُعَاذُ لَا تَدَعَنَّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ». «رسول الله ﷺ دست معاذ را گرفت و فرمود: ای معاذ! قسم به خدا که من تو را دوست می‌دارم، سپس فرمود: تو را سفارش می‌دهم به این که بعد از هر نماز فرض بگویی: خدایا مرا مدد کن بر یادکردنت و سپاسگزاریت و خوب انجام دادن عبادتت».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم إِذَا قَضَى صَلَاتَهُ مَسَحَ جَبْهَتَهُ بِيَدِهِ اليميني ثم قال: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنَّا الْهَمَّ وَالْحَزْنَ». «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وقتی که سلام نماز می گفت می فرمود: «گواهی می دهم آن که نیست معبودی مگر الله، بخشاینده‌ی مهربان، خدایا دور کن از من غم و ناراحتی».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وسلم إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ، لَا أُدْرِي قَبْلَ أَنْ يَسْلَمَ أَوْ بَعْدَ أَنْ يَسْلَمَ، يَقُولُ: سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وقتی که از نماز فارغ می شد، نمی دانم قبل از این که سلام نماز می گفت یا بعد از سلام، می فرمود: منزه است پروردگارت، پروردگار عزت، از آنچه کافران در وصف او می گویند و سلام خدا باد بر پیغمبران و حمد و ستایش‌ها برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

«وَرَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُولُ إِذَا انصَرَفَ مِنَ الصَّلَاةِ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ وَخَيْرَ عَمَلِي خَوَاتِمَهُ وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ لِقَائِكَ». «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم موقعی که از نماز فارغ می شد می فرمود: خدایا بهترین ایام عمرم را روزهای آخر عمرم قرار ده، و بهترین کارهایم خاتمه‌ی کارهایم بگردان، و بهترین روزهایم را روزی قرار ده که در آن روز به شرف دیدارت می رسم».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَحْمِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم ثُمَّ يَدْعُو بِمَا شَاءَ». «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: وقتی که یکی از شما نماز خواند و خواست دعا بکند اول حمد و ثنای خدا را به جا آورد و بعد از آن درود و سلام بر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بفرستد و پس از آن دعایی که می خواهد بنماید».

در این باب آداب دعا از حمد و ثنای پروردگار و درود و سلام بر رسول و آل اصحاب را به جا می آورد، در آغاز دعا و پایان دعا و سپس دعا می کند و گفتن سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ تا آخر دعا را پایان می دهد و از دعاهایی که یاد دارد، هر وقتی به قسمتی از آنها دعا می نماید. و شروط دعا از قبیل حضور دل و اخلاص در دعا و لقمه‌ی حلال و اوقات

اجابت و استغفار رعایت می نماید. والله سبحانه وتعالی أعلم. و صلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

«باب الحث علی ذکر الله تعالی بعد صلاة الصبح»

بابی است در باره‌ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح

بدان که شریف‌ترین اوقات ذکر در روز، ذکرِی است که بعد از نماز صبح می‌گویند. فی کتاب الترمذی و غیره «عن أنس رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ، ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ، كَانَتْ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ تَامَةٍ تَامَةٍ تَامَةٍ». قال الترمذی حدیث حسن. «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نماز صبح با جماعت خواند و بعد از نماز صبح در مسجد در جای خود نشست و مشغول یاد خدا شد تا آفتاب طلوع نمود و شانزده دقیقه گذشت و دو رکعت سنت اشراق خواند، مثل این است که حج و عمره‌ی کامل کامل ادا کرده باشد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التَّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَهُوَ ثَانٍ رَجُلِيهِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، عَشْرَ مَرَّاتٍ، كُتِبَ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَمُحِي عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَرُفِعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، وَكَانَ يَوْمَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ فِي حِرْزٍ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَحَرِيسٍ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَلَمْ يَنْبَغِ لِدُنْبٍ أَنْ يُدْرِكَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَّا الشَّرْكَ بِاللَّهِ». قال الترمذی: هذا حدیث حسن وفي بعض النسخ: صحيح. «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکسی که بگوید بعد از نماز در حالی که دو پای خود را تا کرده «یعنی به همان حال قبلی در نماز نشسته و حالت خود را تغییر نداده» قبل از این که سخن بگوید، ده بار «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» را تا آخر بگوید: نیست معبودی به حق مگر الله که یکتاست، هیچ شریکی برای او نیست، برای او است دارندگی همه چیز و پادشاهی بر همه چیز، همه‌ی حمد و ستایش‌ها برای اوست، زنده می‌سازد و می‌میراند و او بر همه چیز تواناست. نوشته می‌شود برای او ده حسنه و محو می‌شود از او ده سیئه (ده گناه) و بالا برده می‌شود برای او

ده درجه، و او در آن روز از هر مکروهی در پناه حق تعالی است، و نگه داشته می‌شود از شیطان و شایسته نیست که هیچ گناهی به او برسد مگر شرک به خدای تعالی».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ مُسْلِمِ بْنِ الْحَارِثِ التَّمِيمِيِّ الصَّحَابِيِّ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ أَسْرَّ إِلَيْهِ فَقَالَ: إِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ فَقُلِ اللَّهُمَّ أَجْرِي مِنَ النَّارِ. سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ ثُمَّ مِتَّ فِي لَيْلَتِكَ كُتِبَ لَكَ جِوَارٌ مِنْهَا وَإِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ كَذَلِكَ فَإِنَّكَ إِنْ مِتَّ فِي يَوْمِكَ كُتِبَ لَكَ جِوَارٌ مِنْهَا». «رسول الله ﷺ آهسته به مسلم بن الحارث التميمي الصحابي فرمود: وقتی که از نماز مغرب فارغ شدی بگو: خدایا مرا از آتش دوزخ پناه ده. هفت بار این را بگو: «اللَّهُمَّ أَجْرِي مِنَ النَّارِ» که اگر این را گفתי و آن شب مردی این دعایت باعث این است که خدا تو را پناه دهد از آتش. و وقتی که نماز صبح خواندی هم هفت بار بگو: «اللَّهُمَّ أَجْرِي مِنَ النَّارِ» که اگر آن روز مردی این دعا باعث پناه تو از آتش دوزخ است».

«وَرَوَيْنَا فِي مُسْنَدِ الْإِمَامِ أَحْمَدَ وَسُنَنِ ابْنِ مَاجَةَ وَكِتَابِ ابْنِ السِّنِّيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رضي الله عنها قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَرِزْقًا طَيِّبًا». «رسول الله ﷺ بعد از این که از نماز صبح فارغ می‌شد می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم علم سودمند و عمل مقبول در درگاهت و روزی حلال».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ صَهيب رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَجْرِكُ شَفْتَيْهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ بَشْيءٍ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا هَذَا الَّذِي تَقُولُ؟ قَالَ: اللَّهُمَّ بِكَ أَحَاوِلُ، وَبِكَ أَصَاوِلُ، وَبِكَ أَقَاتِلُ». «صهيب رضي الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ بعد از نماز صبح لب‌های خود را تکان می‌داد، گفتم: یا رسول الله این که می‌خوانی کدام سخن است؟ فرمود: «خدایا به وسیله‌ی تو چاره‌اندیشی می‌کنم و به وسیله‌ی تو حمله‌ور می‌شوم و به وسیله‌ی تو می‌جنگم». یعنی در کارهایم از تو مدد می‌گیرم».

«وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْبَغَوِيِّ فِي شَرْحِ السَّنَةِ قَالَ: قَالَ عَلْقَمَةُ بْنُ قَيْسٍ: بَلَّغْنَا أَنَّ الْأَرْضَ تَعُجُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ نَوْمَةِ الْعَالَمِ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ». «و ابو محمد بغوی در کتاب شرح السنة آورده است که علقمه بن قیس از کبار تابعین فرمود: به ما رسیده است که زمین از خواب عالم بعد از نماز صبح به فریاد می‌آید و فریادرسی می‌خواهد».

«باب ما يقال عند الصباح وعند المساء»

بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته

می‌شوند

بدان که این باب بابی است خیلی وسیع تا جایی که در این کتاب بابی وسیع‌تر از آن نیست، و به یاری خدای متعال در این کتاب جمله‌هایی مختصر از آن می‌آورم، کسی که توفیق بیابد و به آن عمل کند، این توفیق عمل نعمت و فضلی است از خدا بر او و خوشا به حال او. و کسی که به همه‌ی آنها نرسد از قسمت‌های مختصر آن آنچه بخواهد بردارد و اگرچه فقط یک ذکر باشد. و اصل در این باب از قرآن عزیز فرموده‌ی الله سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾ [طه: ۱۳۰]. «و تسبیح ذات

پاک پروردگار و حمد و ستایش او را به جا آور. قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب» بعد از نماز صبح و از نماز عصر. و فرموده‌ی خدای سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾ [المؤمن: ۵۵]. «و تسبیح ذات پاک پروردگارت

همراه حمد و ستایش او به جا آور، بامدادان و بعد از ظهر تا مغرب». و فرموده‌ی پروردگار سبحانه و تعالی است:

﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾

[الأعراف: ۲۰۵]. «و پروردگارت را در دلت یاد کن از روی راز و نیاز با پروردگارت و از روی ترس از عقاب او بدون آواز بلند، بامدادان و پسین‌ها» یعنی پروردگار را در دل یاد کن تا از ترس او و دیدن تقصیرت به راز و نیاز و خواهش رحمت و مغفرتش بپرداز، و هنگامی که بخواهی یاد پروردگارت را به زبان آوری به آواز متوسط باشد که به آواز بلند نرسد، و این ذکر خفیه و کمتر از جهر را در بامداد و پسین انجام بده، و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجْرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ ﴿[النور: ۳۶-۳۷]. «در خانه‌هایی که خدا اجازه داده تا برافراشته و نام خدا در آن یاد شود، در آن خانه‌ها مردانی در هر بامداد و پسین به یاد خدا مشغولند که نه تجارت و نه فروش هیچکدام ایشان را از یاد خدا و عبادت او باز نمی‌دارد!» و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿۱۸﴾﴾ [ص: ۱۸]. «ما کوه‌ها را به

فرمان آوردیم تا همراه داود به تسبیح خدا بپردازند، شامگاهان و بامدادان!».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم قَالَ: «سَيِّدُ الْاِسْتِغْفَارِ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أُبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ، عَلَيَّ وَأُبُوءُ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ!». إِذَا قَالَ حِينَ يُمَسِّي فَمَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ أَوْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِذَا قَالَ حِينَ يُصْبِحُ فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ مِثْلُهُ» معنی اُبُوءُ: اَقْرَبُ وَاَعْتَرَفُ.

«رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: سید الاستغفار این است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي...» خدایا تو پروردگار منی، نیست معبودی به حق مگر تو، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم و بر پیمان و نوید تو هستم تا آن جا که بتوانم. اعتراف می‌کنم به نعمت‌هایت بر من و اعتراف می‌کنم به گناهام. پس بیاמרز برایم برای این که نمی‌تواند بیاמרزد گناهان را مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر آنچه از گناهان کردم. هرگاه این را گفت به شب و در آن شب مرد او داخل بهشت می‌شود، یا او از اهل بهشت است، و وقتی که این را بامدادان گفت و آن روز مرد داخل بهشت می‌شود.»

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِّي سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ. لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلٍ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدًا قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ!». وَفِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ!». «کسی که بامدادان و شامگاهان صد بار بگوید: «سبحان الله وبحمده» یا صد بار بگوید: «سبحان العظيم وبحمده». روز قیامت کسی نمی‌آید که بهتر از او آورده باشد مگر کسی که مانند او گفته یا بیش از او این کلمه را گفته باشد. «سبحان الله وبحمده»: تنزیه خدای بزرگ می‌گویم و به حمد و ستایش او مشغولم، «وسبحان الله العظيم وبحمده»: تنزیه خدای بزرگ می‌گویم و به حمد و ستایش او مشغولم، چقدر انسان دچار غفلت می‌شود که

کلمه‌ای به این آسانی و با آن همه اجر و ثواب از دست می‌دهد و وقت خود را به غفلت و بی‌خبری ضایع می‌گرداند».

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَغَيْرِهَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حُبَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ قَالَ خَرَجْنَا فِي لَيْلَةٍ مَطَرٍ وَظُلْمَةٍ شَدِيدَةٍ نَطْلُبُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لِيُصَلِّيَ لَنَا فَأَذْرَكُنَاهُ فَقَالَ: قُلْ، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ. فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَقُولُ؟ قَالَ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمَعُودَتَيْنِ حِينَ تُمَسِّي وَحِينَ تُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ». قال الترمذی: حدیث حسن صحیح.

«عبدالله بن حبيب رضی اللہ عنہ گفت که ما در شب بارانی و سخت تاریک بیرون آمدیم به خاطر یافتن رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم تا نماز با ما بخواند، سپس او را یافتیم به من فرمود: بگو من چیزی نگفتم بار دوم گفت: بگو. چیزی نگفتم، بار سوم که گفت: بگو، گفتیم: یا رسول الله چه بگویم؟ فرمود: بگو: «قل هو الله أحد» و «قل أعوذ برب الفلق» و «قل أعوذ برب الناس». در بامداد و شامگاهان از هر کدام سه بار بگو که کفایت می‌کند تو را از هر چیز. یعنی برای حفظ و نگهداری‌ات همین سه سوره که هر کدام سه بار در بامداد و شامگاه بخوانی کفایت می‌کند».

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ مَاجَةَ وَغَيْرِهَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی اللہ عنہ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ! وَإِذَا أَمْسَى قَالَ: اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ». قال الترمذی: حدیث حسن. «رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم وقتی که بامداد می‌شد می‌فرمود: «خدایا به کمک تو به بامداد رسیدیم و به کمک تو به شامگاه رسیدیم، و به کمک تو زنده می‌مانیم و به کمک تو می‌میریم و به سوی توست بازگشت ما». و موقعی که شام می‌شد می‌فرمود: خدایا به کمک تو به شامگاه رسیدیم و به کمک تو زنده می‌مانیم و به کمک تو می‌میریم و به سوی توست بازگشت ما».

هر مؤمن می‌داند که هر چه هست از خداست، بامداد می‌شود، از این که به بامداد رسیده خوش وقت است و شب می‌شود و از این که به شب رسیده و آسوده می‌شود خوش وقت است. مؤمن از حیات و زندگی نهایت استفاده می‌نماید، و می‌داند زندگی دنیا پایانی دارد که مرگ نام دارد و آن به وقت خودش آسوده‌شدن از تکالیف زندگی است، این است که مومن همیشه به یاد خداست و در ستایش و سپاسگزاری خداست و هر خیری را از او می‌داند.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ وَأَسْحَرَ يَقُولُ: سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللَّهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا رَبَّنَا صَاحِبِنَا وَأَفْضَلِ عَلَيْنَا عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». «رسول الله صلى الله عليه وآله هرگاه در سفر بود و وقت سحر داخل می شد می فرمود: بشنود هرکسی که می شنود و مشاهده کند هرکسی که حاضر است حمد و ستایش ما مقابل نعمت ها و احسان های خدا. پروردگارا همراه ما باش و از فضل خود بسیار بر ما انعام فرمود و ماه پناه می بریم به خدا از آتش دوزخ».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِذَا أَمْسَى قَالَ: أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَسُوءِ الْكِبَرِ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ وَعَذَابٍ فِي الْقَبْرِ! وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ ذَلِكَ أَيْضًا أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ...». «رسول الله صلى الله عليه وآله وقتی که شب می شد می فرمود: «ما به شب داخل شدیم و همه مملوک خدا هستیم و همه ی کاینات به شب داخل شدند و همه مملوک خدا هستند، و حمد و ستایش ها برای خداست، نیست معبودی بحق مگر الله یکتایی که هیچ شریکی ندارد، برای خداست همه ی کاینات و برای اوست ستایش همه او و بر همه چیز تواناست. پروردگارا! از تو می خواهم خیر و خوشی امشب، هر خیری که امشب باشد و هر خیری که بعد از امشب باشد خیر هر دو را از تو می خواهم، و پناه می برم به تو از هر شری که امشب پدید آید و از هر شری که بعد از امشب پدید آید. ای پروردگارم! پناه می برم به تو از سستی و کهنسالی بد (از این که در کهنسالی دچار بیماری بد شود یا دچار معصیت و بدکاری یا دچار پیشامدهای بد شود). پناه می برم به تو از عذابی که در دوزخ فراهم آید و از عذابی که در قبر پیش آید». و وقتی که صبح می شد به جای «أَمْسَيْنَا» می فرمود: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ تا آخر».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّهُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَقِيتُ مِنْ عَقْرَبٍ لَدَعْنِي الْبَارِحَةَ قَالَ أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ لَمْ يَضُرْك! ذكره مسلم متصلاً بحدیث لحولة بنت حكيم ل هكذا. وروينا في كتاب ابن السني وقال فيه: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ

التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، ثَلَاثًا لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ». «مردی خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله دیشب از عقربی که مرا گزید چه دردی کشیدم! فرمود: «آگاه باش که اگر اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به خدا به کلمات الله التامات (آیه‌های قرآن) از شر آنچه خدا آن را آفرید، زیانی به تو نمی‌رسید». مسلم دنباله‌ی حدیث خولة بنت حکیم و متصل به حدیث او چنین روایت کرد و ابن السنی آن را این چنین روایت کرد که رسول الله ﷺ به او فرمود: اگر سه بار گفته بودی: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»، هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رساند».

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ الصَّدِيقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مُرْنِي بِكَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أَمْسَيْتُ. قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهٖ، قَالَ: فَلَهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ». قال الترمذی: حدیث حسن صحیح. «ابوبکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت یا رسول الله به من دستور ده به چند کلمه که در آغاز روز و آغاز شب آن را بگویم. فرمود: «بگو: ای شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین! ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین! ای دانا به نهان و آشکار! پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ی همه چیز، گواهی می‌دهم آن که نیست معبودی به حق مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او، و یا از دام شیطان. فرمود: این را بگو وقتی به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاه رسیدی و وقتی که بر بستر خواب پهلو نهادی». کلمه‌ی شَرِّكَهٖ به معنی شرک‌آوری شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او. و شَرِّكَهٖ به معنی دام و بندهای او که مردم را به دام می‌اندازد و شکارشان می‌کند.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِي صَبَاحِ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءِ كُلِّ لَيْلَةٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَيَضُرَّهُ شَيْءٌ». قال الترمذی: هذا حدیث حسن صحیح هذا لفظ الترمذی. وفي رواية أبي داود: «لَمْ تُصِبْهُ فَجَاءَةٌ بَلَاءٍ».

«رسول الله ﷺ فرمود: هر بنده‌ای که اول هر بامداد و اول هر شب بگوید: به نام الله که با نام او هیچ چیز در زمین و هیچ چیز در آسمان زیانی نمی‌رساند، و این را سه بار بگوید هیچ چیز

زیان به او نمی‌رساند، این لفظ ترمذی است و در روایت ابی داود: کسی که این کلمات را بامداد و شامگاه بگوید بلای ناگهانی به او نمی‌رسد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ حِينَ يُمَسِّي رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُرْضِيَهُ». في إسناده سعد بن المرزبان وهو ضعيف باتفاق الحفاظ. وقد قال الترمذی: هذا حديث حسن صحيح غريب. «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که گفت در اول شب: خشنود شدم به خدای یکتا در پروردگاری و به اسلام به عنوان دین و به محمد ﷺ به عنوان پیامبر، حق است بر خدای متعال که او را راضی نماید». وقتی که در اسناد حدیث آن مرد ضعیف است مقتضایش این بود که این حدیث ضعیف باشد، اما ترمذی که حکم به صحت حدیث نموده معلوم است که از طریق دیگر حدیث را صحیح دانسته است.

وقد رواه أبو داود والنسائي بأسانيد جيدة: «عن رجل خدّم النَّبِيَّ ﷺ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ بلفظه، فثبت أصل الحديث ولله الحمد. وقد رواه الحاكم أبو عبد الله في المستدرک علی الصحیحین وقال صحیح الإسناد وقد وقع في رواية أبي داود وغيره: وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا! وفي رواية الترمذی: وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا! فيستحبُّ أن يجمع الإنسان بينهما فيقول: رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَرَسُولًا». حدیث: «رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَرَسُولًا» از مجموع این روایات صحت آن به ثبوت رسیده و به همین لفظ بگوید.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ - لَمْ يَضَعْفُهُ - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ أَوْ يُمَسِّي اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُكَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ أَعْتَقَ اللَّهُ رُبْعَهُ مِنَ النَّارِ فَمَنْ قَالَهَا مَرَّتَيْنِ أَعْتَقَ اللَّهُ نِصْفَهُ مِنَ النَّارِ وَمَنْ قَالَهَا ثَلَاثًا أَعْتَقَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَرْبَاعِهِ فَإِنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که موقع بامداد یا شامگاه بگوید: خدایا من در این بامداد تو را گواه می‌گیرم و بر دارندگان عرش را گواه می‌گیرم و فرشتگان را گواه می‌گیرم و همه‌ی مخلوقات را گواه می‌گیرم که تو خدای یکتا هستی هیچ شریکی برای تو نیست، و یقین دارم که محمد بنده‌ی تو

و فرستاده‌ی توست، کسی که این را یک بار بگوید ربع او از آتش دوزخ آزاد می‌شود، و کسی که دو بار آن را بگوید نیمی از بدنش از آتش دوزخ آزاد شود، و کسی که سه بار آن را بگوید سه ربع او از آتش دوزخ آزاد شود، و کسی که چهار بار آن را بگوید همه‌ی بدنش از آتش دوزخ آزاد شود».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَنَمَةَ الْبَيَاضِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ. فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ يَوْمِهِ وَمَنْ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ حِينَ يُمَسِّي فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که موقعی که بامداد می‌شود بگوید: خدایا هر نعمتی که در این بامداد دارم از فضل توست به تنهاییات، هیچ شریکی برای تو نیست، برای توست ستایش‌ها و سپاس‌ها. یعنی آنچه دارم از فضل و کرمت می‌باشد که آن همه نعمت به من ارزانی داشته‌ای، کسی که این را بگوید شکر آن روزش را به جای آورده است، و کسی که مثل آن را بگوید وقتی که به شب می‌رسد او نیز شکر شبش را به جا آورده است»، یعنی در شب می‌گوید:

«اللَّهُمَّ مَا أُمَسِّي بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ».

«وما روينا بالأسانيد الصحيحة في سنن أبي داود والنسائي وابن ماجه عن ابن عمر قال: لم يكن النبي يدع هؤلاء الكلمات حين يمسي وحين يصبح: اللهم إني أسألك العافية في الدنيا والآخرة، اللهم إني أسألك العفو والعافية في ديني ودنياي، وأهلي ومالي، اللهم استر عوراتي، وآمن روعاتي، اللهم احفظني من بين يدي ومن خلفي، وعن يميني، وعن شمالي، ومن فوقي، وأعوذ بعظمتك أن أعثر! قال وكيع: يعني الحسف». قال الحاكم أبو عبد الله: هذا حديث صحيح الإسناد. «ابن عمر رضي الله عنهما می‌گوید:

رسول الله ﷺ هیچگاه این دعاها را در بامدادان و شامگاهان ترک نمی‌نمود و می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم عافیت و تندرستی و دوری از ناملایمات در دنیا و آخرت، خدایا از تو می‌خواهم گذشت و عافیت در دینم و دنیايم و در خانواده و بستگانم و در اموالم. خدایا بیوشان عورت‌هایم را و مرا ایمن بگردان از ترس‌هایم. خدایا مرا نگه دار از جلوم و از پشت سرم و از دست راستم و از دست چپم و از بالای سرم و پناه می‌برم به عظمت و بزرگی و بزرگواریت از این که از زیر پایم خسف شوم و به ته زمین فرو روم». (عورت: محلی از بدن که پیداشدنش ناراحت‌کننده است) و روعات: جمع روعه به معنی ترس است، انسان

ترس بسیار دارد از خشم خدا، از دیدن عقوبت و غیره. و این دعا از رسول الله ﷺ درسی است برای امتش.

«وَرَوَيْتَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ وَغَيْرِهِمَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضَجِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْتَمَ اللَّهُمَّ لَا يُهْزَمُ جُنْدُكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعَدُكَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجُدِّ مِنْكَ الْجُدُّ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ». «رسول الله ﷺ موقعی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: خدایا پناه می‌برم به ذات بزرگوارت و به کلمات و آیات قرآن از شر هر چیزی که پیشانی‌ش در دست توست، یعنی پناه می‌برم به تو از شر آنچه در قبضه‌ی قدرت توست که همه‌ی کاینات باشد، یعنی من از شر همه‌ی مخلوقاتت به تو پناه می‌برم. خدایا تو از بدهکاری و گنهکاری نجات می‌دهی، خدایا لشکریانت شکست‌ناپذیرند و وعده‌ی تو خلاف‌ناپذیر است و ثروت، ثروتمند را به جای تو فایده نمی‌رساند، تنزیه می‌گویم و به ستایشت مشغولم».

«وَرَوَيْتَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَةَ بِأَسَانِيدٍ جَيِّدَةٍ عَنْ أَبِي عَيَّاشٍ «بِالشَّيْنِ الْمَعْجَمَةِ» أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كَانَ لَهُ عِدْلٌ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَكُنْتُ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَحُطَّتْ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَكَانَ فِي حِرْزٍ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُمَسِيَ وَإِنْ قَالَهَا إِذَا أَمَسَ كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که گفت موقعی که بامداد دمید: نیست معبودی به حق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، برای اوست دارندگی همه‌ی کاینات و برای اوست ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست، برای اوست برابر گردنی از فرزندان اسماعیل علیهم السلام و نوشته می‌شود برای او ده حسنه و انداخته می‌شود از او ده بدی و بالا برده می‌شود برای او ده درجه و او در نگهداری خداست و او را از شیطان نگه می‌دارد تا شب برسد، و اگر شامگاهان این را بگوید برای اوست همانند آن تا صبح بر او بدمد».

«وَرَوَيْتَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ - بِإِسْنَادٍ لَمْ يَضَعْفُهُ - عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ فَتَحَهُ وَنَصْرَهُ وَنُورَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ ثُمَّ إِذَا أَمَسَ فَلْيَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ». «رسول الله ﷺ فرمود:

وقتی که یکی از شما داخل به بامداد شد بگوید: بامداد بر ما دمید و همه‌ی کاینات اقرار نمودند به پروردگاری خدایی که پروردگار جهانیان است. خدایا از تو می‌خواهم خوبی امروز، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت آن (برای رسیدن به راه راست در آن) و وقتی که شامگاهان شد هم مثل آن بگوید: «أَمْسَيْنَا أَمْسَى الْمَلِكُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ...»: به شب داخل شدیم و دارندگی همه‌ی کاینات برای خدایی است که پروردگار جهان است. خدایا از تو می‌خواهم خوبی امشب، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت در آن.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي أَسْمَعُكَ تَدْعُو كُلَّ عَدَاةٍ: اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. تعیدها حین تصبح ثلاثاً، وثلاثاً حین تمسی، فقال: إني سمعت رسول الله ﷺ يدعو بهنَّ، فأنا أحبُّ أن أستنَّ بسنته». «از عبدالرحمن پسر ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت است که به پدرش گفت: ای پدرم! من می‌شنوم از تو که در هر بامداد این دعا را می‌خوانی: «خدایا مرا عافیت ده در بدنم، خدایا مرا عافیت بده در شوایی ام، خدایا مرا عافیت ده در بینایی ام، خدایا پناه می‌برم به تو از کفر و فقر، خدایا پناه می‌برم به تو از عذاب قبر، نیست معبودی بحق مگر تو». و هر روز در وقت بامداد آن را سه بار تکرار می‌کنی، و سه بار هم شامگاهان تکرار می‌کنی. ابوبکر گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که به این کلمات دعا می‌فرمود و من دوست می‌دارم که راه او را بگیرم».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ ١٧ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١٩﴾﴾ [الروم: ١٧-١٩]. أَدْرَكَ مَا فَاتَهُ فِي يَوْمِهِ ذَلِكَ وَمَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُمَسِّي أَدْرَكَ مَا فَاتَهُ فِي لَيْلَتِهِ». بخاری این حدیث را ضعیف دانسته و در دو کتاب (التاریخ و الضعفا) ضعف آن را بیان داشت. «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که در بامداد هر روز بگوید: «تسبیح و تنزیه خدا می‌گویم موقعی که وارد به شب می‌شوی و موقعی که وارد به روز می‌شوی، و ستایش برای اوست در آسمان‌ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسید،

زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد؛ و بدینگونه از گورها بیرون آورده می‌شوید، هرچه در آن روز از دست داده به دست می‌آورد و هرکس آن را به هنگام شب بگوید، آنچه در آن شب از دست داده به دست می‌آورد.»

این چه قدرتی است که شب تاریک را می‌برد و صبح دلنواز را به جای آن می‌نشانند و روز پرهیاهو را می‌برد و شب آرام و دلنشین را به جای آن می‌نشانند، این خدای متعال است که حمد جمیع کاینات در آسمان‌ها و زمین برای اوست و پسین و ظهر، همه‌ی کاینات به حمد و تسبیح او مشغولند، حمد و ستایش خدای متعال در بامداد و شامگاهان و در وقت ظهر و پسین می‌رساند که حمد او همیشه برقرار است، به اذان بنگرید که در تمام ساعات شبانه روز ندای: «أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله» را در سراسر جهان بسط می‌دهد، برای این که اذان در جایی در وقت ظهر است و در جایی دیگر وقت صبح و در جایی دیگر عصر است و در جایی دیگر مغرب است، پس حمد او، تسبیح او و شهادت به دین مبین او در تمام ساعات شبانه روز در سراسر جهان طنین‌انداز است تا اگر کسی دلش مرده باشد این اذان محمدی دلش را زنده گرداند، و اگر کسی دل زنده را به غفلت از حمد و تسبیح پروردگار آشیانه‌ی بوم کفر کرد، زندگی خود را به باد داده و تاریکی کفر را برای خود خریده است. چه دلیل از این بهتر که پروردگار مهربان از زمین مرده با یک باران رحمت، زمینی زنده و پر از جوش و خروش به بار می‌آورد، و از تنی زنده و آلوده به کفر جسمی بی‌جان به وجود می‌آورد، بزرگی به خودش سزاوار است، از زمین مرده زمین زنده به وجود می‌آورد، و از پدری مرده به کفر، فرزندی زنده به ایمان را به میدان می‌آورد، و از پدری زنده به ایمان، پسر مرده به کفر را به اجتماع می‌سپارد تا بدانند که دل‌ها مقهور فرمان اوست، نه تابع قانون وراثت. او زمین مرده را زنده می‌سازد بعد از مردنش و آنچنان هم شما بشر به یک باران رحمتی که آب حیات نام دارد از قبر بیرون آورده می‌شوید تا هرکدام به‌سوی هدف خود روانه شوید.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بَعْضَ بَنَاتِ النَّبِيِّ ﷺ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُنَّ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهَا فَيَقُولُ: قَوْلِي حِينَ تُصْبِحِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُصْبِحُ حَفِظَ حَتَّى يُمْسِيَ وَمَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُمْسِي حَفِظَ حَتَّى يُصْبِحَ». «رسول الله ﷺ به بعضی از دختران خود می‌آموخت و می‌فرمود: هر بامداد

بگو: تنزیه خدا می گویم و به ستایش او مشغولم، هیچ قدرتی نیست که به کار آید مگر به کمک خدای متعال، آنچه خدا بخواهد می شود، و آنچه نخواهد نمی شود. یقین دارم که خدا بر همه چیز تواناست و علمش به همه چیز احاطه فرموده است، نه چیزی هست که از قدرت او خارج باشد و نه چیزی هست که از علم او خارج باشد، کسی که این کلمات را بامداد گفت تا غروب آن روز در حفظ خداست، و کسی که این کلمات را به شب گفت تا صبح در حفظ خداست».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ يُقَالُ لَهُ أَبُو أَمَامَةَ فَقَالَ: يَا أَبَا أَمَامَةَ مَا لِي أَرَاكَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ فِي غَيْرِ وَقْتِ الصَّلَاةِ! قَالَ هُمُومٌ لَرِمْتَنِي وَدُيُونٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ أَفَلَا أَعَلِمَكَ كَلَامًا إِذَا أَنْتَ قُلْتَهُ أَذْهَبَ اللَّهُ ﷻ عَنْكَ هَمُّكَ وَقَضَى عَنكَ دَيْنَكَ! قُلْتُ: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ! قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ ﷻ هَمِّي وَقَضَى عَنِّي دَيْنِي». «رسول الله ﷺ روزی داخل مسجد شد و دید مردی از انصار که ابو امامه نام دارد، در مسجد نشسته است. فرمود: «ای ابا امامه چرا در غیر وقت نماز در مسجد نشسته ای؟» ابو امامه گفت: اندوهها و بدهکاری هایی ملازم من شده اند یا رسول الله، فرمود: «آیا نیاموزم تو را کلماتی که هرگاه آنها را بگویی خداوندت را از میان بردارد و بدهکاری هایت را ببرد» گفتم: بله یا رسول الله، آن کلمات را به من بیاموز. فرمود: «وقتی که به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاهان رسیدی بگو: خدایا پناه می برم به تو از غم و اندوه و پناه می برم به تو از ناتوانی و سستی و پناه می برم به تو از ترسویی و بخیلی و پناه می برم به تو از چیره شدن بدهکاری و خوار شدن مردان». ابو امامه گفت: آن کلمات را گفتم و خداوند مرا برد و دیونم را ادا فرمود».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي زَيْدٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: أَصْبَحْنَا عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ، وَكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ، وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَمِلَّةِ أَبِينَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ! قُلْتُ كَذَا وَقَعَ فِي كِتَابِهِ. وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ! وَهُوَ غَيْرُ مُتَّبَعٍ، وَلَعَلَّهُ ﷺ قَالَ ذَلِكَ جَهْرًا لِيَسْمَعَهُ غَيْرُهُ فَيَتَعَلَّمَهُ. وَاللَّهُ أَعْلَمُ». «رسول الله ﷺ صبح که می شد می فرمود: «صبح واکردیم بر فطرت اسلام و کلمه ای اخلاص و دین پیغمبرمان محمد ﷺ و ملت ابراهیم مستقیم بر شریعت و مسلمان و من از مشرکان نیستم. امام نووی فرمود که رسول الله ﷺ تابع کسی

نیست. بنابراین گفتن: دین نبینا شاید بلند فرموده به قصد این که مسلمانان آن را بشنوند و یاد بگیرند».

فطرت به معنی طبیعت و سرشت، برای این که دین اسلام دین سرشت است که هرکسی بر همین سرشت آفریده شده است، و لیکن پدران و مادران، فرزندان‌شان را بر دین خودشان می‌پروراند. قبلاً شرح دادیم که دین از جهت این که مردم در آن یکسانند شریعت نامیده می‌شود، و از جهت این که رسول الله ﷺ آن را املا می‌فرمایند ملت نامیده می‌شود و از جهت این که پیروی از آن می‌شود دین نامیده می‌شود. و حنیفاً به معنی مستقیماً بر راه راست است. «وحنیفاً: مائلاً عن کلّ دین إلى دین الإسلام. وکلمة الإخلاص: لا إله إلا الله» می‌باشد. بنابراین، ما مسلمانان بر سرشت اسلام و بر کلمه‌ی اخلاص و دین محمد و ملت ابراهیم هستیم.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أُوَيْفٍ رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ عز وجل وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْعِظْمَةُ لِلَّهِ وَالخَلْقُ وَالْأَمْرُ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا سَكَنَ فِيهَا لِلَّهِ تَعَالَى اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ هَذَا النَّهَارِ صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ فَلَاحًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». «رسول الله ﷺ وقتی که صبح می‌شد می‌فرمود: صبح واکردیم و همه‌ی کاینات برای خدای عز وجل است، و ستایش‌ها همه برای خداست و کبریا و عظمت برای خدای یکتاست و عالم خلق از امور مادی و عالم امر از امور معنوی. بدن انسان مخلوق خدا و از عالم خلق است، و روح انسان از مخلوقات خداست و از عالم امر است، و شب و روز و آنچه در شب و روز آرام می‌گیرند همه برای خدای متعال هستند. خلقت همه از اوست و نگهداری همه از اوست و تصرف در همه برای اوست، او آفریدگار همه است و طاعت همه برای اوست. خدایا اول امروز صلاح و شایستگی قرار ده تا در آغاز روز به کارهای شایسته بپردازیم، و میان روز کامیابی قرار ده تا در کارهای خیر کامیاب شویم و آخر روز رستگاری قرار ده تا در انجام هرکار رستگار شویم ای مهربان‌ترین مهربانان».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ فِيهِ ضَعْفٌ عَنْ مَعْقِلِ بْنِ إِسَارِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَقَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحُشْرِ: وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ، حَتَّى يُمِسي، وَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيدًا، وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمِسي

كَانَ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که وقتی که صبح شد سه بار گفت: پناه می‌برم به خدای شنوای دانا از شیطان نفرین شده و سه آیه از سوره‌ی حشر خواند (ظاهراً سه آیه‌ی آخر سوره‌ی حشر) خدا موکل می‌فرماید هفتاد هزار فرشته تا بر او درود فرستند تا به شب برسد، و اگر آن روز بمیرد به شرف شهادت می‌رسد، و کسی که آن را بگوید وقتی که به شب داخل می‌شود هم به همان منزلت است».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّبَّيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ ﷺ قَالَ: وَجَّهَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي سَرِيَّةٍ فَأَمَرَنَا أَنْ نَقْرَأَ إِذَا أُمْسَيْنَا وَأَصْبَحْنَا: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَدًا﴾ [المؤمنون: ۱۱۵]. فَقَرَأْنَا وَعَنَمْنَا وَسَلِمْنَا». «محمد بن ابراهیم از پدرش ابراهیم ﷺ روایت نمود که پدرش گفت که رسول الله ﷺ ما را در سریه‌ای فرستاد و به ما امر فرمود که این آیه‌ی ۱۱۵ از سوره‌ی مؤمنون: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَدًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿۱۱۵﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۵]. را در صبح و شام بخوانیم، و ما آن را خواندیم و غنیمت از دشمن به دست آوردیم و به سلامت برگشتیم».

تفسیر آیه: «آیا گمان کرده اید شما را آفریدیم به بازی و به‌سوی ما باز نمی‌گردید» ﴿فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۱۶﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۶]. «برتر آمد خدای یکتایی که فرمانروای برحق است، نیست معبودی بحق مگر او که صاحب عرش بزرگوار است» یعنی خدا شما را به بازی نیافرید و او بالاتر و برتر از آن است که به بازی بیافریند، شما را آفرید تا مطیع فرمانش باشید و به‌سوی او بازگردید تا جزای اعمالتان را دریابید.

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ ﷺ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَدْعُو بِهَذِهِ الدَّعْوَةِ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ مِنْ فَجَاءَةِ الْخَيْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فَجَاءَةِ الشَّرِّ». «رسول الله ﷺ بامداد و شامگاهان این دعا را می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم ناگهان آمدن خیر و پناه می‌برم به تو از ناگهان آمدن شرها».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِفاطمةَ ﷺ: مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَسْمَعِي مَا أَوْصِيكَ بِهِ، أَنْ تَقُولِي إِذَا أَصْبَحْتِ وَإِذَا أَمْسَيْتِ: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ». «رسول الله ﷺ به فاطمه، سیده‌ی نساء العالمین، سیده‌ی نساء هذه الأمة، سیده‌ی نساء أهل الجنة سلام الله علیها

فرمود: کدام چیز مانعت می‌شود از این که بشنوی آنچه را که تو را سفارش به آن می‌نمایم که در هر بامداد و شامگاه بگویی: ای همیشه زنده، همیشه ایستاده به تدبیر خلاق، طلب فریادرسی می‌کنم از تو، پس کارهایم همه را به صلاح آور و کارهایم همه به عهده‌ی خودت است و یک چشم به هم‌زدن مرا به خودم واگذار نفرما».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَجُلًا شَكِيَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم أَنَّهُ تُصِيبُهُ الْآفَاتُ فَقَالَ لَهُ الرَّسُولُ صلى الله عليه وآله وسلم: قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَأَهْلِي، فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ لَكَ شَيْءٌ! فَقَالَهُنَّ الرَّجُلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الْآفَاتُ». «مردی شکایت حال خود نمود نزد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و گفت: یا رسول الله! انواع آفت به من می‌رسد: چیزی می‌خرم ضرر می‌کنم و چیزی می‌خواهم از آن استفاده کنم از دستم بیرون می‌رود. رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم به او فرمود: «صبح هرروز بگو: به نام خدا نگهداری خود و اهل و بستگانم قرار می‌دهم تا برکت نام خدا بر همه‌مان باشد و به سبب این دعا چیزی از دست تو نمی‌رود». آن مرد این را گفت و آفت از او دور شد.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ ابْنِ مَاجَهَ وَكِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أَمِّ سَلَمَةَ رضي الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيِّبًا، وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا». «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بامداد هرروز می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد و روزی که حلال باشد و عملی که مقبول درگاہت باشد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسَتْرٍ فَأَتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَعَافِيَتَكَ وَسَتْرَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُتِمَّ عَلَيْهِ». «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: کسی که بامداد و شامگاه سه بار بگوید: خدایا من صبح واکرده‌ام بر نعمتت و عافیتت و سترت، پس نعمت و عافیت و سترت را در دنیا و آخرت بر من کامل بگردان، خداوند حق او می‌داند که این نعمت‌ها را بر او تکمیل کند».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَبِابِ السُّنِّيِّ عَنْ زُبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم قَالَ: مَا مِنْ صَبَاحٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا وَمُنَادٍ يُنَادِي سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ! وَفِي رَوَايَةٍ ابْنِ السُّنِّيِّ: إِلَّا صَارِحٌ يَصْرُحُ: أَيُّهَا الْخَلَائِقُ، سَبِّحُوا الْمَلِكِ الْقُدُّوسَ». «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: هر بامدادی که مردم صبح وامی‌کنند، ندا زنده‌ای ندا می‌زند، یعنی به آواز

بلند می گوید که مردم بشنوند: پاک و منزّه است فرمانروای بسیار پاک». و در روایت ابن السنی فریادزنی فریاد می کشد: «ای خلائق تسبیح خدا که الملك القدوس است بگویند». «الملك»: از نامهای پاک پروردگار است. القدوس: از نامهای پاک پروردگار متعال است. «الملك»: به معنی شاه و دارنده و مالک و فرمانروا است. القدوس: بسیار پاک. دعوت به تسبیح و تقدیس خدا کاری است که هر روز فرشته‌ای انجام می دهد، و یقیناً که خلائق همه این ندا را اجابت می کنند، لیکن از بنی آدم چه اندازه اجابت می کنند خدا می داند! مقصود این است که ای خلائق همه امورتان در دست خداست، روی به او آورید، او را تسبیح و تنزیه گویند که غیر از او همه اموات هستند و کاری نمی توانند بکنند.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ بَرِيدَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: رَبِّيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ثُمَّ مَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که در وقت صبح و شام بگوید: پروردگارم خدای یکتاست، بر او توکل نمودم، نیست معبودی بحق مگر او، بر او توکل نمودم و کارهایم به او واگذاشتم و او صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر خدا که بسیار بلندمرتبه و بسیار بزرگوار است، فهم کسی به علو و عظمت او نمی رسد، آنچه خدا خواست شد و آنچه نخواست نشد، یقین می دانم که خدا بر همه چیز تواناست و علم او به همه چیز احاطه نموده و هیچ چیز از علم او بیرون نیست؛ کسی که این را گفت و مرد به بهشت داخل شده است».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أَنَسِ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَيْعَجَزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ كَأَبِي صَمْصَمٍ؟! قَالُوا: وَمَنْ أَبُو صَمْصَمٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَهَبْتُ نَفْسِي وَعَرَضِي لَكَ فَلَا يَسْتُمُّ مَنْ سَتَمَهُ وَلَا يَظْلِمُ مَنْ ظَلَمَهُ وَلَا يَضْرِبُ مَنْ ضَرَبَهُ». «رسول الله ﷺ به یاران فرمود: آیا هریک از شما نمی تواند مثل ابی صمضم باشد؟ گفتند: ابوصمضم چه کسی است یا رسول الله؟ فرمود: ابوصمضم کسی است که صبح که می شد رو به خدا می کرد و می گفت: خدایا من به حقیقت خودم و شرفم را به تو بخشیده ام، پس دشنام نمی داد به کسی که او را دشنام داده بود و ستم نمی کرد به کسی که به او ستم کرده بود و نمی زد کسی را که به او زده بود».

«وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي الدرداء رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَقَالَ: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِي: حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ سَبَعَ مَرَّاتٍ كَفَّاهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». «رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که هر روز در وقت صبح و شام هفت بار بگوید: کفایت من است الله، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او. بر او توکل نمودم و او صاحب عرش عظیم است، کسی که هر صبح و شام هفت بار این را بگوید، خدا امر دنیا و آخرتش را کفایت می‌کند». یعنی حوائج او را برآورده می‌سازد تا خاطر او آسوده شود. و باید دانست که گفتن این کلمات باید با عقیده‌ی قلبی موافقت داشته باشد، و با یقین به این که خدا کفایت‌کننده‌ی هرکسی است که بر او توکل کند و با اعتماد بر خدا باشد. نظام اسباب و مسببات را فراموش نکند تا هم کوشش خود به کار گرفته و هم از خدا در موفقیت خود مدد گرفته باشد.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ عَنْ طَلْقِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ رضي الله عنه فَقَالَ: يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ قَدْ احْتَرَقَ بَيْتُكَ؟ قَالَ: مَا احْتَرَقَ، لَمْ يَكُنْ اللَّهُ عز وجل لِيَفْعَلَ ذَلِكَ لِكَلِمَاتٍ سَمِعْتُهُنَّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ قَالَهَا أَوَّلَ نَهَارِهِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُمَسِيَ، وَمَنْ قَالَهَا آخِرَ النَّهَارِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُصْبِحَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَتْ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». «مردی نزد ابی الدرداء آمد و گفت:

خانه‌ات آتش گرفت، ابوالدرداء گفت: خانه ام آتش نگرفت و خدای عز وجل خانه ام را نمی‌سوزاند، به برکت کلماتی که از رسول الله صلى الله عليه وآله شنیدم که فرمود: «هرکس در آغاز روز این کلمات را بگوید تا آخر روز مصیبتی به او نخواهد رسید و هرکس در آخر روز، یعنی اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی‌رسد، آن کلمات عبارت است از: خدایا تو پروردگارم هستی، نیست معبودی به حق مگر تو. بر تو توکل نمودم، تو صاحب عرش عظیم هستی، آنچه خدا بخواهد می‌شود و آنچه خدا نخواهد نمی‌شود، نیست چاره‌ای برای دوری از گناه، و نیست نیرویی برای پایداری بر طاعت مگر به کمک خدای بسیار بلندمرتبه و بسیار بزرگوار. می‌دانم که خدا یقیناً بر همه چیز تواناست و یقیناً علم خداوندی به همه چیز احاطه کرده

است، و هیچ چیز بیرون از علم او نیست. خدایا به تو پناه می‌برم از شر خودم و از شر هر حیوانی که پیشانیش در ید قدرت توست، یقیناً پروردگرم به راه راست است.»

«وَرَوَاهُ مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَلَمْ يَقُلْ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ وَفِيهِ أَنَّهُ تَكَرَّرَ مَجِيءُ الرَّجُلِ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ يَقُولُ: أَدْرِكُ دَارَكَ فَقَدْ احْتَرَقَتْ، وَهُوَ يَقُولُ مَا احْتَرَقَتْ؛ لِأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - وَذَكَرَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - لَمْ يُصِبْهُ فِي نَفْسِهِ، وَلَا أَهْلِهِ، وَلَا مَالِهِ شَيْءٌ يَكْرَهُهُ وَقَدْ قُلْتَهَا الْيَوْمَ ثُمَّ قَالَ: انْهَضُوا بِنَا فِقَامَ وَقَامُوا مَعَهُ فَانْتَهَوْا إِلَى دَارِهِ، وَقَدْ احْتَرَقَ مَا حَوْلَهَا، وَلَمْ يُصِبْهَا شَيْءٌ». «و ابن السنی از طریق دیگر روایت کرده است از بعضی از یاران رسول الله ﷺ و از ابی الدرداء روایت نکرده است، و در آن آمده است که آن مردی که خبر می‌آورد، می‌رفت و می‌آمد و می‌گفت: برس به خانه‌ات که سوخت و او می‌گفت: نسوخته است برای این که از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هرکسی که بامداد این کلمات را بگوید تا آخر روز هیچ مصیبتی به او و اهل و مالش نمی‌رسد، و اگر اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی‌رسد، و من این کلمات را امروز گفته‌ام. پس از آن گفت: بیایید بریم ببینیم. او برخاست و جماعت همراه او برخاستند، وقتی که به خانه‌ی او رسیدند دیدند خانه‌ی اطراف خانه‌اش سوخته و به خانه‌اش هیچ زبانی نرسیده است.»

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السِّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَرَأَ خَتَمَ الْمُؤْمِنِ إِلَى إِلَيْهِ الْمَصِيرُ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ، حِينَ يُصْبِحُ، حَفِظَ بِهِمَا حَتَّى يُمْسِيَ، وَمَنْ قَرَأَهُمَا حِينَ يُمْسِي، حَفِظَ بِهِمَا حَتَّى يُصْبِحَ». «رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که سوره‌ی ختم المؤمن را که سوره غافر نیز نامیده می‌شود تا ایله المصیر بخواند و آیه‌ی الکرسی بخواند به برکت این دو نگهداری می‌شود، اگر این دو را صبح خوانده تا اول شب حفظ می‌شود، و اگر اول شب این دو را خوانده تا صبح حفظ می‌شود». آن آیات عبارتند از:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٢﴾ غَافِرِ الدَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهٌ لَا يَأْتِيهِ الْمَوْتُ لَئِنْ أَقْبَلَ لَجَاءُ بِهِ مَحْدُوِّمَاتٌ يُدْعِينَ لَهُ الْمُجْرِمَاتُ أَوَّامِلًا مُبْدِعَاتٍ لِيَوْمٍ قَدْ جُئِيَ الشَّكُورُ﴾ ﴿٣﴾ [المؤمن: ۲-۳].
 آیه الکرسی: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا

خَلَقَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ [البقرة: ٢٥٥].

این‌ها احادیثی است راجع به اذکار شبانه روز که خواستیم آنها را ذکر کنیم و برای کسی که خدا او را موفق کند، کفایت می‌کند. از خداوند بزرگ توفیق عمل به این احادیث و همه‌ی راه‌های خیر را می‌خواهیم.

«باب ما يقال في صبيحة يوم الجمعة»

بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می‌شود

بدان که هرچه از اذکار غیر روز جمعه است در روز جمعه نیز گفته می‌شود، و بیش از هرروز دیگر مستحب است بسیاری یاد خدا در روز جمعه و بسیاری درودفرستادن بر رسول الله ﷺ.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ صَبِيحَةَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ صَلَاةِ الْعَدَاةِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که قبل از نماز فرض صبح روز جمعه سه بار بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» گناهش آمرزیده می‌شود و اگرچه مثل کف دریا باشد». و باید دانست که دین و حق الناس از آن مستثنی است. ترجمه: آمرزش می‌خواهم از خدایی که نیست معبودی به حق مگر او که زنده‌ی همیشگی است و قیوم و ایستاده به تدبیر کاینات است و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او. و مستحب است بسیار دعاکردن در روز جمعه از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب، به امید این که دعایش در ساعت اجابت دعا واقع شود، و وقت اجابت دعا در قول معتمد میان نشستن امام میان دو خطبه است تا این که سلام نماز جمعه را بدهد. و اقوال بسیاری در باره‌ی آن هست و امام علامه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، شرح بخاری چهل قول در این خصوص آورده است که

قول معتمد اینجا آورده‌یم و قول دومی نزدیک به صواب است و آن قبل از غروب آفتاب روز جمعه است.

«باب ما یقول إذا طلعت الشمس»

بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می‌گوید

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَلَّلَنَا الْيَوْمَ عَافِيَتَهُ، وَجَاءَنَا بِالشَّمْسِ مِنْ مَظَلَعِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُ لَكَ بِمَا شَهِدْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ، وَشَهِدْتَ بِهِ مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، شَهِدَاتِي مَعَ شَهَادَةِ مَلَائِكَتِكَ وَأَوْلِي الْعِلْمِ وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْ بِمِثْلِ مَا شَهِدْتُ، فَارْتَبْ شَهِادَاتِي مَكَانَ شَهِادَاتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ، أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا دَعْوَتَنَا، وَأَنْ تُعْطِينَا رَغْبَتَنَا، وَأَنْ تَزِيدَنَا فَوْقَ رَغْبَتِنَا، وَأَنْ تُغْنِيَنَا عَمَّنْ أَعْنَيْتَهُ عَنَّا مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلِبِي». «رسول الله ﷺ موقعی که آفتاب طلوع می‌کرد می‌فرمود: «همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز ما را به عافیتش پوشید و آفتاب را از محل بیرون آمدنش آورد، (یعنی از جهت مغرب که علامت قیامت است آفتاب را بیرون نیاورد) خدایا من در این بامداد گواهی می‌دهم برایت به آن گواهی که برای خودت گواهی دادی، و فرشتگان و بردارندگان عرش عظیمت و همه‌ی مخلوقاتت به آن گواهی دادند که تو خدای یکتایی، نیست معبودی به حق مگر تو که برپادارنده‌ی عدل هستی، نیست معبودی به حق مگر تو که پرعتز و پرحکمت هستی. خدایا بنویس گواهی ام را بعد از گواهی فرشتگان و دانشمندان. خدایا تو سلام هستی و سلامتی از هر عیب و نقص از توست، و سلامتی همه به‌سوی تو باز می‌گردد، از تو می‌خواهم ای صاحب شکوه و بزرگواری که دعای‌مان را به اجابت برسانی و آنچه از تو می‌خواهیم به ما عطا فرمایی، و از هرکسی که از ما بی‌نیاز است ما را از او بی‌نیاز گردانی تا هر کسی از خلق تو که از ما بی‌نیاز باشد ما هم از او بی‌نیاز باشیم. خدایا دین

مرا که وسیله‌ی نگهداری‌ام از آتش است از هرچه مایه‌ی خشم تو می‌شود نگهدار و دنیای مرا که زندگی‌ام در آن است به صلاح آور، و آخرتم را که در آن بازگشتم به سوی توست شایسته گردان.»

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَبْدَ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه - مَوْقُوفًا عَلَيْهِ - أَنَّهُ جَعَلَ مَنْ يَرُقُبُ لَهُ طُلُوعَ الشَّمْسِ فَلَمَّا أَخْبَرَهُ بِطُلُوعِهَا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لَنَا هَذَا الْيَوْمَ وَأَقَالَنَا فِيهِ عَثْرَاتِنَا.»

«و در کتاب ابن السنی روایت داریم از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه از گفته خودش که او به کسی می‌گفت تا بیرون آمدن آفتاب را منتظر شود و هر وقت طلوع نمود به او خبر بدهد، وقتی که او را از طلوع آفتاب خبر داد گفت: همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز را در اختیار ما نهاد و امروز از لغزش‌های ما درگذشت.»

«باب ما يقول إذا استقلت الشمس»

بابی است در بیان آنچه که وقت بالآمدن آفتاب می‌گوید

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السِّنِّيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: مَا تَسْتَقِيلُ الشَّمْسُ فَيَبْقَى شَيْءٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا سَبَّحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا مَا كَانَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَأَعْتَاءِ بَنِي آدَمَ! فَسَأَلْتُ عَنْ أَعْتَاءِ بَنِي آدَمَ فَقَالَ: شِرَارُ الْخَلْقِ.» «رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «موقعی که آفتاب بالا می‌آید همه‌ی مخلوقات خدا به تسبیح و تنزیه خدای عزوجل می‌پردازند، مگر شیطان و پست‌فطرتان از آدمی‌زادگان که تسبیح خدای متعال نمی‌گویند». در باره‌ی پست‌فطرتان بنی آدم پرسیدم، فرمود: «بدان مردم»».

«باب ما يقول زوال الشمس إلى العصر»

بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می‌گوید

پیش از این یاد شد که چه بگوید وقتی که لباس می‌پوشید و وقتی که داخل به مستراح می‌شود و وقتی که از آن بیرون می‌آید و وقتی که وضو می‌گیرد و وقتی که به

مسجد می‌روید و وقتی که به در مسجد می‌رسد و وقتی که داخل مسجد است و وقتی که اذان می‌شنود و وقتی که اقامه‌ی نماز می‌شنود و وقتی که برمی‌خیزد برای نماز. و آنچه در نماز می‌گوید از اول نماز تا آخر آن، و آنچه بعد از نماز می‌گوید، این‌ها همه در باب‌های خود یاد شد و همه‌ی آنها در نمازها مشترکند. و مستحب است بسیار یادکردن اذکار و عبادات دیگر بعد از زوال آفتاب، به دلیل آنچه روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن السائب رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از زوال آفتاب قبل از نماز ظهر چهار رکعت سنت زوال می‌خواند و می‌فرمود: اکنون ساعتی است که درهای آسمان گشوده می‌شود و دوست می‌دارم که در این ساعت عمل صالحی برایم به آسمان برود. ترمذی گفت: حدیث حسن است، و مستحب است بسیاری یاد خدا بعد از نماز فرض ظهر و اذکار و سنن و تعقیبات آن، نظر به عموم فرموده‌ی پروردگار متعال:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾ [المؤمن: ۵۵]. «و تسبیح گوی همراه با ستایش پروردگارت قبل از ظهر و بعد از ظهر». اهل لغت گفته‌اند: «عَشِيٌّ»: از زوال آفتاب تا غروب آفتاب است. و امام ابومنصور از هری فرموده است: «عَشِيٌّ» نزد عرب میان زوال آفتاب تا غروب آفتاب است.

«باب ما يقول بعد العصر إلى غروب الشمس»

بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می‌گوید

پیش از این یاد شد آنچه گفته می‌شود بعد از فرض ظهر و بعد از فرض عصر. همچنین مووکداً مستحب است بسیاری یاد خدا در وقت عصر، برای این که نماز فرض عصر به گفته‌ی گروهی از علمای سلف و خلف هان «الصلاة الوسطی» است. و همچنین مستحب است زیاد اهمیت‌دادن به اذکار صبح، برای این که صحیح‌ترین گفتار در باره‌ی «الصلاة الوسطی» در مورد نماز صبح و عصر است. و مستحب است بسیار یاد خداکردن بعد از عصر و به ویژه در آخر روز. خدای متعال فرمود:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾ [طه: ۱۳۰]. «تسبیح همراه با ستایش پروردگارت بگوی قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب».

وقال الله تعالى: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ [المؤمن: ۵۵]. «و تسبیح پروردگارت همراه با ستایش او بگو از صبح تا قبل از ظهر و از بعد از ظهر تا غروب آفتاب».

وقال الله تعالى: ﴿وَأذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ [الأعراف: ۲۰۵]. «و به یاد بیاور و همیشه یاد کن در دل خودت از روی خشوع و حضور قلب و از روی ترس از عظمت خدا ﷻ بدون آواز بلند در بامدادان و پسون».

وقال الله تعالى: ﴿يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ﴾ [النور: ۳۶-۳۷]. «تسبیح گوی ذات پاک پروردگارت در وقت صبح و پسون مردانی که ایشان را مشغول نمی سازد از یاد خدا نه تجارت و نه خرید و فروش». پیش از این یاد شد که آصال جمع اصیل است و اصیل میان عصر و مغرب را می گویند.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنِ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَأَنْ أَجْلِسَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللَّهَ ﷻ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ ثَمَانِيَةَ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ». «رسول الله ﷺ فرمود: بنشینم با مردانی که یاد خدای عزوجل می کنند از بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب، محبوب تر است نزد من از آزادکردن هشت برده که از فرزندان اسماعیل ﷺ باشند». و فرمود از اولاد اسماعیل برای این که از ایشان باشد قیمتش بیشتر و گرمی تر و کمیاب تر است، و کلمه ی قوم به معنی مردان است:

﴿لَا يَسَخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ﴾ [الحجرات: ۱۱]. «نباید ریشخند کنند مردانی از مردان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر از ریشخندکنندگان باشند، و نباید ریشخند کنند زنانی از زنان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر باشند از ریشخندکنندگان» که در اینجا قوم در مقابل نساء آورده است.

«باب ما يقول إذا سمع أذان المغرب»

بابی است در بیان آنچه می گوید، موقعی که اذان مغرب را می شنود

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ لَ قَالَتْ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقُولَ عِنْدَ أَذَانِ الْمَغْرِبِ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا إِفْبَالٌ لَيْلِكَ وَإِدْبَارُ نَهَارِكَ وَأَصْوَاتُ دُعَاتِكَ فَأَغْفِرْ لِي». «از ام سلمه رضی اللہ عنہا روایت داریم که گفت: رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم به من آموخت که موقعی که اذان مغرب شنیدم بگویم: «خدایا اکنون موقع رو آوردن شب و پشت دادن روز و شنیدن آواز کسانی است که اذان می گویند و مردم را به سوی نماز و عبادت دعوت می کنند، مرا ببخشای.»

«باب ما يقول بعد الصلاة المغرب»

بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می گوید

قبلاً یاد کردیم که بعد از هر نماز فرض اذکاری که یاد شد بگویند، و مستحب است که بعد از فراغت از نماز فرض مغرب و خواندن دو رکعت سنت بعدیهی مغرب افزون بر آنچه گذشت، بگویند آنچه از رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم وارد شده است.

«يَقُولُ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ سُنَّةَ الْمَغْرِبِ مَا رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رضی اللہ عنہا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ يَدْخُلُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ فِيمَا يَدْعُو: يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ! ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». «رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم بعد از این که از نماز فرض مغرب فارغ می شد به خانهی ام سلمه رضی اللہ عنہا می آمد و در ضمن دعایش می فرمود: «یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». ای زیر و بالاکنندهی دل ها، پایدار مدار دل های ما را بر دین خودت که دین اسلام است». تغییر و از حالی به حالی شدن دل ها

معلوم است. از این رو مسلمان از خدا می‌خواهد دلش را از انحراف و تغییر حفظ فرماید و بر دین اسلام پایدار بدارد.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عِمَارَةَ بْنِ شَبِيبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. عَشْرَ مَرَّاتٍ عَلَى إِثْرِ الْمَغْرِبِ بَعَثَ اللَّهُ لَهُ مَسْلِحَةً يَحْفَظُونَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُصْبِحَ وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ مُوجِبَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ مُؤَبِّقَاتٍ وَكَانَتْ لَهُ بِعَدْلِ عَشْرِ رِقَابٍ مُؤْمِنَاتٍ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که بعد از نماز مغرب ده بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ». را تا آخر بگوید، یعنی نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا که هیچ شریکی برای او نیست، پادشاهی و فرمانروایی و ستایش‌ها همه برای اوست، او زنده می‌گرداند و مرگ می‌دهد، زندگی و مرگ همه در دست اوست، و او بر همه چیز تواناست، خدای متعال نگهبانانی برای او می‌فرستد تا او را تا صبح از شر شیطان نگه دارند، و خدا می‌نویسد برای او ده حسنه‌ی ثابت‌کننده بهشت برای او، و از بین می‌برد ده گناه هلاک‌کننده از او. و همین ده بار گفتن لا إله إلا الله تا آخر برابر است با ثواب ده برده که آزاد نماید».

ترمذی فرمود که عماره بن شیبب از رسول الله ﷺ شنیده است. امام نووی فرمود: نسائی این حدیث را از دو طریق روایت نموده: یک روایت الترمذی از عماره بن شیبب از رسول الله ﷺ و روایت دیگری از عماره از مردی از انصار مدینه. ابوالقاسم ابن عساکر فرمود: روایت دومی درست است و حدیث ثابت است. نووی فرمود: «مَسْلِحَةٌ» به معنی «حَرَسٌ» و نگهبانان است.

«باب ما یقرؤه فی صلاة الوتر وما یقوله بعدها»

بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می‌خواند و آنچه بعد از نماز

وتر می‌گوید

سنت است برای کسی که نماز وتر را سه رکعت می‌خواند این که در رکعت اولی بعد

از فاتحه سوره‌ی ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ بخواند و در رکعت دومی بعد از فاتحه سوره‌ی ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ بخواند و در رکعت سومی سوره‌های ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ بخواند. اگر در رکعت اولی سوره‌ی ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را باهم بخواند. و اگر در رکعت دومی سوره‌ی ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را فراموش کرد در رکعت ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را باهم بخواند.

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ وَعَبْدِ بْنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَلَّمَ مِنَ الْوُتْرِ قَالَ: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ! وَفِي رِوَايَةِ النَّسَائِيِّ وَابْنِ السِّنِّيِّ: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ». ثلاثَ مرَّاتٍ.

«رسول الله ﷺ موقعی که از نماز وتر سلام می‌داد سه بار می‌فرمود: «سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ» یعنی پاک و منزّه است خدایی که فرمانروای همه است، کسی نمی‌تواند از فرمان او سرپیچی نماید، او قدوس است، بسیار مقدس و مورد تعظیم است، همه‌ی کاینات به قدس و پاکی و عظمتش اعتراف دارند».

«وَرَوَيْنَاهُ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالتَّنَائِيَّ عَنِ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ فِي آخِرِ وَتْرِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخِطِكَ وَبِعَافَاتِكَ مِنْ عِقَابَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ! قال الترمذي حديث حسن.»

«از علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت داریم که رسول الله ﷺ در آخر نماز وترش می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ» تا آخر. یعنی خدایا پناه می‌برم به رضای تو از خشم‌گرفتنت و پناه می‌برم به عافیت‌دادنت از عقوبت‌دادنت و پناه می‌برم از عذاب تو به خودت. نمی‌توانم ثنا و احسان و خوبی تو را بشمارم، و تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت گفتی». یعنی در همه حال پناه می‌برم تا رضایت خودت را شامل حالم بگردانی، و از خشم و غضبت مرا دور بداری، و پناه می‌برم به عافیت‌دادنت و دور نگه داشتنت تا مرا از عقوبتت و کیفر دادنت معاف و دور نگه داری. و به خودت پناه می‌برم از عذابت، برای این که کسی نیست که ما را از عذابت نگه بدارد بجز خودت. چگونه ما بندگان می‌توانیم که ثنای

شایسته‌ی عظمت را برشماریم؟ ما بندگان ناتوان کجا و شناخت عظمت و ثنای شایسته‌ی عظمت کجا! شایسته‌ی بزرگی‌ات ثنایی است که خودت برای خودت فرمودی، یعنی شایسته‌ی بندگان پناه آوردن به خدا و اظهار عجز از ثنای شایسته‌ی خدا و خواهش قبول شکر و ثناست.

به قول سعدی رحمته:

فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد
بخشندگی و سابقه لطف و رحمتش ما را بحسن عاقبت امیدوار کرد

«باب ما یقول إذا أراد النوم واضطجع علی فراشه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر بسترش دراز کشید

قال الله تعالی:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٢﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٤﴾ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٥﴾ رَبَّنَا وَعَدِّتْنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْرِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٦﴾﴾ [آل عمران: ۱۹۰-۱۹۴].

«حقا که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و به دنبال هم آمدن شب و روز نشانه‌هایی است از عظمت قدرت الله جل جلاله برای صاحبان خردها، خردمندان می‌دانند که چه قدرتی است که شب و روز را به وجود می‌آورد، اگر تمام مردم روی زمین جمع شوند تا اکنون که بامداد است به وقت ظهر تبدیل کنند نمی‌توانند که معلوم، بلکه یک دقیقه نمی‌توانند در گردش آفتاب تقدیم و تأخیر به وجود آورند، و این خردمندانند که آن را می‌دانند. آن مردمی که

همیشه خدا را یاد می‌کنند، همیشه زبان‌شان تر است از یاد خدا در حالی که ایستاده‌اند و در حالی که نشسته‌اند و در حالی که به پهلو افتاده‌اند و همیشه یاد خدا آرام دل‌هایشان است و یاد خدا اطمینان خاطر‌هایشان و یاد خدا بقای حیات‌شان است».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ مَنْ رَوَاةِ حُدَيْفَةَ وَأَبِي ذَرٍّ رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا أَوَيْتُمْ إِلَى بستر خواب پهلو می‌نهاد می‌فرمود: «خدایا به نام تو زنده می‌مانم و به نام تو می‌میرم». یعنی حیات من از برکت یاد نام توست و وفات من بر یاد نام توست».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ مِنْ رَوَاةِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضي الله عنه. وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَهُ وَلِفَاطِمَةَ رضي الله عنها: إِذَا أَوَيْتُمْ إِلَى فِرَاشِكُمْ، أَوْ أَخَذْتُمْ مَصَاجِعَكُمْ، فَكَبِّرُوا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَسَبِّحُوا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدُوا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ! وَفِي رَوَاةٍ: التَّكْبِيرُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ! قَالَ عَلِيٌّ رضي الله عنه: فَمَا تَرَكْتُهُ مِنْذُ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قِيلَ لَهُ: وَلَا لَيْلَةَ صَفِينٍ؟ قَالَ: وَلَا لَيْلَةَ صَفِينٍ». «رسول الله ﷺ به علی و فاطمه الزهراء رضي الله عنهما فرمود: «موقعی که به بستر خواب‌تان آمدید یا موقعی که بر بستر خواب بر پهلو خوابیدید، سی و سه بار بگویید: الله اکبر و سی و سه بار بگویید: سبحان الله و سی و سه بار بگویید: الحمد لله». و در روایتی سی و چهار بگویید: «الله اکبر و سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله». و در روایتی: «سی و سه بار الله اکبر بگویید و سی و چهار بار سبحان الله بگویید و سی و سه بار الحمد لله بگویید» تا صد بار تکمیل شود. و خوب است که بعضی اوقات الله اکبر سی و چهار بار بگوید و باقی سی و سه بار و بعضی اوقات سبحان الله سی و چهار بار بگوید و باقی سی و سه بار. علی رضي الله عنه فرمود: از روزی که از رسول الله ﷺ شنیدم که قبل از خواب این کلمات را بگوید هیچ وقت نه در حضر و نه در سفر آن را ترک نکردم، به ایشان گفته شد که در شب صفین هم آن را ترک نمودی؟ فرمود: در شب صفین هم آن را ترک ننمودم»، صفین نام محلی است در شام که در آنجا جنگ سختی میان علی و معاویه پیش آمد و اگر نه چاره‌جویی اطرافیان معاویه بود، شکست‌شان حتمی بود.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَنْفُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا

فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ! وفي رواية: يَنْفُضُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». «رسول الله ﷺ فرمود: «هر وقتی یکی از شما به بستر خوابش آمد آن را تکان بدهد به کنار لنگ پایش، برای این که نمی داند در حال غیبتش از فراش چه چیز بر آن آمده است - در آن ایام موقع خواب چراغ نمی گذاشته اند، و اگر عقربی یا حشره‌ای بر فراش می آمده نمی دانسته اند. به همین علت رسول الله ﷺ این دستور را فرمود تا دچار گزیدن عقرب و یا غیره نشوند - پس از آن می گوید: به نام تو ای پروردگرم پهلویم را بر بستر نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی دارم. اگر در خواب جانم را گرفتی آن را مورد رحمت قرار بده، و اگر جانم را از مردن نجات دادی، آن را نگه دار آن چنان که جان بندگان صالح و شایسته کارت را نگه می داری». و در روایتی دیگر: فراش خواب را سه بار تکان بدهد».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْ عَائِشَةَ رضي الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ نَفَثَ فِي يَدَيْهِ، وَقَرَأَ بِالْمُعَوِّذَاتِ، وَمَسَحَ بِهِمَا جَسَدَهُ. وَفِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا فَقَرَأَ فِيهِمَا ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ ثُمَّ يَمَسُّحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. قَالَ أَهْلُ اللُّغَةِ: النَّفْثُ: نَفْحُ لَطِيفٍ بِلا رِيْقٍ». «رسول الله ﷺ هر شب موقعی که به بستر خواب می آمد دو کف دست خود را باهم جمع می کرد و در کف دو دستش با نفس می دمید بدون آن که آب دهن با آن همراه باشد، سپس سوره‌ی ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و سوره‌ی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و سوره‌ی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را در آن دو می خواند، و سپس همین دو کف دست را به سر و صورت و جلو بدنش مثل سینه و شکم و به هر جا که دستش می رسید می کشید و این کار را سه بار انجام می داد. زبان شناسان گفته اند: النفث: یعنی دمیدن به آرامی و بدون آب دهان».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ الْبَدْرِيِّ، عُمَةَ بْنِ عَمْرٍو رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الْآيَاتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَهُمَا فِي لَيْلَةٍ كَفَّتَاهُ! اِخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِي مَعْنَى كَفَّتَاهُ، فَقِيلَ مِنْ الْآفَاتِ فِي لَيْلَتِهِ وَقِيلَ كَفَّتَاهُ مِنْ قِيَامِ لَيْلَتِهِ. قُلْتُ: وَيَجُوزُ أَنْ يُرَادِ الْأَمْرَانِ». «رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که دو آیه‌ی آخر سوره‌ی البقره: ﴿ءَاْمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۗ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَاْمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ ۗ وَكُتُبِهِ ۗ

وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ
 الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا
 لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن
 قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا
 فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾ [البقرة: ٢٨٥-٢٨٦]. را در شبی بخواند و او را برای دفع
 آفات و گزاردن نماز تهجد کفایت کند». رسول الله ﷺ ایمان آورد به آنچه نازل شده به سوی
 او از جانب پروردگارش، و مؤمنان هم ایمان آوردند به آنچه بر رسول الله ﷺ نازل شده است،
 هرکدام از رسول الله ﷺ و مؤمنان ایمان آورد به خدا و به فرشتگان خدا و به کتابهای خدا
 و به پیغمبران خدا و گفتند: ما جدایی نمی اندازیم میان پیغمبران خدا (که بگوییم این پیغمبر
 را قبول داریم و آن پیغمبر را قبول نداریم، چنانکه یهودیان گفتند: عیسی را قبول نداریم و
 موسی را قبول داریم، و چنانکه نصاری گفتند: عیسی را قبول داریم، محمد ﷺ را قبول
 نداریم. امت محمد ﷺ همه ی پیغمبران را قبول دارند) و هرکدام از پیغمبران و مؤمنان
 گفتند: شنیدیم فرمان خدا و اطاعت نمودیم او را. بیامرز ما را ای پروردگار ما و بازگشت ما
 به سوی توست، خدای عزوجل تکلیف نمی فرماید کسی را مگر به قدر طاقت و توانایش، برای
 هرکس می باشد ثواب نیکوکاریش و عقاب بدکرداریش. پروردگار ما! ما را مؤاخذه مفرما اگر
 فراموش کردیم و یا خطا نمودیم، ای پروردگار ما! بار سنگینی که حمل آن نتوانیم، بر دوش
 ما مَنه. چنانکه بر یهود قرار دادی تا اگر جایی از لباسش پلید شود آن را بچینند. ای پروردگار
 ما! آنچه توانایش نداریم ما را به آن مکلف منما و عفو فرما گناهان ما را و بیامرز ما را، و ما را
 به رحمت شاد کن که تو دوست و یاری دهنده مایی و ما را بر گروه کافران پیروز فرما».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا
 أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وَضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اصْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ، وَقُلِ اللَّهُمَّ
 أَسَلْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَهْبَةً وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لَا
 مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ. فَإِنْ
 مِتُّ مَتَّ عَلَى الْفِطْرَةِ، فَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَقُولُ». هذا لفظ إحدَي رَوَايَاتِ الْبُخَارِيِّ. وباقِي
 رَوَايَاتِهِ وَرَوَايَاتِ مُسْلِمٍ مُّقَابِرَةٌ هُنَا. «رسول الله ﷺ به براء بن عازب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: «وقتی که
 خواستی به بستر خواب بروی وضو بگیر مانند وضویی که برای نماز می گیری، پس از آن بر

پهلوی راست بخواب و بگو: خدایا تسلیم نمودم خودم را به تو، و واگذار نمودم کارهایم به تو و پناه دادم کرم را به تو، از روی شوق و رغبت به سوی تو و از جهت ترس از تو. یقین دارم که نه پناهگاهی هست مگر نزد تو و نه گریزگاهی هست مگر به سوی تو. پناه من خودت هستی و نجات من در دست توست، ایمان آوردم به کتابی که نازل فرمودی و به پیغمبرت که او را فرستادی - ایمان به قرآن و به خاتم الانبیا ﷺ استوار است - اگر آن شب مردی بر دین اسلام مرده‌ای و این کلمات را آخرین گفتارت قرار بده». امام نووی رحمته فرمود: این یکی از روایت‌های بخاری است، و باقی روایات بخاری و مسلم به این روایت نزدیکند.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: وَكَلَّنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِحِفْظِ زَكَاةِ رَمَضَانَ، فَأَتَانِي آتٍ، فَجَعَلَ يَحْثُو مِنَ الطَّعَامِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ. وَقَالَ إِذَا أُوْتِيتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ لَنْ يَزَالَ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ، وَلَا يَقْرُبُكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: صَدَقَكَ وَهُوَ كَذُوبٌ، ذَاكَ شَيْطَانٌ». أَخْرَجَهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فَقَالَ: وَقَالَ عُمَانُ بْنُ الْهَيْثَمِ: حَدَّثَنَا عَوْفٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَهَذَا متصل فإن عثمان بن الهيثم أحد شيوخ البخاري الذين روي عنهم في صحيحه، وأما قول أبي عبد الله الحميدي في الجمع بين الصحيحين: أن البخاري أخرجه تعليقاً، غير مقبول، فإن المذهب الصحيح المختار عند العلماء والذي عليه المحققون أن قول البخاري وغيره: وقال فلان! محمول على سماعه منه واتصاله إذا لم يكن مدلساً وكان قد لقيه، وهذا من ذلك. وإنما المعلق ما أسقط البخاري منه شيخة أو أكثر بأن يقول في مثل هذا الحديث: وقال عوف. أو قال محمد بن سيرين، أو قال أبو هريرة والله أعلم. «در صحيح بخاری به روایت از ابوهریره رضي الله عنه می‌آورد که ابوهریره گفت: رسول الله ﷺ مرا وکیل نمود به حفظ زکات فطر، شبی دیدم مردی آمده و با دو کف دست خود از زکات فطر می‌گیرد، به او گفتم: تو را به خدمت رسول الله ﷺ می‌برم، گفت: امشب مرا مبر که فقیرم و بیشتر نمی‌آیم، شب بعد باز آمد و خواستم مانعش بشوم، گفت: مردی فقیر و عیال‌بار هستم او را رها کردم. شب سوم که آمد و خواستم مانعش شوم، گفت: مرا رها کن که من تو را مطلبی می‌آموزم، گفت: شب موقع خواب که به بستر خواب می‌روی آیه کرسی بخوان که از اول شب تا آخر شب از طرف خدا نگهبانی می‌یابی که تو را نگهداری می‌کند تا صبح، و آن شب شیطان تا صبح به تو نزدیک نمی‌شود. وقتی که این واقعه را خدمت رسول الله ﷺ عرض نمودم، فرمود: این کسی که سه

شب است که می‌آید تا از زکات فطر بگیرد این شیطان است و او دروغگو است، اما آنچه راجع به آیه الکرسی به تو گفته راست گفته است».

امام نووی فرمود که این حدیث صحیح بخاری حدیثی است مرفوع و متصل، برای این که امام بخاری همه‌ی رجال سند از جمله شیخ عثمان بن الهیثم و عوف و ابن سیرین و ابوهریره همه را ذکر نموده است، و چنین حدیث صحیح و متصل و مرفوع را نمی‌توان از تعلقات برشمرد، و معلق حدیثی است که امام بخاری یکی از شیوخش یا بیشتر از اسناد حدیث حذف می‌کرد، مثلاً می‌گفت: قال عوف که ابن سیرین و ابوهریره را نمی‌آورد، یا این که می‌گفت قال محمد بن سیرین که عوف را از اسناد می‌انداخت یا می‌فرمود: قال ابوهریره که عوف و ابن سیرین را نمی‌آورد، والله اعلم.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ حَفْصَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رضی اللہ عنہا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرُقُدَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ! ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. ورواه الترمذي من رواية حذيفة عن النبي صلی اللہ علیہ وسلم وقال: حدیث صحیح حسن. ورواه أيضاً في رواية البراء بن عازب ولم يذكر فيها ثلاث مرّات». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم هروقت قصد خوابیدن می‌نمود دست راستش را زیر رخسارش می‌نهاد و می‌فرمود: «خدايا مرا نگه دار از عذابت در روزی که بندگان را زنده می‌فرمایی» که مقصود روز قیامت است، و قصد تعلیم امت است که روز قیامت را از یاد نبرند. در سنن ابی داود آمده که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ». را سه بار می‌فرمود. و در روایت ترمذی از حذیفه و براء بن عازب کلمه‌ی سه بار نیاورده‌اند. بنابراین، سه بار گفتن جانب احتیاط دارد و یک بار گفتن کافی است».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَسُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی اللہ عنہ عَنِ النَّبِيِّ صلی اللہ علیہ وسلم أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ فَالِقِ الْحَبِّ وَالتَّوَيُّ مُنْزَلِ التَّوْرَةِ وَالإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ البَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، أَفْضُ عَنَّا الدِّينَ وَأَعْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ! وَفِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: أَفْضُ عَنِّي الدِّينَ وَأَعْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم موقعی که به بستر خواب می‌آمد می‌فرمود: «خدايا! ای پروردگار آسمان‌ها و

ای پروردگار زمین و ای صاحب عرش عظیم. ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز! (همه چیز پرورده‌ی نعمت‌های اوست) ای شکافنده‌ی دانه‌ها و هسته‌ها برای سبزشدن آنها. ای فرودآورنده‌ی تورات بر موسی و انجیل بر عیسی و قرآن بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پناه می‌برم به تو از شر هر صاحب شری که پیشانی او در دست توست (کاینات همه مقهور فرمان اوست و همه پیشانی خود را تسلیم فرمان او نموده‌اند) ای خدا تو اول هستی، همیشه بوده‌ای و هستی و خواهی بود، پیش از تو هیچ نبوده است، هرچه هست همه به ید قدرت تو به وجود آمده‌اند، و تو هستی آخر وقتی که همه می‌میرند و تو حی لا یموت باقی هستی و فنا به درگاهت راه ندارد، تو ظاهر هستی و در همه چیز آشکار هستی، برای این که هستی همه چیز از توست، هیچگاه بالا دست تو کسی نخواهد بود، و تو هستی پنهان. بنابراین، غیر تو هیچ نیست، وجود همه‌ی کاینات از توست، ظهور همه از توست، خفای همه به فرمان توست، نه پیش از تو کسی بوده و نه بعد از تو کسی می‌ماند، همه می‌میرند و میراث بر همه خودت هستی، همه مقهور فرمان تو هستند و نیست بالا دست تو چیزی، از همه چیز ظاهرتر و آشکارتری، برای این که هرچه هست معرّف هستی توست، از همه پنهان‌تری، زیرا که دید کسی به تو نخواهد رسید. ای آن که بود و نبود همه در دست توست، و ای آن که رسیدن به فریاد همه وصف توست، بار سنگین بدهی از دوش ما بردار، و ذلت حاجت به مثل خودمان از گردن ما بستان، تا آنچه داریم از تو بدانیم و آنچه بخواهیم از تو بخواهیم و از عنایت تاج عبودیت تنها برای خودت نصیب ما باشد». و در روایت ابی داود: «اِقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَأَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ». به یاء مفرد است، و لیکن روایت جمع از صحاح خمسۀ است، و آن روایت بسی قوی‌تر است و می‌شود گفت: گاهی این دعا را به لفظ مفرد، چنانکه روایت ابوداود است و گاهی به صیغۀ جمع، چنان که روایت جماعت است، دعا نماید.

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنِ عَلِيِّ رضی الله عنه عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْتَمَّ اللَّهُمَّ لَا يُهْزَمُ جُنْدُكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعُدُّكَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجُدُّ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ». «رسول الله صلی الله علیه و آله موقعی که پهلو می‌نهاد برای خوابیدن می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به ذات بزرگوارت و کلمات کلامت که همه دارای کمال و تمام هستند از شر هرچه تو پیشانیش را به ید قدرت در دست گرفته‌ای، پناه می‌برم از همه‌ی آنها به تو، از این رو که به یقین پیشانی همه در ید قدرت توست و همه مقهور فرمان تو هستند. خدایا تو هستی که رفع بدهکاری و گنهکاری می‌فرمایی. غنا

می‌دهی و فقر را برمی‌داری و طاعت می‌دهد و عصیان را بر می‌داری. خدایا هیچگاه لشکریانت شکست نمی‌خورند و هیچ‌گاه وعده‌ی تو خلاف نمی‌شود و هیچگاه ثروت صاحب ثروت را به جای تو نفع نمی‌رساند. تسبیح و تنزیه تو می‌گویم که سبوح و قدوس صفت توست، و به ستایش تو مشغول می‌شویم که ستایش‌ها همه برای توست».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَسُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا أُوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَزْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَأَوَانَا فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُتَوِيٌّ». قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. «رسول الله صلى الله عليه وآله وقتی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: «حمد و ستایش برای خدای یکتایی است که خوراک به ما داد و سیراب کرد ما را و کفایت ما را از خوراک و آب و لباس فراهم فرمود و جایگاه به ما عطا نمود، چه بسیار کسانی که نه کفایت خوراک و آب و لباس دارند و نه جایگاه و منزلی که از آفتاب و باد و باران خود را در آن حفظ کنند».

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الْحَسَنِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي الْأَزْهَرِيِّ وَيُقَالُ أَبُو زَهْرَيْرٍ الْأَنْمَارِيِّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا أَحَدًا مَضَجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ وَصَعْتُ جَنِّي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَأَخْسِئْ شَيْطَانِي وَفُكِّ رِهَانِي وَاجْعَلْنِي فِي النَّدَى الْأَعْلَى». «رسول الله صلى الله عليه وآله موقعی که آرامگاه خود را در شب فراهم می‌کرد، به بستر خواب می‌رفت تا در آنجا آرام گیرد، می‌فرمود: به نام خدا پهلویم را بر زمین نهادم، خدایا بیمارز گناهم را و خوار کن شیطانم را، از آنجا که بر هرکس شیطانی برای وسوسه‌ی او گماشته شده، برای تعلیم امت فرمود: شیطان گماشته بر من را خوار کن تا هیچ اذیتی نتواند انجام دهد و باز کن گروگان مرا، هرکسی در گرو کردار خود است، تا در گرو هیچ عملی نباشم و آزادانه به طاعتت بپردازم، و بگردان مرا در ملاً اعلی، یعنی مرا در گروه فرشتگان قرار ده تا دور و بر من همه فرشتگان و دعوت‌کنندگان به سوی طاعت حق تعالی باشند».

امام ابوسلیمان خطابی فرمود: ندی: گروهی هستند که در یک مجلس جمع شده باشند، و نادى هم به همین معنی است و جمع آن اندیه است. و مقصود رسول الله صلى الله عليه وآله از «نَدَى أَعْلَى: المَلَأَ الْأَعْلَى» یعنی گروه ملائکه است.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ اقْرَأْ ﴿قُلْ يَتَّيِّهَا الْكٰفِرُونَ﴾ ثُمَّ نَمَّ عَلَى خَاتِمَتِهَا فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشَّرْكِ!. وَفِي مُسْنَدِ أَبِي يَعْلَى الْمُوصِلِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ بَعَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى كَلِمَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنَ الْإِشْرَاقِ بِاللَّهِ عز وجل تَقْرَؤُونَ: ﴿قُلْ

يَأْتِيهَا الْكُفْرُونَ» عِنْدَ مَا مَكُمُ. «رسول الله ﷺ به نوفل أشجعي فرمود: «سوره‌ی ﴿قُلْ يَأْتِيهَا الْكُفْرُونَ﴾ را بخوان و در آخر آن به خواب برو، برای این که پایان این سوره براءت از شرک است». و در روایت ابن عباس فرمود: «شما را راهنمایی می‌نمایم بر کلمه‌ای که شما را از شرک آوردن به خدای عزوجل نجات می‌دهد، برای این منظور موقع خواب سوره‌ی ﴿قُلْ يَأْتِيهَا الْكُفْرُونَ﴾ را بخوانید».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ الْمُسَبِّحَاتِ قَبْلَ أَنْ يَرْقُدَ». قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ پیش از این که بخوابد سوره‌هایی که اول آن سَبَّحَ لِلَّهِ يَا يُسَبِّحُ لِلَّهِ می‌باشد، مثل سوره‌ی حشر و صف و تغابن و جمعه و اعلی می‌خواند والله اعلم.

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ بِنِي إِسْرَائِيلَ وَالزُّمَرِ». قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

«رسول الله ﷺ نمی‌خوابید تا این که سوره‌ی بنی اسرائیل و سوره‌ی زمر را می‌خواند».

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانِي وَآوَانِي وَأَطْعَمَنِي وَسَقَانِي وَالَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ وَالَّذِي أَعْطَانِي فَأَجْزَلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ اللَّهُمَّ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ وَإِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ». «رسول الله ﷺ موقعی که پهلو را بر بستر خواب می‌نهاد می‌فرمود: «حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که کفایت مرا فراهم فرمود و جایگاه به من عطا نمود و خوراک مرا رسانید و سیراب نمود، خدایی که منت گذاشت و زیاده بر حاجت ارزانی داشت خدایی که به من عطا فرمود و بسیار نمود، حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست در همه حال. خدایا! پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ای همه، و معبود به حق همه چیز، پناه می‌برم به تو از دوزخ».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ عَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ أَيَّامِ الدُّنْيَا». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که موقع رفتنش به بستر خوابش سه بار بگوید: از خدا آمرزش می‌خواهم، آن خدایی که

نیست معبودی به حق مگر او، خدای همیشه زنده و تدبیرکننده‌ی خلائق، و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او، خدا می‌آمزد گناهانش را و اگرچه باشد مثل کف دریا، و اگر باشد به شماره‌ی ستارگان، و اگرچه باشد به شماره‌ی شن عالج، و اگرچه باشد به شماره‌ی روزهای دنیا».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَعَيْرِهِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَسْلَمَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِدِعْتِ اللَّيْلَةَ فَلَمْ أُنْمَ حَتَّى أَصْبَحْتُ. قَالَ: مَاذَا؟! قَالَ: عَقَرْتُ. قَالَ: أَمَا إِنَّكَ لَوْ قُلْتِ حِينَ أُمْسَيْتِ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ لَمْ تُضْرَكِ شَيْءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى». «مردی از قبیله‌ی اسلم گفت: خدمت رسول الله ﷺ ننشسته بودم که مردی از یاران رسول الله ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! دیشب گزیده شدم و از درد آن تا صبح خواب به چشمم نیامد. فرمود: «چه چیز تو را گزید؟» گفت: کژدم. فرمود: «آگاه باش که اگر در اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به کلمات خدا که تمام و کمال را دارند از شر آنچه را که خدا آفرید، اگر این را گفته بودی به خواست خدای متعال هیچ چیز زبانی به تو نمی‌رسانید».

همچنین این حدیث را قبلاً در سنن ابوداود و غیره از روایت ابی هریره رضی الله عنه در باب آنچه گفته می‌شود در صبح و شام یاد کردیم.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ سُنَنِ عَنْ أَنَسٍ رضی الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَوْصَى رَجُلًا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقْرَأَ سُورَةَ الْحَشْرِ وَقَالَ: إِنْ مِتَّ مِتَّ شَهِيدًا، أَوْ قَالَ: مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». «در کتاب ابن سنی از انس رضی الله عنه روایت نمودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را سفارش کرد تا موقعی که برای خوابیدن پهلو بر بستر می‌نهد سوره‌ی حشر را بخواند و فرمود: با خواندن سوره‌ی حشر اگر در آن شب مردی به شهادت از دنیا رفته‌ای یا از اهل بهشت هستی».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْمُسْلِمِ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضی الله عنهما أَنَّهُ أَمَرَ بِلَالًا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقُولَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِي وَأَنْتَ تَوَفَّاهَا لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا إِنْ أَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا وَإِنْ أَمَتَهَا فَاعْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ!». قَالَ ابْنُ عُمَرَ رضی الله عنهما: سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. «در صحیح مسلم از ابن عمر رضی الله عنهما روایت نمودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله بلال را امر کرد تا موقعی که به بستر خواب رفت بگوید: «خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را وفات می‌دهی، زندگی و مرگش برای توست، اگر تو او را زنده نمودی او را ننگه بدار و اگر او را مرگ

دادی او را بیمارز. خدایا از تو عافیت می‌خواهم». ابن عمر گفت: این را از رسول الله ﷺ شنیدم».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِمَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ حَدِيثَ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه الَّذِي قَدَّمَاهُ فِي بَابِ مَا يَقُولُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ فِي قِصَّةِ أَبِي بَكْرٍ الصَّدِيقِ رضي الله عنه: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهٖ، قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ وَإِذَا اضْطَجَعْتَ». «و روایت نمودیم در سنن ابی داود و ترمذی و غیر این دو به اسناد صحیح حدیث ابی هریره رضي الله عنه را که پیش از این یاد کردیم در داستان ابی بکر صدیق رضي الله عنه: خدایا شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانا به آنچه در عالم غیب است و دیده نمی‌شود و آنچه در عالم شهادت و دیدنی است، پروردگار هرچیز و مالک آن، گواهی می‌دهم بر این که نیست معبودی بحق مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر خودم و از شر شیطان و دام او و شر شرک‌آوری و وسوسه‌ی او که رسول الله ﷺ به او فرمود که آن را وقتی به صبح داخل می‌شود و وقتی که به شب داخل می‌شود و وقتی که به پهلوی می‌افتد برای خوابیدن، بخوان».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ عَنِ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ فَيَقْرَأُ سُورَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ مَلَكَ لَا يَدْعُ شَيْئًا يَقْرُبُهُ يُؤْذِيهِ حَتَّى يَهَبَ مَعِيَ هَبًا. إسنادهُ ضَعِيفٌ ومعني هَبٌ: إِنْتَبَهَ وَقَامَ». «رسول الله ﷺ فرمود: هر مسلمانی که موقعی که به بستر خواب می‌رود و سوره‌ای از کتاب خدای تعالی را می‌خواند خدای عزوجل فرشته‌ای بر او موکل می‌کند تا نگذارد چیزی به او نزدیک شود و او را بیازارد تا این که از خواب بیدار شود و از بستر خواب بلند شود، اسناد این حدیث ضعیف است، و معنی هَبٌ: به خود آمد و بیدار شد و از بستر خواب برخاست».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنِ جَابِرِ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ ابْتَدَرَهُ مَلَكٌ وَشَيْطَانٌ، فَقَالَ الْمَلَكُ: اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِحَجِيرٍ، فَقَالَ الشَّيْطَانُ: اخْتِمْ بِسَرٍّ، فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ نَامَ بَاتَ الْمَلَكُ يَكْلُمُهُ». «رسول الله ﷺ فرمود: وقتی که شخص به بستر خواب می‌رود، فرشته‌ای و شیطانی می‌شتابند تا زودتر به او

برسند، فرشته وقتی که به او رسید به او می‌گوید: پایان کارت به خیر کن، و شیطان می‌گوید: پایان کارت به شر کن، اگر نام خدای متعال بر زبان جاری کرد و آنگاه خوابید فرشته از او نگهداری می‌نماید.»

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا اضْطَجَعَ لِلنَّوْمِ: اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي فَأَغْفِرْ لِي ذَنْبِي». «رسول الله ﷺ وقتی بر پهلو می‌خوابید برای خوابیدن می‌فرمود: «خدایا به نام تو پهلوئی خود را بر زمین نهادم، پس بیا مرز گناهام را».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ أْوَى إِلَى فِرَاشِهِ طَاهِرًا وَذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يُدْرِكَهُ التُّعَاسُ لَمْ يَتَقَلَّبْ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ». «ابو امامه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «کسی که به بستر خواب پاک و با وضو رفت و یاد خدای عزوجل نمود تا این که چرت‌زدن به او رسید، هر ساعتی از شب که به خود آمد و از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت خواست خدا آن را به او می‌دهد».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أْوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: اللَّهُمَّ أُمَّتِي بِسْمِعِي وَبَصْرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي وَأَنْصُرِي عَلَى عَدُوِّي وَأُرِي ثَأْرِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ وَمِنْ الْجُوعِ فَإِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ». «قال العلماء: معنى اجعلهما الوارث مني: أى أبقهما صحيحين سليمين إلى أن أموت وقيل المراد بقاؤهما وقوتها عند الكبر وضعف الأعضاء وباقي الحواس: أى اجعلهما وارثي قوة باقي الأعضاء والباقيين بعدها وقيل المراد بالسمع: وعى ما يسمع والعمل به وبالبصر: الاعتبار بما يرى وروى واجعله الوارث مني! فَرَدَّ الهاء إلى الإمتاع وَحْدَهُ». «رسول الله ﷺ وقتی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: خدایا خوشی از شنوایی و بینایی ام نصیبم گردان و چشم و گوش مرا به صحت و سلامت نگه دار تا روزی که از دنیا رهسپار آخرت می‌شوم و در پیری و ضعف اعضا، شنوایی و بینایی ام را به قوت خود باقی گذار و مرا توفیق ده که فرمان تو را به سمع قبول بپذیرم و از آنچه می‌بینم به چشم اعتذاراندرز گیرم و مرا بر دشمنانم نصرت ده و پیروز گردان و به من نشان ده دشمنانم چگونه به قصاص خود می‌رسند. خدایا پناه می‌برم به تو از چیرگی و فشار بدهکاری و از گرسنگی که بدهکاری همبستر بدی است و

انسان نمی‌تواند با گرسنگی شدید بسازد». دانشمندان گفته‌اند که معنی: «وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي»: و چشم و گوش مرا میراث برم قرار ده، یعنی هردو را صحیح و سلامت بدار تا لحظه‌ی مرگ که در تمام زندگی چشم و گوشم سالم باشند، و گفته شده به معنی شنوایی و بینایی مرا حفظ فرما تا در وقت ضعف پیری و ناتوانی اعضا، چشم و گوشم به قوت خود باقی باشند. و گفته شده: به معنی شنوایی فرمان خدا و اطاعت او و اندرزگرفتن از مشاهدات است. و روایت شده به صیغه‌ی إفراد: «وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّي»، یعنی خوشی از چشم و گوش میراث برم بگردان.

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَيْضاً قَالَتْ: مَا كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُنْذَ صُحْبَتِهِ يَنَامُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَعَوَّدَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْكَسَلِ وَالسَّامَةِ وَالْبُخْلِ وَسُوءِ الْكِبَرِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنَ الشَّيْطَانِ وَبِشْرِكِهِ». «و از عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا روایت داریم که فرمود: از روزی که همنشین پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودم تا روزی که از جهان رحلت فرمود نمی‌خوابید تا این که از این چند چیز پناه برد. از ترسویی و سستی و نومیدی و بخل و بدی پیری و بدی منظر اهل و مال - بدی پیری به صورت تندجوبی و بداخلاقی و بدی منظر اهل و مال به این که زن و فرزند و بستگان دچار بیچارگی و بداخلاقی شوند و مال از بین برود و به آن نیازمند شد - و از عذاب قبر و از شیطان لعین و دام و وسوسه‌ی شر او».

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا كَانَتْ إِذَا أَرَادَتْ النَّوْمَ تَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رُؤْيَا صَالِحَةً، صَادِقَةً غَيْرَ كَاذِبَةٍ، نَافِعَةً غَيْرَ ضَارَّةٍ! وَكَانَتْ إِذَا قَالَتْ هَذَا عَرَفُوا أَنَّهَا غَيْرُ مُتَكَلِّمَةٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تُصْبِحَ أَوْ تَسْتَيْقِظَ مِنَ اللَّيْلِ». «و روایت از عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا داریم که ایشان موقعی که قصد خوابیدن می‌نمود می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم خواب دیدنی که شایسته و راست باشد و سودمند باشد و زیان‌آور نباشد. و وقتی که این را می‌گفت می‌دانستند که سخنی نمی‌گوید تا این که صبح شود یا در آن شب از خواب بیدار شود».

«وَرَوَى الْإِمَامُ الْحَافِظُ أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: مَا كُنْتُ أَرَى أَحَدًا يَعْقِلُ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ الْآيَاتِ الثَّلَاثِ الْأَوَاخِرَ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ». «إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ». «امام حافظ ابوبکر بن ابی داود به اسناد خود از علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت نمود که علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: نمی‌دیدم کسی که عاقل باشد و بخوابد قبل از این که سه آیه‌ی آخر سوره‌ی البقره را بخواند». آیات: ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶.

«وَرَوَى أَيْضاً عَنْ عَلِيٍّ: مَا أَرَى أَحَدًا يَعْقِلُ بِلُغَةِ الْإِسْلَامِ يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ». «و امام حافظ بازم از علی رضی الله عنه روایت نمود که ایشان فرموده‌اند: نمی‌بینم کسی را که عقل داشته باشد و داخل در اسلام شده باشد و شب بخوابد قبل از این که آیه الکرسی را بخواند». آیه الکرسی: آیه‌ی ۲۵۵ سوره البقره.

«وَعَنْ إِبْرَاهِيمَ التَّخَعِي قَالَ: كَانُوا يُعَلِّمُونَهُمْ إِذَا أَوْوَأَ إِلَى فِرَاشِهِمْ أَنْ يَقْرَأُوا الْمُعَوِّذَيْنِ. وَفِي رَوَايَةٍ: كَانُوا يَسْتَجِبُونَ أَنْ يَقْرَأُوا هَؤُلَاءِ السُّورِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوِّذَيْنِ. إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَيَّ شَرْطُ مُسْلِمٍ».

و از ابراهیم نخعی رضی الله عنه روایت است که فرمود: علما به فرزندان و بستگان شان می‌آموختند که وقتی که به بستر خواب می‌آیند سوره‌ی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را بخواند و سپس بخوابند. و در روایتی دیگر: علما مستحب می‌دانستند که این سه سوره را در هر شب سه بار بخوانند، قبل از این که بخوابند، سوره‌ی قل هو الله احد و سوره‌ی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و سوره‌ی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾. اسناد آن صحیح است و بر شرط مسلم است، و کلمه‌ی بر شرط مسلم است، یعنی راوی این اثر کسانی هستند که مسلم در صحیح خود از ایشان روایت نمود.

و بدان که آثار و احادیث در این باب بسیارند و در آنچه یاد کردیم کفایت است برای کسی که موفق به عمل به آن شود. و ما زیاده بر آن را حذف کردیم و نیاوردیم از ترس این که طالب این اذکار از بسیاری آن خسته و ملول شود. پس بهتر آن است که انسان همه‌ی این اذکار را بخواند، اگر خواندن همه‌ی آنها برایش ممکن نبود، به مهم‌ترین آنها که می‌تواند اکتفا کند.

«باب کراهة النوم من غير ذكر الله تعالى»

بابی است در بیان کراهیت خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال

«رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَعَدَ مَقْعَدًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةً وَمَنْ اضْطَجَعَ مَضْجَعًا لَا يَذْكُرُ اللَّهَ

فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةً». قُلْتُ: التَّرَةُ: معناه نَقْصٌ وَقِيلَ تَبِعَةً». «رسول الله ﷺ فرمود: هرکس در جایی نشست و در آنجا خدا را یاد نکرد، این غفلت از یاد خدا برای او نقصی نوشته می‌شود و یا مسؤولیتی، و هرکسی که به پهلو خوابید در جایی و در آنجا نام خدا را یاد نکرد نوشته می‌شود بر او نقصی و یا مسؤولیتی».

«باب ما يقول إذا استيقظ في الليل وأراد النوم بعده»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب بیدار شد و

خواست بعد از آن بخوابد

«إِعْلَمَنَّ أَنَّ الْمُسْتَيْقِظَ بِاللَّيْلِ عَلِيَّ ضَرِيْبِيْنِ: أَحَدُهُمَا مِنْ لَا يَنَامُ بَعْدَهُ وَقَدْ فَدَّمْنَا فِي أَوَّلِ الْكِتَابِ أَذْكَارَهُ. وَالثَّانِي مَنْ يَرِيدُ النَّوْمَ بَعْدَهُ، فَهَذَا يَسْتَحَبُّ لَهُ أَنْ يَذْكَرَ اللَّهَ تَعَالَى إِلَى أَنْ يَغْلِبَهُ النَّوْمُ وَجَاءَ فِيهِ أَذْكَارٌ كَثِيرَةٌ، فَمِنْ ذَلِكَ مَا تَقَدَّمَ فِي الضَّرْبِ الْأَوَّلِ. وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَيْنَاهُ فِي صَحِيْحِ الْبُخَارِيِّ عَنِ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم قَالَ: مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ، فَقَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي أَوْ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ فَإِنْ تَوَضَّأَ فَبَلَّتْ صَلَاتُهُ».

بدان که کسی که بیدار می‌شود در شب بر دو قسم است: یکی از آن دو کسی است که وقتی که بیدار شد نمی‌خواهد و در اول کتاب اذکار او را یاد کردیم. دوم کسی که بعد از بیدار شدن قصد خوابیدن دارد و این شخص برایش مستحب است که خدا را یاد کند تا این که خواب بر او چیره شود و بخوابد، و در این خصوص اذکار بسیاری وارد شده است، از آن جمله است آنچه در بخش یکم گذشت، و از آن جمله است آنچه روایت آن در صحیح بخاری داریم از عبادة بن الصامت رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم که فرمود: کسی که بیدار شد از خواب در شب و گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ

أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». و بعد از آن گفت: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». خدایا بیامرز مرا یا دعا کرد دعایش به اجابت می‌رسد، و اگر وضو گرفت و نماز خواند نمازش قبول می‌شوم». امام نووی رحمته در اذکار فرموده که در نسخه‌های معتمد به همان صورت است که یاد شد، و در بعضی نسخه‌ها بعضی کلمات افتاده است که ما از روی نسخه‌های مورد اعتماد آوردیم. والله أعلم.

و روایت داریم در سنن ابی داود به اسنادی که نگفت ضعیف است از عایشه رضی الله عنها که رسول الله صلی الله علیه و آله هر وقت در شب بیدار می‌شد می‌فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِذَنبِي، وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ زِدْنِي عِلْمًا، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ». «نیست معبودی به حق مگر تو، خدایا تسبیح و تنزیه تو می‌گویم، از تو طلب آمرزش می‌کنم برای گناهم و از تو طلب رحمت می‌کنم. خدایا بیفزای علم مرا و منحرف مساز دل مرا، بعد از این که مرا به راه راست رساندی و از نزد خودت رحمتی به من ببخش، یقیناً تو بسیار بخشاینده هستی».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ السُّنِّيِّ عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها قَالَتْ كَانَ - تَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله - إِذَا تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ». «رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی که بیدار می‌شد در شب می‌فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ» نیست معبودی به حق مگر الله که یکتای قهار است، پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، آن خدای پرعزت آمرزگار».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: إِذَا رَدَّ اللَّهُ صلی الله علیه و آله إِلَى الْعَبْدِ الْمُسْلِمِ نَفْسَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَاسْتَغْفَرَهُ وَدَعَاهُ تَقَبَّلَ مِنْهُ».

«ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید که شنید از رسول الله صلی الله علیه و آله که می‌فرمود: «وقتی که خدای صلی الله علیه و آله روح بنده‌ی مسلمان را برگرداند و او را از خواب بیدار کرد اگر بنده در آن موقع تسبیح خدا بگذارد و بگوید: سبحان الله و استغفار نماید و بگوید: استغفر الله و دعا نماید. خدای می‌پذیرد از او تسبیح و استغفارش و به اجابت می‌رساند دعای او را».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَأَبْنِ مَاجَةَ وَأَبْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ عَنْ فِرَاشِهِ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَلْيَنْفُضْهُ بِصَنِيفَةٍ

إِزَارِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلْفَهُ عَلَيْهِ بَعْدَهُ فَإِذَا اضْطَجَعَ فَلْيَقُلْ بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنِيَّ وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَأَحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». قال الترمذي: حديث حسن. قال أهل اللغة: صِنْفَةُ الإِزَارِ:

جانبه الذي لا هَدَبَ فِيهِ وقيل جانبه: أَيُّ جانب كان. «رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما از بستر خوابش برخاست و بعد به سوی آن برگشت به سمت حاشیه‌ی لنگ خود، فراش را سه بار تکان دهد تا اگر حشره‌ی موذی بر فراش او رفته باشد معلوم شود و نتواند او را بگذرد، برای این که از وقتی که از بستر خواب برخاسته تا وقتی که برگشته، نمی‌داند چه چیز بر فراش او رفته است. و موقعی که به پهلو خوابید بر بستر خود بگوید: «بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنِيَّ وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَأَحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». به نام تو ای خدا، پهلویم را بر بستر خواب نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم، اگر روح مرا نزد خودت نگه داشتی او را مورد رحمتت قرار ده و اگر روح مرا به جسمم بازگرداندی او را نگه دار، چنان که بندگان شایسته‌ات را نگه می‌داری». «صِنْفَةُ الإِزَارِ»: حاشیه‌ی ازار یا جامه یا لنگ پا.

«وَرَوَيْنَا فِي مَوْطَأِ الإِمَامِ مَالِكٍ رحمته فِي بَابِ الدَّعَاءِ آخِرِ كِتَابِ الصَّلَاةِ عَنِ مَالِكٍ أَنَّهُ بَلَغَهُ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رضي الله عنه: أَنَّهُ كَانَ يَقُومُ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَيَقُولُ: نَامَتِ الْعُيُونُ وَعَارَتِ التُّجُومُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ». قلت: معنى غَارَتِ: عَرَبَتْ. «و روایت داریم در کتاب موطأ امام مالک رحمته در باب دعا، آخر کتاب الصلاة از مالک که گفت: به من رسیده از ابی الدرداء رضي الله عنه که در دل شب از خواب برمی‌خاست و می‌گفت: «نَامَتِ الْعُيُونُ وَعَارَتِ التُّجُومُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ». چشم‌ها به خواب رفتند و ستاره‌ها غروب کردند و تو همیشه زنده و همیشه عالم را تدبیر می‌کنی».

«باب ما يقول إذا قَلِقَ فِي فراشه فلم يَنَمْ»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام

شد و به خواب نرفت

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابنِ السَّيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ ثابتٍ رضي الله عنه قال: شَكَوتُ إلى رسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أرقاً أصابني فقال: قُلِ اللَّهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ وَهَدَاتِ العُيُونُ وَأَنْتَ حَيُّ قَيُّومٌ لا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلا نَوْمٌ يا حَيُّ يا قَيُّومُ أَهْدِيءْ لَيْلِي وَأَنْمِ عَيْنِي!. فقلْتُها فأذهب اللهُ صلى الله عليه وآله عني ما كُنْتُ أجد». «زيد بن ثابت رضي الله عنه گفت که شکایت کردم نزد رسول الله صلى الله عليه وآله از بی‌خوابی که به من دست داده بود فرمود: «بگو: غَارَتِ النُّجُومُ: ستاره‌ها غروب نمودند «وَهَدَاتِ العُيُونُ»: و چشم‌ها آرام گرفتند «وَأَنْتَ حَيُّ قَيُّومٌ لا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلا نَوْمٌ»: و تو ای خدا همیشه زنده هستی و همیشه تدبیرکننده‌ی عالم هستی، هیچگاه چرت‌زدن و به خواب رفتن دست نمی‌دهد تو را، «يا حَيُّ يا قَيُّومُ أَهْدِيءْ لَيْلِي وَأَنْمِ عَيْنِي»: ای همیشه زنده، همیشه تدبیرکننده‌ی عالم شب مرا آرام بگردان و به خواب ببر چشمم را». «فأذهب اللهُ صلى الله عليه وآله عني ما كُنْتُ أجد». «خدای صلى الله عليه وآله از من دور کرد بی‌خوابی و ناآرامی را که به آن دچار بودم».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبَّانٍ بفتح الحاء وبالباء الموحدة أَنَّ خالداً بن الوليد رضي الله عنه أصابَهُ أرقٌ فَشَكَى ذَلِكَ إلى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَعَوَّذَ عِنْدَ مَنْامِهِ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ. هذا حديثٌ مُرْسَلٌ. محمد بنُ يَحْيَى تَابِعِيٌّ. قال أهلُ اللغة: الأرقُ هو السَّهَرُ». «خالد بن الوليد رضي الله عنه دچار بی‌خوابی شد و شکایت آن را نزد رسول الله صلى الله عليه وآله برد. رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: بگو: اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمَنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ». پناه می‌برم به کلمات تامات خدا، به قرآن، از خشم خدا و از شر بندگان خدا و از شر وسوسه‌های شیطان‌ها، و از این که همیشه شیطان‌ها بر سر او حاضر باشند و به وسوسه‌های

خود او را بیازارند». این حدیث مرسل است برای این که صحابی از سند افتاده است، و محمد بن یحیی که تابعی است از او روایت شده. وَأَرْقُ: یعنی بی خوابی.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ وَضَعَّفَهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: شَكَا خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى التِّيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَنَامُ اللَّيْلَ مِنَ الْأَرْقِ فَقَالَ التِّيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظَلَّتْ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقَلَّتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ كُنْ لِي جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعًا أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ يَبْغِيَ عَلَيَّ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَائُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ».

«خالد بن الوليد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ از بی خوابی که به او دست داده بود شکایتش را به رسول الله رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ برد. رسول الله رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: «وقتی که به بستر خواب رفتی بگو: خدایا ای پروردگار آسمانها و آنچه آسمانها بر آن سایه افکندهاند، و ای پروردگار زمین و آنچه بر آن جای گرفت و ای پروردگار شیطانها و آنچه از دست آنها به گمراهی افتاد، پناه من باش از شر خلق همهشان باهم از این که زیاده روی کند بر من یکی از آنان و از این که تعدی کند بر من یکی از آنان. عزتمند شد کسی که پناه به تو آورد و شکوهمند شد ثنای بر تو و نیست معبودی به حق غیر از تو».

«باب ما يقول إذا كان يفرع في منامه»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در خواب می ترسد

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِّيِّ وَغَيْرِهَا عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفَرْعِ كَلِمَاتٍ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمَنْ شَرَّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يُحْضَرُونَ! قَالَ: وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو يُعَلِّمُهُمْ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقَلْ كَتَبَهُ فَعَلَّقَهُ عَلَيْهِ».

قال التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ. «رسول الله رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ برای نجاتشان از ترس در خواب چند کلمه به ایشان می آموخت که آن را بگویند: «پناه می برم به کلمات خدا آن کلماتی که تمام و کامل است و نقصی در آن نیست، از ترس از خدا و از شر بندگان خدا، و از شر وسوسه‌ی شیطانها

و آن که حاضر شوند. عبدالله بن عمرو بن العاص هرکدام از پسرانش که عقل داشت و بزرگ بود، این کلمات را به او می‌آموخت تا آن را بخواند و هرکدام از پسرانش که کوچک بود و عقلش نمی‌رسید، این کلمات را می‌نوشت و بر او آویزان می‌کرد».

«وَفِي رَوَايَةٍ ابْنِ السُّيِّ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَأَ أَنَّهُ يَفْرَعُ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمَنْ شَرَّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ! فَقَالَهَا فَذَهَبَ عَنْهُ». «مردی به خدمت رسول الله ﷺ آمد و از بی‌خوابی شکایت نمود. رسول الله ﷺ به او فرمود: «هروقت که به بستر خوابت رفتی بگو: پناه می‌برم به کلمات کامل خدا، از خشم خدا، و از شر بندگان خدا، و از وسوسه‌های شیطان‌ها و از این که بر سر او حاضر شوند». آن مرد این کلمات را گفت، و از شر بی‌خوابی و ناراحتی نجات یافت.

«باب ما يقول إذا رأى في منامه ما يجب أو يكره منه»

بابی است در بیان آنچه می‌گویند وقتی که در خواب دید آنچه را که

دوست می‌دارد یا دید آنچه را که دوست نمی‌دارد

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا، وَلْيُحَدِّثْ بِهَا! وَفِي رَوَايَةٍ: فَلَا يُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ، فَإِنَّهَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا، وَلَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ، فَإِنَّهَا لَا يَضُرُّهُ». «وقتی که یکی از شما خواب دید که آن را دوست می‌دارد در حقیقت آن خوابی است که از خدای متعال است و ستایش خدا بر آن بگوید و آن را بازگو کند. و در روایتی دیگر آن را به کسی نگوید مگر به کسی که او را دوست می‌دارد، و اگر خوابی غیر از آن دید که ناپسند می‌دانست، پس آن از شیطان است و به خدا از شر آن پناه ببرد و آن را برای کسی نگوید که آنگاه به او زبانی نمی‌رساند».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَبْصُقْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا وَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثًا وَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ جَنْبِهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ». «رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: هرگاه یکی از شما خوابی دید که از آن خوشش نمی‌آید سه بار آب دهن را از دست چپ بیندازد و سه بار بگوید: أعوذ بالله من الشيطان الرجيم و از پهلوی که بر آن خوابیده بر پهلوی دیگر بخوابد».

«وَرِي الترمذي مَنْ رَوَايَةِ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه مَرْفُوعاً: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلَا تُحَدِّثْ لَهَا أَحَدًا وَلْيَقُمْ فَلْيُصَلِّ». «رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را خوشایند نمی‌داند آن را به کسی نگوید و بلند شود و دو رکعت نماز بخواند».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ وَقَالَ فِيهِ: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَتَّقِلْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَسَيِّئَاتِ الْأَحْلَامِ فَإِنَّهَا لَا تَكُونُ شَيْئاً». «رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را دوست نمی‌داشت سه بار آب دهن را از دست چپ در دستمال بیندازد و بگوید: خدایا به تو پناه می‌برم از کار شیطان و خواب‌های بد که آنگاه چیزی نمی‌باشد و ضرری نمی‌رساند».

«باب ما يقول إذا فُصِّت عليه رؤيا»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که دیگری خواب خود را

برای او حکایت نمود

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم قَالَ: لِمَنْ قَالَ لَهُ رَأَيْتُ رُؤْيَا، قَالَ: خَيْرًا رَأَيْتَ وَخَيْرًا يَكُونُ! وَفِي رَوَايَةٍ: خَيْرًا تَلَقَّاهُ وَشَرًّا تَوَقَّاهُ خَيْرًا لَنَا وَشَرًّا عَلَيَّ أَعْدَائِنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». «رسول الله صلى الله عليه وسلم به کسی که به ایشان گفت خوابی دیده ام فرمود: «خیر دیده‌ای و خیر می‌شود». و در روایتی دیگر فرمود: «به خیر می‌رسی و از شر نگه داشته می‌شوی»، خیر است برای ما و شر است بر دشمنان، و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است».

«باب الحثّ علی الدعا والاستغفار فی النصف الثانی من کلّ لیلۃ»

بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی

دوم هر شب

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَيَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي؛ فَأَسْتَجِيبَ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي؛ فَأُعْطِيهِ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي؛ فَأَغْفِرَ لَهُ. وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: يَنْزِلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ حِينَ يَمْضِي ثُلُثُ اللَّيْلِ الْأَوَّلِ فَيَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ أَنَا الْمَلِكُ مَنْ ذَا الَّذِي يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ؟ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ؟ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يُضِيَءَ الْفَجْرُ! وَفِي رِوَايَةٍ: إِذَا مَضَى شَطْرُ اللَّيْلِ أَوْ ثُلُثَاهُ».

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللَّهَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ، فَكُنْ». قال الترمذی: حدیث حسن صحیح. «رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: پروردگارمان هر شب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم آخر شب باقی است و آنگاه می‌فرماید: چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او بدهم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم». و در روایت مسلم: خداوند پاک و بلندمرتبه هر شب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم اول شب گذشته است و آنگاه می‌فرماید: من فرمانروایم، من فرمانروایم، چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او عطا کنم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم، همواره چنین است تا این که فجر روشن شود». و در روایتی دیگر: هرگاه یک دوم شب گذشت یا دو سوم آن. در سنن أبوداود و ترمذی از عمرو بن عبسه رضي الله عنه روایت داریم که او از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیده است که می‌فرماید: «نزدیک‌ترین زمان پروردگار به بنده در دل آخر شب است، پس اگر توانستی از کسانی باشی که خداوند بلندمرتبه را در آن لحظه یاد می‌کنند، پس از آنان باش».

«باب الدعا في جميع ساعات الليل كل ليلة رجاء أن يصادف الإجابة»

بابی است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید این که با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود

خدای متعال در ماه رمضان شبی را لیلۃ القدر ساخت و معین نفرمود تا در همه‌ی شب‌های رمضان کوشش در طاعت بشود تا مصادف با لیلۃ القدر شود. در روز جمعه لحظه‌ای را برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف با آن ساعت گردد، و در همه‌ی شب‌ها لحظه‌ای برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات شب‌ها در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف آن لحظه گردد.

«وَرَوَيْتَا فِي صَاحِبِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُؤَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ». «جابر بن عبدالله انصاری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود: محققاً در شب لحظه‌ای است که هر بنده‌ی مسلمان در آن لحظه از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت بخواهد، خدا به او آن خیر را می‌دهد و این لحظه در همه‌ی شب‌هاست.»

«باب أسماء الله الحسنى»

بابی است در بیان نام‌های نیک خدا

در کتابی که به نام: «المقصد الأسنى فى شرح أسماء الله الحسنى» نوشته‌ام همه‌ی این نام‌ها مشروحاً نوشته‌ام به آن مراجعه فرمایید.
قال الله تعالى:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

«برای خدای سبحانه و تعالی بهترین نامهاست، شما از خدا بخواهید آنچه را که می‌خواهید به حسب همین نام‌ها تا خدا به شما بدهد آنچه را که از او می‌خواهید».

«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا، مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، إِنَّهُ وَثْرٌ يُجِبُّ الْوِثْرَ! مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا. وَقِيلَ مَنْ عَرَفَ مَعَانِيَهَا وَأَمَّنَ بِهَا وَقِيلَ: مَنْ أَطَاقَهَا بِحُسْنِ الرَّعَايَةِ لَهَا وَتَخَلَّقَ بِمَا يُمَكِّنُهُ مِنَ الْعَمَلِ بِمَعَانِيهَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ». «رسول الله ﷺ فرمود: محقق این است که خدای متعال نود و نه اسم دارد، یکی کمتر از صدتا. کسی که این نام‌های مقدس را از بر نماید به بهشت داخل می‌شود، او تاک است و تاک را دوست می‌دارد». در معنی «مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ»: امام بخاری و بیشتر علما گفته‌اند که معنی «مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا»: کسی که این نام‌ها را از بر نمود. و روایتی که در صحیح است «مَنْ حَفَظَهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ» مؤید این تفسیر است.

این نود و نه اسم از این قرار است:

«هو الله الذي لا إله إلا هو، الرحمن، الرحيم، الملك، القدوس، السلام، المؤمن، المهيمن، العزيز، الجبار، المتكبر، الخالق، الباري، المصور، الغفار، القهار، الوهاب، الرزاق، الفتاح، العليم، القابض، الباسط، الخافض، الرافع، المعز، المذل، السميع، البصير، الحكيم، العدل، اللطيف، الخبير، الحليم، العظيم، الغفور، الشكور، العلي، الكبير، الحفيظ، المقيت، الحسيب، الجليل، الكريم، الرقيب، المجيب، الواسع، الحكيم، الودود، المجيد، الباعث، الشهيد، الحق، الوكيل، القوي، المتين، الولي، الحميد، المحصي، المبدئ، المعيد، المحيي، المميت، الحي، القيوم، الواجد، الماجد، الواحد، الصمد، القادر، المقتدر، المقدم، المؤخر، الأول، الآخر، الظاهر، الباطن، الولي، المتعالی، البر، التواب، المنتقم، العفو، الرؤوف، مالك الملك، ذو الجلال والإكرام، المقسط، الجامع، الغني، المغني، المانع، الضار، النافع، النور، الهادي، البديع، الباقي، الوارث، الرشيد، الصبور».

هذا حديث البخاري ومسلم إلى قوله يُحِبُّ الْوِثْرَ! وما بَعْدَهُ حديثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ الترمذي وغيره. قوله الْمُغِيثُ! رُوِيَ بَدَلُهُ الْمُقَيِّتُ! وَرُوِيَ الْقَرِيبُ! بَدَلُ الرَّقِيبِ! وَرُوِيَ الْمُبِينُ! بَدَلُ الْمَتِينِ! وَالْمَشْهُورُ الْمَتِينُ.

و در کتاب المقصد الأسنى فی شرح أسماء الحسنی شرح همه را نوشته‌ام کسی که بخواهد به آن مراجعه نماید.

و معنی «إِنَّهُ وَثْرٌ: إِنَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا نَظِيرَ». کلمه‌ی وِثْر به کسر واو و به فتح واو: تاک است، نه اَلْعَمَالِ وَكَثِيرٍ مِنَ الطَّاعَاتِ». کلمه‌ی وِثْر به کسر واو و به فتح واو: تاک است، نه شریکی دارد و نه نظیری و وِثْر را دوست دارد، مثل قراردادن نمازها به پنج نماز: نماز مغرب سه رکعت. تعداد آسمان‌ها هفت تاست، روزهای هفته هفت تا. لیلۃ القدر شب بیست و یکم یا بیست و هفت و غیر این‌ها.

«کتاب تلاوة القرآن»

کتابی است در بیان تلاوت قرآن

بدان که تلاوت قرآن بهترین اذکار است، و مطلوب این است که قراءت قرآن همراه با تدبیر معانی آن باشد، و برای قراءت قرآن آداب و مقاصدی است. امام نووی در این باره کتابی به نام «التبیان فی آداب حَمَلَةِ الْقُرْآن» تألیف نموده است و می‌فرماید که در کتاب اذکار مختصری از آن کتاب می‌آورد تا کسی که قصد اطلاع بیشتر دارد به کتاب تبیان مراجعه نماید. و معلوم است که امام نووی نوشته‌هایش همه از روی تحقیق است، این است که هرچه مرقوم می‌فرماید همه خلاصه و مغز مقاصد و مطالب مورد لزوم است.

(فصل) شایسته این است که بر تلاوت قرآن محافظت و مواظبت بشود، در شب و روز و در سفر و حضر. سلف صالح این امت ﷺ در مدت زمانی که ختم قرآن در آن می‌شود عادت‌های مختلف داشتند، گروهی از ایشان هر دو ماه یک ختم قرآن می‌خواندند. و گروهی دیگر هر ماهی یک ختم می‌نمودند. و گروهی هر روز یک ختم

قرآن می‌نمودند. و جماعتی دیگر هر هشت روز یک ختم داشتند، و افرادی دیگر در هر هفت روز ختم قرآن می‌نمودند. و این ختم در هفت روز روش بیشتر سلف بود. و مردمی دیگر در هر شش روز ختمی داشتند و مردمی در هر چهار روز ختمی و بسیاری در هر سه روز ختمی داشتند و بسیاری در هر روز و شبی ختمی داشتند و جماعتی در هر روز و شبی دو ختم قرآن می‌نمودند و کسانی در هر روز و شبی سه ختم قرآن داشتند. و بعضی از ایشان در یک روز و شب هشت ختم قرآن می‌نمودند، چهار ختم در روز و چهار ختم در شب. و از این جمله است ابن الکاتب صوفی و این بیشترین مقداری است که با ما رسیده است. و سید جلیل احمد دورقی به اسناد خود از منصور بن زاذان بن عباد تابعی رضی الله عنه روایت نمود که او میان ظهر و عصر یک ختم می‌نمود، و میان مغرب و عشاء نیز یک ختم می‌نمود، و در ماه رمضان میان مغرب و عشاء دو ختم قرآن می‌نمود. و در آن ایام نماز عشاء را به تأخیر می‌خواندند تا یک ربع شب بگذرد. و ابن ابی داود به اسناد خود از مجاهد رضی الله عنه روایت نمود که مجاهد در ماه رمضان میان مغرب و عشاء یک ختم قرآن می‌نمود. اما مردمی که قرآن را در یک رکعت ختم می‌کردند، بی‌شمارند. از آن جمله است عثمان بن عفان خلیفه‌ی سوم و تمیم داری و سعید بن جبیر. و در حقیقت به حسب اشخاص اختلاف پیدا می‌کند. بنابراین، کسی که از خواندن به تأثی و آهستگی فهم کامل برایش دست می‌دهد مقداری از قرآن بخواند که به خوبی آنچه را که می‌خواند فهم کند. و همچنان کسانی که مشغول نشر علم هستند و کسانی که داوری میان مردم و فصل دعاوی دارند و کسانی که مهمات دین و مصالح عامه‌ی مسلمین به عهده دارند، باید اکتفاء کنند به مقداری از قراءت قرآن که برایشان میسر می‌شود و به وظیفه‌شان خلل نمی‌رساند. اما کسی که از این جمله نیست و کاری از مهمات دین و مصالح مسلمین به عهده ندارد باید کوشش کند که هرچه بیشتر قراءت قرآن داشته باشد، به شرط این که کاری نکند که از شتاب در قراءت به قول عوام و ژاور بخواند و نه فهمی از معنی و نه نصیبی از تقوی بیابد که چنین قراءتی مکروه می‌شود، برای این که مخارج حروف حفظ نمی‌کند و از استفاده‌ی معنوی محروم می‌ماند. و جماعتی از علما ختم قرآن در یک روز و شب را مکروه دانسته‌اند و حدیث زیر دلالت بر صحت نظر ایشان می‌دهد:

«مَا رَوَيْنَاهُ بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَغَيْرِهِمْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَاصِيِّ رحمته الله قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه: لَا يَفْقَهُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ». «قرآن را فهم نکرده است کسی که قرآن را ختم نموده در کمتر از سه روز».

اما وقت ابتدای قراءت قرآن و وقت ختم آن به اختیار خواننده‌ی قرآن است، اگر از جمله کسانی است که قرآن را در یک هفته ختم می‌کند، عثمان رضی الله عنه شب جمعه آغاز قراءت قرآن می‌نمود و در شب پنجشنبه قرآن را ختم می‌نمود. و امام ابوحامد غزالی در کتاب إحياء علوم الدين آورده است که أفضل این است که یک ختم به شب بنماید و یک ختم به روز، ختم روز در روز دوشنبه در دو رکعت نماز فرض صبح قرار بدهد و ختم شب در شب جمعه در دو رکعت نماز فرض مغرب قرار بدهد تا دو ختم را در آغاز و آخر شب و آخر شب و اول روز قرار دهد. و ابن ابی داود از عمرو بن مرة تابعی جلیل رضی الله عنه روایت نموده است که گفت: «كَانُوا يُحِبُّونَ أَنْ يُخْتَمَ الْقُرْآنُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ أَوْ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ». «سلف دوست می‌داشتند که ختم قرآن در اول روز یا اول شب باشد». و ابن ابی داود از طلحه بن مصرف تابعی جلیل روایت نمود که طلحه گفت: کسی که قرآن را ختم کرد در هر ساعتی از روز، ملائکه درود بر او می‌فرستند تا اول شب، و در هر ساعتی از شب که ختم قرآن نمود ملائکه درود بر او می‌فرستند تا اول روز. و از مجاهد نیز مانند همین روایت شده است.

«وَرَوَيْنَاهُ فِي مَسْنَدِ الْإِمَامِ الْمَجْمَعِ عَلَى حِفْظِهِ وَجَلَالَتِهِ وَإِتْقَانِهِ وَبِرَاعَتِهِ أَبِي مُحَمَّدٍ الدَّارِمِيِّ رحمته الله عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ رضی الله عنه قَالَ: إِذَا وَافَقَ خْتَمَ الْقُرْآنَ أَوَّلَ اللَّيْلِ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يَصْبِحَ وَإِنْ وَافَقَ خْتَمَ الْقُرْآنَ آخِرَ اللَّيْلِ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يَمْسَى. قَالَ الدَّارِمِيُّ: هَذَا حَسَنٌ عَنْ سَعْدٍ». یعنی سعد بن ابی وقاص فرمود: اگر ختم قرآن موافق بود با اول شب ملائکه بر او درود می‌فرستند تا اول روز، و اگر ختم قرآن موافق بود با آخر شب ملائکه بر او درود می‌فرستند تا اول شب بعد. دارمی گفت: این گفتار از سعد خوب است.

(فصل) فصلی است در بیان وقت‌های برگزیده برای خواندن قرآن.

بدان که بهترین قراءت قرآن قراءتی است که در نماز باشد و مذهب امام شافعی و افرادی دیگر از علما رحمهم الله تعالی این است که قیام نماز را طولانی کردن به قراءت

قرآن بهتر است از طولانی کردن سجود و غیر آن. و اما قراءت قرآن در غیر نماز، پس بهترین آن قراءت قرآن در شب است و نیمه‌ی آخری شب برای قراءت قرآن بهتر است از نیمه‌ی اول شب. و محبوب است قراءت قرآن میان مغرب و عشاء. و اما خواندن قرآن در روز، پس بهترین وقت آن بعد از نماز صبح است، و هیچ وقت قراءت قرآن مکروه نیست، حتی در اوقات مکروه بودن نماز نیز قراءت قرآن کراهتی ندارد. و اما آنچه ابن دبی داود رحمته روایات نموده است از معاذ بن رفاعه رحمته که مشایخ قراءت قرآن بعد از عصر را مکروه می دانسته‌اند و می گفته‌اند: قراءت بعد از عصر قراءت یهود است، گفتاری است غیر مقبول و بی پایه که اصلی ندارد، و از بین روزها روزهای جمعه و دوشنبه و پنجشنبه و روز عرفه از اوقات برگزیده محسوب می شود، و روزهای ده گانه‌ای اول ذیحجه و ده روز اخیر ماه مبارک رمضان از اوقات برگزیده برای قراءت قرآن است، و از بین ماه‌ها ماه مبارک رمضان ماه برگزیده برای قراءت قرآن است.

(فصل) فصلی است در بیان آداب ختم قرآن و آنچه تعلق به آن دارد.

پیش از این گفتیم کسی که به تنهایی قرآن را می خواند بهتر است که ختم او در نماز باشد. اما کسی که ختم قرآن را در غیر نماز می نماید و جماعتی که جمع می شوند برای ختم قرآن، مستحب است که ختم کردن شان در اول روز یا اول شب باشد، چنان که پیش از این گذشت. و مستحب است که روز ختم قرآن روزه باشد، مگر در صورتی که روز ختم قرآن شرعاً روزه رفتن در آن ممنوع باشد، مثل روز عید و ایام التشریق. و به ثبوت رسیده است از طلحه بن مصرف و المسیب بن رافع و حبیب بن ابی ثابت که هر سه از تابعین و از اهل کوفه بوده‌اند رحمهم الله اجمعین که روزی که می خواستند در آن روز ختم قرآن نمایند آن روز را روزه می گرفتند. و مستحب است حاضر شدن در مجلس ختم قرآن برای کسی که قرآن می خواند و برای کسی که قراءت قرآن نمی تواند: «فقد رَوَيْنَا فِي الصَّحِيحِينَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ الْحَيْضَ بِالخُرُوجِ يَوْمَ الْعِيدِ فَيَشْهَدَنَّ الْخَيْرَ وَدَعْوَةَ الْمُسْلِمِينَ» «رسول الله ﷺ دستور فرمود به بیرون رفتن زنان قاعده از خانه و رفتن به مصلی برای مشاهده‌ی نماز عید و شنیدن دعای خیر مسلمانان، با این که زنان قاعده نماز نمی خوانند، اما در محل نماز و دعای مسلمین شرکت می کنند تا برکت آن به ایشان هم برسد».

«وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ كَانَ يَجْعَلُ رَجُلًا يِرَاقِبُ رَجُلًا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْتِمَ أَعْلَمَ ابْنَ عَبَّاسٍ رضي الله عنهما فَيَشْهَدُ ذَلِكَ». «عبدالله بن عباس رضي الله عنهما وقتی می دانست که کسی نزدیک به ختم کردن قرآن است، شخصی را می گماشت تا او را زیر نظر بگیرد تا هروقت دید نزدیک به ختم قرآن رسیده است ابن عباس را خبر کند و در مجلس ختم قرآن و دعای آن شرکت می کرد».

«وَرَوَى ابْنُ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادَيْنِ صَحِيحَيْنِ عَنْ قَتَادَةَ التَّبَاعِيِّ الْجَلِيلِ الْإِمَامِ صَاحِبِ أُنْسٍ رضي الله عنه كَانَ أُنْسُ بْنُ مَالِكٍ رضي الله عنه إِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ جَمَعَ أَهْلَهُ وَدَعَا». «انس بن مالک رضي الله عنه وقتی که قرآن را ختم می کرد اهل و بستگان خود را جمع می کرد و دعا می نمود برای سلامتی و سعادت خود و بستگان و عموم مسلمانان».

«وَرَوَى بِأَسَانِيدٍ صَحِيحَةٍ عَنْ الْحَكَمِ بْنِ عُثَيْبَةَ التَّبَاعِيِّ الْجَلِيلِ الْإِمَامِ قَالَ أُرْسِلُ إِلَى مَجَاهِدِ وَعَبْدَةَ بْنِ أَبِي لُبَابَةَ فَقَالَا: إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَيْكَ لِأَنَّا أَرَدْنَا أَنْ نَخْتِمَ الْقُرْآنَ وَالدَّعَاءُ يَسْتَجَابُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ». «حکم بن عتیبه تابعی جلیل می گوید که مجاهد و عبده بن ابی لبابه کسی را فرستادند نزد من تا پیش ایشان بروم، وقتی که رفتم نزد ایشان فرمودند ما تو را دعوت کردیم که نزد ما بیایی برای این که می خواهیم ختم قرآن نماییم و دعا موقع ختم قرآن مستجاب است»، یعنی تا از این ختم و دعا نصیبی ببری.

«وَفِي بَعْضِ رَوَايَاتِ الصَّحِيحَةِ: وَأَنَّهُ كَانَ يُقَالُ: إِنَّ الرَّحْمَةَ تَنْزَلُ عِنْدَ خَاتَمَةِ الْقُرْآنِ» رحمت نازل می شود موقع ختم قرآن.

«وَرَوَى بِإِسْنَادِهِ الصَّحِيحِ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ: كَانُوا يَجْتَمِعُونَ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ يَقُولُونَ تَنْزَلُ الرَّحْمَةُ» «سلف موقع ختم قرآن اجتماع می نمودند و می گفتند موقع ختم قرآن رحمت خدا نازل می شود».

(فصل) و دعا نزد ختم قرآن مستحب است، استحباب متأكد و شدید، به دلیل آنچه یاد کردیم از احادیث و آثار.

«وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ هَمِيدِ الْأَعْرَجِ رضي الله عنه قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ عَادَ آمَنَ عَلَى عِزَّتِهِ أَرْبَعَةَ الْأَلْفِ مَلَكًا». «کسی که قرآن خواند و بعد از خواندن قرآن دعا کرد چهار هزار فرشته بر دعای او آمین می گویند». و شایسته است که در دعا پافشاری نماید و

به آن ادامه دهد و دعایی که می‌کند راجع به کارهای مهم و با کلمه‌های پرمغز باشد. و بیشتر آن در امور آخرت و امور مسلمین و صلاح رهبران مسلمین و ولات امورشان و توفیق مسلمین در طاعت خدا و نگهداری‌شان از نافرمانی خدا و در باره‌ی همدستی‌شان در نکوکاری و تقوی و ایستادن به اجرای حق و وحدت کلمه و پیروزی‌شان بر دشمنان دین و همه‌ی مخالفین باشد. امام نووی در کتاب «آداب القُرَّاء» دعا‌های مختصر و جامع مقاصد خیر آورده است تا کسی که بخواهد از آن کتاب بگیرد. و مستحب است وقتی که ختمی را به آخر رسانید شروع به قراءت قرآن برای ختم دیگر نماید. سلف صالح همین روش را دوست می‌داشته‌اند که ختم قرآن متصل به هم باشد. و دلیل‌شان حدیث انس رضی الله عنه است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحُلُّ وَالرَّحْلَةُ، قِيلَ وَمَا هُمَا؟ قَالَ افْتِتَاحُ الْقُرْآنِ وَخَتْمُهُ». «رسول الله ﷺ فرمود: بهترین اعمال ختم قرآن و شروع مجدد برای قراءت قرآن و ختم دیگر است».

(فصل) راجع به کسی که به خواب رفت و حزب قراءت و کار همیشگی خود را در قراءت و ذکر در شب از دست داد:

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که به خواب رفت از حزب یا از بعضی از آن در شب و آن را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند ثواب آن برای او نوشته می‌شود، چنانکه آن را در شب خوانده باشد».

(فصل) در امر به تعهد قرآن و ادای قراءت آن و پرهیزکردن از این که به سبب نخواندن قرآن آنچه از حفظ دارد و می‌داند فراموش کند.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ ثَقْلًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِهَا». «رسول الله ﷺ فرمود: این قرآن را مورد تعاهد و مواظبت بر قراءت آن قرار دهید، قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست، قرآن فراموش کردن و از دست دادن آن آسان است، و حفظ آن از فراموشی سخت‌تر است از حفظ شتر در پای بندش». کسانی که قرآن حفظ

کرده و از بر دارند می‌دانند که اگر مدت‌اندکی بگذرد و تلاوت نکنند به حفظشان لطمه می‌خورد. بنابراین، مداومت بر قراءت قرآن ضرورت دارد.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ صَاحِبِ الْإِبِلِ الْمُعَقَّلَةِ إِنْ عَاهَدَ عَلَيْهَا أُمْسَكَهَا وَإِنْ أَطْلَقَهَا ذَهَبَتْ». «رسول الله ﷺ فرمود: مثال کسی که قرآن از بر دارد، مثال شترهایی است که پای‌بند بر پاهای آن‌هاست، اگر صاحبان شترها مواظبت بر آنها کردند و در عقال و پای‌بند نگاه‌شان داشتند، شترهای خود را حفظ می‌کنند و چنانچه شتران را بدون پای‌بند به حال خود رها کردند از دست می‌روند». همچنان حافظان قرآن، اگر همیشه قرآن بخوانند حفظ قرآن در ذهن‌شان می‌ماند، اگر از خواندن قرآن غفلت کردند قرآن از ذهن‌شان بیرن می‌رود.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عُرِضَتْ عَلَيَّ أَجُورُ أُمَّتِي حَتَّى الْقَدَاةُ يُخْرِجُهَا الرَّجُلُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَعَرِضَتْ عَلَيَّ ذُنُوبُ أُمَّتِي فَلَمْ أَرْ ذَنْبًا أَعْظَمَ مِنْ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أُوتِيَهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا! تَكَلَّمَ التِّرْمِذِيُّ فِيهِ». «رسول الله ﷺ فرمود: نشان من داده شد ثواب‌هایی که به امتم می‌رسد، حتی خار و خاشاکی که شخص از مسجد بیرون می‌برد تا به کسی آزاری نرسد و نشان من داده شد گناهان امتم، ندیدم گناهی بزرگتر از گناه کسی که سوره‌ای از قرآن به او داده شده و فراموش کرد».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَمُسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ عِبَادَةَ رضي الله عنه عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُجْدَمَ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که قرآن آموخت پس از آن قرآن خواندن را فراموش کرد، روز قیامت که خدا را ملاقات می‌کند، به صورت شخص مجذوم است که شکل او را قبیح نموده است».

(فصل) در بیان مسایل و آدابی که شایسته‌ی قاری قرآن است به آنها توجه کند. و این مسایل و آداب خیلی بسیار است، و در این جا قسمتی از آنها را یاد می‌نماییم و دلایل آنها را نمی‌آوریم، برای این که مشهور است و نیازی به آوردن دلایل آنها نیست، و آوردن آن دلایل باعث طولانی‌شدن و ملال و خستگی است. نخستین چیزی که قاری قرآن به آن امر می‌شود اخلاص و یکرنگی است که قاری باید قصدش از قراءت قرآن به دست‌آوردن رضای خدا باشد و هیچ قصد دیگری نداشته باشد. بنابراین،

قاری باید ادب در برابر قرآن داشته باشد و با حضور قلب بخواند و به دل آورد که قصدش مناجات با پروردگار است، و قرآن که می‌خواند طوری بخواند که گویا خدا را می‌بیند، اگر او خدا را نبیند بداند که خدا او را می‌بیند.

(فصل) و شایسته است برای کسی که می‌خواهد قرآن را بخواند این که دهان و دندان را تمیز نگه دارد، و مسواک بهتر است از چوب اراک و خوشبو باشد، و مسواک‌زدن به چیزهای دیگری که دهان و دندان را پاکیزه کند نیز جایز است، و شستن دهان و دندان به انگشت در آن سه قول است: مشهورترین اقوال به انگشت اگرچه خشن باشد کفایت نمی‌کند. قول دوم کفایت می‌کند. قول سوم چیز دیگر نیست انگشت خشن و زبر کفایت می‌کند، و اگر وسیله‌ی دیگری هست انگشت کفایت نمی‌کند، و مسواک‌زدن به پهنای دندان و ابتداء از طرف راست دهان باشد، و با مسواک‌زدن نیت نماید که ادای سنت می‌نماید. بعضی از علما گفته‌اند: موقع مسواک زدن بگوید: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». و مسواک می‌زند به ظاهر دندان‌ها و باطن دندان‌ها و بر زبان و سقف حلق به نرمی، اگر دهان به خون پلید شد قرائت قرآن در این حالت مکروه است، اما آیا حرام است با دهان نجس قرآن خواند یا نه؟ قول اصح این است که مکروه است و حرام نیست و این کراهت تحریمی است، اجتناب آن اولی می‌باشد، و این مبحث توضیحی دارد که در فصل‌های اول این کتاب یاد شد و نیاز به تکرار آن نیست. والله أعلم.

(فصل) شایسته است که قاری قرآن را به تدبر و فهم کردن و حضور قلب و خشوع بخواند که مقصود از قرائت همین است و انشراح صدر به آن حاصل می‌شود و دل به آن روشن می‌گردد. و دلایل خواندن با تدبر و فهم و با حال خشوع بیشتر از آن است که به شمار آید و مشهورتر از آن است که یاد شود. و گروهی از سلف در خواندن یک آیه شب را به صبح می‌آوردند. و گروهی موقع شنیدن آیه‌ای طوری در آنان تأثیر کرد که فریاد برآوردند و مردند. و گروهی از تأثیر آیاتی جان سپردند، برای این که با حضور قلب و فهم و خشوع می‌خواندند. و مستحب است گریستن موقع تلاوت قرآن و اگر نتواند بگیرد، خود را گریان نشان دهد. برای این که گریستن موقع تلاوت قرآن شعار عباد الله الصالحین است. چنان‌که خدای متعال فرمود:

﴿وَيَخْرُونَ لِلْذَّقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ [الإسراء: ۱۰۹]. «و می افتند بر روی برای سجود در حالی که گریانند و گریستن بر خشوعشان می افزاید». امام نووی رحمته در کتاب «التبیین فی آداب حملة القرآن» بسیاری از آثار صالحان را یاد نموده است.

«قال السيد الجليل صاحب الكرامات والمعارف والمواهب، إبراهيم الخواص: دواء القلب خمسة أشياء: قراءة القرآن بالتدبر. خلاء البطن وقيام الليل والتضرع عند السحر ومجالسة الصالحين». «آقای با شکوه و بزرگوار، صاحب کرامات و مراتب خدانشناسی و مواهب الهی، ابراهیم خواص رحمته فرمود: دواي دل در پنج چیز است: خواندن قرآن از روی فهم و تدبر و خالی بودن شکم و شبخیزی و نماز تهجد خواندن و تضرع و گریه و زاری در وقت سحر و همنشینی با صالحان».

قرآن وقتی سودمند است که قاری بداند کلام کیست و مقصود او چیست. و آن کسی که قرآن کلام اوست آفریدگار همه و دانا به نهان و آشکار همه و مالک زندگی و مرگ همه و سرنوشت همه در دست اوست. این قرآن که پیام سعادت دو جهان است بر بنده و پیغمبر خاتمش نازل فرمود تا روح پیروان قرآن را به تلاوت آن شاد فرماید و دل‌های قرآن‌خوانان را به نور قرآن روشن گرداند و سراپای وجودشان به محبت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منور گرداند. برای چنین فهمی شکم خالی لازم است تا بتواند ساعت‌ها در قیام و قعود و رکوع و سجود روان خود را بر استقامت استوار سازد. به قول سعدی:

اندرون از طعام خالی دار تا در آن نور معرفت بینی
تو کجا نور معرفت توانی دید که پری از طعام تا بینی
و توانایی بر گرسنگی و شکم خالی کسانی دارند که سحرگاه در نماز تهجد به راز و نیاز با پروردگار مشغولند.

شب مردان خدا روز جهان افروز است صالحان را به حقیقت شب ظلمانی نیست و به دست آوردن چنین نعمتهایی از همنشینی با صالحان به دست می‌آید. (فصل) خواندن قرآن از رو بهتر از خواندن از حفظ است: برای این که دست‌ها قرآن را حمل می‌نماید و چشم‌ها حروف قرآن را می‌بیند علمای ما چنین فرموده‌اند، و لیکن باید دانست که اگر با از برخواندن دل در آن بیشتر حاضر می‌شود و فهم و تدبر قراءت بیشتر به دست می‌آید از برخواندن بهتر است، اما اگر از برخواندن و از

روخواندن یکسان باشند، از رو خواندن بهتر است، و هرچه بیشتر اعضای بدن در طاعت به کار آید، بهتر است. وقتی که انسان به نماز می‌ایستد پاها در طاعت هستند، برای این که بدن را حمل کرده‌اند. دست‌ها در طاعت هستند، برای این که برای تکبیرة الإحرام بالا رفته‌اند و یا بر سینه برهم نهاده شده‌اند. چشم‌ها در طاعت هستند که به سجده‌گاه می‌نگرند. دل در طاعت است که آماده خشوع شده است. اگر نیت را به زبان بیاورد، زبان به گفتن و گوش به شنیدن در طاعت حاضر می‌شوند. بعضی از روی بی‌دانشی می‌گویند: نیت نمی‌خواهد. اولاً حدیث متفق علی صحته و قریب به تواتر: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ». است که می‌رساند هیچ عملی بدون نیت صحیح نیست. دیگر این که موقع نیت دل حاضر می‌شود و استحضار عظمت خدای تعالی به بار می‌آورد. و نیت است که عمل را خالص می‌سازد. و نیت است که مراتب عبادت را از هم جدا می‌سازد و نیت فرض و نیت سنت و نیت ادا و نیت قضا و نیت منفرد و نیت با جماعت همه به نیت حاصل می‌شود. اما تکبیرگفتن بدون نیت نه اخلاصی به همراه می‌آورد نه استحضار عظمت خدا فراهم می‌شود، نه شرمساری از تقصیر در طاعت به یاد می‌آید. بیچاره مردمی که به سبب بی‌سوادی از بسیاری از مزایا محروم می‌گردند.

(فصل) روایات بسیاری آمده است در فضیلت بلندکردن آواز به قراءت قرآن. و روایات بسیاری آمده است به فضیلت آهسته‌کردن آواز به قراءت قرآن. علما گفته‌اند راه جمع میان این دو گفتار این است که آهسته‌خواندن دورتر است از ریا. بنابراین کسی که از ریا می‌ترسد، آهسته‌خواندن برای او بهتر است. و کسی که نمی‌ترسد و می‌داند که در عملش ریا داخل نمی‌شود به آواز بلندخواندن برای او بهتر است، به شرط این که بلندخواندنش مایه‌ی تشویش نمازگزاری نشود و شخصی را که به خواب است ناآرام نکند. کودکی که در گهواره است بیدار نسازد. بیماری که استراحت نموده راحتش را از بین نبرد. اگر هیچ یک از این مسایل نیست با آواز بلندخواندن قرآن بهتر است، برای این که دیگری می‌شنود و از قراءت او استفاده می‌کند. دل قاری را بیدار می‌سازد و فکرش را جمع می‌کند. خواب از چشم بیرون می‌کند و نشاط را می‌افزاید و دیگری که غافل است به قراءت تشویق می‌نماید، و هرگاه یکی از این مقاصد باشد خواندن قرآن با آواز بلند بهتر است. و مقصود از آواز بلند آواز به حسب عرف است نه این که مانند مؤذن صدا را بلند کند.

(فصل) و مستحب است قرآن را با آواز خوش خواندن و آواز را به قراءت قرآن زیبانمودن به شرط این که به صورت نغمه‌خوانی نباشد و زیاد و کم کردن حرفی به بار نیاورد. اما قراءت قرآن به صورت آوازخوانی و کشیدن زیاد حرف و تمطیط و تردید بسیار و به حد افراط حرام است، و در صورتی که به حد افراط نباشد حرام نیست. آواز خوش نعمتی بزرگ است، روح را تغذیه می‌نماید و شوق عمل به قرآن را در دل‌ها زنده می‌گرداند. اما آواز ناخوش به قول سعدی رحمته:

گر تو قرآن بدین نمط خوانی ببری رونق مسلمانی

(فصل) و مستحب است برای قاری قرآن که ارتباط آیات قرآن را از هم قطع نکند، ابتدا قراءت به آیه‌ای نماید که در آغاز مقصد قرار دارد و پایان قراءت و محل وقف قراءت را در محلی از آیات قرار دهد که با آیات بعدی مرتبط نباشد، و هیچ وقت خود را مقید به اول جزء یا اول حزب ننماید، برای این که چه بسیار آیه‌ی اول جزء مربوط به آیه‌های قبلی است، و ابتدا با آن مطالب آیات را از هم قطع می‌نماید، و قرآن را به سی جزء تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد ماهی یک ختم نماید هرروز یک جزء بخواند، اما آیه‌های قبل از آن که مربوط به آن است ترک ننماید، و قرآن را به شصت حزب تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد در دو ماه یک ختم قرآن نماید هرروز یک حزب بخواند، اما آیه‌های قبلی که مربوط به اول حزب است فراموش نکند، و قرآن را به هفت منزل تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد قرآن را در یک هفته ختم نماید هرروز یک منزل بخواند. و هر جزء به چندین رکوع قسمت کرده‌اند تا در نماز تراویح در هر رکعتی یک رکوع بخواند، و بازهم باید ارتباط آیات را فراموش نکند. و تقسیم به رکوع برای حفظ قرآن است که اگر کسی هرروز یک رکوع حفظ نماید در دو سال قرآن را حفظ می‌کند.

الحاصل، همیشه رعایت معانی آیات و ارتباط جمله‌ها را حفظ نماید و غرّه نشود که مردم چه می‌کنند. به قول فضیل بن عیاض رحمته: «أَسْأَلُكَ طَرِيقَ الْهُدَى وَلَا يَضُرُّكَ قَلَّةُ السَّالِكِينَ. وَلَا تَسْأَلُكَ طَرِيقَ الْغَوَايِ وَلَا يَعْرُكَ كَثْرَةُ الْهَالِكِينَ». «راه راست بگیر و زبانی نمی‌بینی از اندکی راست و روان و بپرهیز از راه گمراهی و تو را نفریبند بسیاری هلاک‌شوندگان». روی این اصل علما گفته‌اند: خواندن یک سوره‌ی کامل بهتر است از برابر آن خواندن از سوره‌ی بزرگتر، برای این که ارتباط آیات به همدیگر بر بسیاری از مردم پنهان می‌ماند.

(فصل) از جمله بدعت‌های زشت است عمل بعضی از ائمه‌ی مساجد که در نماز تراویح سوره‌ی انعام را به تمامی در رکعت آخری می‌خوانده‌اند، به این ادعا که سوره‌ی انعام از اول تا به آخر همراه هم نازل شده است، و در این عمل چند منکر است: یکی عقیده به سنت بودن آن. دوم تطویل رکعت دوم بر رکعت اولی. سوم طولانی کردن آن رکعت بر نمازگزاران. چهارم به سرعت خواندن و حق آیات را به جای‌نیاموردن که هرکدام بدعتی است.

(فصل) درست است گفتن سوره‌ی بقره. سوره‌ی آل عمران. سوره‌ی نساء. سوره‌ی عنکبوت و همچنین باقی سوره‌ها و همین معتمد است، و بعضی از سلف می‌گفته‌اند: «السورة التي تُذَكَّرُ فيها البقرة. السورة التي تَذَكَّرُ فيها النساء» و این قول غیر معتمد است، برای این که قول اولی قول جماهیر علمای مسلمین است از سَلَف و خَلَف. احادیثی که در این خصوص از رسول الله ﷺ آمده است بیش از آن است که شمرده شود، و همچنین درست است گفتن این که این قراءت ابی عمرو است. این قراءت ابن کثیر است. این قراءت عاصم است، چنانکه عمل سلف و خلق بر آن است بدون انکار آن. و از ابراهیم نخعی رحمته الله آمده است: «كانوا يكرهون سنة فلان وقراءة فلان». اما مورد اعماد نیست، و صحیح همان گفتار جمهور علما بر جواز آن است.

(فصل) بدان که همه‌ی آداب قراءت و قاری را نمی‌توان در کمتر از چندین جلد آورد، و لیکن قصد ما اشاره بر بعضی از مقاصد پراهمیت آنهاست که در این فصل‌ها مختصر بیان نمودیم. و در فصل‌هایی که در اول کتاب گذشت از آداب ذاکر و قاری و در اذکار نماز جمله‌هایی از آداب متعلق به قراءت قرآن یاد شد، و برای اطلاع بیشتر ارجاع نمودیم به کتاب «التبیان فی آداب حلمة القرآن» کسی که معلوماتی بیشتر در این زمینه بخواهد به آن کتاب مراجعه نماید. «وبالله توفيق وهو حسبي ونعم الوكيل»: توفیق از خداست و او ست که کفایت‌کننده من است و خدای رحمته الله چه خوب کفایت‌کننده و نگهدارنده است.

(فصل) مکروه است که بگوید: «نَسِيْتُ آيَةَ كَذَا»: فراموش کردم فلان آیه را، بلکه بگوید: «أُنْسِيْتُ آيَةَ كَذَا. أَوْ كُنْتُ أَسْقَطْتُ آيَةَ كَذَا». به فراموشی افتاده بودم از فلان آیه، یا فلان آیه را انداخته بودم.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمَ عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَا يَقُولُ أَحَدُكُمْ نَسِيْتُ آيَةَ كَذَا وَكَذَا بَلْ هُوَ أَنْسِيْتُ». «نباید یکی از شما بگوید فراموش کردم آیه‌ی فلانی را، بلکه به فراموشی انداخته شده است از فلان آیه».

وَفِي رِوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِينَ أَيْضًا: «بِئْسَمَا لِأَحَدِهِمْ يَقُولُ نَسِيْتُ آيَةَ كَيْتَ وَكَيْتَ بَلْ هُوَ نَسِيْتُ». «چه بد چیزی است که یکی از ایشان بگوید: فلان آیه را فراموش کردم، بلکه او به فراموشی انداخته شده است».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ عَائِشَةَ رضي الله عنها أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ فَقَالَ: رَحِمَهُ اللَّهُ لَقَدْ أَذْكَرَنِي آيَةٌ كُنْتُ أَسْقِطُهَا!». وَفِي رِوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِ كُنْتُ أُسَيِّئُهَا». «رسول الله صلى الله عليه وآله شنید از مردی که قرآن می‌خواند. آنگاه فرمود: «خدا بیامزد او را که به یاد من آورد آیه‌ای را که آن را انداخته بودم». و در روایتی در صحیح: از آن به فراموشی افتاده بودم».

(فصل) بدان که قراءت قرآن مؤکدترین اذکار است، چنانکه پیش از این گفتیم. و بنابراین، شایسته است مداومت بر قراءت تا هیچ روز و شبی بدون قراءت قرآن نگذارند، و اصل قراءت حاصل می‌شود به خواندن اندکی از آیات قرآن.

«وَقَدْ رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّبَّيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: مَنْ قَرَأَ فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسِينَ آيَةً لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِئَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِئَتِي آيَةٍ لَمْ يُجَاجِهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِمِئَةَ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنَ الْأَجْرِ».

«رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که در روز و شبی پنجاه آیه از قرآن را بخواند او از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود، و کسی که در روز و شبی یکصد آیه را بخواند او نوشته می‌شود از عبادت‌کاران، و کسی که دویست آیه را بخواند، قرآن در روز قیامت با او دشمنی نمی‌کند، و کسی که پانصد آیه را بخواند نوشته می‌شود برای او اجر بسیار». و در روایتی: «مَنْ قَرَأَ أَرْبَعِينَ آيَةً! بَدَلْ خَمْسِينَ».

«و کسی چهل آیه را بخواند به جای پنجاه آیه». و در روایتی: «عِشْرِينَ». «کسی که بیست آیه را بخواند از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود». و در روایتی: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ». «رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که در روز و شبی ده آیه از قرآن را بخواند از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود».

و در این باب احادیث بسیار آمده است، مانند همین احادیثی که روایت شد. و روایت احادیث بسیار داریم در باره‌ی کسی که یک سوره را در روز و شبی بخواند، از آن جمله است کسی که سوره‌ی یاسین را برای به دست آوردن رضای خدا در روز و شبی بخواند گناهِش آمرزیده می‌شود، و در روایتی کسی که سوره‌ی دخان را در شبی بخواند، وقتی که صبح می‌شود گناهِش آمرزیده شده است، و در روایتی از ابن مسعود رضی الله عنه است که گفت: «از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «کسی که سوره‌ی واقعه را در هر شب بخواند دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود».

«وَعَنْ جَابِرٍ رضی الله عنه: كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله لَا يَنَامُ، كُلَّ لَيْلَةٍ، حَتَّى يَقْرَأَ: ﴿الْم تَنْزِيلُ﴾ وَ ﴿تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾». «رسول الله صلی الله علیه و آله هیچ شبی نمی‌خوابید تا این که اول سوره‌ی الم السجدة و سوره‌ی ﴿تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ را بخواند».

«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ كَانَتْ لَهُ كَعْدَلٍ نَصِيفِ الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ كَانَتْ لَهُ كَعْدَلِ رُبْعِ الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَانَتْ لَهُ كَعْدَلِ ثُلُثِ الْقُرْآنِ». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که سوره‌ی إذا زُلْزِلَتْ را در شبی بخواند برای او برابر قراءت نصف قرآن ثواب است، و کسی که سوره‌ی ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را بخواند برای او به قدر ثواب قراءت ربع قرآن ثواب نوشته می‌شود، و کسی که سوره‌ی ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را در شبی بخواند به قدر خواندن ثلث قرآن ثواب دارد». و در روایتی دیگر کسی که آیه‌ی الكرسي و سوره‌ی غافر «المؤمن» را بخواند در آن روز از هر بدی نگه داشته می‌شود، و احادیث در باره‌ی آنچه یاد کردیم بسیار است و اشاره به مقاصد آنها نمودیم. و خدای متعال داناتر است به آنچه صواب و درست است و برای اوست ستایش‌ها و به فضل او حاصل می‌شود توفیق بر طاعت و دوری از معصیت.

«كتاب حمد الله تعالى»

کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن

قال الله تعالى: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا﴾ [الإسراء: ۱۱۱]. «و بگو ای رسول خدا) همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که برای خود فرزندی را قرار نداد». وقال تعالی: ﴿لَيْنِ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ [ابراهيم: ۷]. «اگر سپاس نعمت‌های پرورگارتان را به جا آوردید، زیاد می‌نمایم نعمت‌هایم را برای شما». وقال تعالی: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾ [البقرة: ۱۵۲]. «مرا یاد کنید تا شما را یاد نمایم و سپاس نعمت‌هایم را به جا آورید و ناسپاسی نکنید».

و آیات قرآن که امر می‌فرماید به حمد و ستایش و شکر و سپاس خدا و بیان می‌فرماید فضل و ثواب آنها بسیار است و همه معروف و شناخته شده است.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهَ وَمُسْنَدِ أَبِي عَوَانَةَ الْأَسْفَرَايِنِيِّ الْمَخْرَجِ عَلَى صَحِيحِ مُسْلِمٍ رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ». «رسول الله ﷺ فرمود: هر کار با اهمیتی که آغاز آن حمد و ستایش خدا گفته نشود آن کار از هر خیر و برکتی بریده شده است». وفي رواية: «بِحَمْدِ اللَّهِ! وفي رواية: بِالْحَمْدِ فَهُوَ أَقْطَعُ! وفي رواية: كُلُّ كَلَامٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَجْذَمُ». «هر سخنی که آغاز آن به الحمد لله شروع نشود آن کار خوره‌خورده و بی‌برکت است». وفي رواية: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَهُوَ أَقْطَعُ». «هر کار مهمی که آغاز آن به بسم الله الرحمن الرحيم نباشد هیچ خیر و برکتی ندارد».

ما روایت الفاظ این احادیث که یاد شدند همه از کتاب اربعین حافظ عبدالقادر رهاوی نقل نموده‌ایم، و این روایات موصول آمده با ذکر صحابی و مرسل آمده بدون ذکر صحابی. و روایت موصول آن اسنادش خوب است، و قاعده است وقتی که حدیثی موصول و مرسل روایت شد حکم برای روایت موصول است نزد جمهور علماء برای این که موصول زیاده‌الثقه است و آن نزد جماهیر علما مقبول است، و معنی امر ذی بال

یعنی حالتی دارد که به آن اهمیت داده می‌شود. و معنی اقطع: ناقص و قلیل البرکه. و أجذم: هم به همین معنی است. علما فرموده‌اند: مستحب است که هر طالب و هر مدرس و هر خطیب و هر خاطب یعنی خواستگاری‌کننده‌ی زن و هر مصنف کتاب پیش از هر کار مهمی «بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين» را بگویند. امام شافعی رحمته الله فرمود: دوست می‌دارم که هر شخص در جلو خطبه‌اش و هر کاری که می‌طلبد حمد خدای تعالی و ثناء بر ذات پر عظمت او و درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و آل و اصحابش را مقدم بدارد.

(فصل) بدان که «بسم الله الرحمن الرحيم» و حمد و ثنای پروردگار عظیم در ابتدای هر کار مهم مستحب است، چنانکه بیان شد و همچنان بعد از فراغت از خوراک و آشامیدن آب و بعد عطسه و موقع خواستگاری زن و موقع همبستری و موقع عقد نکاح و بعد از بیرون آمدن از مستراح در همه‌ی این احوال حمد پروردگار مستحب است، و بیان این مسایل هرکدام در باب مخصوص آن با ذکر دلایل آن و تفریع مسایل آن می‌آید. ان شاء الله تعالی. و مستحب است در ابتدای کتاب‌هایی که تألیف می‌شود و در ابتدای تدریس مدرسین و ابتدای قراءت طلاب ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و حمد و ستایش پروردگار باشد، خواه قراءت و درس تفسیر یا حدیث یا فقه باشد یا غیر این‌ها، و بهترین عبارت حمد در همه‌ی آنچه بیان شد کلمه‌ی ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ است.

(فصل) حمد خدای متعال رکن است در خطبه‌ی جمعه و غیر آن، و خطبه صحیح نمی‌شود، مگر به حمد خدای تعالی و صلوات و سلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و وصیت به تقوی در هر دو خطبه و قراءت آیه‌ای از قرآن در یکی از دو خطبه و دعا برای مؤمنین و مؤمنات در خطبه‌ی دوم. و کسانی که می‌خواهند وعظ را به فارسی بخوانند بعد از فراغت از وعظ خطبه را مختصر و کامل به عربی نیز بخوانند، و به دنبال آن نماز جمعه شروع کنند که اکتفا به خطبه‌ی فارسی در جمعه و کسوف و خسوف و استسقاء صحیح نمی‌شود، و أقل واجب در حمد الحمد لله است و بهتر است زیادکردن ثناء. و تفصیل این مسائل در کتب فقه است، و در کتاب «لب اللباب» تألیف بنده به تفصیل یاد شده است.

(فصل) مستحب است که هر دعا به حمد خدا پایان داده شود، چنان که خدای عز و جل فرمود: ﴿وَعَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ «و پایان دعای شان ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ است». و دلیل آغاز دعا به حمد خدای عز و جل از حدیث در کتاب الصلاة می آید این شاء الله تعالی. و در حدیث صحیح می آید به این معنی: خدا از بنده راضی می شود که اگر خوراک خورد حمد خدا گوید و اگر آب آشامید حمد خدا گوید. و موقعی که آغاز و پایان هر کار حمد خدای متعال بود، حمد خدا قبول می شود و میان دو حمد نیز این شاء الله قبول می شود.

الحاصل، هر کلام از خطبه و غیر آن باید سرآغاز آن بسم الله و حمد الله و الصلاة و السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پایان آن نیز بسم الله و الحمد لله و صلاة و سلام بر رسول و آل و اصحابش باشد.

(فصل) مستحب است حمد خدا موقع حصول هر نعمتی و موقع دفع شدن هر نعمت و بلائی، خواه حصول نعمت و دفع بلا برای او یا دوستش یا برای مسلمین باشد. در صحیح مسلم از ابو هریره رضی الله عنه روایت داریم که در شب اسراء و معراج دو کاسه برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آورده شد: یکی خمر داشت، یکی شیر. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کاسه‌ی شیر را اختیار نمود، جبرئیل فرمود: ستایش خدای را که تو را هدایت به فطرت فرمود، اگر کاسه‌ی خمر گرفته بودی امت گمراه می شد.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: إِذَا مَاتَ وَلَدَ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ لِلْمَلَائِكَةِ: أَقْبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَقْبَضْتُمْ ثَمْرَةَ قَلْبِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَاذَا قَالَ؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدَكَ وَاسْتَرْجَع، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ». «قال الترمذي: حديث حسن. والأحاديث في فضل الحمد كثيرة مشهورة وقد سبق في أول الكتاب جملة من الأحاديث الصحيحة في فضل سبحان الله والحمد لله ونحو ذلك». تفسیر حدیث: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «وقتی که فرزند بنده‌ای درگذشت، خدای متعال به ملائکه اش می فرماید: جان فرزند بنده ام را گرفتید؟ ملائکه می گویند: آری، جان فرزند بنده ات را گرفتیم. می فرماید: جان جگرگوشه‌اش را ستانیدید؟ ملائکه می گویند: بله، جان جگرگوشه‌ی بنده ات را گرفتیم. پروردگار می فرماید: بنده ام چه گفت؟ ملائکه می گویند: حمد

و ستایش تو گفت و گفت: «إنا لله وإنا إليه راجعون». پروردگار می‌فرماید: خانه‌ای برای بندهام در بهشت بسازید و آن را بیت الحمد بنامید. و در اول کتاب جمله‌ای از احادیث صحیح در فضل گفتن: سبحان الله والحمد لله و مانند آن آورده شد».

(فصل) متأخیرین از علمای خراسانی ما فرموده‌اند: اگر کسی قسم بخورد که خدا را ستایش می‌کند به باشکوه‌ترین ستایش، طریقه‌ی به جا آوردن قسمش این است که بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُؤَافِي نِعْمَهُ وَيُكَافِي مَزِيدَهُ» همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست، ستایشی که نعمت‌های خدا را ملاقات نماید و حمد آن نعمت‌ها با آن ستایش حاصل شود، و ستایشی که شکر آنچه را که زیاد فرمود از نعمت‌ها و از احسان‌های بی‌شمار او بگزارد. بنابراین، معنی «يُؤَافِي نِعْمَهُ: يُلَاقِي نِعْمَهُ فَتَحْصُلُ مَعَهُ. و معنی يُكَافِي مَزِيدَهُ: يَقُومُ بِشُكْرِ مَا زَادَهُ مِنَ النِّعَمِ».

همین علما گفتند که اگر کسی قسم خورد: «لَيْسَ بِنِعْمَةٍ عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ» که بهترین ثنا و ستایش خدای تعالی را انجام دهد، راه بیرون آمدنش از قسمش این است که بگوید: «لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ. زَادَ بَعْضُهُمْ فِي آخِرِهِ: فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى» من نمی‌توانم ثنا و ستایش تو را آن چنان که شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم، ثنای تو آنچنان است که خودت ثنای خود را گفתי و برای تو ستایش است تا تو راضی شوی.

و ابوسعید متولی صورت مسأله برای کسی که قسم یاد کرد که خدا را به بهترین ثنا بستاید کلمه‌ی «سُبْحَانَكَ» را در اول ثنا اضافه کرد، به این صورت که بگوید: «سُبْحَانَكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى»: من تنزیه و تسبیح تو می‌گویم، نتوانم ثنای تو را آنچنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم، ثنای تو همان است که خودت ثنای خودت فرمودی.

«كتاب الصلاة على رسول الله ﷺ»

کتابی است در بیان صلوات و سلام فرستادن بر رسول الله ﷺ

قال الله تعالى: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ٥٦]. «حقيقت این است که خدا و فرشتگانش درود می فرستند بر پیغمبرش، خاتم النبیین، ای مردمی که ایمان آورده اید! درود بفرستید و سلام بفرستید سلامی که شایسته ی او باشد». و حدیث هایی که در خصوص فضل صلوات بر رسول الله ﷺ است و احادیثی که امر به صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ می کند بیشتر از آن است که به شمار آید، و در این جا اشاره به چند حدیث از آنها می نمایم تا دلالت دهد بر خیر آن و برای برکت یافتن کتاب از صلوات و سلام فرستادن بر خاتم النبیین علیه أفضل الصلاة وأتم التسليم.

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا». «کسی که یک بار بر من درود بفرستد خدا ده بار بر او صلوات فرستد».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضًا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا». «کسی که درود فرستد بر من یک بار خدا درود فرستد بر او ده بار».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَوْلَى النَّاسِ بِِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلَاةً». قال الترمذی: حدیث حسن. «رسول الله ﷺ فرمود: نزدیک ترین مردم در روز قیامت به من کسی است که بیشتر درود فرستد بر من».

ترمذی گفته است و در این باب (فضل صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ) احادیثی است به روایت عبدالرحمن بن عوف و عامر بن ربیع و عمار و ابی طلحة و انس و ابی بن کعب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَهَ بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةَ عَنْ أُوَيْسِ بْنِ أُوَيْسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَكْثَرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ! فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ تَعْرِضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ، قَالَ: يَقُولُ: بَلِيَّتْ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَرَّمَ عَلَيَّ الْأَرْضَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ». «رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: از بهترین روزهای شما روز جمعه است، در روز جمعه بسیار درود و صلوات بر من بفرستید که درود فرستادن تان به من می‌رسد گفتند: یا رسول الله! درود ما به شما می‌رسد در حالی که جسدت پوسیده شده است. فرمود: «خدا بر زمین حرام فرمود که اجسام انبیا را پوسیده سازد». یعنی جسد انبیا نمی‌پوسد و انبیا عليهم السلام در قبرهایشان زنده هستند.

«قُلْتُ: أَرَمْتَ بفتح همزه وراء وسكون ميم وفتح تاء المخففة. قال الخطابي: أَرَمْتَ: أصله أَرَمْتَ»، یکی از دو ميم حذف شده و این لغت بعضی از عرب است، چنان که گفته‌اند: «ظَلْتُ»: «ظَلَلْتُ». و نظایر بسیار دارد. و غیر خطابی گفت: «أَرَمْتَ»: به فتح راء و به تشدید ميم و سکون تاء، یعنی «أَرَمَّتِ الْعِظَامُ»: استخوان‌ها پوسیده شد، و اقوال دیگری در آن هست. والله أعلم.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ فِي آخِرِ كِتَابِ الْحَجِّ فِي بَابِ زِيَارَةِ الْقَبُولِ بِالإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: وَلَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ». «قبر مرا عید مسازید، یعنی این که فقط نزد قبرم صلوات بر من فرستید، و من بر صلوات فرستید، زیرا که صلوات شما به من می‌رسد هر جا که باشید».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ أَيْضاً بِإِسْنَادِ صَحِيحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَيْضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ». «و باز هم در سنن ابی داود روایت داریم به اسناد صحیح از ابی هریره رضي الله عنه که رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هر کسی که سلام بر من فرستد خداوند روحم را برمی‌گرداند تا جواب سلامش را بگویم».

«باب أمر من ذكر عنده التَّيِّبُ وَالطَّيِّبُ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَالتَّسْلِيمِ»

بابی است در بیان این که هرکسی که نام پیغمبر ﷺ نزد او برده شد امر شده به او که صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ بفرستد

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التَّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ». قال الترمذی: حدیث حسن. «رسول الله ﷺ فرمود: به خاک مالیده شد بینی کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلْيُصَلِّ عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً، صَلَّى اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِ عَشْرًا». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که نام من نزد او برده شد درود بر من بفرستد، برای این که هرکسی که یک بار درود بر من بفرستد خدا ده بار درود بر او می فرستد».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَقَدْ شَقِيَ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد در حقیقت بدبخت شده است».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التَّرْمِذِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْبَخِيلُ مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ». قال الترمذی: حدیث حسن صحیح. «رسول الله ﷺ فرمود: «بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و درود بر من نفرستد».

امام ابو عیسی ترمذی نزد این حدیث گفته است که از بعضی از اهل علم روایت می شود که وقتی که شخصی در مجلسی یک بار درود بر رسول الله ﷺ فرستاد تا مادامی که در آن مجلس است همان یک بار درود فرستادنش کافی است. این فرموده‌ی بعضی از اهل علم، احتمال دارد که در یک مجلس یک بار درود فرستادن کافی باشد، و نفرموده است که اگر نام رسول الله ﷺ به تکرار یاد شد بیش از یک بار نمی خواهد، برای این که در احادیث متعدد استحباب درود فرستادن بر رسول الله ﷺ در هر باری است که نام شریف ایشان یاد شود، و احتیاط این است که با هر بار شنیدن نام مبارک ایشان

درود و سلام نثار ایشان شود. والله أعلم.

«باب صفة الصلاة على رسول الله ﷺ»

بابی است در بیان چگونگی درودفرستادن بر رسول الله ﷺ

پیش از این در کتاب «أذكار الصلاة» یاد کردیم که درود به چه لفظی باشد، و اكمل صلوات و اقل صلوات هم آورديم.

موقعی که از رسول الله ﷺ سؤال نمودند و گفتند: یا رسول الله! خدا به ما امر فرمود تا درود بر تو بفرستیم، چگونه درود بر تو فرستیم؟ فرمود:

«قولوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». «بگویند خدایا! درود بفرست بر محمد و بر آل محمد، چنانکه درود فرستادی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم، و برکت بینداز بر محمد و بر آل محمد، چنانکه برکت انداختی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم. در حقیقت بین همه‌ی جهانیان تو ستوده شده و به تعظیم یا شده‌ای. حمد و تعظیم تو بر زبان همه‌ی کاینات جاری است».

وقتی که از خود حضرت رسول الله ﷺ به این لفظ وارد شده است، رعایت ادب با رسول الله ﷺ و تعظیم پیروی از ایشان این است که لفظ آن زیاد و کم نشود. ببینید امام در باره‌ی کلمه‌ی «وَارْحَمَ مُحَمَّدًا». چه می‌فرماید:

امام نووی می‌فرماید: اما آنچه بعضی از علمای مذهب ما و ابن ابی زید مالکی گفته‌اند که زیادشدن کلمه‌ی «وَارْحَمَ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ» مستحب است، این بدعتی است که هیچ پایه‌ای ندارد، و امام ابوبکر ابن العربی مبالغه فرموده است در شرح ترمذی بر انکار زیادکردن آن کلمه «وَارْحَمَ مُحَمَّدًا» و فرموده است کسی که این زیاده را بیاورد نادان است، فرمود برای این که خود رسول الله ﷺ به ما آموخته است که درود برایشان به چه لفظی بگوییم. بنابر این، زیاد کردن در آن، نسبت قصور دادن به مقام رسالت است، و استدلال بر این که جناب رسول الله ﷺ در تعلیم ما کوتاهی

کرده است، با این حال هیچ شکی نیست که محافظت بر لفظ وارد از حضرت ختمی مرتبت عین صواب است و عدول از آن یا زیاد و کم کردن در آن به هیچ وجه مقرون به صواب نیست، اما با این حال بعضی از حفاظ خود رساله‌ای در انتخاب صلوات بر سید المرسلین دارند، و باید دانست که ایشان در تشهد نماز هیچ وقت بر لفظ وارد چیزی نمی‌افزایند و در آن تغییری نمی‌دهند، و گویا فکر کرده‌اند که در غیر نماز می‌شود الفاظی را انتخاب نمود، اما طریقه‌ی ما همان است که عرض کردیم که اکمل صلوات و احب صلوات همان است که در تشهد نماز گفته می‌شود. واللہ أعلم.

(فصل) وقتی کسی درود بر رسول الله ﷺ می‌فرستد باید جمع نماید میان صلاة و سلام و اکتفا نکند بر صلاة تنها، مثل «صلی الله علی محمد» و نه هم بر سلام تنها، مثل علیه السلام، بلکه صلاة و سلام هر دو بیاورد، مثل: رسول الله ﷺ.

(فصل) مستحب است برای کسی که حدیث می‌خواند یا غیر حدیث از آنچه در معنی حدیث است، آن که هرگاه نام رسول الله ﷺ برده شد به آواز بلند صلوات و سلام برایشان بفرستد، اما در بلندکردن آواز به صلاة و سلام حد اعتدال را نگه دارد. از جمله علمایی که تصریح کرده‌اند بر بلندکردن آواز به صلوات و سلام: امام ابوبکر خطیب بغدادی و علمای دیگر است. امام نووی می‌فرماید: من این مطلب را به علوم حدیث نقل کرده‌ام. و علمای مذهب ما صریحاً فرموده‌اند که بعد از لبیک گفتن در حج و عمره آواز را برای فرستادن صلوات و سلام نیز بلند کنند، چنانکه لبیک گفتن را نیز به آواز بلند می‌گویند: واللہ أعلم.

«باب استفتاح الدعاء بالحمد لله والصلاة على النبي ﷺ»

بابی است در بیان این که آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای

متعال و درود بر پیامبر ﷺ بگشاید

«رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ: عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا يَدْعُو فِي صَلَاتِهِ، لَمْ يُمَجِّدِ اللَّهَ تَعَالَى، وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ،

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَجَلَ هَذَا! ثُمَّ دَعَا، فَقَالَ لَهُ أَوْ لِعَبْرَةٍ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَمْجِيدِ رَبِّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَالْثَنَاءِ عَلَيْهِ، ثُمَّ لِيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، ثُمَّ لِيَدْعُ بَعْدُ بِمَا شَاءَ». قال الترمذی: حدیث حسن صحیح. «رسول الله ﷺ دعای مردی را شنید که در دعا نه ثنا و ستایش پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد، و نه درود و سلام بر رسول الله ﷺ فرستاد. فرمود: این مرد شتاب کرد آنگاه او را به سوی خود خواند و به او و یا به دیگری فرمود: هرگاه یکی از شما خواست دعا بکند اول تعظیم و ثنای پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد و سپس درود و سلام بر پیغمبر بفرستد و سپس دعا کند به آنچه می خواهد خدا به او بدهد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التَّرْمِذِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إِنْ الدَّعَاءَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى نَبِيِّكَ ﷺ». «عمر بن الخطاب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: دعا موقوف است میان آسمان و زمین، چیزی از آن به آسمان صعود نمی کند تا این که درود و سلام بر پیغمبر ﷺ بفرستد».

امام نووی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: اجماع علما بر مستحب بودن شروع دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است، و همچنان ختم دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است، و احادیث و آثار در این باب بسیار و معروف است. والله أعلم.

و معلوم است که هر جا صلواتی بر رسول الله ﷺ وارد شده است صلوات بر آل اطهار نیز با آن آمده است.

«باب الصلاة على الأنبياء وآلهم تبعاً لهم ﷺ»

بابی است در بیان درود فرستادن بر پیغمبران و بر آل شان به تبعیت

از ایشان درود و سلام خدا برایشان باد

اجماع علما بر درود فرستادن بر پیغمبر ما محمد ﷺ است، و همچنین کسانی که اعتنا به سخن شان می شود اجماع نموده اند بر درست بودن و مستحب بودن صلوات بر

همه‌ی پیغمبران و بر ملائکه به طور جداگانه و بدون تبعیت از دیگری و اما غیر انبیا جمهور علما برآنند که صلوات به طور جداگانه بر آنان فرستاده نمی‌شود و گفته نمی‌شود: ابوبکر رضی الله عنه و در منع صلوات به طور جداگانه بر غیر انبیا اختلاف است که آیا حرام است یا مکروه است؟ بعضی از علمای ما گفته‌اند صلوات بر غیر انبیا حرام است، و بیشتر علما برآنند که صلوات بر غیر انبیا مکروه است، کراهت تنزیهی، برای این که صلوات بر غیر انبیا شعار اهل بدعت است و ما منع شده ایم از پیروی از شعار اهل بدعت. و مکروه عبارت از هرکاری است که منعی مقصود در آن آمده باشد، مثل مکروه بودن شستن هر عضوی از اعضای وضو بیش از سه بار. و مکروه هم بر دو قسم است: مکروه تنزیهی، مثل صلوات بر غیر انبیا و دست تکان دادن در وضو تا آب وضو از اعضا بریزد، و مکروه تحریمی که ممکن است به حرام بکشد، مثل خوردن از مال کسی که ما حرام و حلال او به قدر هم است تا به آنجا نکشد که از خوردن مال کسی که همه‌ی مالش حرام است پروا نکند. و مثل نظرکردن به بالای زانوی مرد بیگانه تا به آنجا نکشد که از نظر به جلو و پشت او پروا نکند. و حرام وقتی است که ضرر به دین برساند، مثل کلمه‌ی کفر یا ضرر به شرف برساند، مثل دشنام به زن و یا ضرر به عقل برساند، مثل شرب خمر یا ضرر به نسل برساند، مثل زنا و یا ضرر به مال برساند، مثل دزدی یا ضرر به نفس برساند، مثل قتل.

الحاصل: علمای ما گفته‌اند که صلوات در زبان سلف مخصوص شده است به انبیا صلوات الله وسلامه علیهم، چنان که کلمه‌ی عَلَيْهِ اختصاص به خدای سبحانه و تعالی دارد، پس همانگونه که گفته نمی‌شود: محمد رضی الله عنه، اگرچه محمد عزیز و جلیل و باشکوه است. همانگونه هم گفته نمی‌شود: ابوبکر یا علی اگرچه معنایش صحیح است. و علما اتفاق دارند که صلوات بر غیر از انبیا جایز است به تبعیت انبیا، چنان که «اللهم صل علی محمد وآله وصحبه وأزواجه وذریته وأتباعه» جایز است، به دلیل حدیث‌های صحیحی که در این خصوص آمده است. و در تشهد نماز به آن مأمور شده ایم و سلف صالح در خارج از نماز هم صلوات بر آل و اصحاب و ازواج و ذریه و اتباع جایز دانسته‌اند. و اما معنای سلام، شیخ ابومحمد جوینی از علمای مذهب ما فرموده است که سلام در معنی صلوات است و برای غایب استعمال نمی‌شود و برای غیر انبیا گفته نمی‌شود و برای ابوبکر مثلاً گفته نمی‌شود: السَّلَامُ و در این مسأله اموات و احیا فرق

نمی‌کند، اما بر شخص حاضر گفته می‌شود: سلام علیک یا سلام علیکم یا السلام علیک یا السلام علیکم و این موضوعی است که اجماع علما بر آن است و در ابوابی که تعلق به این موضوع دارد آورده می‌شود، إن شاء الله تعالی.

(فصل) مستحب است تَرْضَى و تَرْحُم بر صحابه و تابعین و کسانی که بعد از ایشان آمده‌اند از علما و دانشمندان و عباد و دیگر بزرگان که گفته می‌شود ﷺ یا ﷺ و مانند این. و اما قولی که بعضی از علما برآنند که ﷺ اختصاص به صحابه دارد و برای غیر از آنان فقط گفته می‌شود ﷺ، آنچنان نیست که گفته‌اند و با ایشان موافقت نمی‌شود، و ﷺ و ﷺ برای غیر صحابه نیز گفته می‌شود. اگر شخص خودش و پدرش هردو صحابی باشند مثل ابن عباس، ابن جعفر، ابن الزبیر، و اسامه بن زید و مانند آنان گفته می‌شود ﷺ تا رضایت خدا شامل خودش و پدرش هردو بشود.

(فصل) و اگر گفته بشود که هر وقتی که ذکر لقمان یا مریم شد، آیا باید صلوات برایشان فرستاد، مثل انبیا یا بر آنان تَرْضَى شود، مثل صحابه و اولیا یا این که گفته شود علیهما السلام؟ جواب این سوال این است که جماهیر علما برآنند که این دو پیغمبر نبوده‌اند، و کسی که گفته است پیغمبر بوده‌اند شاذ است و التفاتی به گفته‌ی او نمی‌شود و به گفتارش اهمیتی داده نمی‌شود. نووی می‌فرماید که این مطلب را در کتاب «تهذیب الأسماء واللغات» آورده ام. بعضی از علما در باره‌ی لقمان و مریم سخنی گفته‌اند که از آن دانسته می‌شود که گفته می‌شود: لقمان صلی الله علی الأنبیاء وعلیه وسلم و یا مریم صلی الله علی الأنبیاء وعلیها وسلم. برای این که مقام‌شان از مقام انبیاء کمتر است، و از مقام کسانی که در باره‌شان گفته می‌شود ﷺ بالاتر است، به سبب این که در قرآن دلیل بالابردن مقام‌شان وجود دارد. نووی می‌فرماید: آنچه من به آن عقیده دارم این است که باکی ندارد که گفتن ﷺ در باره‌ی لقمان و مریم ارجح است، برای این که کلمه‌ی ﷺ برای کسی است که پیغمبر نباشد و پیغمبر بودن لقمان و مریم به ثبوت نرسیده است. امام الحرمین نقل فرموده است که اجماع علما بر این است که مریم پیغمبر نیست و این را در کتاب ارشاد نوشته است، اگر وقتی برای لقمان یا مریم ﷺ یا علیها السلام گفته شود باکی ندارد. والله أعلم.

«كتاب الأذكار والدعوات للأموار العارضات»

کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی

بدان که هرچه در باب‌های قبلی گفتیم در هر روز و شبی تکرار می‌شود بنابراین آنچه یاد شد، و آنچه در این جا یاد می‌کنیم اذکار و دعواتی است که در اوقات به سبب‌های عارضی گفته می‌شوند، و روی این اصل در بین آنها ترتیب نمی‌خواهد.

«باب دعاء الإستخارة»

بابی است در بیان دعای استخاره

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يُعَلِّمُنَا الْإِسْتِخَارَةَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا كَالسُّورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ يَقُولُ: إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لِيَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي - قَالَ - وَيُسَمَّى حَاجَتَهُ». «رسول الله صلى الله عليه وسلم استخاره و طلب خیراندیشی را به ما آموخت، آنچنانکه سوره‌ی قرآن را به ما آموخت، (برای این که دین مبین اسلام از این امت می‌خواهد که در همه‌ی امور خود روی دل را خود متوجه درگاه خدا سازند و همه کارهای خود را به مدد او رو به راه نماییم) رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرمود: «هرگاه یکی از شما قصد کاری نمود دو رکعت نماز بخواند، غیر از نماز فرض، خواه دو رکعت به نیت نماز سنت استخاره یا هر سنتی دیگر، مثل سنت وضو، تحیت مسجد، نماز ضحی، قبله یا بعدیه‌ی فرض باشد، دو رکعت نماز بخواند

آنگاه بگوید: خدایا طلب خیریت می‌نمایم از تو به علمت (که تو همه چیز می‌دانی و خیریت حالم را در این کاری که قصد آن نموده‌ام و نام کار خود را ببرد) و طلب توانایی می‌نمایم بر آن به مدد و قدرت و توانایی‌ات و از فضل عظیم تو می‌خواهم توفیق بر خیر در حاجاتم، برای این که تو می‌توانی و من نمی‌توانم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانایی به پنهانی‌ها. خدایا اگر تو می‌دانی که این کار - که قصد آن را دارم - بهتر است و خیریت کارم در آن است و خیر دین و زندگی و عاقبت و حال و آینده‌ی کارم در آن است، پس آن را برایم مقدر کن و برکت بینداز در آن، و اگر می‌دانی که این کار قصد آن را دارم شر است برایم در دینم و زندگیم و عاقبت کارم در حال حاضر و آینده‌ام پس آن را میسر مفرما و مرا از آن روگردان بساز تا دنبال کاری نروم که خیریت حالم در آن نیست. و آنجا که خیر حالم در آن است برایم مقدر فرما و مرا به آن خشنود گردان». و صلی الله وسلم علی سیدنا محمد وآله وصحبه و التابعین و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

علما فرموده‌اند مستحب است طلب خیراندیشی در کار خود به نماز دو رکعت و دعایی که یاد شد، و این دو رکعت نماز سنت است، و ظاهر این است که این دو رکعت حاصل می‌شود به دو رکعت قبلیه و بعدیه‌ی فرض و به تحیت مسجد و غیر از آنها از نمازهای سنت نوافل، و دو رکعت اولی سوره‌ی فاتحه و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ می‌خواند، و در رکعت دوم فاتحه و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ می‌خواند، اگر نماز برایش میسر نبود استخاره به همین دعا نماید، و مستحب است افتتاح آن دعا به حمد و ستایش خدا و صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ. پس از آن باید دانست که استخاره مستحب است در همه‌ی کارها، چنان که نص حدیث بر آن دلالت داد، و موقعی که استخاره نمود بعد از استخاره هرکاری که دلش با آن شاد شد انجام دهد. والله أعلم.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا أَرَادَ الْأَمْرَ قَالَ: اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَاخْتِرْ لِي». «رسول الله ﷺ هرگاه قصد کاری می‌نمودند می‌فرمود: خدایا خیریت حالم و آنچه در آن خیریت احوال من است برایم میسر فرما».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَنَسُ، إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَاسْتَخِرْ رَبَّكَ فِيهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ أَنْظِرْ إِلَى الَّذِي سَبَقَ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنَّ الْخَيْرَ فِيهِ». «إِسْنَادُهُ غَرِيبٌ، فِيهِ مِنْ لَا أَعْرِفُهُمْ».

«رسول الله ﷺ به انس فرمود: ای انس وقتی که قصد کاری نمودی هفت بار از پروردگارت خیر آن را بخواه، سپس بین کدام چیز در دلت سبقت می‌گیرد، انجام دادن یا ندادن. هرچه دلت گواهی بر خیریت آن داد آن کار را انجام بده». نووی گفته است: حدیث ضعیف است، در روایت‌کنندگان حدیث، کسانی هستند که آنان را نمی‌شناسم. والله أعلم.

«أبواب الأذكار التي تُقال في أوقات الشدة وعلى العاهات»

باب‌های در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته

می‌شود

«باب دعاء الكرب والدعاء عند الأمور المهمة»

بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْكَرْبِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ! وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ قَالَ ذَلِكَ». «رسول الله ﷺ هر موقع که اندوهی به او دست می‌داد یا کار مهمی پیش می‌آمد یا سختی و شدتی به او رو می‌کرد می‌فرمود: «نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بسیار بردبار است، نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب آسمان‌ها و زمین و صاحب عرض عظیم است». و در روایت از مسلم آمده است که پیامبر ﷺ هرگاه دچار امر دشواری می‌شد آن دعا را می‌خواند.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا كَرِبَهُ أَمْرٌ قَالَ: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ». قال الحاكم: هذا حديث صحيح الإسناد. «رسول الله ﷺ هرگاه سختی و اندوهی برایش پیش می‌آمد می‌فرمود: «ای همیشه زنده، ای کسی که

کاینات را تدبیر می‌کنی، به رحمت فریادرسی می‌نمایم». یعنی تا رحمت مرا دریابد و از مشکلاتم برهاند».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا هَمَّهُ الْأَمْرُ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ! وَإِذَا اجْتَهَدَ فِي الدَّعَاءِ قَالَ: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ». «رسول الله صلى الله عليه وآله عادت داشت که هرگاه چیزی او را اندوهگین می‌کرد سر را به سوی آسمان بالا می‌برد و می‌فرمود: منزه و پاک است الله بسیار بزرگوار. و هرگاه کوشش در دعا می‌کرد می‌فرمود: ای همیشه زنده، ای تدبیرکننده‌ی کاینات».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمَ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ كَانَ أَكْثَرُ دَعَاءِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ! زاد مسلم في روايته وكان أنس إذا أراد أن يدعو بدعوة دعا بها فإذا أراد أن يدعو بدعاء دعا بها فيه». «بیشترین دعای رسول الله صلى الله عليه وآله این بود: «خدایا بده ما را در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه دار ما را از عذاب دوزخ»، همین دعا با این اختصار جامع خیرات دنیا و آخرت است، کسی که در دنیا خوشی داده شد و در آخرت خوشی داده شد و از عذاب دوزخ نگه داشته شد، همه‌ی خیرات دنیا و آخرت را به دست آورده است. و انس رضي الله عنه خدمتکار رسول الله صلى الله عليه وآله بود هر وقت می‌خواست دعا بکند همین دعا را می‌کرد، و اگر می‌خواست دعای بیشتری بنماید این دعا را در آن قرار می‌داد که از این دعا هیچکس بی‌نیاز نخواهد شد».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ النَّسَائِي وَكِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ: لَقَّنَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله هَوْلَاءِ الْكَلِمَاتِ وَأَمَرَنِي إِنْ نَزَلَ بِي كَرْبٌ أَوْ شِدَّةٌ أَنْ أَقُولَهَا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ سُبْحَانَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وكان عبد الله بن جعفر يُلقِّنُهَا وَيَنْفُثُ بِهَا عَلَى الْمَوْعُوكِ وَالْمُعْتَرِبَةِ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي تَزَوَّجَ إِلَيَّ غَيْرِ أَقَارِبِهَا». «علی رضي الله عنه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله به من این کلمات را آموخت و به من دستور داد اگر در اندوه یا سختی قرار گرفتیم این کلمات را بگوییم: نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بردبار است، منزه است خدای یکتایی که پر شد برکت او، پروردگار همه، صاحب عرش عظیم، همه‌ی ستایش‌ها برای الله پروردگار جهانیان است. عبدالله بن جعفر این دعا را آموخت و می‌خواند بر کسی که تب داشت و تعلیم می‌داد به هر زنی که با خانواده‌ی غریب از دواج کرده بود».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: دَعَوَاتُ الْمَكْرُوبِ اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». «رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: دعای کسی که به سختی افتاده است این است که بگوید: خدایا امیدوار رحمت هستم، مرا به خودم واگذار مفرما یک چشم به هم زدن، و کارهایم همه برایم شایسته بفرما، نیست معبودی به حق مگر تو». یعنی امیدوار رحمت هستم، مرا به خودت واگذار و کارهایم را رو به صلاح قرار ده، برای این که نیست معبودی به حق مگر تو. و همچنین نیست فریادرسی که مرا از غم و اندوه و سختی نجات ده، خودت مرا مورد رحمت قرار ده و کارهایم را رو به راه کن.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهَ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ رضي الله عنها قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَلَا أَعَلَّمُكَ كَلِمَاتٍ تَقُولِينَهِنَّ عِنْدَ الْكَرْبِ أَوْ فِي الْكَرْبِ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا». «رسول الله صلى الله عليه وآله به اسماء بنت عمیس رضي الله عنها فرمود: آیا نیاموزم تو را چند کلمه که نزد سختی یا وقتی که در سختی واق شدی آن کلمات را بگویی و از سختی رهایی یابی؟ آن کلمات از این قرار است: الله الله، پروردگار من است، هیچ چیز را شریک او نمی‌سازم». یعنی این که انسان در سختی است و راه چاره‌ای نیست مگر رو آوردن به خدای متعال. می‌گوید: همه چیز من الله است، الله پروردگار من است، پروردگارم خودم را می‌شناسم و هیچ شریکی برای او نمی‌سازم، او کارگشای کارهای گره شده‌ی من است، خدایی که پرورده‌ی نعمت او هستم، مرا تنها نمی‌گذارد و رفع سختی از من می‌نماید.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَخَوَاتِيمَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ عِنْدَ الْكَرْبِ أَغَاثَهُ اللَّهُ صلى الله عليه وآله». «رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «کسی که موقع افتادن در سختی آیه‌ی الکرسی و سه آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره را بخواند، خداوند عزوجل به فریادش می‌رسد و او را از سختی نجات می‌دهد». آیه‌ی الکرسی، آیه‌ی ۲۵۵ سوره‌ی بقره است، و خواتیم سوره‌ی بقره: آیات ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ است.

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: إِنِّي لِأَعْلَمُ كَلِمَةً لَا يَقُولُهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا فُرِّجَ عَنْهُ: كَلِمَةُ أَخِي يُونُسَ رضي الله عنه: ﴿فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷]. «سعد بن ابی وقاص رضي الله عنه گفت

از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: من یک کلمه ای می دانم که هرکسی که در رنج و سختی افتاده است آن را بگوید فرج در کارش می آید و از سختی نجات می یابد. آن کلمه: دعای برادرم یونس علیہ السلام است که وقتی در تاریکی شب و تاریکی قعر دریا و تاریکی شکم قرار گرفته بود رو به خدا کرد و در آن تاریکی ها ندا برآورد: نیست معبودی به حق مگر تو، ای چاره ساز خلاق، تسبیح و تنزیه تو را می گویم، من از ستمگران به خود بودم که فرمان تو را خلاف نمودم و اکنون به این روز افتاده ام و راهی ندارم مگر استغاثه و چاره جویی، به فریادم برس و مرا از این مهلکه نجات بخش». در آیه ی ۸۸ سوره ی انبیاء آمده است:

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخَيِّجُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۸].

«دعایش را به اجابت رسانیدیم و او را از غم نجات دادیم، و این چنین مؤمنان را نجات می دهیم».

وراهه الترمذی: «عن سعد قال: قال رسول الله ﷺ: دَعْوَةُ ذِي التُّونِ إِذْ دَعَا وَهُوَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَإِنَّهُ لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ». «رسول الله ﷺ فرمود: «دعای یونس علیہ السلام موقعی که دعا کرد و او در شکم ماهی بزرگ بود، عبارت بود از: نیست معبودی به حق مگر تو، تسبیح و تنزیه تو را می گویم که هیچ عیب و نقصی در درگاه تو نیست، اعتراف می کنم که از ستمگران به خودم بودم که بدون اجازه ی تو از شهر بیرون آمدم، و اکنون خود را در تاریکی ها قرار دادم و فریادرسی ندارم به جز تو. خدا دعایش را به اجابت رسانید و او را نجات داد. رسول الله ﷺ فرمود: هر بنده ی مسلمانی که در چیزی از مصائب و مشکلات قرار گرفته باشد و این دعا را بخواند خدا دعایش را به اجابت می رساند».

«باب ما يقوله إذا راعه شيء أو فزع»

بابی است در بیان آنچه می گوید کسی که چیزی او را ترسانیده

باشد یا دچار ناراحتی شده باشد

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا رَاعَهُ شَيْءٌ قَالَ:

هُوَ اللَّهُ، اللَّهُ رَبِّي لَا شَرِيكَ لَهُ». «رسول الله ﷺ هرگاه دچار ترس از چیزی یا دچار ناراحتی می‌شد می‌فرمود: اوست خدای یکتا، خدای یکتا پروردگار من است، نیست شریکی برای او».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفَرْعِ كَلِمَاتٍ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُحْضَرُونَ! وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو يُعَلِّمُهُنَّ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهُ فَأَعْلَقَهُ عَلَيْهِ». قال الترمذی: حدیث حسن.

«عمرو بن شعیب از پدرش شعیب روایت می‌کند که پدرش شعیب از جد عمرو، یعنی عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ به ایشان آموخت کلماتی که با خواندن آن کلمات خود را از ترس و فزع و ناراحتی حفظ کند، آن کلمات از این قرار است: «پناه می‌برم به کلمات الله التامه از خشم او تعالی و از شر بندگان و از شر وسوسه‌ی شیطان‌ها و از این نزد او حاضر شوند برای وسوسه و آسیب‌رسانی». عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه هرکدام از فرزندانش که فهم می‌کرد آن کلمات را به او تعلیم می‌داد و هر یک از فرزندانش که خردسال بود و فهم نمی‌کرد آن کلمات را می‌نوشت و بر او می‌آویخت». و این می‌رساند که تعویذ وقتی که از آیه‌های قرآن یا از حدیث رسول الله ﷺ باشد برای کودکان مانعی ندارد.

«باب ما یقولہ إذا أصابه همٌّ أو حزنٌ»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن

واندوهی رسید

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ حَزَنٌ فَلْيَدْعُ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ يَقُولُ: أَنَا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ فِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسِكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي

عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ نُورَ صَدْرِي وَرَبِيعَ قَلْبِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي . فقال رجل من القوم: يا رسول الله إن المغبونَ لمن عُيِّنَ هؤلاء الكلمات فقال: أَجَلٌ فَقُولُوهُنَّ وَعَلِّمُوهُنَّ فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهُنَّ التَّمَّاسَ مَا فِيهِنَّ أَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَى حُزْنَهُ وَأَطَالَ فَرَحَهُ». «رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که به او رسیداندوه یا دلخوری به این چند کلمه دعا نماید و بگوید: خدایا من بنده‌ی تو هستم، پسر بنده تو هستم، پسر کنیز تو هستم، در قبضه‌ی تو هستم، یعنی در اختیار تو هستم و نمی‌توانم از فرمان تو بیرون روم، پیشانی من در دست توست، فرمان تو بر من نافذ است، حکم تو در باره‌ی من عدل است، از تو می‌خواهم به برکت هر اسمی که برای توست که خود را به آن نامیدی یا در کتاب خود آن نام را آوردی یا به کسی از مخلوقات خود آموختی یا این که آن را به خود اختصاص دادی و در علم غیب نزد خودت می‌باشد. به همه‌ی این‌ها متوسلیم که قرآن را نور سینه‌ام قرار دهی و بهار دلم نمایی و رفتن‌اندوهم به آن مقرر فرمایی و رفتن هم و غمم به آن فراهم فرمایی». مردی از بین جماعت گفت: مغبون و فریفته شده کسی است که از این دعا محروم شود. رسول الله ﷺ فرمود: بله، کسی که از آن محروم شود مغبون و فریفته شده است. بنابراین، این دعا را بخوانید و بگویید و آن را به بستگان خود بیاموزید که هرکسی که این دعا را بگوید و بخواد آنچه از خیر و برکت در آن است، خدای متعال آنده او را از بین ببرد و شادمانیش را طولانی بگرداند».

«باب ما یقوله إذا وقع فی هلكة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد

«وَرَوَيْتَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، أَلَا أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ قُلْتَهَا؟ قُلْتُ: بَلَى جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ: إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَصْرِفُ بِهَا مَا شَاءَ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ! . قُلْتُ: الْوَرْطَةُ هِيَ الْهَلَاكُ». «علی ﷺ فرمود که رسول الله ﷺ فرمود: «ای علی کلماتی به تو بیاموزم که هر وقت در هلاکت و مخاطره واقع شدی آن را بگویی تا از آن ورطه و هلاکت نجات یابی؟ گفتم: بله یا رسول الله! خدا مرا فدای تو گرداند! فرمود: هر وقت در هلاکت و امر پرخطری واقع شدی بگو: به نام خدای یکتای

بخشایشگر بسیار مهربان و نیست چاره‌ای برای دوری از هلاکت و نه نیرویی برای پایداری بر سلامت، مگر به کمک خدای بسیار بلند مرتبه‌ی بسیار بزرگوار که خدای متعال به این کلمات آنچه بخواهد از انواع بلا رفع می‌فرماید». نووی فرمود: وَرَطَّةٌ به معنی هلاکت است».

«باب ما یقول إذا خاف قوماً»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از گروهی بترسد

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وسلم كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّا مَجْعَلُكَ فِي مُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وقتی که از مردمی می‌ترسید [که فتنه‌ای به پا کنند یا آسیبی به مسلمانان برسانند] می‌فرمود: خدایا ما نیروی تو را سپر دفاع از شر آنان قرار می‌دهیم و پناه می‌بریم و به تو از شر آنان». وقتی که مؤمن به قدرت خدا متوسل شد آن را در نحر و بالای سینه‌ی مردمی شرور قرار داد و پناه به عظمت مالک الملک برد، چه ترسی برایش باقی می‌ماند. خدا همه ترس‌ها را دور می‌سازد و بلای آن دشمنان را به خودشان برمی‌گرداند. مؤمن به این تعلیم و پناهندگی به عظمت خدا هر بلایی از او رفع می‌شود، خصوصاً که از به کار بردن اسباب دفع شر دشمنان غافل نماند.

«باب ما یقول إذا خاف سلطاناً»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از سلطان یا حاکم بترسد

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ ابْنِ عَمْرِو رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم: إِذَا خِفْتَ سُلْطَانًا أَوْ غَيْرَهُ فَقُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ!. وَيَسْتَحِبُّ أَنْ يَقُولَ مَا قَدَّمْنَاهُ فِي الْبَابِ السَّابِقِ مِنْ حَدِيثِ أَبِي مُوسَى». «ابن عمر رضي الله عنه می‌گوید که رسول

الله ﷻ فرمود: «هر وقت ترسیدی از سلطان یا از غیر او بگو: نیست معبودی به حق مگر الله بسیار بردبار بسیار بزرگوار. تسبیح خدا می‌گویم پاک و منزّه است الله که پروردگار آسمان‌های هفتگانه و صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر تو. عزت یافت کسی که پناه به تو آورد و با شکوه شد ثناء و تمجید تو». و مستحب است آنچه در باب قبلی از حدیث ابوموسی آوردیم نیز بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ».

«باب ما يقول إذا نظر إلى عدوه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که نظر به دشمن نمود

انس رضی الله عنه می‌گوید: در جهادی همراه رسول الله ﷺ بودیم موقعی که به دشمن رسید و نبرد شروع شد فرمود: «يَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». «ای مالک و دارنده‌ی روز جزا تو را بندگی می‌کنم و از تو کمک می‌خواهم»، دیدم که دشمنان به زمین می‌افتند و فرشتگان آنان را از جلو و پشت سر می‌کوبیدند. و مستحب است آنچه در حدیث ابی موسی آمده است نیز بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». رسول الله ﷺ صف مجاهدین را منظم می‌کرد و مجاهدین را به جهاد تشویق می‌کرد، وقتی که تمام احتیاط‌های جنگی را به کار می‌گرفت آن وقت دست به دعا برمی‌داشت و از خدای خود مدد می‌طلبید، این است که همیشه پیروز می‌شد.

«باب ما يقول إذا عرض له شيطان أو خافه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که شیطان متعرض او شد

یا از شیطان ترسید

قال الله تعالى: ﴿وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأعراف: ٢٠٠]. خدای متعال فرمود به پیغمبرش: «اگر به تو رسید از شیطان وسوسه‌ای، پناه ببر به خدا یقیناً خداست که او شنوای داناست». و وسوسه‌ی شیطان را از تو دور خواهد نمود که دوی رفع وسوسه‌ی شیطان پناه‌بردن به خدا قرار داد، همانگونه که آغاز قراءت قرآن مستحب است گفتن: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»: پناه می‌برم به تو از شر شیطان رانده شده از درگاه خدا.

وقال تعالى: ﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَرَبِّكَ وَبَيْنَ الْأَيْمَنِ لَا يَأْتِي الشَّيْطَانَ بِأَلْحَاظٍ وَمَنْ يُصَلِّ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَرَبِّكَ﴾ [الإسراء: ٤٥]. و خدای متعال فرمود به پیغمبرش: «و موقعی که قرآن می‌خوانی قرار دادیم میان تو و کسانی که ایمان به آخرت ندارند، حاجبی که مانع فهم آنان می‌شود». چنان‌که در آیه‌ی بعدی، آیه‌ی ٤٦ سوره‌ی اسراء می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا﴾ [الإسراء: ٤٦].

«و می‌گردانیم بر دل‌هایشان غلاف مانع از فهم قرآن و در گوش‌هایشان سنگینی است».

پس آنان کر و کور دل هستند و محروم از فهم قرآن. بنابراین، باید پناه به خدا ببری و سپس قرآن را بخوانی تا تو را از شر شیطان حفظ فرماید، و هم از شر مشرکان.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي فَسَمِعْنَاهُ يَقُولُ: أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ!. ثُمَّ قَالَ: أَلْعَنَكَ بِلَعْنَةِ اللَّهِ ثَلَاثًا!. وَبَسَطَ يَدَهُ كَأَنَّهُ يَتَنَاوَلُ شَيْئًا فَلَمَّا فَرَّغَ مِنَ الصَّلَاةِ قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْنَاكَ تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ شَيْئًا لَمْ نَسْمَعْكَ تَقُولُهُ قَبْلَ ذَلِكَ وَرَأَيْنَاكَ بَسَطْتَ يَدَكَ. قَالَ: إِنَّ عَدُوَّ اللَّهِ إبليس جَاءَ بِشَهَابٍ مِنْ نَارٍ لِيَجْعَلَهُ فِي وَجْهِ، فَقُلْتُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْكَ. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلْتُ أَلْعَنَكَ بِلَعْنَةِ

اللَّهُ التَّامَّةَ فَلَمْ يَسْتَأْخِرْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ أَرَدْتُ أَنْ أَخْذَهُ وَاللَّهِ لَوْلَا دَعْوَةُ أَخِينَا سُلَيْمَانَ
 لِأَصْبَحَ مُوثِقًا يَلْعَبُ بِهِ وَلِدَانُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ». «ابوالدرداء رضي الله عنه می گوید که رسول الله صلی الله علیه و آله
 به نماز ایستاد و شنیدم که می فرماید: پناه می برم به خدا از تو. پس از آن فرمود: تو را به
 لعنت خدا لعنت می کنم سه بار، پس از آن دست خود را دراز نمود چنان که گویا می خواهد
 چیزی بردارد. موقعی که رسول الله صلی الله علیه و آله از نماز فارغ شد، گفتیم: ای رسول خدا، ما شنیدیم
 در نماز چیزی می فرمایی که قبل از این چنین چیزی در نماز از تو نشنیده بودیم و دیدیم
 دست خود را دراز نمودی. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: دشمن خدا که ابلیس است شعله‌ای آتش
 آورد که در روی من قرار دهد، سه بار گفتم: پناه می برم به خدا از شر تو، سپس گفتم: تو را
 لعنت می کنم به لعنت کامل خدا، اگر نه دعای برادرم سلیمان بود، شیطان می گردید بغل
 بسته و کودکان اهل مدینه او را بازیچه‌ی خود قرار می دادند». وقتی که ابلیس علیه لعنة
 الله این چنین متعرض خاتم الأنبياء صلی الله علیه و آله می شود، ما افراد عادی بسیار از او پرهیزیم
 و همیشه پناه به خدا ببریم از شر او.

امام نووی فرمود: وقتی که شیطان متعرض انسان شد شایسته است که اذان بگوید
 مانند اذان نماز برای این که:

«فقد رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ سُهَيْلِ قَالَ أُرْسِلَنِي أَبِي إِلَى بَنِي حَارِثَةَ وَمَعِيَ غُلَامٌ
 لَنَا أَوْ صَاحِبٌ لَنَا فَنَادَاهُ مُنَادٍ مِنْ حَائِطٍ بِاسْمِهِ وَأَشْرَفَ الَّذِي مَعِيَ عَلَى الْحَائِطِ فَلَمْ يَرَ
 شَيْئًا فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِأَبِي فَقَالَ لَوْ شَعَرْتُ أَنَّكَ تَلْقَى هَذَا لَمْ أُرْسِلْكَ وَلَكِنْ إِذَا سَمِعْتَ
 صَوْتًا فَتَادِ بِالصَّلَاةِ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ
 الشَّيْطَانَ إِذَا نُودِيَ بِالصَّلَاةِ وَوَلَّى أَدْبَرَ». «سهیل بن ابی صالح می گوید: پدرم مرا به سوی
 قبیله‌ی بنی حارثه از انصار مدینه فرستاد و کودکی از ما با من همراه بود یا دوستی از ما همراه
 من بود. از دیوار باغی کسی او را صدا زد و او را به نامش خواند، آن که با من همراه بود از دیوار
 باغ سرکشید، کسی را ندید، وقتی که به خانه برگشتم این واقعه را برای پدرم بازگو کردم. پدرم
 گفت: اگر می دانستم که چنین چیزی برایت پیش می آید نمی فرستادمت. و لیکن هر وقت آوازی
 شنیدی که صاحب آواز معلوم نبود، اذان نماز بگو، زیرا از ابوهریره شنیدم که از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن
 می گفت که ایشان فرمود: «بی گمان شیطان هرگاه اذان نماز بشنود پشت می دهد و می رود».

«باب ما يقول إذا غلبه أمر»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که کاری بر او چیره شد

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ حَرِيصٌ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعِينَ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَ كَذَا وَكَذَا. وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ». «رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: مؤمن نیرومند و قوی بهتر است از مؤمن ناتوان و ضعیف، و در هریک از مؤمن قوی و ضعیف خیری هست. یعنی مؤمن منبع خیر است، منتهی اگر قوی باشد خیر او بیشتر است. حریص باش بر هر چه نفعی به تو می‌رساند. و کمک از خدا بخواه و اظهار عجز نکن. و اگر مکروهی به تو رسید، مگو اگر چنین کرده بودم چنین شده بود و آنچه گذشته است بر نمی‌گردد و بر آنچه از دست رفته اندوه مخور و بگو: خدا نوشته بود و به موجب نوشته و تقدیر او انجام گرفت. آنچه خدا می‌خواهد می‌کند. و مگو: «اگر»، برای این که «اگر» دری برای کار شیطان می‌گشاید». کوشش کن مؤمنی قوی باشی و خیرت به همه برسد. همیشه حریص بر کارهای سودمند باش و برای حصول کار سودمند از خدا کمک بخواه و هیچگاه اظهار عجز و ناتوانی مکن، برای این که شاعر گفت:

همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده‌اند
و هیچ‌گاه دروازه‌ای «اگر» برای خود مگشای، برای این که «اگر» دری برای
وسوسه‌ی شیطان می‌گشاید و هیچ کاری هم از آن بر نمی‌آید.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَضَى بَيْنَ رَجُلَيْنِ. فَقَالَ الْمَقْضِيُّ عَلَيْهِ لَمَّا أَذْبَرَ حَسْبِي اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِنَّ اللَّهَ يَلُومُ عَلَى الْعَجْزِ وَلَكِنْ عَلَيْكَ بِالْكَيْسِ فَإِذَا غَلَبَكَ أَمْرٌ فَقُلْ حَسْبِي اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ! كَلِمَةُ الْكَيْسِ تُطَلِّقُ عَنِّي مَهَانٍ مِنْهَا الرِّفْقُ - فَعْنَاهُ وَاللَّهُ أَعْلَمُ - عَلَيْكَ بِالْعَمَلِ فِي رَفْقٍ بِحَيْثُ تَطْبِقُ الدَّوَامَ عَلَيْهِ». «رسول الله صلى الله عليه وآله داوری فرمود میان دو مرد. آن کسی که حکم علیه او شده بود، موقعی که می‌رفت می‌گفت: کفایت من است خدا و چه خوب کفایت‌کننده‌ای

است خدا. یعنی از وضع خود راضی نبود. رسول الله ﷺ فرود: خدا سرزنش می‌فرماید بر اظهار ناتوانی کردن. و لیکن بر تو باد به کاربردن رفق و مهربانی در کار و مداومت بر آن تا از کار و کوشش به هر خیری که بخواهی برسی. اگر کار و کوشش کردی و از عهده برنیامدی، جا دارد که بگویی: کفایت است مرا خدا اگر این بار موفق نشدم بار دیگر به یاری خدا موفق می‌شوم، و چه عجب کفایت‌کننده‌ای است خدا». این برای کسی است که از نظامی که خدا مقرر فرمود باخبر باشد و از اسباب و مسببات استفاده کند».

«باب ما یقول إذا استصعب علیه أمر»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که کاری بر او دشوار شد

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: اللَّهُمَّ لَا سَهْلَ إِلَّا مَا جَعَلْتَهُ سَهْلًا وَأَنْتَ تَجْعَلُ الْحَزْنَ إِذَا شِئْتَ سَهْلًا. قُلْتُ الْحَزْنَ: غَلِيظُ الْأَرْضِ وَخَشِينَهَا». «رسول الله ﷺ فرمود: خدایا آسان نیست مگر هر چه تو آن را آسان فرمایی. و تو اگر بخواهی هر دشواری را آسان می‌فرمایی». نووی رحمته فرمود: حزن، یعنی زمین سخت و ناهموار. بنابراین، خدای متعال زمین ناهموار و سخت را نیز صاف و هموار می‌سازد، یعنی کارهای بس دشوار به خواست او آسان می‌گردد.

«باب ما یقول إذا تَعَسَّرَتْ عَلَيْهِ مَعِيشَتُهُ»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که زندگی بر او دشوار شد

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا عَسَرَ عَلَيْهِ أَمْرٌ مَعِيشَتِهِ أَنْ يَقُولَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَمَالِي وَدِينِي اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِقَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا قُدِّرَ لِي حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ». «رسول الله ﷺ فرمود: کدام چیز مانع یکی از شما می‌شود وقتی که امر زندگیش بر او دشوار شد آن که بگوید موقع بیرون رفتن از خانه: به نام

خدا بر خودم و مال و دینم، خدایا مرا خشنود کن به آنچه رایم تقدیر فرموده‌ای و برکت قرار ده در آنچه برایم مقدر فرموده‌ای، تا این که دوست ندارم تعجیل در آنچه برایم به تأخیر انداخته‌ای و تأخیر انداخته‌ای و تأخیر در آنچه برایم به تعجیل انداخته‌ای». یعنی من نام پربرکت را بر خودم و مال و دینم قرار داده‌ام و می‌خواهم طوری از سرنوشتم راضی باشم که نخواهم در آن تأخیر و تقدیمی پیش آید و می‌خواهم که خودت گره‌گشای کارهایم باشی تا گرهی در کارم نیفتد و سختی زندگی برایم پیش نیاید.

«باب ما يقول لدفع الآفات»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید برای دفع آفات و بلاها

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فِي أَهْلٍ وَلَا مَالٍ أَوْ وَلَدٍ فَقَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَيَرَى فِيهِ آفَةً دُونَ الْمَوْتِ». «رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خدای عَلَيْكُمْ هر نعمتی که بر بنده‌ای ارزانی داشت و آن بنده گفت: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. هیچ آفتی در اهل و مال و فرزندانش پیش نمی‌آید». برای این که می‌گوید: آنچه من دارم به خواست خدا به وجود آمد و به قوت و نیروی او نگه داشته شده است، نه من در به وجود آوردنش قدرتی داشته‌ام و نه در نگهداری آنها نیرویی به کار برده‌ام. آنچه به خواست خدا پیش آمده است، خدایش نگهداری می‌کند و هیچ آفتی در آن به وجود نمی‌آید».

«باب ما يقول إذا أصابته نكبة قليلة أو كثيرة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که مصیبتی اندک یا بسیار به

او برسد

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿وَكَبِيرِ الصَّادِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أَوْلَيْكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾﴾ [البقرة: ١٥٥-١٥٧].

خدای متعال فرمود: «و مؤذنه بده شکیبایان را، آن مردمی که هر موقع مصیبی به ایشان رسید، می‌گویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: ما همه مملوک خدا هستیم و ما همه به سوی او بازگشت داریم. این مردم که در مقابل مصیبت صبر و رضا دارند. اینان به راه راست هستند که از پروردگار به ایشان رسیده است و ایشان از این صبر و رضا به رحمت خدا رسیده‌اند و ایشانند که ایشان به راه راست رسیده‌اند».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: لَيْسَتْ رَجْعُ أَحَدِكُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى فِي شَيْءٍ نَعْلَمُ فَانْهَارًا مِنَ الْمَصَائِبِ». رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «باید هریک از شما در هر ناراحتی بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: ما همه مملوک خدا هستیم و بازگشت ما همه به سوی خداست. وقتی که انسان می‌داند که در این دنیا باید روزی رخت سفر ببندد و روانه‌ی آخرت شود باید بداند که هرچیز دیگری هم برای مدت محدودی به وجود می‌آید و وقت آن که به سر آمد باید برود. بنابراین، اگر بند نعلین‌تان پاره شد هم بگویید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: برای این که بریدن بند نعلین هم از مصائب است». و آنچه انسان را ناراحت می‌کند مصیب شمرده می‌شود حتی خاموش شدن چراغ. و این سخن ارشاد نبوی است که اگر بشقابی شکست، خدمتکار را ناسزا نگوید، بلکه بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» در برابر هر نکبتی خواه کوچک، خواه بزرگ، خواه‌اندک، خواه بسیار، این سخن را بر زبان آورد.

«باب ما يقول إذا كان عليه دَيْنٌ عَجَزَ عَنْهُ»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که بدهی دارد و از پرداخت آن ناتوان مانده است

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه أَنَّ مُكَاتَبًا جَاءَهُ فَقَالَ: إِنِّي عَجَزْتُ عَنْ كِتَابَتِي فَأَعِنِّي. قَالَ أَلَا أَعَلَّمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمْنِيهِنَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِثْلُ جَبَلٍ صَيْرَ دَيْنًا أَدَاهُ اللَّهُ عَنْكَ؟ قَالَ: اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ سِوَاكَ». قَالَ: التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ. «از علی رضي الله عنه روایت است که برده‌ی مکاتبی نزد او آمد و گفت: من از ادای وجه کتابتم عاجز مانده‌ام، مرا کمک کن. فرمود: آیا نیاموزم تو را چند کلمه که رسول الله صلى الله عليه وآله آن کلمات را به من آموخت، وقتی که آن کلمات را بگویی اگر مثل کوه دین داشته باشی دینت را اداء نماید؟ بگو: «اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ سِوَاكَ»: خدایا حلالت را مورد کفایتم قرار ده تا به حرام نیازم نیفندم و به فضل خودت مرا بی‌نیاز فرما از هرکس دیگری». یقیناً با این گفتار برده‌ی مکاتب توانست وجه کتابت خود را بپردازد و آزاد شود.

و در باب ما يقال عند الصباح والمساء در این موضوع حدیثی بیان نمودیم در سنن أبوداؤد به روایت ابوسعید خدری در باره‌ی قصه‌ی صحابی که ابوامامه نام داشت.

«باب ما يقوله من بلي بالوحشة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که دچار وحشت‌زدگی شد

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ الْوَلِيدِ رضي الله عنه أَنَّهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَجِدُ وَحْشَةً. قَالَ: إِذَا أَحَدَتْ مَضْجَعَكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمَنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَخْضُرُونَ. فَإِنَّهُ لَا تَضْرُكَ وَلَا يَقْرَبُكَ». «ولید بن

الولید رضی اللہ عنہ گفت: ای رسول خدا، من حالت وحشت زدگی می یابم، رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: موقعی که می آیی بر بستر خواب بگو: پناه می برم به کلمات الله التامات از خشم خدا و عقاب او و از شر بندگان و از وسوسه های شیطان ها و از این که شیطان ها نزد من حاضر شوند و دور و برم را بگیرند. وقتی که این را گفتم نه زبانی به تو می رسانند و نه نزدیک به تو می شوند».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضی اللہ عنہما قَالَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم رَجُلٌ يَشْكُو إِلَيْهِ الْوَحْشَةَ فَقَالَ: أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَقُولَ: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ جَلَلَتْ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ! فَقَالَهَا الرَّجُلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الْوَحْشَةُ».

«مردی به خدمت رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم آمد و شکایت از وحشت زدگی نمود. رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: بسیار بگو: منزه است خدایی که شاه همه است و همه پرورده ی نعمت های او هستند. بسیار پاک و مقدس و پروردگار فرشتگان است. آسمان ها و زمین را پوشیدی به جبروت، از این رو که همه ی کاینات مجبور بر اطاعت فرمان او هستند. آن مرد این کلمات را گفت و وحشت زدگی از او دور شد».

«باب ما يقول من بيل بالوسوسة»

بابی است در بیان آنچه می گوید کسی که مبتلا به وسواس شد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [فصلت: ۳۶]. «و اگر تو را از طرف شیطان وسوسه ای دست داد، پناه ببر به خدای متعال برای این که او شنوای داناست». و بهترین چیزی که در دفع وسوسه گفته می شود همان چیزی است که خدای عز و جل ما را به آن ادب داد و ما را امر فرمود به گفتن آن. خداوند به ما دستور فرمود که در ابتدای قرائت قرآن بگوییم: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»: پناه می برم به خدای متعال از شر شیطان رانده شده.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: يَا أَيُّهَا الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا، مَنْ خَلَقَ كَذَا، حَتَّى يَقُولَ مَنْ خَلَقَ

رَبِّكَ؟ فَإِذَا بَلَغَهُ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَلْيَنْتَهَ». «رسول الله ﷺ فرمود: شیطان می آید نزد یکی از شما، و برای سیاه کردن دلتان می گوید: خدا مخلوقات را آفرید، خدا همه چیز را آفرید، پس چه کسی خدا را آفرید؟ وقتی که به این جا رسید بگوید: پناه آوردم به خدا و دنباله ی این سخن را قطع نماید». برای این که خدا خالق است و غیر او همه مخلوقند و محال است مخلوق خالق را بیافریند.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي زَمِيلٍ قَالَ: قُلْتُ لَابْنِ عَبَّاسٍ فَقُلْتُ مَا شَيْءٌ أَحَدُهُ فِي صَدْرِي قَالَ مَا هُوَ قُلْتُ وَاللَّهِ مَا أَتَكَلَّمُ بِهِ. فَقَالَ لِي أَشَيْءٌ مِنْ شَكِّ قَالَ وَصَحِيحِكَ. قَالَ مَا نَجَا مِنْهُ أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ: ﴿فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكِّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ﴾ [یونس: ۹۴]. الْآيَةَ. فَقَالَ لِي إِذَا وَجَدْتَ فِي نَفْسِكَ شَيْئًا فَقُلْ: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الحديد: ۳]». «أبي زميل می گوید به عبدالله بن عباس گفتم این کدام چیز است که در سینه ام می یابم؟ ابن عباس گفت: آن چیست؟ گفتم: قسم به خدا که آن را به زبان نمی آورم. فرمود: آیا چیزی از شک است؟ خندید و فرمود کسی از آن نجات نیافت تا این که خدا این آیه را نازل فرمود: ﴿فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكِّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ﴾ [یونس: ۹۴]. آنگاه به من گفت: هرگاه چیزی از این قبیل در ذهنت آمد بگو: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الحديد: ۳]. اوست خدایی که پیش از همه اوست، و اوست خدایی که بعد از همه اوست و او به همه چیز دانا است».

«وَرَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا الصَّحِيحِ فِي رِسَالَةِ الْأَسْتَاذِ أَبِي الْقَاسِمِ الْقَشِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَطَاءِ الرُّوْذِبَارِيِّ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ ﷺ قَالَ كَانَ لِي اسْتِقْصَاءٌ فِي أَمْرِ الطَّهَارَةِ وَضَاقَ فِي صَدْرِي لَيْلَةً لِكَثْرَةِ مَا صَبَبْتُ مِنَ الْمَاءِ وَلَمْ يَسْكُنْ قَلْبِي، فَقُلْتُ يَا رَبِّي عَفْوُكَ عَفْوُكَ، فَسَمِعْتُ هَاتِفًا يَقُولُ: الْعَفْوُ فِي الْعِلْمِ فَرَأَلْتُ عَنِّي ذَلِكَ». «استاد ابوالقاسم قشیری در کتاب خود که به نام الرسالة معروف است نقل نمود از آقای بزرگوار احمد بن عطاء -صاحب کتابی که به نام حکیم ابن عطاء الله معروف است- که ابن عطاء الله فرمود: من در امر طهارت و وضو بیش از حد احتیاط داشتم، شبی دلم تنگ شد از این که این همه آب ریخته بودم برای طهارت و وضو و بازهم دلم آرام نگرفته بود، گفتم: خدایا عفو و گذشت تو می خواهی. آوازی شنیدم که می گفت: عفو در علم است و با شنیدن این جمله آن وسواس از دلم رفت». و روی این اصل است که برگزیدگان این امت اهل تربیت، تربیت سالکان و تربیت مریدان را اختیار کرده اند که طالب راه آخرت باید بر

کلمه «لا إله إلا الله» مداومت کند، و گفته‌اند: بهترین علاج برای دفع وسواس رو آوردن به یاد خدا و بسیار گفتن «لا إله إلا الله» است: نیست معبودی به حق مگر الله و نیست کسی که همیشه زنده و پایدار باشد مگر الله و نیست معبودی به حق مگر خدا، الله که سرنوشت همه در دست اوست. و باید همیشه او را یاد کنیم و پناه به او ببریم، و اعتماد بر او کنیم که غیر او در حقیقت امواتند و هیچ در دست‌شان نیست.

«وقال السَّيِّدُ الْجَلِيلُ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي الْخَوَارِيزِيِّ - بكسر راء وبه فتح راء - شَكُوْتُ إِلَى أَبِي سُلَيْمَانَ الدَّرَانِيِّ الْوَسْوَاسِ، فَقَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْقَطِعَ عَنْكَ فَأَيُّ وَقْتٍ أَحْسَسْتَ بِهِ فَاغْرَحَ، فَإِنَّكَ إِذَا فَرِحْتَ انْقَطَعَ عَنْكَ، لِأَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَضُ إِلَى الشَّيْطَانِ مِنْ سُرُورِ الْمُؤْمِنِ، وَإِنْ اغْتَمَمْتَ بِهِ زَادَكَ قَلْتُ: وَهَذَا مِمَّا يُؤَيِّدُ مَا قَالَهُ بَعْضُ الْأَئِمَّةِ؛ أَنَّ الْوَسْوَاسَ إِنَّمَا يَبْتَلِي بِهِ مَنْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ؛ فَإِنَّ اللَّصَّ لَا يَقْصُدُ بَيْتًا خَرَبًا.» «آقای بزرگوار احمد بن ابی الخواری گفت: شکایت از وسواس بردم نزد ابوسلیمان دارانی. ابوسلیمان فرمود: هر وقت احساس وسواس نمودی اظهار خوشبختی کن، زیرا هرگاه خوشحال شوی از تو جدا می‌شود، چون هیچ چیز نزد شیطان نامطلوب‌تر از خوشحالی مؤمن نیست. و اگر غمگین شوی بر تو خواهد افزود. می‌گویم: این سخن در تأیید سخن برخی از ائمه است که گفته‌اند: مبتلا به وسواس نمی‌شود، مگر کسی که ایمانش کامل است، زیرا دزد هیچ‌گاه برای دزدی به خانه‌ی مخروبه نمی‌رود.»

«باب ما یقرأ علی المَعْتُوهِ والمَلْدُوغِ»

بابی است در بیان آنچه خوانده می‌شود بر دیوانه و بر گزیده شده

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رضي الله عنه قَالَ: انْطَلَقَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فِي سَفَرَةٍ سَافَرُوهَا حَتَّى نَزَلُوا عَلَى حَيٍّ مِنْ أَحْيَاءِ الْعَرَبِ فَاسْتَصَفَّوهُمْ فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمْ فَلَدَغَ سَيِّدُ ذَلِكَ الْحَيِّ، فَسَعَوْا لَهُ بِكُلِّ شَيْءٍ لَا يَنْفَعُهُ شَيْءٌ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: لَوْ أَتَيْتُمْ هَؤُلَاءِ الرَّهْطَ الَّذِينَ نَزَلُوا لَعَلَّهُمْ أَنْ يَكُونُوا عِنْدَهُمْ بَعْضُ شَيْءٍ، فَأَتَوْهُمْ فَقَالُوا: يَا أَيُّهَا الرَّهْطُ إِنَّ سَيِّدَنَا لُدِغَ وَسَعَيْنَا لَهُ بِكُلِّ شَيْءٍ لَا يَنْفَعُهُ شَيْءٌ، فَهَلْ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْكُمْ مِنْ شَيْءٍ؟ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنِّي وَاللَّهِ لَأَرْقِي، وَلَكِنْ وَاللَّهِ لَقَدْ اسْتَصَفَّنَاكُمْ فَلَمْ تُضَيِّفُونَا،

فَمَا أَنَا بِرَاقٍ لَكُمْ حَتَّى تَجْعَلُوا لَنَا جُعْلًا فَصَالِحُوهُمْ عَلَى قَطِيعٍ مِنَ الْعَنَمِ، فَاذْطَلَقَ يَنْفِئُ عَلَيْهِ وَيَقْرَأُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَكَأَنَّمَا نُشِطُ مِنْ عِقَالٍ، فَاذْطَلَقَ يَمْشِي وَمَا بِهِ قَلْبَةٌ، فَأَوْفُوهُمْ جُعْلَهُمُ الَّذِي صَالِحُوهُمْ عَلَيْهِ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: اأَفْسُمُوا فَقَالَ الَّذِي رَقِيَ لَا تَفْعَلُوا حَتَّى نَأْتِيَ النَّبِيَّ ﷺ - فَذَكَرَ لَهُ الَّذِي كَانَ، فَنَنْظُرَ مَا يَأْمُرُنَا، فَقَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَذَكَرُوا لَهُ، فَقَالَ ﷺ: وَمَا يُدْرِيكَ أَنَّهَا رُقِيَةٌ؟ ثُمَّ قَالَ قَدْ أَصَبْتُمْ اأَفْسُمُوا وَاضْرِبُوا لِي مَعَكُمْ سَهْمًا. فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذَا اللَّفْظَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَهُوَ أَمُّ الرِّوَايَاتِ. وَفِي رِوَايَةٍ فَجَعَلَ يَقْرَأُ اأَمَّ الْكِتَابِ وَيَجْمَعُ بَزَاقَهُ وَيَتْفُلُ، فَبَرِيَّ الرَّجُلِ. وَفِي رِوَايَةٍ: فَأَمْرٌ لَهُ بِثَلَاثِينَ شَاةً. قُلْتُ قَوْلُهُ وَمَا بِهِ قَلْبَةٌ: بَفَتْحِ الْقَافِ وَاللَّامِ وَالْبَاءِ الْمُوَحَّدَةِ أَيِ وَجَعٍ». «در صحیحین بخاری و مسلم از اَبی سعید خدری ؓ روایت نمودند که ابوسعید خدری ؓ فرمود: چند نفر از یاران پیغمبر ص به سفری رفتند که قبلاً به آن سفر رفته بودند تا این که منزل گرفتند شبی نزد قبیله‌ای از عرب و از آن قبیله خواستند که آنان را مهمانی و شامی بدهند، آن قبیله قبول نکردند که شامی به ایشان بدهند، دیری نگذشت که ماری رئیس آن قبیله را گزید. افراد قبیله کوشش کردند که مارگزیدگی رئیس قبیله را درمان کنند، اما سودی نبخشید. بعضی از آنان گفتند اگر می‌رفتید نزد این مردمی که نزدیک ما منزل گرفته‌اند شاید علاجی نزد آنان باشد، این بود که آمدند نزد این یاران پیغمبر ﷺ و گفتند: ای گروه، آقای ما (رئیس قبیله‌مان) را مار گزیده است و هر کوششی که کرده ایم برای علاجش سودی نبخشیده است، آیا نزد شما چیزی از علاج او هست؟ (آیا می‌توانید او را درمان کنید) یکی از این یاران پیغمبر ﷺ گفت: طلب مهمانی و دادن شامی از شما کردیم، شامی ندادید من رُقِیَه و خواندن بر او برای علاجش می‌دانم. والله من رقیه می‌کنم و لیکن رقیه نمی‌کنم تا اول مزدی به ما بدهید. با آن قرار بستند که گله‌ای از گوسفند یعنی تعدادی در حدود سی گوسفند از آنان بگیرند آن کسی که رقیه می‌دانست شروع کرد به خواندن سوره‌ی فاتحه و کشیدن آب دهنش بر جای گزیدگی. سپس مارگزیده‌گویی از پای‌بند رهایی یافته و شروع کرد به راه‌رفتن بدون این که احساس دردی داشته باشد. به موجب قرار تمام تعداد گوسفند به ایشان دادند. بعضی از ایشان گفتند: گوسفند میان خودمان قسمت کنید. آن کسی که رقیه خوانده بود گفت: صبر کنید تا به خدمت رسول الله ﷺ برویم و بینیم ایشان چه دستور می‌دهند.

به خدمت رسول الله ﷺ رسیدند و جریان واقعه را شرح دادند. رسول الله ﷺ به آن که سوره‌ی فاتحه بر بیمار خوانده بود فرمود: «از کجا دانستی که سوره‌ی فاتحه رقیه است و

علاج است؟ آنگاه فرمود: کار درست کرده اید. گوسفندان را میان خودتان قسمت کنید و برای من هم در آن سهمی قرار بدهید». و آنگاه پیامبر ﷺ خنده نمودند.

امام نووی رحمته فرمود: این لفظ صحیح بخاری است و کامل ترین روایات این حدیث آورده است. و در روایتی در غیر بخاری: کسی که رقیه می خواند: فاتحه می خواند و آب دهنش را جمع می کرد و به محل مارگزیدگی می مالید و آن مرد بهبود یافت. و در روایتی شیخ قبیلہ دستور داد سی گوسفند به ایشان بدهند. و معنی ما به قَلْبَةً: دردی ندارد.»

«وَرَوَيْتَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ أَخِي وَجَعَ فَقَالَ: وَمَا وَجَعُ أَخِيكَ؟! قَالَ: بِهِ لَمَمٌ. قَالَ: فَابْعَثْ بِي إِلَيَّ! فَجَاءَ فَجَلَسَ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَقَرَأَ عَلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ فَاتَحَهُ الْكِتَابَ. وَأَرْبَعُ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَلَمْ. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ... إِلَى مَفْلُحُونَ. وَآيَتَيْنِ مِنْ وَسْطِ الْبَقَرَةِ: آيَةُ ١٦٣ وَ ١٦٤: وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. وَإِنْ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَتَّى فَرَغَ مِنَ الْآيَةِ. وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ، آيَةُ ٢٥٥ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ. وَثَلَاثُ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، آيَةُ ٢٨٤ وَ ٢٨٥ وَ ٢٨٦ الْبَقَرَةِ. وَآيَةُ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَلَمْ. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. وَآيَةُ ١٨ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. وَآيَةُ ٥٤ مِنْ سُورَةِ الْأَعْرَافِ: إِنْ رَبِّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ. وَآيَةُ مِنْ سُورَةِ الْمُؤْمِنُونَ آخِرِ السُّورَةِ: فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ. وَآيَةُ ٤ مِنْ سُورَةِ الْجِنِّ: وَإِنَّ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا. وَعَشْرُ آيَاتٍ مِنْ سُورَةِ الصَّافَّاتِ مِنْ أَوَّلِهَا. وَثَلَاثًا مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمَعُودَتَيْنِ.

قلت قال اهل اللغة الَمَمُ طرف من الجنون يلَم بالانسان ويعتره.»

«و روایت داریم در کتاب ابن سنی از عبدالرحمن ابن ابی لیلی از مردی از پدرش که گفت: مردی خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت: برادرم درد دارد. فرمود: دردش چیست؟ گفت: دیوانگی دارد. فرمود: او را نزد من بفرست. بیمار آمد و جلو پیغمبر نشست. رسول الله ﷺ بر او خواند سوره فاتحه و چهار آیه از اول سوره بقره. و دو آیه از وسط سوره ی

بقره: آیهی ۱۶۳ و ۱۶۴ سورهی بقره: ﴿وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶۳﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۱۶۴﴾ [البقرة: ۱۶۳-۱۶۴].. و آیه ۲۵۵ آیه الكرسي. و سه آیهی آخر سورهی بقره: آیهی ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ البقره. و یک آیهی اول سورهی آل عمران و آیهی ۱۸ سورهی آل عمران: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَابِئًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۸﴾ [آل عمران: ۱۸]. و آیهی ۵۴ سورهی أعراف: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِلَّا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۵۴﴾ [الأعراف: ۵۴].. و آیهی از سورهی مؤمنون، آخر سوره: ﴿فَتَعَلَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۶۶﴾ [المؤمنون: ۱۶۶]. و آیهی ۳ سورهی جن: ﴿وَأَنَّهُ تَعَلَى جُدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿۳﴾ [الجن: ۳].. و ده آیه از اول سورهی صفات. و سه آیهی آخر سورهی حشر. و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾.

امام نووی فرمود که علمای لغت گفته‌اند: لَمَم، نوعی جنون و دیوانگی است.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ خَارِجَةَ بِنِ الصَّلْتِ عَنْ عَمِّهِ (علاقة بن صُحَار) قَالَ أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَأَسْلَمْتُ ثُمَّ رَجَعْتُ فَمَرَرْتُ عَلَى قَوْمٍ عِنْدَهُمْ رَجُلٌ مَجْنُونٌ مُوثِقٌ بِالْحَدِيدِ. فَقَالَ أَهْلُهُ: إِنَّا حَدَّثْنَا أَنَّ صَاحِبَكَ هَذَا قَدْ جَاءَ بِخَيْرٍ، فَهَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ تُدَاوِيهِ؟ فَرَفِئْتُهُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَبَرَأَ، فَأَعْطَوْنِي مِائَةَ شَاةٍ، فَاتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ: هَلْ إِلَّا هَذَا؟. فِي رِوَايَةٍ: هَلْ قُلْتَ غَيْرَ هَذَا؟. قُلْتُ: لَا، قَالَ: خُذْهَا فَلَعَمْرِي لِمَنْ أَكَلَ بِرُفِيَّةٍ بَاطِلٍ لَقَدْ أَكَلَتْ بِرُفِيَّةٍ حَقًّا». «علاقة بن صُحَار گفت: «آدم خدمت پیغمبر ﷺ و مسلمان شدم. پس از آن برگشتم به خانه و دیار خود، در راه برگشتن گذرم افتاد بر مردمی که نزدشان مردی دیوانه بود که به آهن بسته شده بود. خویشان دیوانه گفتند که

به ما خبر داده‌اند که دوستت (یعنی رسول الله ﷺ خیر و خوشی آورده) آیا نزد تو چیزی که مایه‌ای درمان او باشد هست؟ من سوره‌ی فاتحه بر دیوانه خواندم و بهبود یافت. و صد گوسفند به من دادند. من به خدمت پیغمبر ﷺ آمدم و او را از ماجرا باخبر ساختم. فرمود: «آیا غیر از فاتحه، خوانده‌ای بر بیمار؟» گفتم: نه. فرمود: «بگیر آنچه به تو داده‌اند از صد گوسفند که اگر کسی به رقیه و خواندن باطل مزد گرفته، تو بر رقیه و حق مزد گرفته‌ای».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ بَلْفِظِ آخِرٍ، وَهِيَ رِوَايَةُ آخِرِي لِأَبِي دَاوُدَ، قَالَ فِيهَا عَنِ خَارِجَةَ عَنِ عَمِّهِ قَالَ أَقْبَلْنَا مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَتَيْنَا عَلَى حَيٍّ مِنَ الْعَرَبِ فَقَالُوا: عِنْدَكُمْ دَوَاءٌ، فَإِنَّ عِنْدَنَا مَعْتُوهَا فِي الْقَيْدِ، قَالَ فَجَاءُوا بِمَعْتُوهُ فِي الْقَيْدِ، فَفَرَأْتُ عَلَيْهِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً أَجْمَعُ بُزَاقِي ثُمَّ أَتْفُلُ، فَكَأَنَّمَا نَشِطُ مِنْ عِقَالٍ، فَأَعْطَوْنِي جُعْلًا، فَقُلْتُ: لَا، فَقَالُوا: سَلِ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ: كُلِّ فَلَعَمْرِي مَنْ أَكَلَ بِرُقِيَّةٍ بَاطِلٍ لَقَدْ أَكَلَتْ بِرُقِيَّةً حَقًّا! قلت: هذا العم اسمه علاقة بن صُحَارٍ وَقِيلَ اسْمُهُ عَبْدُ اللَّهِ». «در روایت دیگر ابوداود خارجه از عمویش روایت نمود که گفت: «ما از نزد پیغمبر ﷺ برمی‌گشتیم عبورمان افتاد بر قبیله‌ای از عرب. به ما گفتند: نزد شما دوایی هست. ما دیوانه‌ای داریم که در قید است. دیوانه را آوردند. من سه روز بامداد و شام سوره‌ی فاتحه بر او می‌خواندم. آب دهنم جمع می‌کردم و بر او می‌انداختم. چنان بهبود یافت که گویی از پای‌بند رهایی یافته است. مزدی به من دادند. گفتم: نمی‌گیرم. گفتند: از پیغمبر ﷺ بپرس. از پیغمبر ﷺ پرسیدم، مزدی که در برابر خواندنم بر دیوانه به من دادند، بگیرم؟ فرمود: «بخور، یعنی بگیر از آنها و گوشتش بخور که اگر مردمی مزد رقیه‌ی باطل گرفته‌اند، تو گوشت مزدی خورده‌ای که به رقیه‌ای حق به دست آورده‌ای».

رقیه: دعایی که بر بیمار می‌خوانند. نووی رحمته فرمود: عموی خارجه نامش علاقة بن صحار است.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه أَنَّهُ قَرَأَ فِي أُذُنِ مِثْلِي فَأَفَاقَ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا قَرَأْتَ فِي أُذُنِهِ؟ قَالَ قَرَأْتُ: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾ [المؤمنون: ۱۱۵]. حتى فرغ من آخر السورة (يعني آيات ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ سورة المؤمنون) فقال: رسول الله ﷺ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا مُوقِنًا قَرَأَهَا عَلَى جَبَلٍ لَزَالَ». «ابن مسعود رضي الله عنه در گوش مبتلا به جنون خواند و به هوش آمد. رسول الله

ﷺ به او فرمود: «چه خواندی در گوش او؟» گفت: این چند آیه از آخر سوره‌ی مؤمنون: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۵]. تا آخر خواندم در گوش او. رسول الله ﷺ فرمود: اگر مرد مؤمنی که یقین به عظمت قرآن دارد این آیات را بر کوه می‌خواند کوه از جای خود کنده می‌شد.»

«باب ما يعوذ به الصبيان وغيرهم»

بابی است در بیان تعویذی که بر کودکان و غیر از آنان خوانده

می‌شود

«رَوَيْنَا فِي صَاحِبِ الْبَخَارِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَعُوذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ: أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ. قلت: قال العلماء: الهامة بتشديد الميم وهي كل ذات سم كالحية وغيرها والجمع الهوام. وقد يقع الهوام علي ما يدب من الحيوان وان لم يقتل كالحشرات ومنه حديث كعب بن عجرة رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَيُؤْذِيكَ هَوَامُ رَأْسِكَ؟! أي القمل. وأما العين اللامة بتشديد الميم: وهي التي تصيب ما نظرت إليه بسوء». «عبدالله بن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فرمود که رسول الله ﷺ تعویذ امام حسن و امام حسنی علیهما اسلام می‌فرمود به این کلمات: «أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ»: شما دوتا را پناه می‌دهم به کلمات الله التامة از شر هر شیطانی و از شر هر خزنده‌ی زهرآگینی مثل مار، کژدم و از هر چشم بدی». چشم شور که به بدنظریش به هر چیزی که چشم زد او را دچار مصیبت می‌کند. نووی فرمود: هامة: هر حیوان زهرداری مثل مار، کژدم.

و جمع هامة: هوام است و گاه است که هوام به حشره‌های غیر زهری اطلاق می‌شود مثل شپش، چنان‌که کعب بن عجره که او را به خدمت رسول الله ﷺ آوردند در حالی که شپش بر رویش می‌ریخت. رسول الله ﷺ به او فرمود: «آیا این هوام سرت تو را می‌آزارد؟» و آنگاه اجازه داد تا سر او را بتراشند و فدیهِ بدهند. و عین لامة:

هر چشم بدی است که به هر چیز نظر بد افکند او را دچار مصیبت می کند چنانکه گفته اند: دچار آتش بشود و دچار چشم بد نشود. و چشم بد را چشم سیاه و چشم شور نیز می نامند. و در حدیث است: «إِنَّ الْعَيْنَ لَتَدْخُلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَالْجَمَلَ الْقَدْرَ» «چشم بد شخص چشم زده را به قبر می رساند و شتر چشم زده را به دیگ می رساند».

و این است آخر شرح قسمت اول کتاب بی نظیر «الأذکار» تألیف امام نووی رحمته. در شهر دبی امارات عربیه المتحده، ساعت ۱۱:۵۰ بعد از ظهر روز شنبه چهاردهم شوال ۱۴۲۵ هجری «مَنْ اللهُ عَلَيْنَا بِقَبُولِهِ وَنَشْرِهِ».

«وَفِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ». «دو کلمه بر زبان سبکند و در ترازوی حسنات سنگینند و نزد خدا محبوبند: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ».

وصلی الله وسلم وبارک علی عبده ورسوله سیدنا محمد وآله وصحبه والصالحین. و آخر

دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

پایان قسمت اول